

فصلنامه تاریخ نگری و تاریخ نگاری (علوم انسانی سابق) از انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) درجه این مجله به موجب نامه شماره ۲/۵۰۲۲ مورخ ۱۳۶۹/۲/۲۶ وزارت فرهنگ و آموزش عالی « علمی پژوهشی » است. به استناد نامه شماره ۱/۲۲۱۴۰ پ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۳۰ این مجله در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده و دارای ضریب تأثیر (IF) می باشد.

درجه این مجله به موجب نامه شماره ۱۷۴۴۰۸/۱۸/۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری علمی - پژوهشی می باشد.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)  
مدیر مسئول: دکتر سیمین فصیحی  
سر دبیر: دکتر علیمحمد ولوی  
ویراستار فارسی: نادر خبازی  
ویراستار انگلیسی: دل آرا مردوخی  
دبیر اجرایی: مهتاب جعفری

#### اعضای هیئت تحریریه

دکتر یعقوب آژند، استاد، عضو هیأت علمی گروه هنر دانشگاه تهران  
دکتر احسان اشراقی، استاد، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران  
دکتر علی بیگدلی، استاد، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران  
دکتر محمد تقی راشد محصل، استاد، عضو هیأت علمی گروه زبان های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دکتر مهدی فرهانی منفرد، دانشیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر سیمین فصیحی، استادیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)  
دکتر علیمحمد ولوی، استاد، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)

صفحه آرای، چاپ و صحافی: انتشارات فرگاهی / ۲۶۱۱۵۵۷۴-۰۲۱  
ترتیب انتشار: دو فصلنامه

برای دسترسی به عناوین و مقالات به نشانی سایت مجله مراجعه فرمایید.  
سایت مجله: [hph.alzahra.ac.ir](http://hph.alzahra.ac.ir)  
پست الکترونیک: [hph@alzahra.ac.ir](mailto:hph@alzahra.ac.ir)



کلیه حقوق برای دانشگاه الزهرا (س) محفوظ است.  
آدرس: تهران، ونک، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده ادبیات، طبقه سوم، اتاق نشریات علمی پژوهشی  
کد پستی ۸۵۶۹۲۲۴۱ / تلفن: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

## نحوه پذیرش مقاله

- هر مقاله‌ای که از ارزش علمی برخوردار باشد، برای بررسی و احتمالاً چاپ در مجله پذیرفته خواهد شد.
- هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز حکم و اصلاح مقالات آزاد است.
- تقدم و تأخر چاپ مقالات براساس تأیید مقاله توسط داوران و هیئت تحریریه است.
- در انتخاب مقالات اولویت به ترتیب با مقالات پژوهشی، تألیفی و ترجمه‌ای است.
- مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله برعهده‌ی نویسنده است.
- ارسال تعهدنامه‌ی کتبی همراه مقاله مبنی بر اینکه مقاله‌ی مذکور تا اعلام نتیجه (حداکثر شش ماه از زمان تحویل به مجله) به نشریه‌ی دیگری فرستاده نخواهد شد.

## ضوابط مربوط به مقالات

- از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود ضوابط زیر را در تنظیم مقاله رعایت کنند:
- ۱. مقاله از طریق سامانه‌ی الکترونیک مجله ([hph.alzahra.ac.ir](http://hph.alzahra.ac.ir)) ارسال شود.
- ۲- مقاله باید مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
  - چکیده‌ی فارسی و انگلیسی (چکیده بیش از ۲۰۰ کلمه نباشد)
  - واژگان و مفاهیم اصلی و کلیدی تحقیق (حداکثر ۵ واژه)
  - مقدمه شامل: طرح مسئله‌ی پژوهش و پیشینه‌ی آن، شیوه‌ی تحقیق و بیان هدف
  - بحث و بررسی فرضیه / فرضیه‌های تحقیق و ارائه‌ی تحلیل‌های مناسب با موضوع
  - نتیجه‌گیری
  - فهرست منابع و مأخذ
- ۳. فهرست منابع به تفکیک زبان منابع (در دو بخش فارسی/عربی و لاتین) به ترتیب حروف الفبای نام نویسندگان تنظیم شود:  
کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام. (سال انتشار). **عنوان اثر**. مصحح (مترجم و...). شماره جلد. نوبت چاپ. محل انتشار: ناشر.  
مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». **نام نشریه**. سال. شماره. شماره صفحات.
- ۴. ارجاعات در داخل متن با ذکر نام نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد و صفحه ذکر شود: (حسینی، ۱۳۸۵: ۱/۱۲۵).
- ۵- مقاله حداکثر در ۲۰ صفحه در محیط word باشد.
- ۶- معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم خاص و توضیحات اضافی در پاورقی نوشته شود.
- ۷- مشخصات نویسنده یا نویسندگان (نام و نام خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، شماره تلفن نویسنده و دانشگاه یا مؤسسه‌ی مربوط و نشانی پست الکترونیک) نوشته شود.
- ۸- چاپ مقالات به زبان‌های خارجی (انگلیسی، عربی، فرانسه و...) منوط به شرایط زیر است:
  - مقاله در مجله‌ی تخصصی مربوط به زبان‌های خارجی چاپ شود.
  - نویسنده غیرفارسی‌زبان باشد.
  - درمورد نویسندگان فارسی‌زبان، ضرورت ویژه‌ی چاپ مقاله به زبانی غیر از زبان فارسی را توجه کند. (تشخیص این امر به‌عهده‌ی هیئت تحریریه است).

## فهرست مطالب

- ۵-۳۲ آسیب‌شناسی عنوان‌گزینی در پژوهش‌های دانشگاهی  
مطالعه موردی: پایان‌نامه‌های رشته تاریخ  
محمدتقی ایمان‌پور، محمدرضا ناظری
- ۳۳-۵۴ رویکردی اجتماعی ضیاءالدین برنی در تاریخ‌نگاری رسمی  
شهلا بختیاری
- ۵۵-۶۸ اهمیت عهدنامه‌ها و سوگندنامه‌های فارسی قرن پنجم و ششم  
هجری قمری در تبیین روابط حکومت مرکزی و حکام تابع  
علی رضاییان، قاسم سالاری
- ۶۹-۸۹ شایسته‌سالاری یا امتیاز فضلی در رسائل سیاسی عصر قاجار  
(مطالعه موردی: رسائل سیاسی عصر ناصرالدین شاه قاجار)  
محمد سلماسی‌زاده
- ۹۱-۱۱۶ درآمدی بر چالش‌ها و راهکارهای بهره‌گیری از یافته‌های  
روان‌شناختی در تحلیل تاریخی  
دکتر روح‌الله شهابی، دکتر محمد امیر احمدزاده
- ۱۱۷-۱۴۴ اعتبارسنجی تاریخی دو سریال در چشم باد و عمارت فرنگی  
(مطالعه موردی: دوره رضاشاه)  
سیمین فصیحی، سارا پاک‌نژاد
- ۱۴۵-۱۷۸ طرح جلد کتابهای درسی تاریخ معاصر دبیرستان از ۱۳۵۸-۱۳۹۴  
دکتر علی‌رضا ملائی توانی، جواد نوروزی

چکیده مقالات به انگلیسی



دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## آسیب‌شناسی عنوان‌گزینی در پژوهش‌های دانشگاهی مطالعه موردی: پایان‌نامه‌های رشته تاریخ

محمدتقی ایمان‌پور<sup>۱</sup>  
محمدرضا ناظری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۱

### چکیده

«عنوان» یکی از مهم‌ترین عناصر یک پژوهش و دروازه ورود به اثر است. عنوان برجسی است که نویسنده و پژوهشگر به اثر و اندیشه خویش می‌زند. در گونه‌شناسی پژوهش‌های علمی، رساله‌ها یا پایان‌نامه‌های تحصیلی با ویژگی‌هایی چون مسئله‌محوری، روشمندی، هدفمندی، دقت و نظارت اساتید یکی از مهم‌ترین انواع پژوهش‌ها محسوب می‌شود و انتخاب عنوان مناسب در آنها اهمیتی دوچندان دارد. این پژوهش بر آن است تا ضمن طرح و تبیین معیارهای «عنوان‌گزینی»، به میزان انطباق عناوین پایان‌نامه‌های رشته تاریخ با این معیارها و آسیب‌شناسی آنها

---

<sup>۱</sup>دانشیار گروه تاریخ ایران باستان دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ [timanpour@um.ac.ir](mailto:timanpour@um.ac.ir)  
<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد؛ [mm1355@gmail.com](mailto:mm1355@gmail.com)

پیردازد. شیوه پژوهش پیمایشی تحلیلی و جامعه پژوهش شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ در گرایش‌های مختلف است. براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ، طولانی‌بودن، کاربرد کلمات بی‌نقش، عدم انطباق با زبان معیار و کاربرد موضوع به جای عنوان است.

### واژگان کلیدی: عنوان‌گزینی، آسیب‌شناسی، پایان‌نامه، رشته تاریخ

#### مقدمه

عناصر فرامتنی<sup>۱</sup> پژوهش همچون مقدمه، پیشگفتار، معرفی و عنوان، در شکل‌گیری بار معنایی اثر، نقشی اساسی دارند. در میان این عناصر، عنوان،<sup>۲</sup> اولین و مهم‌ترین عنصری است که خوانندگان از جنبه‌های ارجاعی و دلالتی آن بهره‌مند می‌شوند. عنوان دروازه ورود به اثر است و عنصر ممیزه‌ای به حساب می‌آید که نویسنده را از به‌کاربردن عبارت‌های توصیفی بی‌نیاز ساخته و اطلاعات اولیه را در مورد محتوای اثر به مخاطب ارائه می‌دهد. انتخاب عنوان برای پژوهش ضرورتی ذهنی و عینی دارد. اگر عنوان پژوهشی از ابتدا درست انتخاب شود، علاوه بر اینکه همواره پژوهشگر را به داشتن تعهد نسبت به موضوع و مسیر پژوهش رهنمون می‌سازد، به خواننده پژوهش نیز کمک خواهد کرد درباره انتخاب متن و ادامه جستجو در آن برای یافتن پاسخ به سؤالات خویش تصمیم بگیرد. بنابراین، عنوان از یک سو حکم سردر ورودی متن را دارد و عامل انتخاب آن از سوی خواننده و ورود او به جهان متن است (کاموس، ۱۳۸۲: ۹) و از سوی دیگر نقش راهنما برای آگاهی از موضوع و مسئله پژوهش را دارد.

این پژوهش بر آن است تا ضمن طرح و تبیین معیارهای عنوان‌گزینی، به آسیب‌شناسی عناوین پایان‌نامه‌های رشته تاریخ و میزان انطباق آنها با این معیارها بپردازد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: مهم‌ترین آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های

---

1. paratext  
2. title

رشته تاریخ کدامند؟ در جستجوی پاسخ این سؤال، فرض بر این است که مهم‌ترین آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ، طولانی‌بودن، ابهام، عدم جذابیت، کلیشه‌ای‌بودن، پیش‌داوری، عدم انطباق با زبان معیار، بزرگ‌نمایی، کاربرد کلمات بی‌نقش (حشو) و کاربرد موضوع به جای عنوان می‌باشد.

با وجود اهمیت عنوان در فهم معنای اثر و تصمیم مخاطب، پژوهش‌های جامعی درباره عنوان‌گزینی در پژوهش‌های علمی از جمله در تدوین پایان‌نامه‌های دانشگاهی صورت نگرفته است و تنها اشاراتی پراکنده در متون روش پژوهش آمده است که به تنهایی جوابگوی نیاز محققان و به‌ویژه دانشجویان رشته تاریخ برای انتخاب عنوان مناسب برای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی نمی‌باشد. «ژرژ ژنت» پژوهشگر فرانسوی، یکی از نخستین افرادی است که در مطالعات خود در زمینه ابعاد مختلف روایت‌شناسی به طبقه‌بندی انواع عنوان پرداخته است. او با بهره‌گیری از علم زبان‌شناسی، عناوین را به دو گروه درون‌مایه و برون‌مایه‌ای تقسیم می‌کند. به‌زعم او عناوین درون‌مایه‌ای عناوینی هستند که اطلاعاتی درباره محتوای اثر ارائه می‌دهند، درحالی‌که عناوین برون‌مایه‌ای ساختار و قالب اثر را مشخص می‌سازند (جلالی‌پور، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۲). اما در ایران یکی از نخستین افرادی که به تفصیل به عنوان‌گزینی پرداخته، محمد اسفندیاری است که در چهار شماره مجله آینه پژوهش سلسله‌مقالاتی با عنوان «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن» نگاشت. او در این مقالات ضمن تبیین اهمیت عنوان‌گزینی به ویژگی‌های عنوان مناسب به‌صورت عام پرداخته است. همچنین در این زمینه مقاله‌ای از محمدعلی حمیدریعی منتشر شده که بدون پرداختن به مباحث نظری، تنها به بررسی کوتاهی از عناوین مقالات مجله نشر دانش پرداخته است (حمیدریعی، ۱۳۶۷). از دیگر آثار می‌توان به کتاب «روش‌شناسی نقد ادبیات کودک» اشاره نمود که در فصلی از اثر تحت عنوان «نام‌شناسی» به اهمیت عنوان و راهکارهای عنوان‌گزینی مناسب پرداخته است (محمدی، ۱۳۷۸). علاوه بر این، صادق عسکری ضمن بررسی مقالات علمی - پژوهشی رشته ادبیات عرب، به نقد عناوین و موضوعات این مقالات پرداخته است. این مقاله، مختصر، جذاب و واضح‌بودن را از ویژگی‌های اصلی عنوان خوب می‌داند و در مقابل، طولانی و مبهم‌بودن عنوان را از

مهم‌ترین آسیب‌های عناوین در مقالات علمی - پژوهشی این رشته معرفی می‌کند (عسکری، ۱۳۸۹: ۹۷ و ۱۱۶). تنها پژوهشی که در جستجوی ما به عناوین پایان‌نامه‌های یک رشته پرداخته، مقالهٔ مجتبی مقصودی است که به بررسی توصیفی عناوین پایان‌نامه‌های رشتهٔ علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پرداخته است. در این اثر، ابهام، کلی‌بودن، دایرة‌المعارفی بودن، ژورنالیستی بودن، ارزش‌داوری و کرنولوژیک بودن از مهم‌ترین آسیب‌های عناوین پایان‌نامه‌های این رشته ذکر شده است (مقصودی، ۱۳۸۵).

بدون شک یکی از منابع اصلی تحقیق در زمینهٔ عنوان‌گزینی، کتب روش پژوهش است. این در حالی است که تعداد اندکی از این آثار توجه کافی به موضوع عنوان‌گزینی داشته‌اند<sup>۱</sup> و بسیاری حتی اشاره‌ای به عنوان و عنوان‌گزینی ندارند<sup>۲</sup> و برخی نیز تنها اشاره‌ای کوتاه دارند که در حد توصیه بوده و فاقد راهکارهای عملی عنوان‌گزینی می‌باشند.<sup>۳</sup> تعدادی از این کتب نیز به اشتباه عنوان را با موضوع<sup>۴</sup> یکی دانسته و ذیل تیتراژ عنوان‌یابی، به چگونگی انتخاب موضوع پرداخته‌اند.<sup>۵</sup>

به نظر می‌رسد تاکنون در موضوع عنوان‌گزینی برای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های رشته تاریخ پژوهشی انجام نشده است، لذا با توجه به گسترش تحصیلات تکمیلی در کشور و وجود برخی نارسایی‌ها در گزینش عناوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تاریخی به نظر می‌رسد

۱. برای نمونه ن. ک. به: افسانه شیرانی، عنوان، در مجموعه: غلامرضا حبیبی و دیگران، **مبانی نگارش علمی**، تهران، مرز فکر، ۱۳۸۶، صص ۳۳-۲۶ و جواد هروی، **روش پژوهش و پژوهش علمی در تاریخ**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، صص ۶۷-۹۵

۲. برای نمونه ن. ک. به: پرویز فرخزاد، **راهنمای پژوهش‌های تاریخی (کتابخانه‌ای)**، تهران، طهوری، ۱۳۸۴؛ بهرام طوسی، **راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی**، مشهد، تابان، ۱۳۸۲؛ علی دل‌اور، **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران، رشد، ۱۳۸۲ و جهان‌بخش ثواب، **روش پژوهش با تأکید بر تاریخ**، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۵.

۳. برای نمونه ن. ک. به: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، **راهنمای نگارش و ویرایش**، مشهد، به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۳۸۴؛ محمد هادی محمدی، **روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان**، تهران، سروش، ۱۳۷۸ و غلامرضا خاکی، **روش پژوهش با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی**، تهران، بازتاب، ۱۳۸۷.

4. topic

۵. برای نمونه ن. ک. به: حمید میرزایی، **روش پژوهش**، مشهد، شایسته‌گستر، ۱۳۸۷، صص ۳۴-۳۲ و مرتضی نورانی، **راهنمای نگارش در تاریخ**، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷، صص ۸۷-۸۱



انجام چنین پژوهشی یک ضرورت باشد. این پژوهش از نوع پیمایشی - تحلیلی و جامعه پژوهش شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ در گرایش‌های مختلف است که در سایت اسناد و مدارک علمی ایران<sup>۱</sup> فهرست‌بندی شده است. حجم نمونه براساس جدول نمونه‌گیری مورگان مشخص شده و نمونه‌گیری به روش تصادفی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، چک لیست پژوهشگر ساخته است. در هر پایان‌نامه، عنوان، مقطع، گرایش، سال دفاع و مؤسسه آموزشی استخراج شده و براساس چک‌لیست پژوهشگر ساخته به انطباق عناوین با معیارهای عنوان‌گزینی و آسیب‌شناسی آنها پرداخته شده است. با این توضیح که نقدهای انجام شده بر عنوان یک پایان‌نامه به معنای نفی محتوا و ارزش علمی آن نیست.

### اهمیت عنوان و عنوان‌گزینی

در نخستین نگاه شاید بحث «عنوان» جدی به نظر نیاید یا موضوعی کم‌اهمیت جلوه کند. احتمالاً به همین دلیل نه تنها در رشته تاریخ بلکه در دیگر رشته‌ها نیز چندان بدان پرداخته نشده است. «عنوان» فشرده‌ای منضبط از مطالب متن است که تفصیل آن در فهرست مندرجات و سپس در متن اصلی متجلی می‌شود (عباس حرّی، ۱۳۸۸: ۱۴). در تعریفی دیگر، عنوان مجموعه‌ای از علایم زبان‌شناسی است که برای نشان‌دادن محتوای کلی متن و جلب کردن مخاطب، در رأس یک متن ظاهر می‌شود (استالونی، ۲۰۰۶: ۲۷۰ به نقل از: محمدنژاد عالی زمینی، ۱۳۹۱: ۹۳). عنوان در شهرت و جلب نظر و استقبال خوانندگان تأثیر انکارناپذیری دارد. معرفی، نقد و نقل اثر همه ذیل عنوان آن صورت می‌گیرد (استاپلتون، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۰). در گذشته گمان می‌شد هر نوشته‌ای باید عنوانی داشته باشد تا از سایر نوشته‌ها متمایز شود، اما امروزه عناوین تنها کلماتی برای متمایزسازی نیستند بلکه نشانه‌های معناداری هستند که در انتخاب آثار و کامل شدن مفهوم آنها نقش اساسی دارند. از این رو عنوان جزء جدانشدنی هر پژوهش است و با حذف آن معنا و مفهوم پژوهش ناقص می‌شود.

عنصر آغازین هر پژوهش، «عنوان» است. در واقع نخستین برخورد پژوهشگر و مخاطب در «عنوان» اتفاق می‌افتد و این برخورد در واکنش بعدی مخاطب بسیار مؤثر است. اگر عنوان مناسب باشد نخستین تحسین مخاطب را در پی خواهد داشت. پژوهشگر و نویسنده ناموفق کسی است که با انتخاب عنوان نامناسب، نخستین برخورد مخاطب با خویش و اثرش را به واپسین برخورد تبدیل کند. چه بسا که موضوع اثری مورد علاقه مخاطب یا مرتبط با حوزه پژوهشی پژوهشگری باشد، اما به دلیل عنوان‌گزینی نامناسب مورد توجه قرار نگردد (شیرانی، ۱۳۸۶: ۲۶). از سوی دیگر عنوان‌گزینی تعیین دقیق چارچوب علمی یک موضوع پژوهشی است که در صورت به کارنگرفتن شیوه مناسب، می‌تواند موجب نارسایی اثر و حتی بی‌توجهی به یک پژوهش پرزحمت علمی شود (هروی، ۱۳۸۶: ۹۵).

امروزه با توجه به حجم انبوه آثار، «عنوان» به یکی از معیارهای مهم داوری و سنجش تحقیقات تبدیل شده است. تعداد قابل توجهی از افراد براساس عنوان اثر اقدام به داوری درباره آن می‌کنند. یعنی آثار دارای عناوین سست و نامناسب را نشانه سست و ضعیف بودن محتوای آن می‌دانند. هرچند این معیار مخدوش است، اما معمول است (اسفندیاری، مرداد و شهریور ۱۳۶۹: ۱۱۴). در این نگاه استدلال می‌شود نویسنده‌ای که ابتکار ندارد عنوانی جدید و مناسب برای اثر خویش انتخاب کند، احتمالاً در گنجاندن مطالب تازه در متن نیز ابتکار لازم را نخواهد داشت (مهرین، ۱۳۶۶: ۱۱).

از آنجا که عنوان برجسبی است که پژوهشگر به اثر و اندیشه خویش می‌زند، می‌تواند گویای نگرش‌های پژوهشگر در روند پژوهش نیز باشد (هروی، ۱۳۸۶: ۹۷). به دیگر سخن، عنوانی که پژوهشگر و نویسنده برای اثر خویش برمی‌گزیند، نشانگر نوع نگاه و سبک کار وی است. «عنوان» می‌تواند به همان اندازه متن، از شخصیت علمی پژوهشگر و روش و بینش او حکایت کند. عنوان‌های تزئینی و خودنمایانه، عنوان‌هایی که عمیقاً از مفاهیم اثر استخراج شده‌اند، عنوان‌هایی که برای جلب و جذب مخاطب برگزیده شده‌اند و حتی عنوان‌هایی که تنها برگرفته از جمله‌ای از متن هستند، همه می‌توانند خواننده را به مضمون و محتوای اثر و شناخت روش و بینش نویسنده هدایت نمایند (توانگر، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۸).

در عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات نام گرفته است، اطلاعات از طریق فناوری‌های روبه‌توسعه‌ای همچون اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی متعدد در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان هر رشته و موضوع قرار می‌گیرد. با توجه به حجم عظیم اطلاعات در این شبکه‌ها، استفاده از آنها به یک تکنیک تبدیل شده است؛ چرا که استخراج اطلاعات قابل اعتماد، کاری دقیق و نیازمند مهارت است. انتخاب عناوین و کلیدواژه‌های دقیق از سوی نویسندگان و پژوهشگران می‌تواند نقش زیادی در کمک به جستجوگرها داشته باشد (ابوت، ۱۹۹۳: ۹۲). علاوه بر این، توصیف‌گرهای مراکز و سازمان‌های اسناد و نگهداری مدارک علمی، اغلب براساس عنوان تعیین می‌شوند و بنابراین تک‌تک واژه‌های «عنوان» اهمیت می‌یابند (بنی‌اقبال، خسروی و پیرهادی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۳۵؛ مریم انصاری، ۱۳۸۰). پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد افراد ترجیح می‌دهند تا از طریق کلیدواژه‌های «عنوان» به جستجوی منابع مورد نظر خود پردازند (بزرگی، ۱۳۷۸: ۳۰). اگر عنوان یک اثر بیانگر محتوای آن باشد، آنگاه نمایه‌ای که براساس آن تهیه شده است می‌تواند جستجوگر را به مدارک مرتبط‌تر هدایت نماید (جنیفر راولی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). از نگاه علم کتاب‌شناسی نیز انتخاب عنوان مناسب می‌تواند در فهرست‌نویسی، ذخیره‌سازی، و آگاهی از محتوای اثر کمک کند. «عنوان» اشتباه در واقع اطلاعات غلطی است که به کتاب‌شناسی راه می‌یابد و موجب اختلال در بازیابی اطلاعات می‌شود (بزرگی، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۵؛ اسفندیاری، آذر و دی ۱۳۶۹: ۳۴۲). اگر عنوان اثری مبین محتوای آن باشد، فهرست‌نویسی و رده‌بندی تسهیل شده و ضمن کاستن از زحمت کتابداران، منجر به افزایش کارایی آنها می‌شود.

سنن فرهنگی و علمی نیز در بازشناسی متون از طریق مؤلف یا عنوان، عاملی مؤثر است. اگر در غرب آثار و متون بیشتر از طریق مؤلف شناخته می‌شوند، در شرق اغلب آثار، با عناوین شناخته شده‌اند. شاید بافت و ترکیب زبان یکی از علل این سنت علمی و فرهنگی باشد. چنان که در زبان فارسی برخلاف غرب ابتدا عنوان سپس نام مؤلف و پژوهشگر می‌آید؛ مانند گلستان سعدی، رباعیات خیام، قانون ابن سینا و... (ابرامی، ۱۳۵۶: ۱۲۲). کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی در تاریخ اسلام و سنت شرق برخلاف مغرب زمین برپایه

عنوان بوده است، یعنی نام اثر مقدم بر نام مؤلف بوده است. هرچند امروزه به تبعیت از استاندارد بین‌المللی کتاب‌نویسی<sup>۱</sup> نام پدیدآورنده را سرشناسه قلمداد کرده‌اند، هستند پژوهشگرانی که هنوز به سرشناسه بودن عنوان معتقدند. به دلیل همین اهمیت عنوان در حوزه فرهنگ اسلامی است که بسیاری از نویسندگان با عنوان اثر خویش شناخته می‌شوند، مانند صاحب جواهر، صاحب ریحانة‌الادب، صاحب حدائق و... (اسفندیاری، مهر و آبان ۱۳۶۹: ۲۲۶-۲۲۴).

### معیارهای عنوان‌گزینی

درحالی که دیگر ارکان متن همچون کلمه، جمله، پاراگراف و بخش‌ها، از ارکان درونی و پنهان متن به شمار می‌روند، عنوان رکن بیرونی و آشکار آن است. بنابراین خطای پژوهشگری که عنوان نامناسب بر اثر خویش می‌نهد، «خطایی مضاعف» قلمداد می‌شود (اسفندیاری، مرداد و شهریور ۱۳۶۹: ۱۱۳). از این رو باید در عنوان‌گزینی اثر سخت‌گیری نمود. در اینجا سخت‌گیری و تعصب، ستودنی و نشان پختگی پژوهشگر است. به نظر می‌رسد تاکنون قواعدی کاربردی، اثربخش و قابل‌کاربستی برای عنوان‌گزینی در منابع موجود تدوین نشده است. اغلب منابع این موضوع را نادیده گرفته‌اند یا با اشاره‌ای کوتاه و برخی توصیه‌های کلی از آن گذشته‌اند؛ لذا لازم است برای تحقق هدف این پژوهش ابتدا با جمع‌آوری مطالب و اشارات پراکنده به مهم‌ترین معیارهای عنوان‌گزینی دست یافته و سپس با توجه به این معیارها به آسیب‌شناسی عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ پرداخته شود.

عنوان و موضوع یک اثر با یکدیگر مرتبط هستند. چنان‌که برای انتخاب یک عنوان خوب باید به موضوع پژوهش رجوع کرد. عنوان باید شناختی دقیق و روشن از قلمرو و موضوع پژوهش عرضه کند. در پژوهش نباید از عناوینی استفاده کرد که ارتباط آن با موضوع نیاز به توضیح داشته باشد. در واقع عنوان باید یک خویشاوندی نزدیک با موضوع داشته باشد و این خویشاوندی میان عنوان و موضوع در آثار پژوهشی اهمیت بیشتری دارد.

1. ISBD

عنوان باید مبتنی بر درونمایه و واقعیت متن پژوهش نوشته شود تا خواننده با دیدن آن بتواند چارچوب محتوایی متن را دریابد و به دور از هرگونه ابهام در مورد مطالعه یا عدم مطالعه آن تصمیم بگیرد.

از آنجا که عنوان در حکم تعریف اثر است، نباید نسبت به موضوع اثر اعم، اخص یا مباین باشد. به بیان دیگر معرف (عنوان) باید با معرف (موضوع) حالت تساوی داشته باشد. مباینیت عنوان و موضوع به هیچ روی پذیرفتنی نیست. این مشکل معمولاً زمانی رخ می‌نماید که نویسنده در انتخاب عنوان به خطا رفته باشد و از آن معنایی را اراده کند که دیگران چنان معنایی را در نمی‌یابند. این موضوع چنان اهمیت دارد که بسیاری از نشریات معتبر یکی از شرایط پذیرش مقالات را برابری عنوان و مضمون می‌دانند به گونه‌ای که انتظار دارند مجموعه کلیدواژه‌های مستخرج از عنوان، گویای موضوع و مسئله اصلی پژوهش باشد (حرّی، ۱۳۷۲: ۱۷۹). ضرورت توجه به این آسیب از آنجا روشن می‌شود که بدانیم پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد تنها ۴۰ درصد عناوین از سازگاری کامل با موضوع برخوردار هستند (بزرگی، ۱۳۷۸: ۲۵). عنوان هم چنان که باید تداعی‌کننده تمام مباحث پژوهش باشد، نباید کمتر از محتوای آن را هم تداعی کند. حتی اگر اثر حاوی چند بحث متفاوت است، عنوان باید به گونه‌ای تدوین شود که نشان دهنده کلیه مباحث آن باشد. همچنین عنوان نباید بیشتر از مطاوی متن را تداعی کند. بنابراین اشمال و جامعیت شرط دیگر عنوان‌گزینی است.

در انتخاب عنوان باید ایجاز را رعایت کرد. در واقع نویسنده موظف است تا در عنوان با کمترین کلمات بیشترین اطلاعات را به مخاطب ارائه کند (استاپلتون، ۱۳۷۴: ۳۷). طولانی بودن عنوان در بسیاری از موارد نه تنها به وضوح بیشتر عنوان نمی‌انجامد بلکه منجر به ابهام بیشتر می‌شود. به علاوه، در برخی موارد طولانی بودن عنوان موجب خواهد شد تا خواننده حتی از خواندن عنوان یک اثر نیز چشم‌پوشی کند. اگر ایجاز در متن، حُسن آن است، در عنوان شرط آن است. عنوان طولانی در خاطر نمی‌ماند، نافذ نیست و مخاطب را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. همچنین عنوان طولانی به حکم «الظاهر عنوان الباطن» نشانه درازگویی نویسنده قلمداد می‌شود (اسفندیاری، مرداد و شهریور ۱۳۷۰: ۱۲۸). در این میان

اجتناب از کاربرد کلمات بی‌نقش، توضیحی و مترادف می‌تواند به کوتاهی عنوان کمک کند؛ برای مثال کلماتی همچون مطالعه‌ای در زمینه، پژوهشی در حیطه و... در ابتدای عناوین، اضافی هستند و حذف آنها بهتر است. به نظر می‌رسد تا جایی که به وضوح و رسایی عنوان لطمه وارد نشود باید از تعداد کلمات آن کاست. برخی منابع به تعداد کلمات عنوان اشاره کرده‌اند و اعدادی بین ۵ تا ۱۵ کلمه را برای یک عنوان مناسب دانسته‌اند (شیرانی، ۱۳۸۶: ۳۱؛ اسفندیاری، مرداد و شهریور ۱۳۷۰: ۱۳۴؛ هروی، ۱۳۸۶: ۹۶). به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد طولانی بودن عنوان حاصل وجود کلمات و عبارات زایدی است که با حذف آنها هیچ خللی به مفهوم و پیام عنوان وارد نمی‌شود. گاهی نیز برخی عبارات را می‌توان از عنوان حذف کرد و در مقدمه اثر بدان پرداخت (عسکری، ۱۳۸۹: ۱۱۳). راه دیگر، استفاده از عنوان فرعی می‌باشد. عنوان فرعی می‌تواند حاوی تعداد کلمات بیشتری باشد و با توضیح عنوان اصلی به وضوح آن کمک نماید. اما با وجود تأکید بر کوتاه بودن عنوان، نباید از کلمات و علائم اختصاری استفاده نمود؛ زیرا این علائم به وضوح عنوان لطمه می‌زند. در واقع کوتاه بودن عنوان نباید به بهای عدم وضوح و ابهام آن صورت پذیرد.

پژوهشگر باید از عناوین تکراری و کلیشه‌ای سخت پرهیز کند. تکراری بودن نه تنها در الفاظ که در ترکیب‌هایی که با کنار هم نهادن الفاظ شکل می‌گیرد نیز خود را نشان می‌دهد. هرچند در پژوهش‌های علمی و آکادمیک، مجال کمتری برای انتخاب عناوین ابتکاری وجود دارد، پژوهشگر باید تمام تلاش خود را برای عدم تکرار یک کلیشه‌نخ‌نما انجام دهد. گاه عدم خلاقیت، نویسنده را به انتقال عنوان می‌کشاند. چنین عناوینی، بدترین عنوان‌ها هستند؛ چرا که دلیل بر ناتوانی و عدم خلاقیت نویسنده می‌باشند. شخصی که آن قدر ابتکار ندارد عنوانی جدید برای اثر خویش بیافریند، کمتر توانایی خواهد داشت تا محتوایی نو در اثر خویش بگنجاند (مهرین، ۱۳۶۶: ۱۱).

عنوان باید از پیش داوری، قضاوت، تجلیل و نگرش جانبدارانه عاری باشد. بنابراین در عنوان باید از کلماتی که دارای بار ارزشی زیادی هستند - چه مثبت و چه منفی - اجتناب شود. در واقع پژوهشگر در عنوان نباید عقیده و نظر ثابت و قاطعی را اعلام کند و حتی به

القای مفاهیمی خاص مبادرت ورزد. به کارگیری اصطلاحات و کلماتی که نشانه تعصب و جانبداری نویسنده است از وزن علمی اثر خواهد کاست و از همان ابتدا رویکرد جانبدارانه پژوهشگر را برملا می‌سازد و بی‌اعتمادی مخاطب را به دنبال خواهد داشت.

هر زبانی به مقتضای شرایطی چون تعلق اهل آن به منطقه جغرافیایی و طبقه اجتماعی معین و جنسیت و قومیت و سن و تحصیلات سخن‌گویان دارای گونه‌های متعدد است، که از میان آنها یک و احياناً چند گونه از اعتبار بیشتری برخوردار شده و به عنوان زبان مشترک پذیرفته می‌شوند. از این رو سخن‌گویان سایر گونه‌ها به تقلید از آنها گرایش پیدا می‌کنند. بنابراین مقصود ما از زبان معیار، زبانی است که همراه با انعطاف در برابر تحولات فرهنگی، تثبیت شده و رعایت اصول آن برای متکلمان و نویسندگان به آن زبان الزامی است.<sup>۱</sup> انتخاب عنوان باید براساس اصول زبان معیار صورت گیرد. این اصول در کتب دستور زبان و آیین نگارش منتشر شده و مرجع صورت‌های صحیح و غلط در هر زبان است. عنوان نباید غلط نگارشی و دستوری داشته باشد. برای مثال واژه «پیرامون» در برخی عناوین به غلط به کار می‌رود؛ زیرا تصور می‌شود «در پیرامون» به معنای «در باره» است. در صورتی که «در اطراف» و «در حول و حوش» معنی می‌دهد (حمیدیان، ۱۳۶۳: ۱۲۷-۱۲۶).<sup>۲</sup> همچنین در عنوان باید از تلفیق زبان‌ها و کاربرد اصطلاحات و مفاهیم زبان‌های دیگر، به ویژه اگر معادل فارسی دارند، خودداری کرد. حتی از به کارگیری واژه‌های منسوخ زبان فارسی نیز باید اجتناب نمود. در مجموع پیروی از الگوی ساختی، معنایی و املائی زبان معیار در هر عنوان‌گزینی ضرورتی جدی است.

عنوان پژوهش می‌بایست انعکاسی واقعی از محدوده موضوع و ارزش علمی اثر باشد. عنوان آگهی تجاری نیست و مبالغه و بزرگ‌نمایی نباید به آن راه یابد. انتخاب عناوینی کلی و با دامنه زمانی و محتوایی مطول، سنگ بزرگی است علامت نزدن و هیچ دلیلی ندارد نویسنده انجام کاری را ادعا کند که از عهده آن بر نمی‌آید. انتخاب چنین عناوینی

۱. برای اطلاع از ویژگی‌های زبان معیار ن. ک. به: والی رضایی، «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟»، نامه فرهنگستان، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۸۳؛ علی اشرف صادقی، زبان معیار، نشر دانش، شماره ۱۶، خرداد و تیر ۱۳۶۲  
۲. برای موارد بیشتر ن. ک. به: ابوالحسن نجفی، غلط‌نویسیم فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶

زمانی مجاز است که نویسنده از عهده آن برآمده باشد؛ مثلاً با توجه به ابعاد گوناگون و متعدد تمدن اسلامی و تمدن غرب، پژوهش در این دو موضوع معمولاً از عهده یک اثر برنمی‌آید، پس انتخاب عناوینی چون «تاریخ تمدن اسلامی» یا «مبانی نظری تمدن غرب» چندان پذیرفته و معقول نیست. به علاوه، انتخاب چنین عناوینی، نوعی خودستایی نیز محسوب می‌شود. چنان‌که کاربرد عباراتی چون «پژوهشی عمیق در...» در عنوان، خودستایی محقق محسوب می‌شود و دور از روحیه علمی یک پژوهشگر است. البته نویسنده مجاز است در مقدمه اثرش از امتیازات پژوهش خویش بنویسد، اما عنوان جایی برای خودستایی نیست (اسفندیاری، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰: ۵۸۴-۵۸۱). بنابراین طرح عناوینی کلی با دامنه پژوهشی گسترده، که امکان بررسی آن در چارچوب یک پژوهش علمی میسر نیست، نه تنها می‌تواند حمل بر خودستایی محقق شود بلکه می‌تواند نشان از بزرگ‌نمایی موضوع پژوهش نیز باشد. برعکس، انتخاب عناوینی مانند «نگاهی به...» یا «جستاری درباره...» نشانگر عدم درک درست نویسنده از یک کار پژوهشی اصیل می‌باشد و باید از انتخاب چنین عناوینی نیز اجتناب شود. انتخاب موضوع و در پی آن مسئله‌ای محدود و قابل بررسی در یک پژوهش علمی به محقق کمک می‌کند تا ضمن تدوین یک پژوهش علمی، براساس مسئله اصلی به ساخت عنوانی شایسته نائل آید.

از آنجا که عنوان، نخستین عنصر مؤثر در عرضه اثر است، باید جذاب باشد و مخاطب را به تأمل بیشتر در موضوع پژوهش فراخواند و حس کنجکاوی او را برانگیزد. به بیان دیگر، عنوان علاوه بر حُسن لفظی باید از حُسن معنایی نیز برخوردار باشد و حداقل مخالف معیارهای زیباشناختی بصری و شنیداری نباشد. هر چند در آثار پژوهشی آکادمیک، فرصت کمتری برای رعایت این معیار وجود دارد، اما پژوهشگر باید تمام تلاش خویش را به کار بندد تا نخستین برخورد خواننده با اثر خوشایند باشد و او را به مطالعه اثر ترغیب کند. به همین دلیل برخی پژوهشگران از صنایع ادبی بهره می‌گیرند و حتی برای انتخاب عنوان، با اهل فن و ذوق مشورت می‌کنند. البته جذابیت عنوان نباید از وضوح و صراحت عنوان بکاهد و به ابهام آن بینجامد.



عنوان باید به روشنی حیطه و چارچوب پژوهش را بیان کند و از هرگونه پیچیدگی و ابهام به دور باشد. به طوری که مخاطب با مطالعه عنوان به فهم مسئله اصلی پژوهش دست یابد و بداند که چه چیزی، چگونه و در چه زمانی بررسی شده است. همچنین برداشت افراد از یک عنوان باید یکسان باشد، چرا که تنها در عناوین مبهم است که افراد مختلف برداشت‌های متفاوتی از عنوان خواهند داشت. این مشکل به‌ویژه زمانی بروز می‌کند که عناوینی بسیار کلی برای اثر انتخاب شوند؛ برای مثال انتخاب عنوانی چون «طاهریان در تاریخ» عنوانی بسیار کلی و مبهم است که نه تنها مسئله پژوهش که حتی موضوع دقیق آن نیز روشن نیست و مخاطب نمی‌داند پژوهشگر به کدام جنبه از دوران طاهریان پرداخته است. یکی دیگر از عوامل ابهام‌زای عنوان، کاربرد الفاظ و واژه‌های مهجور و منسوخ است. از این رو بهتر است در عناوین از به‌کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات ناآشنا، پیچیده و غیرمصطلح، که نیاز به توضیح دارند، خودداری شود (عسکری، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

## آسیب‌شناسی عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

در این بخش با تحلیل داده‌ها، به آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ پرداخته و میزان این آسیب‌ها و نمونه‌های عناوین مربوط به هر آسیب آمده است. اما با توجه به توضیحات پیشین از تکرار و تفصیل درباره این آسیب‌ها پرهیز شده است. جامعه پژوهش این تحقیق، پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ، ثبت‌شده در پایگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران<sup>۱</sup> (پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران) است. تعداد این پایان‌نامه‌ها ۲۸۸۳ عنوان می‌باشد که این پایگاه، عنوان و چکیده ۱۰۰۰ مورد را به نمایش می‌گذارد. بنابراین جامعه آماری پژوهش ۱۰۰۰ عنوان پایان‌نامه است. تعداد حجم نمونه ما ۲۵۰ عنوان از این پایان‌نامه‌هاست که به روش اتفاقی سیستماتیک (N/n) نمونه‌گیری شد. پس از استخراج عناوین و دیگر اطلاعات مورد نیاز براساس چک لیست پژوهشگر ساخته، به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شده است.

## مشخصات حجم نمونه براساس مقطع تحصیلی

مقطع کارشناسی ارشد	مقطع دکتری	جمع
عنوان ۲۲۰	عنوان ۳۰	عنوان ۲۵۰
۸۸ درصد	۱۲ درصد	۱۰۰ درصد

مشخصات حجم نمونه براساس گرایش<sup>۱</sup>

ایران دوره اسلامی	اسلام	باستان	جمع
عنوان ۱۸۴	عنوان ۳۵	عنوان ۳۱	عنوان ۲۵۰
۷۳ درصد	۱۴ درصد	۱۳ درصد	۱۰۰ درصد

## - طولانی بودن عنوان

عنوان باید کوتاه باشد و پژوهشگر می‌بایست با حداقل کلمات بیشترین اطلاعات را در مورد موضوع پژوهش به مخاطب ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پایان‌نامه‌های رشته تاریخ در حوزه عنوان‌گزینی، طولانی بودن عنوان می‌باشد. به گونه‌ای که ۲۰ درصد عناوین مورد بررسی در این پژوهش دچار این آسیب هستند.

## طولانی بودن عناوین

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوین طولانی	درصد عناوین طولانی
عنوان ۲۵۰	عنوان ۵۰	۲۰ درصد

نمونه‌هایی از عناوین طولانی که با کمی دقت و حذف برخی عبارات توصیفی می‌تواند به عناوینی کوتاه و در عین حال روشن تغییر نماید در پی می‌آید:

- بررسی تحلیلی تاریخ سیاسی و اقتصادی آل برید (۳۱۶ تا ۳۴۹ ق) و تأثیر آن بر حکومت‌های هم‌عصر (آل بویه، آل حمدان، قرمطیان)

۱. تاریخ تشیع زیر گروه اسلام و تاریخ انقلاب زیر گروه دوره اسلامی در نظر گرفته شده است.

- بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد از پایان زند تا دوره ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۰۹-۱۲۶۴.ه.ق/۱۷۹۴-۱۸۴۸م)
- آسیب‌شناسی سیاسی از دیدگاه برجسته‌ترین اندرزنامه‌نویسان عصر ترک و مغول در ایران خواجه نظام الملک - امام محمد غزالی - بابا افضل کاشانی
- بررسی سیاست‌های ایران در آسیای مرکزی با تکیه بر ترکمنستان از آغاز دوره قاجار تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه
- بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان از ابتدای دوره قاجار تا روی کار آمدن ناصرالدین شاه (۱۱۹۳-۱۲۶۴هجری قمری)
- جنبش ملی‌شدن نفت و انعکاس آن در فارس در سال‌های ۳۲-۱۳۲۷.ه.ش با تکیه بر اسناد دولتی و روزنامه‌های محلی

### - ابهام و عدم وضوح عناوین

عنوان پژوهش می‌بایست به روشنی و صراحت حیطه و قلمرو پژوهش را بیان کند. در واقع مخاطب با مطالعه عنوان باید به مسئله اصلی پژوهش و سؤالی که پژوهشگر به دنبال پاسخ‌گویی آن است پی ببرد. از سوی دیگر، عنوان باید به گونه‌ای انتخاب شود که تمامی افراد یک فهم و برداشت از آن داشته باشند. انتخاب عناوین کلی و مبهم که چارچوب پژوهش را روشن نکند موجب می‌شود تا ضمن ابهام در مسئله اصلی پژوهش، برداشت‌های متعدد و متفاوتی در ذهن خوانندگان ایجاد شود. مهم‌ترین عامل ابهام در عناوین پایان‌نامه‌های مورد بررسی، انتخاب عناوین کلی است. در بررسی انجام‌شده ۲۰ درصد از عناوین پایان‌نامه‌ها دچار این آسیب هستند.

### ابهام و عدم وضوح عنوان

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوین مبهم	درصد عناوین مبهم
۲۵۰ عنوان	۵۰ عنوان	۲۰ درصد

نمونه‌هایی از این عناوین کلی و مبهم عبارتند از:

- پیوند ابریشمین شرق و غرب در عهد باستان
- فرمانروایی گرگان
- تاریخ صفویه
- تاریخ ایران بعد از اسلام
- بررسی سمت‌گیری‌های سیاسی مجالس مشروطه
- طاهریان در تاریخ
- نگرشی بر خلافت عباسی
- مجلس چهارم
- دودمان زند

### - کلیشه‌ای بودن عناوین

یکی از آسیب‌های عنوان‌گزینی، کاربرد عناوین تکراری و کلیشه‌ای است که به عدم جذابیت عنوان و ناتوانی آن در جلب مخاطب منجر می‌شود. پژوهشگر باید آن اندازه خلاقیت داشته باشد که از انتخاب عناوین تکراری و نخ‌نما اجتناب کند و با نوآوری و تلاش به انتخاب عنوانی نو و در عین حال دارای معیارهای عنوان‌گزینی صحیح اقدام نماید. تعداد عناوین کلیشه‌ای در جامعه نمونه پژوهش بسیار اندک بود به طوری که در این بررسی تنها ۴ درصد عناوین با این آسیب مواجه هستند.

### کلیشه‌ای بودن عنوان

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوین کلیشه‌ای	درصد عناوین کلیشه‌ای
۲۵۰ عنوان	۱۰ عنوان	۴ درصد

نمونه‌هایی از این عناوین تکراری و کلیشه‌ای که غالباً مبهم و کلی نیز هستند در پی می‌آید:

- لرستان در گذر تاریخ
- چادگان در گذر تاریخ
- زنجان در گذر تاریخ
- کرمان در گذر تاریخ
- تاریخ ایلام
- تاریخ آذربایجان در قرون ۶ و ۷ ه.ق.
- تاریخ هزارگریب از قرن ۸ تا ۱۳ ه.ق.

### - پیش‌داوری

یکی از مهم‌ترین و نخستین اصول پژوهش‌های تاریخی که در محیط آکادمیک آموزش داده می‌شود، اجتناب پژوهشگر از رویکرد جانبدارانه و پیش‌داوری می‌باشد. با وجود تردیدهای جدی در مورد امکان بی‌طرفی مورخ در بررسی پدیده‌های تاریخی، که بحث‌های مطولی را در فلسفه انتقادی تاریخ در پی داشته است، یکی از نخستین شرایط پژوهشگر تاریخ تلاش برای اجتناب از نگرش‌های جانبدارانه در موضوع پژوهش است. در صورتی که پژوهشگر در عنوان خویش این اصل را رعایت نکرده باشد چگونه می‌توان انتظار داشت که در روند پژوهش و متن اثر، به این اصل مهم پایبند بوده باشد. بنابراین برگزیدن عناوینی عاری از پیش‌داوری یکی از مهم‌ترین اصول عنوان‌گزینی در رشته تاریخ است. در بررسی حاضر تقریباً تمامی پژوهشگران این اصل را رعایت کرده‌اند. به طوری که تنها ۱,۵ درصد عناوین به پیش‌داوری و قضاوت جانبدارانه پرداخته‌اند.

### پیش‌داوری در عنوان

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوین دارای پیش‌داوری	درصد عناوین دارای پیش‌داوری
۲۵۰ عنوان	۴ عنوان	۱,۵ درصد

عناوینی که به نظر می‌رسد همراه با نوعی جانبداری و پیش‌داوری می‌باشند عبارتند از:

- حجاب‌ستیزی از مشروطیت تا رضا شاه
- تصویری از غم‌های مردم در عصر ناصرالدین شاه
- اهمیت تجاری ارجان و کهگیلویه (از اواخر دوره ساسانی تا حمله مغول)
- بررسی مقایسه‌ای واکنش روحانیت در ایران در برابر اصلاحات ضد مذهبی  
رضاشاه و آتاتورک

### - عدم انطباق با زبان معیار

پیروی از الگوی ساختی، معنایی و املائی زبان معیار در هر عنوان‌گزینی ضرورتی جدی است. از سوی دیگر اگر راه‌یابی سهوی ایرادات نگارشی و دستوری در متن اثر قابل اغماض باشد، که نیست؛ این ایرادات به هیچ روی نباید در عنوان اثر راه یابد. در این راستا، نویسنده باید ضمن آشنایی با ویژگی‌های زبان معیار به کاربرد صحیح اصطلاحات، حروف اضافه و ترتیب واژگان توجه نماید. در این بررسی ۱۰ درصد عناوین حجم نمونه با زبان معیار منطبق نبوده و دارای ایرادات نگارشی و دستوری هستند.

### عدم انطباق با زبان معیار

تعداد عنوان غیر منطبق با زبان معیار	تعداد عناوین غیر منطبق با زبان معیار	تعداد حجم نمونه
۱۰ درصد	۲۵ عنوان	۲۵۰ عنوان

در ادامه نمونه‌هایی از عناوینی که به دلیل ایرادات دستوری، نگارشی و ساختی با زبان معیار انطباق ندارند، می‌آید:

- علمای ایرانی و دولت صفوی از آغاز تشکیل دولت صفوی تا پایان سلطنت شاه  
تهماسب
- اتابکان آذربایجان - اتابکان فارس / سلغریان / و اتابکان لرستان
- موقع یهود در ایران از قرن سوم تا قرن هفتم هجری
- تاریخ ایران بعد از اسلام
- تیمور و نقش تیموریان در ماورالنهر

- نگرشی بر خلافت منصور عباسی
- شیوه حکومت‌مداری پهلوی اول
- تاریخ صفاریان - اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و روابط صفاریان با سلسله‌های معاصر با آنان

### - **مبالغه و بزرگ‌نمایی**

عنوان پژوهش می‌بایست به دور از مبالغه، محدوده موضوعی و چارچوب پژوهش را روشن سازد. انتخاب عناوینی همراه با بزرگ‌نمایی و مبالغه در تعیین محدوده آن در همان نگاه نخست ارزش علمی اثر را نزد مخاطب آگاه کاهش می‌دهد. این مبالغه گاهی خود را در کاربرد اصطلاحاتی که تداعی‌کننده نوعی خودستایی پژوهشگر است و گاهی در دامنه بسیار گسترده موضوع و عدم تحدید قلمرو پژوهش، نشان می‌دهد. در بررسی صورت گرفته ۶ درصد عناوین دچار این آسیب هستند. البته در غالب آنها، آنچه به مبالغه انجامیده است، نه خودستایی محقق، بلکه طرح عناوینی کلی با دامنه پژوهشی گسترده است که امکان بررسی آن در چارچوب یک پژوهش علمی دانشگاهی امکان‌پذیر نیست.

### **مبالغه و بزرگ‌نمایی**

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوین مبالغه‌آمیز	درصد عناوین مبالغه‌آمیز
۲۵۰ عنوان	۱۵ عنوان	۶ درصد

نمونه‌هایی از عناوینی که به دلیل دامنه بسیار گسترده موضوع و عدم تحدید قلمرو پژوهش به مبالغه و بزرگ‌نمایی انجامیده است، در پی می‌آید:

- بحران‌های مهم جهان، ریشه‌های تاریخی این بحران‌ها و راه‌حل آنها
- تبدیل آمریکای پیش از کلمب به آمریکای جدید
- چگونگی گسترش اسلام در چین
- تاریخ ایران بعد از اسلام
- تاریخ صفویه

- بررسی تاریخی جریان‌های فکری مؤثر بر شکل‌گیری مبانی فرهنگی و تمدنی اسلام
- بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و دینی ایران عصر ساسانی

### - کاربرد کلمات بی‌نقش، مترادف و توصیفی

یکی از آسیب‌های جدی در عرصه عنوان‌گزینی، طولانی‌بودن عنوان است. عنوان طولانی علاوه بر کاستن از زیبایی و جذابیت عنوان، به ابهام بیشتر آن می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین علل طولانی‌شدن عنوان، استفاده از کلمات بی‌نقش، مترادف و گاه عبارات توصیفی در عنوان است. کلماتی که هیچ نقشی در عنوان ندارند و حذف آنها در ساختار و معنای عنوان هیچ خللی ایجاد نمی‌کند. بیشترین عامل این آسیب در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ، تعیین محدوده زمانی اثر به هر دو شکل عددی و توصیفی است. در این بررسی ۱۵ درصد عناوین پایان‌نامه‌های مورد بررسی دچار این آسیب هستند.

### کاربرد کلمات بی‌نقش، مترادف و توصیفی

تعداد عنوان‌های دارای کلمات بی‌نقش و ...	تعداد عناوین دارای کلمات بی‌نقش و ...	تعداد حجم نمونه
۱۵ درصد	۳۵ عنوان	۲۵۰ عنوان

برخی از عناوین حاوی کلمات بی‌نقش، مترادف و توصیفی که به طولانی‌شدن عنوان انجامیده است در پی می‌آید:

- قم از تأسیس قاجار تا پایان عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۲۱۰ه.ق/۱۸۹۶-۱۷۹۶م)
- بررسی سیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- تاریخ سیاسی و اجتماعی کازرون از فتح تهران تا کودتای ۱۲۹۹ش ۲۱-  
۴۰/۱۹۰۹-۱۳۲۷ه.ق
- نقش بصره در روابط ایران و عثمانی از معاهده زهاب تا معاهده دوم ارزروم  
۱۰۴۹-۱۶۳۹/۱۲۶۳-۱۸۴۷م



- تاریخ تحلیلی بازار اصفهان در مواجهه با مدرنیسم: دوره پهلوی دوم ۱۳۵۷-  
۱۳۲۰.ه.ش/۱۹۷۸-۱۹۴۱م
- بررسی مقایسه‌ای اوضاع اجتماعی دوره اشکانی (۲۵۰پ.م - ۲۲۶م) و دوره  
ساسانی (۲۲۴-۶۵۴م)
- تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی و علمی- فرهنگی ایران در عصر مأمون (۱۹۸-  
۲۱۸.ه.ق)
- اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصر در دوره محمدعلی پاشا  
خدیو مصر ۱۲۶۵-۱۲۲۰.ه.ق/۱۸۰۵-۱۸۴۸م

### - کاربرد موضوع به جای عنوان

اولین گام در هر پژوهش علمی انتخاب موضوع است. در این مرحله پژوهشگر مشخص می‌سازد که ناشناخته و مجهول او چیست و چه چیزی را باید معلوم سازد (نادری، ۱۳۸۵: ۴۹). تبدیل موضوع به مسئله پژوهش، فرایند تبدیل اندیشه به سؤالات و سپس اصلاح آنها برای رسیدن به سؤال اصلی پژوهش است (خاکی، ۱۳۸۷: ۲۲). پس از برگزیدن موضوع و تعیین مسئله پژوهش، عنوان‌گزینی امری ضروری است؛ چرا که اگر موضوع، قلمرو کلی پژوهش را تعیین می‌کند؛ عنوان، چارچوب دقیق و مسئله اصلی آن را مشخص می‌سازد. موضوع و عنوان اگرچه به یکدیگر مرتبط هستند اما یکی نیستند. هرچند برخی منابع روش پژوهش به اشتباه موضوع و عنوان را همسان تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup> عنوان، بسیار جزئی‌تر و دقیق‌تر از موضوع به تبیین محتوای اثر می‌پردازد. یکی از آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های مورد بررسی این پژوهش، به کارگیری موضوع به جای عنوان می‌باشد. از پیامدهای منفی این اقدام، ابهام و عدم صراحت عناوین است که مخاطب را در تعیین محتوای اثر از طریق عنوان دچار مشکل می‌سازد. در عناوین مورد بررسی، در ۱۶ درصد موارد، موضوع به جای عنوان نشسته است.

۱. برای نمونه ن.ک به: حمید میرزایی، پیشین، صص ۳۴-۳۲ و مرتضی نورائی، پیشین، صص ۸۷-۸۱

### کاربرد موضوع به جای عنوان

تعداد حجم نمونه	تعداد عناوینی که موضوع به جای عنوان نشده است	درصد عناوینی که موضوع به جای عنوان نشده است
۲۵۰ عنوان	۴۰ عنوان	۱۶ درصد

برخی از عناوینی که موضوع به جای عنوان به کار رفته و ابهام در مسئله پژوهش را در پی داشته است، عبارتند از:

- دودمان زند
- طاهریان در تاریخ ایران
- ارتش در زمان رضاشاه پهلوی
- جشن‌های ایران باستان
- سرداران عصر ساسانی
- نهضت مشروطیت ایران
- قراختائیان کرمان
- اقدامات و اصلاحات داریوش یکم
- مسیونرهای مذهبی در ایران

### نتیجه‌گیری

در گونه‌شناسی پژوهش‌های علمی، پایان‌نامه‌های تحصیلی یکی از مهم‌ترین انواع پژوهش محسوب می‌شوند. با توجه به تدوین حجم انبوهی از پایان‌نامه‌ها، به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده تا با بررسی دقیق و روشمند از زوایای گوناگون به این دسته از پژوهش‌ها پرداخته شود. بر پژوهشگران است تا با نقد محتوا، ساختار، متد و متدلوژی این آثار، به آشکار ساختن ضعف و قوت آنها پردازند. اهمیت این موضوع در این نکته است که برای اصلاح و بهبود هر روندی، ابتدا باید به شناسایی دقیق و منطبق بر واقعیت و آسیب‌شناسی آن روند پرداخت. در همین راستا در این پژوهش تلاش شده است تا با تمرکز بر یکی از

مهم‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین عناصر یک رساله علمی، به نقد و آسیب‌شناسی عناوین پایان‌نامه‌های رشته تاریخ پرداخته شود.

عنوان‌گزینی، تعیین دقیق چارچوب علمی یک موضوع پژوهشی است که در صورت دقت و صحت انتخاب، از هرگونه ابهام به دور می‌ماند و در صورت به کارنگرفتن شیوه مناسب، نه تنها موجب نارسایی اثر می‌شود بلکه بی‌توجهی مخاطبان به یک پژوهش پرزحمت علمی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر نخستین برخورد پژوهشگر و مخاطب در عنوان اتفاق می‌افتد و این برخورد در واکنش بعدی مخاطب بسیار مؤثر است. همچنین عنوان، برجستگی است که نویسنده و پژوهشگر به اثر و اندیشه خویش می‌زند چرا که می‌تواند گویای نگرش‌های پژوهشگر در روند پژوهش باشد. با وجود اهمیت عنوان‌گزینی به‌ویژه در پژوهش‌های دانشگاهی تاکنون قواعدی کاربردی، اثربخش و قابل کاربستی برای عنوان‌گزینی در منابع موجود تدوین نشده است. اغلب منابع این موضوع را نادیده گرفته‌اند یا با اشاره‌ای کوتاه و برخی توصیه‌های کلی از آن گذشته‌اند.

ایجاز، تناسب با محتوا، پیوند با موضوع، خلاقیت، جامع و مانع بودن، عدم پیش‌داوری، رعایت زبان معیار، پرهیز از بزرگ‌نمایی و صراحت از مهم‌ترین معیارهای عنوان‌گزینی می‌باشند. براساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ، طولانی بودن، ابهام و عدم وضوح، کاربرد کلمات بی‌نقش، عدم انطباق با زبان معیار و کاربرد موضوع به جای عنوان است. درحالی‌که آسیب‌هایی چون کلیشه‌ای بودن، پیش‌داوری و مبالغه و بزرگ‌نمایی تنها در تعداد اندکی از عناوین پایان‌نامه‌های این رشته دیده می‌شود.

انتخاب عناوین کلی، به کارگیری برخی عبارات کنایی و عدم رعایت الگوی ساختی جملات، عامل اصلی ایجاد ابهام در عنوان پایان‌نامه‌های بررسی شده در این پژوهش است. انتخاب عناوین کلی و مبهم که چارچوب پژوهش را روشن نمی‌کند موجب می‌شود تا ضمن ابهام در مسئله اصلی پژوهش، برداشت‌های متعدد و متفاوتی از عنوان در ذهن خوانندگان ایجاد شود. در واقع انتخاب این عناوین غالباً نشان از مشکلی جدی‌تر در روند

پژوهش دارند و آن مبهم‌بودن مسئله پژوهش است. در حالی که روشن‌بودن مسئله اصلی پژوهش، انتخاب عنوان روشن و عاری از ابهام را آسان‌تر خواهد نمود.

### آسیب‌های عنوان‌گزینی در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ

ردیف	نوع آسیب	تعداد	درصد
۱	طولانی‌بودن	۵۰ عنوان	۲۰ درصد
۲	ابهام و عدم وضوح	۵۰ عنوان	۲۰ درصد
۳	کاربرد موضوع به جای عنوان	۴۰ عنوان	۱۶ درصد
۴	کاربرد کلمات بی‌نقش، مترادف و توصیفی	۳۵ عنوان	۱۵ درصد
۵	عدم انطباق با زبان معیار	۲۵ عنوان	۱۰ درصد
۶	مبالغه و بزرگ‌نمایی	۱۵ عنوان	۶ درصد
۷	کلیشه‌ای‌بودن	۱۰ عنوان	۴ درصد
۸	پیش‌داوری	۴ عنوان	۱٫۵ درصد

با وجود تردیدهای جدی در مورد امکان بی‌طرفی مورخ در بررسی پدیده‌های تاریخی، یکی از نخستین شرایط پژوهشگران تاریخ‌تلاش برای دوری از نگرش‌های جانبدارانه در پژوهش است. و همچنان که تلاش برای اجتناب از پیش‌داوری در روند پژوهش یکی از اصول تحقیقات تاریخی است، انتخاب عناوینی عاری از پیش‌داوری نیز یکی از مهم‌ترین اصول عنوان‌گزینی در این رشته می‌باشد. اصلی که در پایان‌نامه‌های مورد بررسی این پژوهش در مقایسه با دیگر موارد، بیشتر رعایت شده است. همچنان که در کاربرد عناوین تکراری و کلیشه‌ای نیز تعداد پایان‌نامه‌هایی که به این آسیب دچار هستند بسیار اندک بود و این نشان از خلاقیت و اجتناب محققان از کاربرد عناوین تکراری در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ دارد.

انتخاب عنوان چون دیگر اجزای متن پژوهش باید براساس اصول زبان معیار صورت گیرد. پیروی از الگوی ساختی، معنایی و املائی زبان معیار در هر عنوان‌گزینی ضرورتی جدی دارد. در این راستا، نویسنده باید با ویژگی‌ها و اصول زبان معیار آشنا باشد. این

اصول در کتب دستور زبان و آیین نگارش منتشر شده و مرجع صورت‌های صحیح و غلط در هر زبان است و ضروری است تا هر محققی با محتوای آنها آشنا باشد. علاوه بر مراجعه به این کتب، مشورت و استفاده از آرای صاحب‌نظران نیز می‌تواند به محققان در برگزیدن عناوین منطبق بر زبان معیار یاری رساند.

بیشترین حجم آسیب‌های موجود در عناوین پایان‌نامه‌های مورد بررسی، طولانی‌بودن عناوین و کاربرد موضوع به جای عنوان است. طولانی‌بودن عنوان علاوه بر کاستن از جذابیت، به ابهام بیشتر عنوان می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین علل طولانی‌شدن عنوان، استفاده از کلمات بی‌نقش، مترادف و گاه عبارات توصیفی است. اما در پایان‌نامه‌های رشته تاریخ بیشترین عامل این آسیب، تعیین محدوده زمانی اثر به هر دو شکل عددی و توصیفی است که با اصلاح آن ضمن کوتاه‌شدن عناوین بر جذابیت و روشنی آنها افزوده می‌گردد. یکی دیگر از آسیب‌های جدی عناوین در پایان‌نامه‌های مورد بررسی، کاربرد موضوع به جای عنوان است. هرچند در عناوینی که به این آسیب دچار هستند موضوع پژوهش روشن است، اما مسئله پژوهش و حیطه دقیق آن مشخص نیست. یکی از پیامدهای این مشکل، به‌کارگیری موضوع پژوهش به جای عنوان است که ابهام آن را نیز در پی دارد. به‌طوری که مخاطب با دیدن عنوان، هر چند موضوع پژوهش را درمی‌یابد اما نشانی از مسئله پژوهش نمی‌یابد. به نظر می‌رسد در برخی موارد عامل اصلی این آسیب، آگاه‌نبودن محقق از تفاوت موضوع و مسئله پژوهش و حتی در مواردی نبود مسئله در پژوهش می‌باشد.

با تأکید بر رویکرد جستارگشایانه این پژوهش، امید است این متن با همه کاستی‌هایش با نشان دادن اهمیت عنوان و عنوان‌گزینی در معرفی حاصل کار پرزحمت پژوهشگران، توجه جدی همه آنان به ویژه پژوهشگران تاریخ را به معیارهای عنوان‌گزینی و اجتناب از آسیب‌های آن به دنبال داشته باشد.

## منابع و مآخذ

- استاپلتون، پل (۱۳۷۴). **شیوه نوشتن مقالات پژوهشی**. ترجمه محمدرضا نایبان و محمد آرمنند. تهران: دانشگاه شاهد.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، **آینه پژوهش**، شماره‌های ۳، ۲ و ۴.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۷۰). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، **آینه پژوهش**، شماره‌های ۶ و ۸.
- انصاری، مریم (۱۳۸۰). «بررسی انطباق میان توصیف‌گرهای نمایه‌سازی و کلیدواژه‌های عنوان پایان‌نامه‌های دکتری تخصصی»، **فصلنامه کتاب**، شماره تابستان.
- بزرگی، اشرف‌السادات (۱۳۷۸). «میزان سازگاری عنوان‌های کتاب‌های فارسی در حوزه علوم اسلامی با موضوعات آنها»، **تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه**، شماره ۳۰ و ۳۱.
- بنی‌اقبال، ناهید، فریبرز خسروی و صدیقه پیرهادی (۱۳۹۰). «مقایسه واژه‌های عنوان و چکیده پایان‌نامه‌ها با توصیف‌گرهای تعیین‌شده در نمایه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران»، **فصلنامه کتاب**، شماره ۸۶.
- توانگر، فرشته (۱۳۸۰). «یک اسم یک عنوان یک جهان»، **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، اسفند ۷۹ و فروردین ۸۰.
- ثواقب، جهان‌بخش (۱۳۸۵). **روش پژوهش با تأکید بر تاریخ**. شیراز: نوید شیراز.
- جلالی‌پور، بهرام (۱۳۸۸). «پیش‌درآمدی بر نحوه انتخاب عنوان نمایشنامه و ملاحظات زیباشناختی و کاربردی آن». **فصلنامه هنر**. شماره ۸۰.
- حرّی، عباس (۱۳۷۲). **مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی**. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور نشر کتابخانه.
- حریری، مهرانگیز و مسعود توفیق (۱۳۶۲). نمایه‌گردان؛ اطلاع‌رسانی. **نشریه فنی مرکز اسناد و مدارک علمی**. دوره هشتم. شماره ۲.

- دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (ع) / ۳۱
- حمیدرفیعی، محمدعلی (۱۳۶۷). «تأملی در عنوان مقاله و پیشنهادهایی درباره آن». **نشر دانش**. شماره ۴۸.
  - حمیدیان، سعید (۱۳۶۳). «توصیه‌هایی به نویسندگان مترجمان و ویراستاران»، در **مجموعه مسائل نثر فارسی: سخنرانی‌های اولین سمینار نگارش فارسی**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  - خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). **روش پژوهش با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**. تهران: بازتاب.
  - دلاور، علی (۱۳۸۲). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: رشد.
  - راولی، جنیفر (۱۳۷۴). **نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی**. ترجمه جعفر مهرداد. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
  - شیرانی، افسانه (۱۳۸۶). **عنوان**، در مجموعه: **حبیبی، غلامرضا و دیگران**. مبانی نگارش علمی. تهران: مرز فکر.
  - صادقی، علی اشرف (۱۳۶۲). «زبان معیار». **نشر دانش**. شماره ۱۶.
  - طوسی، بهرام (۱۳۸۲). **راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی**. مشهد: تابران.
  - عسکری، صادق (۱۳۸۹). نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی، **مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق)**، شماره دوم.
  - فرخزاد، پرویز (۱۳۸۴). **راهنمای پژوهش‌های تاریخی (کتابخانه‌ای)**. تهران: طهوری.
  - کاموس، مهدی (۱۳۸۲). «فراتر از زمان: نقش عنوان در انتخاب کتاب». **نشریه مهر**. شماره دوم.

- محمدنژاد عالی زمینی، یوسف (۱۳۹۱). *شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*، تهران: سروش.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵). «بررسی توصیفی عناوین پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (دانشگاه‌های دولتی تهران)». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. شماره ۵.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نشر نی.
- میرزایی، حمید (۱۳۸۷). *روش پژوهش*. مشهد: شایسته گستر.
- نادری، عزت‌الله (۱۳۸۵). *روش‌های پژوهش و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی*، تهران: بدر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۶). *خلط ننویسیم؛ فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۷). *راهنمای نگارش در تاریخ*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- هروی، جواد (۱۳۸۶). *روش پژوهش و پژوهش علمی در تاریخ*. تهران: امیرکبیر.
- یاحقی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح (۱۳۸۴). *راهنمای نگارش و ویرایش*. مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- Abbott, Joann (1993). "Quantitative Critical Thinking", *College Teaching*, Vol. 41.



دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## رویکردی اجتماعی ضیاءالدین برنی در تاریخ‌نگاری رسمی

شهلا بختیاری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۱

### چکیده

در روایت تاریخ کهن، تاریخ‌نگاری رسمی شایع‌تر است که به روایت تاریخ حکومت‌ها و یا گزارش تاریخ به خواست آنان می‌پردازد. آثار بسیاری از این دست به تألیف درآمده‌اند. با این حال نویسندگانی کوشیده‌اند در تاریخ‌نگاری رسمی، برای مردم نیز جایگاهی قائل شوند. ضیاءالدین برنی از مورخانی است که در کنار نگارش تاریخ رسمی پادشاهان مسلمان دهلی، مسائل اجتماعی را گزارش دهد. این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی از خلال اشارات مستقیم و غیرمستقیم برنی، به‌طور اکتشافی، به بررسی این فرض بپردازد که برنی با وجود نگاشتن تاریخ رسمی تعلق‌شاهیان به سبب داشتن رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار، تاریخ و سیاست‌های

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)؛ Sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشیده است. او با این کار گونه‌تازهای از تاریخ‌نگاری را در تاریخ‌نگاری رسمی به کار گرفته است که در آن نقطه ثقل روایت از حاکمیت به سوی مردم در جابه‌جایی است. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد اجتماعی در نوشته او قوت دارد و به سوی نوعی تاریخ اجتماعی متمایل شده است. با وجود این، او ذیل تاریخ حکومت، مردم را نیز آورده و از نقش و تأثیر مردم در قوت و ضعف حکومت غافل نبوده است. با این حال توجه جدی مؤلف به مسائل اجتماعی جهت راهنمایی حکام و شاهان عصر برای اصلاح جامعه بوده است. ریشه‌یابی علمی و معلولی در رخدادهای اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند نشانگر تحلیل وی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی باشد.

**واژگان کلیدی:** تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی، بینش اجتماعی، سلاطین دهلی، تاریخ‌نگاری رسمی.

## مقدمه

نگاشتن تاریخ حکومت‌ها و دولتمردان، متداول‌ترین و رسمی‌ترین گونه‌تاریخ‌نگاری است. در واقع این شیوه روایت تاریخ، بازگویی روایت تاریخ توسط حاکمیت است. مطالب نگاشته شده منعکس‌کننده تعبیر و خواست حکومت‌ها از تاریخ است. برخی از محققان به بررسی این گونه عنایت داشته‌اند (از جمله ملایی توانی، ۱۳۹۰)، اما تبیین حوزه گونه مذکور از تاریخ‌نگاری، ویژگی‌ها و دستاوردهای آن و حتی توجه به رابطه میان حکومت‌ها و نگارش تاریخ در آن حوزه در حیطه مطالعاتی این نوشته نیست. یکی از جنبه‌های مفعول یا کم‌اهمیت‌تر در تاریخ‌نگاری رسمی جامعه، لایه‌های اجتماعی، اصناف و در تعبیری موسع اجتماع است. این بخش در اغلب موارد تحت الشعاع تاریخ دولتمردان و یا خواسته آنان بوده است و اگر روایتی از آن دیده می‌شود، امری جنبی و یا حتی ناخواسته بوده است. در چنین فضایی توجه برخی افراد به مسائل اجتماعی، مردم و حتی رخدادهای آن می‌تواند دلایل متعدد داشته باشد. دلایل آن را در مسائل مختلف از جمله علایق افراد

نیز می‌توان دید. در این مرحله پای‌بینش و منش مورخ به میان می‌آید که تعیین‌کننده نوع رویکرد او به نگارش تاریخ خواهد بود. انعکاسِ بینشِ هر مورخی را در آثار وی می‌توان دید. یکی از مورخان مهم در تاریخ‌نگاری هندِ مسلمان ضیاء‌الدین برنی است که با رویکردی متفاوت به نگارش تاریخ پرداخته است.

می‌توان فرض کرد، برنی با وجود نگاشتن تاریخ رسمیِ تعلق‌شاهیان به سبب داشتن رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار، تاریخ و سیاست‌های آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشیده است. وی علم تاریخ را به معنای تلاش برای تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف حیات انسان در بستر زمان دانسته و به فراخور حوادث، تحلیلی جامع از عصر خویش ارائه کرده است. نتیجه این امر سبب رویکرد جدی مؤلف به مسائل اجتماعی برای راهنمایی حکام و شاهان عصر برای اصلاح جامعه شده است. این اقدام به تجربه‌اندوزی از تاریخ و مسائل آن برای واداشتن حکام به اجرای عدالت نظر داشته است که می‌تواند نتیجه آن استواری حکومت باشد.

با وجود بهره‌گیری فراوان برنی از اندیشه‌های نظریه‌پردازان ایرانی و تلاش وی در انتقال این اندیشه‌ها به هند، این اثر مورد بی‌مهری پژوهشگران قرار گرفته است. نک: احمد (۱۳۶۷)؛ شیمل (۱۳۷۳)؛ نفیسی (۱۳۶۳)؛ بلک (۱۳۸۵). اطلاعات کلی در خصوص زندگانی وی (از جمله خاندان، نحوه‌ی وفات، مسلک، آثار و ارتباطش با دربار) را در دو اثر متقدم سیر الاولیاء (میر خورد، ۱۳۰۲. ق) و اخبار الاخبار فی اسرار الابرار (دهلوی، ۱۱۳۲. ق) می‌توان یافت. آثار مطالعاتی چون تاریخ تفکر اسلامی در هند اثر عزیز احمد، ادبیات اسلامی هند اثر شیمل، تاریخ‌نگاری در اسلام اثر سجادی و عالم‌زاده، تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی بلک آنتونی، مدخل برنی نگاشته ثبوت (۱۳۸۰) و ... نیز تنها به معرفی نویسنده و یا معرفی کتاب تاریخ فیروزشاهی فارغ از هر نوع تحلیل بسنده کرده‌اند. در نقد این اثر، مقاله‌ای به زبان انگلیسی توسط حسن برنی نگاشته شده که با قیاس دیدگاه برنی و ابن‌خلدون در حوزه‌ی اجتماعی، بینش وی را به‌عنوان مورخ درباری متقدم مورد ستایش قرار داده است (barany, 1938, 90). پژوهش‌هایی نیز به صورت مستقل اغلب با محوریت اندیشه سیاسی وی صورت گرفته است. ابراهیمی (۱۳۸۸)، موحدی (۱۳۹۲)، مظفر

عالم (۲۰۰۴)، عرفان حبیب (۱۹۹۱)، محمد حبیب (۱۹۵۸ و ۱۹۵۷)، محمد حبیب افسرخان سلیم (۱۹۶۱م)، زرهانی (۱۳۹۴) در این دسته جای دارند. از نظر رویکرد ادبی نیز در نوشته‌هایی به شباهت شیوه نگارش وی با برخی ادیبان ایرانی از جمله ابوالفضل بیهقی پرداخته شده است. (راغب، در انجام این پژوهش از قدیمی‌ترین نسخه چاپ سنگی متعلق به سال ۱۸۶۲ م، استفاده شده است (نوشاهی، ۹۰۸، ۱۳۵۰).

### زیست‌نامه مورخ

ضیاءالدین مؤیدالملک برنی، از مورخان و ادیبان پارسی‌زبان سده‌های ۷ - ۸ ق/ ۱۳ - ۱۴م است. زادگاه وی برن،<sup>۱</sup> در حمله محمد غوری فتح شد (barany, 1938, 77). میرخورد (متوفی ۷۷۰ هـ) مؤلف کتاب سیر الاولیا، از معاصران برنی است که هنگامه سخن از پدر ضیاءالدین برنی، وی را صاحب دودمانی بزرگ می‌خواند (میر خورد، ۱۳۰۲ ق، ۳۲۳). در خصوص زادروز برنی، سندی در اختیار نیست؛ اما خود وی متذکر می‌شود که هنگام تألیف تاریخ فیروزشاهی به سال ۷۵۸ هـ ق، ۷۴ ساله بوده است (برنی، ۱۸۶۲م، ۲۳). با دانستن این موضوع، می‌توان حدس زد که به احتمال وی به سال ۶۸۴ هـ ق و در عهد سلطان غیاث‌الدین زاده شده است. وی در ۷۵۷ ق در غیاث‌پور درگذشت و در کنار پدرش در آرامگاه نظام‌الدین اولیاء به خاک سپرده شد (میرخورد، ۱۳۰۲ ق، ص ۳۲۳).

برنی به دلیل لطافت طبع و مهارت نویسندگی، بیش از هفده سال به عنوان ندیم و مشاور، در دربار سلطان محمد تغلق (حک: ۷۲۵ - ۷۵۲ هـ ق) - پسر و جانشین سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه - خدمت کرده است (دهلوی کشمیری، ۱۹۸۸م، ۸۸؛ برنی، ۱۸۶۲م، ۴۶۲). پس از مرگ سلطان محمد تغلق و قدرت‌گیری فیروزشاه، برنی به اتهام دخالت در امر جانشینی از دربار طرد شد (barany, 1938, 87). وی اواخر عمر را در فقر گذراند و مواجهی را که فیروزشاه برایش فرستاده بود، در راه خدا صدقه داد (میر خورد، ۱۳۰۲ ق، ۳۲۳).

۱. اکنون این شهر معروف به بولند شهر است.

### نگارش کتاب در حوزه حاکمیت سیاسی تغلق شاهیان

برنی مورخی در دربار بود و با دربار تغلق شاهیان ارتباط تنگاتنگ داشت. ذکر شد که وی سال‌ها در دربار حضور داشت. ندیم و مشاور سلطان بودن، خدمت به سلاطین، تهمت دخالت در امور حکومت از جمله جانشینی و وابستگی اقتصادی به دربار و دریافت مواجب از آنان نشان می‌دهد که وی آثار خود را در حوزه تاریخ‌نگاری رسمی نگاشته است، اما علت تمایز وی با دیگران در چیست؟

کتاب تاریخ فیروزشاهی تألیف ضیاء‌الدین مؤیدالملک برنی، یکی از مهم‌ترین متون تاریخ‌نگاری هند در عصر اسلامی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. این کتاب وقایع دوران هشت تن از پادشاهان دهلی، از سلطان بلبن (حک: ۶۶۴ - ۶۸۴ق) تا سال ششم حکومت سلطان فیروزشاه (۷۵۸ هـ. ق) - نزدیک به یکصد سال - را دربر می‌گیرد. این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که با وجود حضور مورخ در کنار دولتمردان و قصد نگارش تاریخ آنان و متفاوت با عموم مورخان حاضر در دربار حکومتی، در کنار امور سیاسی و حکومتی به مسائل مهم اجتماعی نیز پرداخته است. با این حال، فهم تاریخ‌نگاری برنی بدون شناخت بینش تاریخی او ممکن نیست. او به دلیل حضور در دربار تغلق شاهیان و داشتن علاقه به برخی از آنان، همچنان در حوزه تاریخ‌نگاری رسمی قلم زده است. به نظر می‌رسد او با تأکید بر لزوم وجود برخی قواعد اجتماعی، چون لزوم اصلاح وضع رعایا به دست سلاطین و بهره‌گیری از عدالت می‌کوشد اوضاع و جریان‌های سیاسی عصر خود را با ذره‌بین اجتماعی مورد بررسی و انتقاد قرار دهد. وجود شاخص‌هایی از قبیل دید انتقادی، بینش سیاسی، تأکید بر اصل علیت و نشان‌دادن چهره واقعی تری از اجتماع به حکام، نگرش و نگارش وی را از دیگران متفاوت و متمایز کرده است.

بیان خصوصیات اخلاقی شاهان بلبن، خلجی و تغلقی چهره‌دقیقی از شاهان را برای خواننده ترسیم می‌کند. بیان جزئیات وقایع به‌ویژه در مورد حاکمان بر اهمیت کتاب می‌افزاید. توصیف او از اخلاق و رفتار پادشاهان «گاه چنان دقیق و هنرمندانه است» که همانند سخن مرحوم زرین کوب «می‌توان تصویر واقعی احوال طبقات را نقش زد» (زرین کوب، ۶۸).

### روش‌شناسی تاریخی برنی

برنی تاریخ هند در زمان تغلق‌شاهیان را که در دوره اسلامی در این سرزمین حکم می‌راندند، به زبان فارسی نگاشته و با استفاده از آرایه‌ها و سنت‌های ادبی، بر جذابیت کتاب افزوده است. وی کتاب را به شیوه وقایع‌نگاری نگاشته است. هرچند بخش‌های مختلف کتاب با عنوان یکی از سلاطین شروع شده، اما محتوای آن براساس امور مهمی است که برای سلاطین و خوانندگان کتاب مفید واقع شود. همین امر موجب شده در برخی بخش‌ها، نوشتار کتاب دچار بی‌ترتیبی شود. نگاه تحلیلی و منتقدانه به وقایع بدون پیش‌فرض برای دستیابی به حقیقت، استفاده از روش مشاهده و گردآوری روایات شفاهی از طریق گفتگوی حضوری با افراد، جزئی‌نگری و نو بودن موضوع از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری برنی است. در نوشته حاضر کوشش شده است تا وجوه رویکردی او از حوزه تاریخ‌نگاری رسمی به اجتماعی‌نگاری نشان داده شود.

### اجتماعی‌نگاری؛ رویکردی درون‌حوزه‌ای در اثر برنی

امروزه مطالعات تاریخ اجتماعی بخش مهمی از حوزه علم تاریخ را به خود اختصاص داده است. در حقیقت تاریخ اجتماعی «رویکردی نو[ینی است] که نگاه مورخان از تاریخ جنگ‌ها و اراده‌ها و اعمال مردان بزرگ به تاریخ زندگی‌ها و رفتار مردم جامعه معطوف شده است و در سه حوزه رابطه مردم با مردم، مردم با حکومت و مردم با زیست‌جهان مادی و معنوی روابط را در چارچوب علی و معلولی تبیین می‌کند (موسی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). تاریخ آموزش، تاریخ ادیان، مذاهب، مناسک و آیین‌ها، جمعیت‌شناسی، جنبش‌های اجتماعی، حقوق شهروندی، روابط کاری انسان‌ها، حقوق اجتماعی، اعتراض‌ها و شورش‌ها و... از مسائل مورد نظر در مطالعات اجتماعی است که بر وسعت حوزه‌های آن افزوده است.

در کتاب‌ها و نوشته‌های کهن غلبه با رویکرد گرایش به نگارش حکومت‌ها و رخدادهای مرتبط با آن بوده است. با این حال، مورخانی وقایع و رخدادهای غیرحکومتی را نیز می‌دیدند و می‌نگاشتند. نخستین کسی که آگاهانه تاریخ را با بینش اجتماعی

نگریست، ابن خلدون بود. وی در «مقدمه» سیر تکامل بشر از کهن تا تمدن را شرح می‌دهد. از دید وی، نوع بشر با هم ترکیب می‌شود، ستیز می‌کند، حکومت تشکیل می‌دهد و تمدن‌هایی با هنر و فرهنگ و صنعت گوناگون پدید می‌آورد (ابن خلدون، ۱، ۱۳۷۵، ۶۵ - ۶۴). از دید وی تنها وقایع سیاسی تاریخ را نمی‌سازد، بلکه هر آنچه زندگی بشر را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند موضوع علم تاریخ باشد.

حسن برنی با مقایسه بینش ابن خلدون و ضیاءالدین برنی قصد داشته دیدگاه‌های این دو را به هم نزدیک کند. هرچند وی معترف است که نظرات قابل قیاس نیست اما اذعان دارد که میل به تألیف تاریخ اجتماعی را می‌توان در اثر برنی یافت (barany, 1938, 90-91). اشاره شد که برنی تاریخ دوران حکامی از تغلق‌شاهیان و در ارتباط با آنان وقایعی از حاکمیت بلبن‌ها و خلجی‌ها را در اثر خویش نگاشته است. این امر حرکت در حوزه تاریخ‌نگاری سیاسی و رسمی به شمار می‌آید تا از بُعد صرفاً سیاسی برهد و با رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار و سیاست‌های آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشد. وی، علم تاریخ را به معنای تلاش برای تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف حیات انسان در بستر زمان دانسته و به فراخور حوادث، تحلیلی جامع از عصر خویش ارائه کرده است. برنی با بذل توجه به رخدادها و وقایعی از قبیل قحطی، مقاطعه ولایات، وضعیت رعایا، ساختن بناهای عمومی، اوضاع تجاری، مالی و دیوانی تصاویری از جامعه عصر خویش را به تماشا گذاشته است که بخش تصمیم‌گیری و اجرای آن به حکومت مرتبط است.

### همدلی با حکومت در روایت یا انعکاس واقعیت اجتماعی

در تاریخ‌نگاری رسمی مورخ بنا به درجه تقرب به حکومت از وابستگی و یا استقلال فکری متفاوتی برخوردار است. نحوه نقل یا انعکاس روایت می‌تواند نشانگر میزان وفاداری و یا همدلی وی با حاکمیت باشد؛ اقدامات مختلفی از قبیل جعل، تحریف، کذب و مسائلی از این دست بالاترین درجه همدلی است. همسو با آن برجسته‌سازی و یا در مقابل حاشیه‌رانی، تغافل، زیاده‌گویی، کم‌نمایی و مواد دیگر همسو با آنها، در حد میانی تا پایین قرار دارند. نمی‌توان انتظار داشت موارد به گفته‌های فوق ختم شود. مورخی که در دربار

شغل و پیشه‌ای دارد و یا مورد مشورت قرار می‌گیرد، در کمترین حد وابستگی می‌کوشد حکام و سلاطین را به اصلاح امور خود و روابط با خلق دعوت کند. از این رو فردی مانند برنی با اقدامات مختلف می‌کوشد با نشان چهرهٔ اجتماع، حاکم را به بهبود اوضاع رهنمون سازد.

اگر با در نظر داشتن موارد فوق نوشته‌های برنی مورد دقت قرار گیرد، مشخص می‌شود که بررسی‌های او بیشتر حالت جامع و همگانی دارد. بررسی وی از مسائل اجتماعی، حول حکومت‌های معاصر یعنی تغلق شاهیان از جمله سلطان محمد تغلق شاه و برادرزاده اش سلطان فیروزشاه می‌چرخد، حال آنکه در بیان حوادث دوره‌های پیشین (سلاطین ممالیک)، به نقل قول بسنده کرده است. وی وضعیت اجتماعی دوران سلطنت خلجیان را نیز گزارش کرده است که پدر و عمویش در این دوران از صاحب‌منصبان دربار به شمار می‌آمدند.

**مردم‌مداری:** برنی با وجود توجه به حاکمیت، در جای جای نوشته خود پای مردم را به میان می‌کشد و با سخن گفتن از «رعیت» بر نقش مردم در تحولات تأکید دارد. از نوشته‌های وی برمی‌آید که او مایل است با وجود حاکمیت، مردم را نیز در نوشته‌های خود مهم ببیند و نقش آنها را باز گوید.

### ۱. دادگری و رعیت‌نوازی

بررسی کتاب تاریخ فیروزشاهی نشان می‌دهد در اندیشه برنی مردم و یا به تعبیر وی «رعیت» از جایگاه مهمی برخوردار است. ریشه‌های قوت و قدرت و یا حتی در مقابل ضعف سلاطین در اعتماد رعیت به پادشاه و یا دوری از وی قرار دارد. برنی با طرح زندگی رعایا، سلاطین معاصر خود را به دادگری و رعیت‌پروری تشویق می‌کند. وی با تمجید سلطان شمس‌الدین غزنوی، در خصوص کارهای عام‌المنفعه به سلطان بلبن چنین گزارش می‌دهد: «بندۀ وی نیز چون سلطان بلبن برای آسودگی خلق از لشکر خود برای عبور آنها از آب‌های بزرگ و پل‌ها و خلیش‌ها پیلان سلطانی در گذرانیدن خلق و عبور و مرور آسان ضعیفان و عاجزان استفاده می‌کرده و حق مظلوم را از ظالم باز می‌ستانده»



برنی، ۱۸۶۲ م، ۴۵ - ۴۴). در جای دیگر از زبان سلطان بلبن می‌آورد: «اگر رغبت رعایا به تنفر بدل شود و رعایا را بر پادشاه اعتمادی نماند تشّت و تفرّق روی نماید و در تفرّق رعایا پادشاهی در خلل و زلل افتد» (همان، ۷۷).

برنی چهار عامل را موجب فتنه و آشوب می‌داند که مهم‌ترین آن بی‌خبری پادشاه از وضعیت رعایا و «نیک و بد خلق» است (همان، ۲۸۲). طغیان رعایا علیه حکومت و کشتار خلق به دست عاملان سلطان محمد تغلق‌شاه، موجب شد تا در خطاب به سلطان بیاورد: «و از جمله امراض ملکی یک مرض بزرگ و مهلک تنفر خواص و عوام مملکت و ناعتمادی عامه رعایاست» (همان، ۵۲۲). برنی یکی از دو بازوی جهاننداری را رعایا می‌داند و در اشاره به رعیت‌نوازی سلطان فیروزشاه می‌آورد: «نام احتیاج در رعایا نمانده» (همان، ۵۵۴). وی حال رعایا را شمشیر دولبه می‌داند که بی‌نویی و رفاه کاملشان موجب فساد است؛ آن‌گونه که سلطان بلبن به فرزندش سفارش می‌کند: «در ستدن خراج با رعایا میانه‌روی را کار فرمایید، نه چندان ستانید که بی‌نوا گردند و نه چنان اندک ستانید که از بسیاری اسباب متمرّد و سرتاب شوند» (همان، ۱۰۰). نوشته وی نشان می‌دهد که در نظر برنی فرو ریختن دیوار اعتماد میان خلق و حکومت عامل ضعف و فتور حاکمیت خواهد بود.

## ۲. وظایف اجتماعی سلاطین در برابر مردم

از بررسی آثار برنی برمی‌آید که وی در حوزه اجتماعی برای حکام و سلاطین وظایفی قائل است که می‌تواند مکمل رعیت‌نوازی باشد. یکی از آن موارد **مقابله با بحران‌ها** از جمله بحران‌های ناشی از حمله دشمنان است. حمله مغول یکی از بزرگ‌ترین گرفتاری‌های جهان اسلام بود که دامنه آن اغلب بلاد اسلامی را حتی تا شرق در خود فرو برد. برنی ترس مردم از حمله مغول به هند در عهد سلطان علاءالدین را چنین ترسیم می‌کند: «در آن سال مغول را چون قصد دهلی بر سر افتاده بود ولایت‌های سمت درآمد را نهب نمی‌کردند و حصارها را زحمت نمی‌دادند و از آمدن آن ملعونان که با لشکری همچون مور و ملخ و آنکه قصد دهلی کرده بودند ولایت‌ها را نهب نمی‌کردند و غنیمت نمی‌ساختند در دهلی تشویشی بزرگ روی نمود و خلق قصبات حوالی را به تمامی در حصار دهلی درآوردند و

حصار کهنه، عمارت نشده بود و مردمان آن چنان تشویش نه گهی دیده و نه بوقتی شنیده بودند و خرد و بزرگ اهل شهر را حیرت بار می‌آورد و در شهر چندان جمعیت شده که در کوچه‌ها و بازارها و مسجدها مردم نمی‌گنجیدند و جمله اسباب در درون شهر گرانی گرفت و راه‌های کاروانیان و سوداگران بسته شد و خلق را درماندگی پیش آمد» (همان، ۲۵۴ - ۲۵۵).

در دنباله گزارش، برنی به بیان راهکار سلطان علاءالدین برای مقابله با حملات مغول می‌پردازد. وی می‌آورد که سلطان پیشنهاد تشکیل ارتش دائمی را به علت هزینه‌های بالا و خالی شدن خزانه رد کرد و چاره کار را ارزانی اسباب معیشت، غله و علوفه دانست. به همین دلیل دست به اصلاحاتی زد که برنی از آن با عنوان «ضابط‌های متین» یاد می‌کند (همان، ۳۰۴ - ۳۰۰). از نوشته‌های برنی برمی‌آید که نقطه محوری در اقدامات سلطان قرار دارد. با این حال وی در پیوند تاریخ‌نگاری رسمی پای رعیت را به میان آورده و حاکم را در مقام وظیفه نسبت به مردم قرار می‌دهد. همان‌گونه که نوشته‌ها نشان می‌دهند اقدامات و اصلاحات سلاطین بهبوددهنده امور است. از مواردی از این دست برمی‌آید که وی در نقطه تاریخ‌نگاری رسمی و بررسی مسائل اجتماعی ایستاده است.

### دومین وظیفه مقابله با خطر بلاای طبیعی

یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی مورد بررسی برنی قحطی‌ها بوده است. وی چندین قحطی را گزارش می‌کند که طی آنها اوضاع سیاسی نیز مختل شد. سلطان با توسل به ابزار زور درصدد غلبه بر بحران ناشی از قحطی برآمد. وی در گزارشی از وقوع قحطی در زمان سلطان محمد تغلق تصویر قحطی و اقدامات حکومتی را آورده است. وی نوشته است: زمانی که سلطان به قصد لشکرکشی از دهلی خارج شد، قیمت غله تا منی شانزده و هفده چیتل افزایش یافت و با بسته شدن راه‌ها، در شهرهای اطراف قحطی رخ داد. سلطان برای رفع مشکل بودجه زیادی به کشت و زراعت اختصاص داد، اما بروز خشک‌سالی تدبیر وی را ناکام گذاشت و در این بین بسیاری از مردم و حیوانات تلف شدند (همان، ۴۸۲ - ۴۸۱). سلطان محمد برای نجات مردم، اجازه خروج به ولایات اطراف هندوستان را صادر و لشکر

را در اطراف رود گنگ مستقر کرد. پس از بارش باران، سلطان قصد عزیمت کرد اما بزرگان شهر، خاصه نویسندگان، به خاطر ترس از کشته شدن، گرانی غله را بهانه کرده و به ولایات آورده و ظفرآباد گریختند. این نافرمانی موجب لشکرکشی سلطان به این مناطق و بازگرداندن مردم به دهلی شد (همان، ۴۹۱ - ۴۸۶). این گزارش وضعیت مردم و نارضایتی آنان از سیاست‌های سلطان محمد را به خوبی نشان می‌دهد.

گزارش گذرای دیگر از قحطی دهلی در زمان سلطان جلال‌الدین خلجی است که با درایت سلطان و صدقات اغنیا، بدون تلفات چشمگیر سپری شد (همان، ۲۱۲). همان‌گونه که اشاره شد، در گزارش‌های برنی از قحطی دو عنصر «رعیت» و «حکومت» به خوبی در جایگاه‌های خود هویدا هستند.

### **سومین حوزه، اقدامات عام‌المنفعه: ساخت مساجد، مدارس، حفر قنات‌ها و کاریزها، لایروبی جوی‌ها**

با وجود برآیند کلی نوشتاری برنی که از سلاطین می‌نویسد، اما در حوزه وظایف عمومی حکومت نسبت به خلق، وظایفی برای آن قائل است که گزارش‌های دقیق و زیبایی نیز از آن داده است. در زمینه عمارات و بناهای عمومی، مورخ در ذیل یازده مقدمه که درباره حکومت سلطان فیروزشاه نوشته است دو مبحث را به این مسئله اختصاص داده است. مقدمه پنجم «در بیان عمارت عهد همایون» و مقدمه ششم «در بیان کافتن جوی‌های بسیار در عهد همایون». یکی از این بناها، مسجد جمعه است که در وصفش می‌آورد: «و یکی از بناهای مبارک فیروزشاهی مسجد جمعه است که عمارتی بس غریب و عجیب و مرتفع و برآمده است و طاق‌های مسجد همایون با طاق آسمان دم مساوات می‌زند» (همان، ۵۶۱). نویسنده به خوبی رغبت مسلمانان به اداء نماز جمعه در این مسجد، با وجود مساجد دیگر، را نمایان می‌سازد.

دیگر بنای مهم، مدرسه فیروزشاهی است که در آن استادان بزرگی از جمله مولانا جلال‌الدین رومی علمی از قبیل تفسیر، حدیث و فقه تدریس می‌کردند. برنی در توصیف آن می‌آورد: «و دوم از بناهای مبارک خداوند عالم مدرسه فیروزشاهی است که بس

بوالعجب عمارتی بر سر حوض علائی بنا شده است و عمارت مدرسه مذکور از رفعت کنبدها و شیرینی عمارت‌ها و موازین صحن‌ها و لطافت نشسته جای‌های و محل‌های مروج و صف‌های دلاویز گوی لطافت از عمارت‌های که در عالم معروف است، ربوده است و عجب عمارتی و بوالعجب بنای که هر که از مقیمان و مسافران در مدرسه فیروزشاهی درمی‌آید همچین تصور می‌کند که مگر در بهشت عدن درآمده» (همان، ۵۶۲). عمارت بالا بند سیری نیز بنایی آموزشی است که یکی از اساتید بنام آن در حوزه علوم دینی نجم‌الدین سمرقندی بوده است (همان، ۵۶۳ - ۵۶۲). علاوه بر این، سلطان فیروزشاه شهرهایی چون فیروزآباد و فتح‌آباد نیز بنا کرده است (همان، ۵۶۶ - ۵۶۵).

برنی در مقدمه ششم به حفر چاه‌ها و کاریزها به امر سلطان و تأثیر آن بر وضعیت زراعت و معیشت مردم می‌پردازد و می‌آورد: «و باری تعالی این چنین خیری که اعظم الخیراتست و هم واسطه خلاص است از تشنگی و بی‌آبی و هم وسیلت زراعت نفایس غلات و نیشکر و باغ‌ها و زر‌ها» (همان، ۵۶۷)، «در کنارهای جوی‌های مذکور چند هزار دیه آبادان خواهد شد و از حرثت و زراعت رعایای آن ده‌ها چند نوع غلها و نعمت‌ها خواهد رست و ارزانی غلها در آن دیار تا کجاها خواهد رسید» (همان، ۵۶۸)، «و از مراحم سلطان فیروزشاهی هم رعایای آن سرزمین را سروسامان پیدا خواهد آمد و هم ولایة و مقطعان را به واسطه آبادانی دیه‌ها ضبط بیشتر روی خواهد نمود و در ستدن خراج و خزینه استقامتی هر چه تمام تر ظاهر خواهد شد و عامه رعایای آن جانب که نی‌شکر و گندم و نخود و میوه‌ها و گل‌های باغی به چشم نمی‌دیدند و به گوش می‌شنیدند، در آن سرزمین برویندی» (همان، ۵۶۹ - ۵۶۸)، «و از دولت روز افزون فیروزشاهی همه در سنوات نزدیک نه دور چندان نعمت گوناگون در آن سرزمین روید که از بسیاری از آن سرزمین در دارالملک دهلی فروختن آرند» (همان، ۵۷۰). نویسنده توجه سلطان به امور عام‌المنفعه را موجب پایداری حکومت، رفاه رعایا و توسعه اقتصادی می‌داند.

## ۲. نقادی اجتماعی - اقتصادی

یکی از وجوه مهم در تاریخ‌نگاری برنی، که وی را در حد میانه‌ای از تاریخ‌نگاری رسمی و حرکت به سمت اجتماعی‌نگاری قرار داده است، بررسی موارد اقتصادی و اظهارنظر درباره آنهاست. وی در این بخش علاوه بر گزارش، انتقادهایی را ابراز می‌کند که او را در جایگاه ناقد حکومت نشان می‌دهد. هرچند نباید از این بحث غافل بود که وی مورخی درباری است و هدف اغلب نوشته‌هایش بهبود و حفظ جایگاه حکام می‌باشد.

یکی از جنبه‌های مهم در مطالعات اجتماعی توجه به امور اقتصادی است. این امر می‌تواند در حیطه سیاستگذاری اقتصادی و در یا جنبه‌های اجرایی باشد که به موضوعاتی از قبیل مالیات‌ها، نحوه درآمدها و هزینه‌های دولت می‌پردازد. در نقطه مقابل، وی ضمن گزارش آفت‌های اقتصادی - اجتماعی از قبیل رشوه و بی‌لیاقتی اقطاع‌داران، از لزوم به کارگیری افراد لایق و تحسین سلاطین در استخدام کارگزاران شایسته سخن به میان آورده است. این گونه گزارش‌ها، که نمونه‌هایی از آن در ادامه خواهد آمد، تغییر دیدگاه مورخ از نگارش صرف رفتار سلاطین به بازگویی مسائل اجتماعی را مشخص می‌کند.

**الف. مقاطعه‌داری:** با عنایت به مسائل فوق از شاخصه مهم کتاب تاریخ فیروزشاهی، پرداختن به مسائل اقتصادی از جمله خراج، اقطاع و سیاست‌های اقتصادی سلاطین مسلمان دهلی است.

برنی با نگاهی نقادانه به وضعیت اقطاع در زمان سلطان بلبن می‌پردازد. طبق قانون، اقطاع‌داران موظف بودند برحسب مساحت زمینی که در اختیار داشتند، در مواقع لزوم سواره‌نظام برای دربار دهلی بفرستند؛ اما در زمان سلطان بلبن به دلیل رشوه‌هایی که اقطاع‌داران به نویسندگان دیوان عرض می‌دادند، در خانه‌های خود می‌ماندند و «محصول ده‌های رایگان می‌بردند» (همان، ۶۰). هنگامی که به گوش سلطان رسید که «اقطاع‌داران شمسی مر رایگان‌خوار شده‌اند و در نامزدی لشکر نمی‌آیند و در حمایت نویسندگان دیوان عرض ده‌ها را سلامت می‌برند و در خان‌های خود می‌باشند» (همان، ۶۱) دستور عزل اقطاع‌داران صادر شد اما آنان با رشوه‌دادن به ملک‌الامرا فخرالدین کوتوال، سلطان را از

این تصمیم منصرف کردند. بسیاری از این اقطاع‌داران تا آخر عهد سلطان جلال‌الدین نیز بر منصب خود بودند (همان، ۶۴). برنی با نكوهش این امر از زبان سلطان محمود می‌آورد: «اگر مقطعی را در کار ولایت‌داری خطا و سهواً افتد و یا در کارها غفلت کند و شرایط ولایت‌داری به‌جا نتواند آورد او بدان خطا و غفلت از پادشاه معزول شود و او را در حساب کشند» (همان، ۹۷ - ۹۶). وی سلطان غیاث‌الدین تغلق را به خاطر واگذاری اقطاع به اشخاص دادگر ستایش می‌کند (همان، ۴۲۸).

**ب. خراج:** مسئله دیگری که بدان پرداخته شده، احکام مربوط به خراج است. برنی با مقایسه حکم خراج دو دوره سلطان علاء‌الدین و سلطان قطب‌الدین، چنین گزارش می‌دهد که علاء‌الدین امر فرمود «بر گرفتن خراج که در آن خراج یک حکم پیدا کند و خراج اقویا بر ضعفا نیفتد، برای این کار ضوابطی در نظر گرفت: اول آنکه آنچه زراعت می‌کنند از قلیل و کثیر به حکم مساحت بکنند و بی‌هیچ تفاوتی نصف بدهند و دوم آنکه از گاو‌میش و گوسپند هر چه شیرآور بود چرای بستانید و چرای تعیین شد و برای این حکم عمال و نویسندگان و کارکنانی که رشوه بگیرند و خیانت کنند معزول می‌شود» (همان، ۲۸۸ - ۲۸۷). در نتیجه نرخ اجناس و غله ثابت ماند و کسب و کار رونق گرفت (همان، ۳۲۳). زمانی که سلطان قطب‌الدین به تخت نشست «خراج‌های گران و طلب‌های سخت از میان خلق برداشت و مصادره و مکابره و لت و زنجیر و تخت‌بند و چوب از دیوان وزارت دور کرد» (همان، ۳۸۳)؛ اما این سیاست موجب گرانی نرخ‌ها شد (همان، ۳۸۴).

برنی روش خراجی سلطان تغلق‌شاه را تأیید می‌کند. به گزارش وی، سلطان برای تشویق کشاورزان و آبادانی ولایات، خراج را بر میزان محصول بست و دیوان عرض را مکلف کرد که حدود یک یازدهم محصول را به‌عنوان خراج دریافت کنند. از آنجا که خراج توسط اقطاع‌داران و والیان دریافت می‌شد، سلطان در خطاب به آنان می‌گفت: «خراج از ولایت بر نهجی باید ستد که رعایای ولایت در زراعت بیفزایند و گذشته مستقیم گردد. و هر سال چیزی بیفزاید نه آنکه یک کرت چندان بستانید که نه گذشته برقرار ماند

و نه آینده چیزی بر رود ولایت‌ها که خراب می‌شود و خراب می‌نماید از گرانباری خراج و نهایت طلبی پادشاهی است» (همان، ۴۳۰ - ۴۲۹).

برنی مهم‌ترین عامل شورش مردم در اواخر دوران سلطان محمد را چند برابر کردن خراج ولایت میان دو آب می‌داند؛ چنان‌که «در دل سلطان محمد افتاد که خراج ولایت میان دو آب یکی به ده و یکی به بیست می‌باید ستد» (همان، ۴۷۳).

**پ. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و پولی:** کتاب تاریخ فیروزشاهی در خصوص نظام پولی عهد سلاطین دهلی نیز اطلاعاتی ارائه می‌دهد. هر چند می‌توان این بخش را حوزه سیاست‌های حکومتی دید، اما نگاه نقاد مورخ در امور اقتصادی، علاوه بر حاکمیت مردم را نیز مورد توجه قرار داده و تأثیر درست و یا نادرست آن سیاست‌ها را بیان کرده است.

**تثبیت قیمت‌ها:** گزارش برنی از اقدامات و ضوابطی که سلطان علاءالدین برای ثابت نگه داشتن قیمت غله اعمال کرده، مبین نگاه او به روابط مردم با حکومت است. علاءالدین پول رایج را به صورت چیتل<sup>۱</sup> در آورده و ضوابطی بدین شرح نگاشته است: الف) تعیین نرخ غله توسط دستگاه حکومت، بدین صورت که حنظه در منی هفت و نیم چیتل، نخود در منی پنج چیتل... ب) انبار کردن غله‌ها در انبارهای سلطنتی و برای این کار خراج برخی از اقطاع را به صورت عین غله دریافت کنند؛ فواید این ضابطه آن بود که در مواقع ضرورت چون قحطی و بسته شدن راه‌های کاروانیان بر اثر جنگ بتوان از غله‌های ذخیره شده استفاده کرد. پ) نصب کردن شحنه و کارکنان با قدرت و معتبر (ت) نوشتن اسامی تمام تاجران و کاروانیان (ث) منع احتکار غله توسط مردم (ج) وادار کردن تاجران به خرید غله رعایا در محل کشت محصول (برنی، ۱۸۶۲ م، ۳۰۷ - ۳۰۵).

۱. پول رایج هند چیتل مسی با وزنی نامعلوم و تنکه یا در زبان سانسکریت تنکا بوده که برابر با یک توله (سکه هندی) طلا و نقره مسکوک است (استرآبادی، ۱۳۸۷، ۱، ۶۸۹-۶۸۸).

**قیمت‌گذاری کالا: در گزارش او به مواردی توجه شده است.** علاوه بر ضوابطی که علاءالدین برای ارزانی غله تعیین کرده بود، برای ثابت نگه‌داشتن نرخ قماش، که برنی آن را شامل جامه و شکر و نبات و میوه و روغن می‌داند، نیز ضوابطی در نظر گرفته شد. مهم‌ترین این ضوابط، ایجاد سرای عدل بود. لازم بود تجاری که از دربار پروانه کسب دریافت می‌کردند، کالاهای خود را قبل از بردن به بازار به سرای عدل ببرند تا در آنجا قیمت اجناس توسط حکومت تعیین شود. **سیاست قیمت‌گذاری** مهم‌ترین حرکت برای پیشگیری از رشد بی‌رویه قیمت‌ها بود. از جمله این قیمت‌ها، خز دهلی شانزده تنکه، چادر ده چیتل، روغن کنجد هر سیر یک چیتل، نمک هر من پنج چیتل. همچنین سلطان برای ثابت نگه‌داشتن قیمت اسب و برده و چارپایان، جنس و قیمت موازنه آن را تعیین و سوداگران خرید و فروش اسب و برده را از این کار منع کرد (همان، ۳۱۴ - ۳۰۹).

برنی علل توفیق سلطان در اصلاحات را چهار چیز می‌داند: «یکی از سختی فرمان که اصلاً از فرمان او رجوع نیست و دوم از گرانی خراج‌ها که رعایا از شدت طلب محتاج شده غله و اقمشه به نرخ سلطانی می‌فروشدند و سوم از بی‌زری خلق که این مثل در عصر او سایر شد بود که اشتر بدانگی و دانگ کو و چهارم از کارفرمایان گنده‌دست و درشت‌مزاج که نه رشوت می‌ستدند و نه روی کسی نگه می‌داشتند» (همان، ۳۱۲).

برنی در این حوزه به سیاست مالی سلطان محمد تغلق توجه ویژه‌ای دارد. سلطان محمد که اندیشه تصرف ممالک خراسان و عراق را در سر می‌پروراند و برای این کار به پول زیادی محتاج بود، دستور داد که در دارالضرب مهر مس را به ارزش مهر زر و نقره ضرب کند. هدف وی از این کار بها دادن به مس در معاملات و ایجاد یک نظام واحد پولی بود. در نتیجه در هر خانه‌ای دارالضربی تأسیس شد که با تحویل سکه مس به خزانه معادلش طلا و نقره دریافت می‌کرد. این سیاست باعث بی‌ارزش شدن مس، افزایش چهارالی پنج برابری قیمت طلا و نقره و خالی شدن خزانه شد (همان، ۴۷۶ - ۴۷۵). هرچند سلطان محمد قصد انجام اصلاحات پولی (barany, 1938, 97) و ایجاد سکه مسی به عنوان پول رسمی را داشت؛ اما توانایی مردم برای ساخت سکه این نقشه را بر هم زد (استرآبادی، ۱۳۸۷، ۱، ۴۵۱).



از بررسی نمونه‌های فوق برمی‌آید که برنی با هدف آگاه‌ساختن اخلاف تغلق‌شاهیان، به بررسی سیاست‌های اقتصادی سلاطین و تأثیر آن در وضع معیشت رعایا پرداخته و اطلاعات باارزشی در خصوص علل شکست یا موفقیت اصلاحات در زمینه‌ی تجارت و کشاورزی ارائه کرده است. این اطلاعات ذی‌قیمت ابزاری مؤثری در دست محقق کنونی است که با آن اوضاع اجتماعی زمان وی را می‌سنجد.

### ریشه‌های اجتماعی ضعف و سقوط حکومت‌ها

اشاره شد که برنی دوران حکومت سه خاندان یعنی اواخر عصر ممالیکی (حک: ۶۸۹-۶۸۵ هجری)، سراسر عصر خلجی‌ها (حک: ۶۸۹-۷۲۰ هجری) و اوایل عصر تغلق‌شاهیان (حک: ۷۲۰-۸۱۷ هجری) را مشاهده، ثبت و بررسی کرده است. وی در کتاب خود به شیوه‌ای نقادانه، از علل تغییر و سقوط حکومت‌ها سخن می‌راند.

### تغییر خلق خوی حاکم و رعیت

این فرایند را در تحلیل او از تغییر در سلطنت سلطان معزالدین می‌توان دید که چگونه با تغییر خلق‌و‌خوی حکام و کردار آن‌ها، حکومت‌ها و جوامع نیز تغییر می‌یابند و با این تغییرها، تضاد و تباین در حکومت‌ها، ایجاد می‌شود. بعد از سخت‌گیری‌ها و قهر و سقوط سلطان معزالدین، رفتار و کردار مردم نیز با آمدن شاه جدید تغییر یافت. به قول برنی هنگام جلوس سلطان معزالدین «جهان به کام بطلان شد و خوشی‌طلبان و مجلس‌آرایان و نشاط‌جویان و لطیفه‌گویان و مضحک‌سازان که خپ کرده بودند و در گوشه‌های خواری بیکار و بی‌خریدار مانده در کار شدند» (برنی، ۱۸۶۲، م، ۱۲۹) و بدین ترتیب، مردم همچون سلطان به طرف لهو و لعب و شراب و شاهد ترغیب شدند؛ بنابراین به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» مردم به شیوه حاکمان خود هستند؛ با تغییر در خلقیات حاکمان، مردم نیز تغییر می‌یابند و این سنت تاریخ زندگی بشر است.

## دوری حکومت از مردم و نخبگان

جامعه‌شناسان، نخبگان را اشخاص و گروه‌هایی می‌دانند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند یا تأثیراتی که بر جای می‌گذارند یا تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند یا ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. از میان انواع نخبگان، نخبگان سنتی و مذهبی (گی‌روشه، ۳۹۶ و ۲۱۴) و نخبگان ایدئولوژیک (همان، ۴۲۳ و ۲۴۰) را می‌توان در کتاب تاریخ فیروزشاهی مشاهده نمود.

جایگاه نخبگان در اندیشه برنی چنان بالاست که در دیباچه شرح وقایع هر یک از سلاطین ابتدا اشخاص مهم و معتبر معاصرش را بیان می‌کند (همان، ۲۴ و ۱۲۶ و ۱۷۴ و ۲۴۱ - ۲۴۰ و ۳۷۸ - ۳۸۰ و ۴۲۴ - ۴۲۳ و ۴۵۵ - ۴۵۴ و ۵۲۸ - ۵۲۷) و بعد به ذکر حوادث مربوط به دوران سلطنت می‌پردازد. به نظر می‌رسد برنی جایگاهی درخور برای افراد متنفذ مذهبی نزد مردم قائل است. این امر بیانگر نگرش او به گزارش و بررسی نقش و تأثیر افرادی است که در ساختار حکومت نبودند، اما بر ارتباط آن با مردم تأثیر گذارند.

یکی از حرکت‌هایی که به محوریت نخبگان رخ داد و برنی آن را گزارش و تحلیل کرده است، توسط سیدی موله از نخبگان مذهبی در زمان سلطنت سلطان جلال‌الدین خلجی شکل گرفت. وی که از سادات کیلوکهری بود در دهلی مریدان بسیار داشت. پسر بزرگ سلطان جلال‌الدین و امرا و بزرگ‌زادگان خاندان بلینی به همراه سیدی موله قصد کشتن سلطان جلال‌الدین را داشتند، اما این فتنه خوابانده شد و سیدی موله به قتل رسید (همان، ۲۱۱ - ۲۰۹). برنی معتقد است «درویش کشتن شوم باشد» (همان، ۲۱۲) و قحطی که در این زمان در دهلی رخ داد را به این واقعه ربط می‌دهد. (همانجا)

سلاطین مسلمان دهلی همواره از قدرت‌گیری سادات واهمه داشتند، چنان‌که سلطان قطب‌الدین برای کاهش قدرت شیخ نظام‌الدین اولیاء، ملوک و امرا را از زیارت شیخ منع کرد و برای سر او هزار تنکه زر جایزه گذاشت (همان، ۳۹۶). بدین ترتیب برنی به نقش نخبگان در ایجاد قیام‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی اشاره می‌کند.

### درگیر کردن مردم در درگیری‌های درون حکومتی

یکی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی، عامل جنگ می‌باشد که برنی نیز در تغییرات اجتماعی به آن نیز توجه کرده است. وی صرفاً جنگ‌هایی را که تأثیراتی در فرایند دگرگونی ساختارهای اجتماعی داشته، ذکر می‌کند. سلطان علاءالدین پس از پیروزی بر مغولان و غنایمی که از فتح نواحی دیوگیر به دست آورد، بر سلطان جلال‌الدین شورید و او را کشت. سپس برای کسب مشروعیت، انعام زیادی بین مردم پخش کرد (همان، ۲۴۸). ثروتی که از راه فتوحات به جامعه تزریق شد، موجب گرایش مردم به تجمعات، دور شدن از ارزش‌های اسلامی و پایداری حکومت سلطان علاءالدین گردید.

از دیگر جنگ‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته است، جنگ‌های میان مسلمانان و هندوهاست. سلطنت خاندان خلجیان توسط خسرو خان هندوی از بین رفت. وی پس از رسیدن به قدرت خود را سلطان ناصرالدین خطاب کرد و برای استحکام سلطنت و به دست آوردن پایگاه مردمی، بخشش‌ها و انعام‌ها کرد؛ اما حکومت او بیش از چهار ماه دوام نیاورد و توسط سلطان غیاث‌الدین تغلق‌شاه که در آن زمان صاحب اقطاع دیوبال پور بود از بین رفت. سلطان غیاث‌الدین تغلق به دهلی لشکرکشی کرد و اجازه سلطنت هندوها بر مسلمانان را نداد (همان، ۴۱۹ - ۴۱۲).

برنی نحوه برخورد مردم با سلطنت خسرو خان را در سه دسته بررسی می‌کند: گروه نخست کسانی که به خاطر مال دنیا و ضعف ایمان به حکومت خسرو خان رضایت دادند، گروه دوم که با وجود دریافت مواجب و انعام در باطن با هندوان مخالف بودند و گروه سوم که به دلیل اعتقاد راسخ به اسلام با کمک سلطان غیاث‌الدین تغلق‌شاه به سلطنت کفار پایان دادند (همان، ۴۱۳ - ۴۱۲). جنگ با هندوان موجب شد که در زمان تغلق‌شاهیان طریقه اعتدال رعایت شود به اندازه‌ای که هندوها از دارایی زیاد متمدن نشوند و از واداری نیز ترک وطن نکنند (همان، ۴۳۰).

برنی با دیدی نخبه‌گرا، به بررسی نقش نخبگان سیاسی و مذهبی در بروز رویدادها و جایگاه آن‌ها در میان مردم پرداخته است که این امر موجب ترس شاهان از افزایش قدرت آنان را در پی داشته است. برنی مهم‌ترین علت سقوط حکومت‌ها را گرایش شاهان به

ستمگری و بی‌اخلاقی دانسته است. از دید وی، فساد شاه موجب فساد رعیت می‌شود و این امر زمینه حمایت از دشمن و سقوط حکومت را فراهم می‌آورد. موارد فوق، نمونه‌هایی از تعداد فراوان گزارش‌های برنی از حضور مردم در مسائل مختلف است که نشان می‌دهد وی در رویکردی متفاوت، علاوه بر روایت تاریخ رسمی حکومت عنصر مردم را قوی دیده و برخلاف دیگر مورخان کهن به انعکاس آن همت گماشته است. وی نیز با توجه به طرحی که در ذهن خود داشته است، حوادث تأثیرگذار عصر خود را گزینش کرده و بازخورد آن را در رفتار مردم نشان داده است.

### نتیجه‌گیری

در نگارش تاریخ با رویکرد سیاسی یا تاریخ‌نگاری رسمی، همه توجه مورخ به هرم قدرت یعنی سلطان و عوامل او معطوف است. درحالی‌که در تاریخ‌نگاری با رویکرد اجتماعی، وضعیت جامعه و مردم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. توجه برنی به مردم یا به تعبیر وی «رعیت» در کتاب تاریخ فیروزشاهی بسیار شاخص است. او به جای توجه صرف به مسائل حکومت‌ها و امور سیاسی از نقش مردم غافل نبوده است. همین امر تفاوت و تمایز اثر او را با دیگر مورخان کهن نشان می‌دهد. وی در حرکت از تاریخ‌نگاری رسمی، که تاریخ حکومت‌هاست، کوشیده است مردم‌داری را از وظایف حکومت بشمارد و برای نیل به این هدف مسائل مرتبط با مردم را در نوشته‌های خود آورده و بر آنها تأکید کرده است. نقش توجه به مردم در استواری و قدرت حکومت، در مقابل تضعیف حکومت‌ها در اثر دور شدن از مردم به خوبی در گزارش‌ها و روایت او از وقایع آمده است. به این سبب می‌توان وی را مورخی دانست که با اتخاذ رویکرد اجتماعی‌نگاری در تاریخ‌نگاری رسمی، گونه جدیدی از تاریخ‌نگاری را ابداع کرده است.



## منابع

- ابراهیمی، رقیه. «اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**. سال اول. شماره ۲. پاییز ۱۳۸۸.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمد، عزیز (۱۳۶۷). **تاریخ تفکر اسلامی در هند**. ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی. تهران: انتشارات کیهان با همکاری انتشارات علمی و فرهنگی.
- استرآبادی، محمدقاسم هندوشاه (۱۳۸۷). **تاریخ فرشته**، تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برنی، ضیاءالدین (۱۸۶۲ م). **تاریخ فیروزشاهی** (چاپ سنگی). تصحیح سید احمدخان صاحب مولوی. کلکته: بی‌نا.
- بلک، آنتونی (۱۳۸۵). **تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز**. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ثبوت، اکبر (۱۳۸۳). مدخل ضیاءالدین برنی. **دانشنامه جهان اسلام**. تهران.
- حسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۵۰). **نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر**. حیدرآباد الدکن: دائره المعارف العثمانیه.
- دهلوی، جمال‌الدین عبدالحق (۱۱۳۲ ق). **اخبار الاخیار فی اسرار الابرار**. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی ۲۴۰۳. بی‌نا.
- دهلوی کشمیری، محمدصادق (۱۹۸۸ م). **کلمات الصادقین**. تصحیح محمد سلیم اختر. لاهور اسلام‌آباد با همکاری انتشارات القریش.
- روشه، گی (۱۳۶۶). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه منصور وثوق. تهران: نشر نی.
- راغب، محمد. «رویکردهای روایی ضیاءالدین برنی در تاریخ‌نگاری و مقایسه آن با شیوه تاریخ بیهقی»، **نامه فرهنگستان** ویژه شبه‌قاره هند



- زرهانی، سیدحسین. «تداوم و نوآوری در اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی، و کتاب فتاوی جهان‌داری». **فصلنامه مطالعات شبه‌قاره**. دوره ۷. شماره ۲۴. پاییز ۱۳۹۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). **تاریخ در ترازو**. تهران: امیرکبیر.
- شیمل، آنه ماری (۱۳۷۳). **ادبیات فارسی در هند**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرخورد، محمد بن مبارک (۱۳۰۲). **سیرالاولیاء**. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- موحدی، محمدعلی. «سیاست‌نامه و فتاوی جهان‌داری». **ویژه نامه فرهنگستان (شبه‌قاره)**. شماره اول، ۱۳۹۲.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری**. تهران: انتشارات فروغی.
- نوشاهی، سید عارف (۱۳۵۰). **فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش**. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- Barany, syed Hassan (January 1938), **ziauddin barany**, vol.12, **Islamic culture**. Habib, Mohammad. **Life and thought of Ziauddin Barani** Medieval India Quarterly, vol. 3 (1-2) 1957.
- **Life and thought of Ziauddin Barani**. Habib, Mohammad **Medieval India Quarterly**, vol. 3 (3-4), 1958.
- Habib, Mohammad; Khan, Afsar Umar Salim, **The Political Theory of the Delhi Sultanate:(including a Translation of Ziauddin Barani's Fatawa-i Jahandari, Circa, 1358-9 AD)** . Allahabad: Kitab Mahal, 1961.

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## اهمیت عهدنامه‌ها و سوگندنامه‌های فارسی قرن پنجم و ششم هجری قمری در تبیین روابط حکومت مرکزی و حکام تابع

علی رضاییان<sup>۱</sup>  
قاسم سالاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۱

### چکیده

عهدنامه و سوگندنامه گونه‌ای از منشآت رسمی باقی‌مانده از قرن پنجم و ششم هجری قمری است. با بررسی منشآت و متون تاریخی این عهد می‌توان عهدنامه‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: اول عهدنامه‌هایی که خلفا، سلاطین و افراد بلندمرتبه برای تضمین امنیت به حاکمان و تابعان و افراد زیردست اعطا می‌کردند. این دسته از عهدنامه‌ها بیشتر به «امان‌نامه» شباهت داشته و به منظور تضمین امنیت فرد تابع صادر می‌شده است. دسته دوم از عهدنامه‌ها، اسنادی بوده که حگام و امرا و افراد زیردست برای تضمین وفاداری و عمل به تعهدات، به فرد بالادست می‌دادند. تعدادی از این دسته عهدنامه‌ها در مجموعه منشآت قرن پنجم و ششم

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج؛ arezaeyan@yu.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه ادبیات دانشگاه یاسوج؛ gsalari@yu.ac.ir

هجری قمری باقی مانده و به دست ما رسیده است. از آنجا که در برخی از موارد عهدنامه‌های یادشده را دیوانیان در دستگاه قدرت بالادست نوشته، برای تأیید به نزد حاکم دست‌نشانده می‌فرستادند، این‌گونه عهدنامه‌ها در تبیین و شناخت روابط سلاطین و حکام تابعه اهمیت خاصی می‌یافت. چرا که توقعات و انتظارات حکومت مرکزی را از حکام و امرای تابع، از دیدگاهی متفاوت به رشته تحریر می‌کشید. این عهدنامه‌ها همراه با مشابهت‌های ساختاری که دارند در پژوهش‌های تاریخی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

## واژگان کلیدی: عهدنامه، سوگندنامه، منشآت، امان‌نامه.

### مقدمه

اسناد، نامه‌ها و فرامین حکومتی از جمله مهم‌ترین منابع در بررسی و شناخت تاریخ هر دوره است. گرچه متأسفانه اصل هیچ یک از اسناد و فرامین صادره از دیوان‌های حاکمان مستقر در ایران طی قرون پنجم و ششم هجری قمری به دست ما نرسیده، اما سوادهایی از این اسناد در قالب منشآت، رونویسی و به ما رسیده است. از آنجا که هدف کاتبان از رونویسی اسناد، حفظ مضمون و محتوای آنها نبوده و بیشتر جنبه ادبی و آموزشی آن مدنظر بوده، نویسنده گاهی برای اظهار توانایی در پرداختن سجع و آرایش‌های کلامی و همچنین به منظور آموزش فنون انشا و ترسل، دخل و تصرف‌های فراوانی در متن این منشآت صورت داده است. گاه برخی از اسناد خلاصه و کوتاه و در بسیاری از موارد اسامی صادرکنندگان و مخاطبان اسناد و فرامین حذف شده است. گرچه دخل و تصرف‌های یادشده بهره‌برداری تاریخی از اسناد مذکور را با مشکل مواجه می‌کند، اما با تمام این کاستی‌ها می‌توان به کمک مجموعه منشآت باقی مانده و برخی متون تاریخی این عصر، بخش‌هایی از اسناد و نامه‌های رسمی این دوره را بازسازی و در بررسی‌های تاریخی استفاده کرد.



نگارندگان مقاله حاضر برآنند تا به دو پرسش زیر پاسخ دهند:

۱. عهدنامه یا سوگندنامه با چه مفهوم و کاربردی در ساختار اداری این عصر استفاده می‌شده است؟
۲. مطالعه‌ی عهدنامه‌های این دوره چه کمکی به شناخت روابط حکام و افراد فرادست با تابعان و افراد زیردست می‌کند؟

در ایران پس از اسلام، نگارش نامه‌های دیوانی و فرمان‌های حکومتی به صورت فنی متمایز از سایر فنون نثر از قبیل نثر علمی، ادبی و تاریخی متجلی گردید. نگاشتن نامه‌ها و فرمان‌های دیوانی در این عهد به میدان رقابت دبیران برای نشان‌دادن فضل و برتری در فنون ادبی تبدیل شده بود. به همین دلیل نیز در بسیاری از موارد بیش از آن که به محتوای نامه و فرمان صادره توجه شود به شکل نگارش آن توجه می‌شد و به نوعی می‌توان گفت که شکل بر محتوا غلبه یافته و ارزش‌های ادبی نامه و فرمان بر اطلاعات و اخباری که قرار بود از طریق نامه و یا فرمان منتقل گردد ارجحیت داشت. نمونه‌ی جالب توجه در این باره نامه‌ای است که در کتاب *المختارات من الرسائل* درج گردیده است. براساس این نامه، کاتبی که در خدمت یکی از سلاطین یا حکام این عصر، که نام وی مشخص نمی‌گردد، بوده از سوی سلطان یا حاکم، نامه‌ای خطاب به «دارالخلافة» نوشته است. این نامه پیرامون وضعیت شهر مراغه، که ظاهراً حاکم یادشده قصد فتح آن را داشته، نوشته شده است. کاتب نامه ضمن آن که از کیفیت نگارش آن خطاب به خلیفه ابراز رضایت نموده، معتقد است که از حیث معنایی و ادبی نامه بی‌نظیری نگاشته است. «لفظاً و معنی در این عصر بهتر از آن متصور نشود» آن گونه که از مندرجات نامه برمی‌آید، کاتب نامه خود را به گونه‌ای نوشته که چه مراغه فتح شود و چه نشود بتوان آن را برای خلیفه ارسال کرد. «اگر فتح مراغه میسر شده باشد از این جا که و الان تلک البلده محده ... حدف فرمایند تا از این جا که و بداده اللسان باقی بنویسد» (افشار، طاهر ۱۳۷۸: ۳۸۷ و ۳۸۸). در واقع نامه مذکور قبل از آن که تکلیف فتح شهر مراغه روشن شود نگاشته شده و اطلاع‌رسانی درباره فتح یا عدم فتح شهر در سایه ارزش‌های ادبی نامه قرار گرفته است.

عهدنامه‌ها و سوگندنامه‌های تاریخی، نمونه‌ای از منشآت باقی‌مانده از این دوره است که احتمالاً ریشه در مکاتیب دوره ساسانی داشته و به اعتقاد برخی پژوهش‌گران، بدون تغییر در ساختار به دوران بعد از اسلام نیز منتقل شده است (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۹۳ و ۴). تبادل عهدنامه و سوگندنامه در بین پادشاهان و افراد زبردست آنها برای تضمین تعهدات معمول بوده است. در این مقاله سعی نویسندگان بر آن است تا ضمن معرفی این گونه منشآت، نشان داده شود که گرچه سوگندنامه‌ها و عهدنامه‌های قرن پنجم و ششم، تحت یک عنوان مشترک در منشآت این عصر مشخص گردیده، اما با دو مفهوم کاملاً متفاوت استفاده می‌شده است.

### الف) انواع عهدنامه‌ها

عهدنامه گونه‌ای تعهد و سوگندنامه بود که برای تضمین عمل به قول و قرار و تعهدات فرد نسبت به دیگری نوشته می‌شد. در بررسی کتب تاریخی و مجموعه منشآت دوره غزنوی و سلجوقی، می‌توان دو دسته متمایز از عهدنامه‌ها را تشخیص داد:

۱- دسته اول عهدنامه‌هایی است که از طرف خلفا، سلاطین و حکام فرادست برای افراد تابع اعم از حکام، امرای زبردست و دیوان‌سالاران... صادر می‌شد. در واقع این گونه از عهدنامه‌ها نوعی امان‌نامه بود که در طی آن خلیفه، سلطان یا فرد فرادست می‌پذیرفت تا در صورت عمل به تعهدات فرد تابع، امنیت او را تضمین و به وی تعرض ننماید.

در تاریخ برمکیان آمده است زمانی یحیی برمکی از هارون الرشید نسبت به جان خویش بیمناک شد. هارون سوگند یاد کرد که یحیی از خشم او در امان خواهد بود و وی را نیازارد. یحیی که بیم آن داشت، هارون در هنگام ناراحتی و یا خشم سوگند خویش را فراموش کند، از هارون خواست قول زبانی خود را با نوشتن بر روی کاغذ مؤکد کند. هارون هم برای آسوده کردن خاطر یحیی، سوگندهایی را که به زبان آورده بود به اضافه سوگندهای بیشتری بر روی کاغذ آورده و این وثیقه‌نامه را به تأیید بزرگان رساند. به نوشته تاریخ برمکیان «یحیی چون این عهدنامه بستد به خانه آورد» (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۸۲). در

این جا می‌بینیم که عهدنامه یا سوگندنامه هارون نوعی امان‌نامه جهت تضمین امنیت یحیی برمکی بوده است.

در منابع تاریخ میانه ایران بارها با این مفهوم عهدنامه یعنی تعهدنامه‌ای که توسط فرد فرادست جهت تضمین امنیت به فرد زیر دست داده می‌شد برمی‌خوریم. به نوشته تاریخ سلاجقه روم، لیفون از حکام تابع سلطان سلجوقی روم علاءالدین کیقباد (۶۳۴-۶۱۶ه ق) که علیه سلطان شورش کرده بود، پشیمان گشته از علاءالدین طلب بخشش نموده و تعهد می‌کند خراج ارسالی به سلطان را دو برابر نماید. علاءالدین نیز گناهان او را بخشیده و برای وی «عهدنامه» می‌فرستد (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰، ص ۱۴۱).

در تاریخنامه هرات نیز آمده که در زمان حمله مغول، اهالی قلعه‌ای به نام کالیوین تصمیم می‌گیرند تسلیم فرستادگان تولوی، خان مغول، شوند اما برای تضمین آسیب‌ندیدن در صورت تسلیم‌شدن و قبول ایلی کردن، از نمایندگان مغول می‌خواهند که خان مغول برای آنها «خط امان» صادر کند. نمایندگان خان مغول نیز به اهل قلعه قول می‌دهند که «هم درین چند روز عهدنامه تولی خان به شما رسانیم» (سیفی هروی، ۱۳۸۱: ۱۸). بی‌تردید در هر دو مورد اشاره‌شده، «عهدنامه» در واقع امان‌نامه‌ای بوده که سلطان سلجوقی و تولوی، خان مغول برای تضمین امنیت حاکم دست‌نشانده یا اهالی قلعه‌ای که قصد تسلیم داشته‌اند، صادر کرده‌اند. همان‌گونه که گفته شد عهدنامه‌های مذکور از طرف خلیفه، پادشاه یا حاکم فرادست به کسانی داده می‌شد که در برابر او تمرد و عصیان کرده و یا بیم تمرد ایشان می‌رفته و مورد بخشش پادشاه قرار گرفته، تا آن را در برابر شاهدان بخوانند و امضا کنند (همان، ۳۹۱). در واقع می‌توان سوگندنامه‌های فوق را امان‌نامه خواند. بنابر آنچه گفته شد به دلیل شباهت اسلوب امان‌نامه‌ها گاه تعبیر عهدنامه و سوگندنامه در معنی واحد به کار می‌رفته است و می‌توان افزود اسلوب امان‌نامه‌ها نیز چون سوگندنامه‌ها بوده است با پاره‌ای تغییرات به تناسب موضوع. نمونه‌هایی از عهدنامه‌ها و سوگندنامه‌ها در منشآت قرن ششم به بعد آمده است.

از عهدنامه‌هایی که به عنوان امان‌نامه صادر می‌گردید در مجموعه منشآت قرن پنجم و ششم هجری قمری نمونه‌ای باقی نمانده است، اما در تاریخ بیهقی نمونه‌ای از این گونه

عهدنامه‌ها حفظ شده است. به نوشته بیهقی در زمان حضور مسعود غزنوی (۴۳۲-۴۲۱هـ.ق) در گرگان، حاکم زیاری منطقه، منوچهر بن قابوس از وی طلب عهد و سوگند [امان‌نامه] می‌کند. چرا که «می‌داند روز پدرم به پایان آمده است، جانب خویشان را می‌خواهد که با ما استوار کند» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱۸۷). مسعود نیز عهدنامه‌ای جهت تضمین امنیت وی به خط خود نگاشته و قصد دارد برای منوچهر ارسال کند. اما پیش از آن عبدالغفار - که از چهارده سالگی مسعود در خدمت او بوده و در زمان ولیعهدی او نیز سمت دبیری او را داشته است - مسعود را از تبعات مطلع شدن محمود از این عهدنامه و مکاتبه بر حذر می‌دارد. متن این عهدنامه در تاریخ بیهقی نیامده و به صورت کلی با این عبارات نوشته شده است:

«همی گوید مسعود بن محمود که به خدای عزوجل و آن سوگند که در عهدنامه نویسند» که تا امیر جلیل فلک‌المعالی منوچهر بن قابوس با ما باشد". و شرایط را تا به پایان به تمامی آورده...» (همان، ۱۸۶).

همان‌گونه که در متن عهدنامه دیده می‌شود، مسعود تضمین می‌کند در صورتی که منوچهر بن قابوس «با ما باشد» در امان خواهد بود و این به معنای نادیده‌انگاشتن سلطان محمود بوده است. به همین دلیل دبیر او از این که عهدنامه به دست محمود بیفتد بیمناک شده و مسعود را از امان دادن به حاکم زیاری بدون اطلاع محمود بر حذر داشته و پیشنهاد می‌کند که اگر می‌خواهی چنین عهدی ببندی و خواسته منوچهر را اجابت کنی نسخه عهدنامه را به گونه‌ای بنویس که اگر به دست محمود افتاد بداند که در خدمت و متابعت او چنین عهدی با منوچهر بسته شده نه سرخود و از سر قدرت. متن این عهدنامه (سوگندنامه - امان‌نامه) اخیر در تاریخ بیهقی مضبوط است:

«همی گوید مسعود بن محمود که به ایزد و به زینهار ایزد و بدان خدای که نهان و آشکارای خلق داند که تا امیر جلیل منصور، منوچهر بن قابوس طاعت دار و فرمانبردار و خراج گزار خداوند سلطان معظم ابوالقاسم محمود بن ناصر دین‌الله ... باشد و شرایط آن عهد که او را بسته است و به سوگندان گران استوار کرده و بدان گواه گرفته، نگاه دارد و چیزی از آن تغییر نکند، من دوست او باشم به دل و با

نیّت و اعتقاد و با دوستان او دوستی کنم و با دشمنان او مخالفت و دشمنی و معونت و مظاهرت خویش پیش وی دارم و شرایط یگانگی به جا آورم و نیابت نیکو نگاه دارم وی را در مجلس عالی خداوند پدر ..... و تا او مطاوعت نماید و برین جمله باشد و شرایط عهدی را که بست نگاه دارد، من با وی برین جمله باشم و اگر این سوگند را دروغ کنم و عهد بشکنم از خدای عزوجل بیزارم و از حول و قوه وی اعتماد بر حول و قوه خویش کردم و از پیغامبران صلوات الله علیهم اجمعین و کتب بتاریخ کذا». این عهدنامه برین جمله پرداخت و به نزدیک منوچهر فرستاد و او خدمت و بندگی نمود و دل او بیارامید» (همان، ۱۸۷ و ۱۸۸).

عهدنامه مذکور تنها نمونه باقی مانده از امان‌نامه‌های صادره از دربار حکومت‌های این عهد است و بیانگر آن است که این دسته از عهدنامه‌ها، دقیقاً در معنا و کارکرد امان‌نامه به کار می‌رفته است. گرچه متن هیچ‌یک از عهدنامه‌های صادرشده به معنی امان‌نامه در مجموعه منشآت این عهد باقی نمانده اما اشاره بیهقی به دو عهدنامه صادره از دیوان مسعود غزنوی بیانگر شکل کلی این گونه از عهدنامه می‌باشد.

بنا بر دو متن مذکور، عهدنامه‌هایی که به صورت امان‌نامه یا سوگندنامه صادر می‌شد معمولاً به تقاضای فرد پایین دست جهت تضمین امنیت از سوی فرد بالادست صادر می‌گردید. چنان که ذکر شد این یحیی برمکی بود که پس از بیمناک شدن از جان خویش از هارون تقاضای امان‌نامه کرد. در عهدنامه یادشده در عهد مغول نیز اهالی قلعه کالیوین از خان مغول امان‌نامه (عهدنامه) طلب می‌کنند. در یگانه عهدنامه باقی مانده از این عصر نیز این منوچهر بن قابوس است که از مسعود غزنوی تقاضای امان‌نامه می‌کند. به نوشته تاریخ بیهقی پس از آن که منوچهر بن قابوس از سلطان مسعود غزنوی طلب عهدنامه کرده و آن را دریافت کرد: «این عهدنامه برین جمله پرداخت و به نزدیک منوچهر فرستاد و او خدمت و بندگی نمود و دل او بیارامید» (همان، ۱۸۷ و ۱۸۸).

بنابر آنچه گذشت این دسته از عهدنامه‌ها به درخواست فرد پایین دست و برای تضمین امنیت و رفع نگرانی، از سوی فرد بالادست صادر می‌شد.

۲- دسته دیگری عهدنامه‌ها، با هدف و شکلی کاملاً متفاوت از امان‌نامه‌ها نوشته می‌شد. این عهدنامه‌ها، مجموعه تعهداتی بود که غالباً توسط امرای تابع به سلطان یا حاکم فرادست داده می‌شد. نمونه‌هایی چند از این دسته عهدنامه‌ها در مجموعه منشآت این عصر باقی‌مانده است. این گروه از عهدنامه‌ها همانند سایر منشآت این دوره، قالب مشخصی داشت که با کمک عهدنامه‌های باقی‌مانده از قرن پنجم و ششم هجری قمری می‌توان تا حدودی ساختار کلی آنها را شناخت و بخش‌های زیر را در آن بازشناسی کرد:

### ۱-۲- مقدمه مزین به آیه‌ای از قرآن کریم مناسب موضوع عهد:

این گروه از عهدنامه‌ها، غالباً با آیه‌ای از قرآن که متضمن وفای به عهد بود آغاز می‌شد. برای مثال عهدنامه صادره از سوی آتسز خوازمشاه (۵۵۱-۵۲۱ هـ ق) جهت سلطان سنجر سلجوقی (۵۵۲-۵۱۱ هـ ق) با آیه «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا» (منشآت لنینگراد، ص ۱۲۴ب) آغاز می‌شود. در عهدنامه صادره از سوی محمد بن ایلدگز مندرج در المختارات من الرسائل نیز همین آیه در صدر نشسته است (۱۳۷۸، ص ۲۰۶).

### ۲-۲- ذکر سوگند از سوی سوگندخورنده:

فردِ صادرکننده عهدنامه، سوگندهای متعدد می‌خورد. از آنجا که رسم بود در برخی مواقع، البته نه در همه موارد، دیوانیان فردِ بالادست متن سوگندنامه را نگاشته، برای تأیید به نزد فرد تابع می‌فرستادند، سعی می‌گردید تا سوگندان محکمی برای تضمین هرچه بیشتر عهدنامه در متن بیاید. نمونه‌ای از این گونه سوگندان یادشده را در عهدنامه نگاشته‌شده در دیوان تکش خوارزمشاه (۵۶۷-۵۹۶ هـ ق) برای تأیید یکی از حکام تابع می‌توان دید:

«به ایزد به ایزد به ایزد، به زینهار ایزد، به خدایی که قادر بر کمال است، به خدایی که لم یزل و لایزال است. به خدایی که نهان و آشکار در علم قدیم او یکسان است، به خدایی که جان‌دادن و جان‌ستدن پیش قدرت شامل او آسان است، به خدایی که عرصه ملکش عرضه آرز نیاز است، به خدایی که ذات پاکش را وصمت نظیر و انباز نیست، به خدایی که

بازگشت همه آدمیان به او و روزی عالمیان ازوست. به خدایی که قرآن مجید کلام اوست و دیباچه صحیفه مجد نام اوست..... (بهاءالدین محمد بن موید بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۰-۱۳۹).

### ۲-۳- شرح ریزبه‌ریز مجموعه وظایفی که سوگندخورنده متعهد به انجام آن می‌شد:

«که از این عهد و ساعت که این عهد می‌بندم و سوگند می‌خورم، در خدمت و طاعت خداوند عالم تکش خوارزمشاه المعظم، ایل ارسلان ضاعف الله سلطانه و اعز اعوانه، صافی دل و پاکیزه اعتقاد و بی‌غایله باشم و...» (بغدادی، ۱۴۰: ۱۳۱۵).

### ۲-۴- پذیرفتن عقوبت گناهان غیرقابل بخشایش در صورت عدم اجرای تعهدات از سوی سوگندخورنده:

صادرکننده عهدنامه (سوگندخورنده) متقبل می‌شد چنان‌که تعهدات خود را اجرا نکند، گناهان غیرقابل بخشایشی که عقوبت آنها بر گردن اوست مرتکب شده است: «اگر خلاف این عهد کنم قرآن مجید را اساطیرالاولین دانسته (المختارات، ۱۳۷۸: ۲۱۰). قرآن را زند و پازند دانسته» (همان، ۲۱۱). «اگر خلاف این عهد کنم هر خون که از عهد آدم تا منقرض عالم ریخته‌اند و خواهند ریخت خصوصاً خون شهیدان کربلا الحسن و الحسین - رضی الله عنهما- در گردن من است» (همان، ۲۱۰). «اگر این جمله یا یکی از این جمله خلاف کنم وبال هر خون ناحق که در عهد آدم تا منقرض عالم ریخته‌اند و خواهند ریخت به خویشان پذیرفته باشم» (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۴).

### ۲-۵- تعیین مجازات‌ها در صورت نقض عهد و سوگند:

همچنین صادرکننده عهدنامه متقبل می‌شد تنبیه و مجازات‌هایی نیز در صورت نقض عهدنامه برای وی در نظر گرفته شود: رفتن ده حج پیاده (المختارات، ۱۳۷۸: ۲۱۰) و (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۳) و (منشآت لنینگراد، ۱۲۴b) سه طلاقه شدن همسران (المختارات، ۱۳۷۸: ۲۱۰) و (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۴) منشآت لنینگراد، ص ۱۲۴b) ده سال روزه (منشآت

لنینگراد، ص ۱۲۴b) و (بغدادی: ۱۴۳) و آزادی تمامی بندگان (المختارات، ۱۳۷۸: ۲۱۰ و (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۴) از جمله این مجازات‌ها بود.

«و اگر این جمله سوگند یا یکی را خلاف کنم، ده یال روزه پیوسته، خدای را بر من واجب باشد و ده حج خدای را بر من لازم گردد...» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۹۸).

## ۲-۶- شهادت گواهان و معتبران

به نظر می‌رسد عهدنامه در حضور بزرگان و معتبران محلی خوانده شده و آنان به همراه خداوند، پیامبران و فرشتگان به عنوان شهود و گواهان عهدنامه معرفی می‌گردیدند. «خدای عزوجل را و رسول او را محمد علیه‌السلام و جمله انبیا و فرشتگان علیهم‌السلام و ثقات و معروفان و معتبران را که حاضر بودند بر این عهد و [؟] و سوگندان گواه گرفتیم» (منشآت لنینگراد، ص ۱۲۴b).

همان گونه که دیده شد، گرچه در هر دو گونه عهدنامه، سوگندهایی جهت تحکیم و عمل به قول و قرارها ذکر می‌شد، اما عهدنامه‌ها به دو منظور کاملاً متفاوت نگاشته می‌شد: دسته اول (امان‌نامه‌ها) به درخواست فرد پایین دست جهت حفظ و تضمین امنیت، توسط فرد فرادست و دسته دوم بالعکس امان‌نامه‌ها، توسط افراد پایین دست جهت تضمین وفاداری و عمل به تعهدات به فرد بالادست داده می‌شد. غالباً متن عهدنامه و یا سوگندنامه‌های دسته دوم از قبل در دیوان رسالت دستگاه قدرت به دست کاتبان آماده بوده و فقط اسم سوگندخورنده یا متعهد (بدون هیچ گونه عنوان و لقب) به آن اضافه می‌شد.

## ب) میزان پایبندی به عهدنامه‌ها

با وجود ثبت سوگندان متعدد و تعهدات محکم و تعیین مجازات‌ها و مکافات‌های سنگین و طاقت‌فرسا و گاه تا حدی ناممکن، برای تضمین عهدنامه‌ها ظاهراً عمل به مفاد عهدنامه‌ها بیش از آن که به تعدد و شدت سوگندان و تعهدات بستگی داشته باشد، به شرایط و اوضاع سیاسی حاکم در هر عهد وابسته بود.



برای تأیید این گفتار می‌توان عهدنامه آتسز به سلطان سنجر سلجوقی را مثال زد. آتسز که در سال ۵۲۱ هـ ق به مقام خوارزمشاهی رسید، گرچه در سال‌های اولیه حکومت کاملاً تابع سنجر بود، اما در ادامه بارها علیه سلطان سلجوقی دست به شورش زد و سنجر را مجبور کرد چندین بار به ماورالنهر لشکرکشی کند (جوینی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۱۳-۳). پس از یکی از این لشکرکشی‌ها آتسز سوگندنامه‌ای را به سال ۵۳۵ هـ ق نگاشته و تابعیت کامل خود را از سنجر اعلام کرد و با سوگندها و تضمین‌های متعدد متعهد گردید که همواره تابع سنجر باشد:

«من که آتسز بن محمد خوارزمشاهم و نذر کردم با خدای عزوجل و رسول او محمد علیه‌السلام که تا من باشم مطیع و فرمان بر و بنده خداوند عالم سنجر بن ملک‌شاه بن محمد باشم و سر از طاعت و بندگی او نتابم... و از بعد طاعت و پرستش ایزد تعالی، که آفریدگار عالم و عالمیان است، طاعت و بندگی و فرمانروایی این پادشاه مبارک بر خود فرض عین دانم» (منشآت لنینگراد، ص ۱۲۵a).

اما تنها یک سال بعد از تعهد یادشده، یعنی در سال ۵۳۶ هجری، زمانی که سنجر در نبرد قطوان از قراختائیان شکست خورد و شرایط بحرانی بر حکومت سلجوقی حاکم گردید، آتسز علیه سنجر دست به شورش زده مدعی سلطنت گردید و کار تا آنجا پیش رفت که رشیدالدین وطواط، دیوان‌سالار برجسته دربار آتسز، که احتمالاً نگارنده سوگندنامه آتسز نیز خود وی بوده است، بیتی سرود که بیانگر ادعای استقلال کامل خوارزمشاهیان از سلجوقیان بود:

ملک آتسز به تخت ملک برآمد دولت سلجوق و آل او به سر آمد

(جوینی، ۱۳۷۰: ۷)

### بررسی موردی عهدنامه صادره از سوی حاکم تابع خوارزمشاهیان

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، رسمی در این عهد وجود داشت که براساس آن عهدنامه توسط دیوان سلطان یا حاکم برتر نگاشته و جهت تأیید برای حاکم تابع ارسال می‌گردید. عهدنامه‌ی مورد بررسی در این قسمت را مؤیدالدین بغدادی، رئیس دیوان

رسائل تکش خوارزمشاه نگاشته و برای تأیید حاکمی تابع، که نام وی در عهدنامه مشخص نمی‌گردد، فرستاده شده است. همین نویسنده است که *التوسل الی الترسل* او یکی از مشهورترین نثرهای منشیانه و متکلف فارسی است. اهمیت عهدنامه مذکور در آن است که مجموعه وظایف و تعهداتی را که خوارزمشاه از حاکم تابع خویش توقع داشته ثبت نموده و بر این اساس می‌توان ارتباط سلاطین با حکومت‌های تابعه و خواست‌ها و انتظاراتی را که از آنان در مقابل حکومت مرکزی می‌رفت، مشخص نمود.

عهدنامه با سوگندها و قسم‌های رایج در عهدنامه‌های این دوره شروع و سپس تعهدات حاکم تابع مشخص می‌شد. بر این اساس حاکم تعهد می‌کرد فرامین و احکام صادره از دربار سلطان خوارزمشاهی را پذیرفته و تا حد توان در اجرای دستورات وی بکوشد، در منابر و سکه‌ها نام سلطان را ذکر نماید، «منبرها و سکه را درین ولایت از زینت القاب مبارک او.... خالی نگذارم». همچنین متعهد می‌شد که اموال و املاکی را که به دیوان خاصه سلطان خوارزمشاهی و کاربه‌دستان حکومت خوارزمشاهی تعلق داشت محترم شمرده به آنها تعرض ننماید و هرگونه قرارداد، پیام و «مواضعه» را که برخلاف مصالح دولت خوارزمشاهی امضاء نموده فسخ نماید. وی اعلام می‌نماید که به هیچ‌کدام از متعلقان سلطان خوارزمشاهی «حشم و خدم آزاد و بنده و پیوستگان و خویشاوندان و فرزندان بزرگوار و ... قصد بد نکنم» و متعهد می‌شد که در صورت پناهندگی منهبان، خدم و حشم و یا امرای دربار خوارزمشاهی به قلمرو وی، آنان را به دربار خوارزمشاهیان عودت نماید و نیروهای نظامی خود را هر زمان که سلطان خوارزمشاهی بخواهد، اعزام کند. حاکم تعهد می‌داد که با تحریک دشمنان علیه دولت خوارزمشاهی به مخالفت پرداخته و با هرگونه تعرض به سلطان خوارزمشاهی، فرزندان، سرزمین جنگجویان و تابعین وی مقابله نموده و اگر اطلاعی از مفسده‌ای در مخالفت علیه دولت خوارزمشاهی دارد سلطان را از آن آگاه نماید. همچنین اگر سلطان نیروی نظامی برای کمک به حاکم دست‌نشانده اعزام کند، حاکم همانند سپاه خود مصالح آنان را مدنظر قرار داده و در صورت تمایل به بازگشت سپاهیان به آنها اجازه بازگشت داده و از این امر ممانعت به عمل نیآورد. به علاوه، در

صورت فتح منطقه‌ای از سوی حاکم، وی تعهد می‌کند که به سهمی که از سوی سلطان برایش تعیین می‌شود قانع باشد (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۴۳-۱۴۰).

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد کلیه تعهدات یادشده در این عهدنامه از سوی دیوان تکش، سلطان خوارزمشاهی، نگاشته و جهت تأیید برای حاکم تابع ارسال گردیده است. تعهدات مذکور در حقیقت درخواست‌هایی بوده که سلطان از حاکم تحت تابعیت خویش داشته و لذا از آنجا که کمتر منبع و مأخذ تاریخی را می‌توان یافت که با این دقت و ذکر جزئیات به تبیین روابط سلاطین و حکام تابعه پرداخته باشد این عهدنامه، مأخذی مهم در این زمینه به شمار می‌رود.

### نتیجه‌گیری

عهدنامه‌های تاریخی باقی مانده از قرن پنجم و ششم هجری قمری به علت مشابهت‌های ساختاری، می‌تواند در پژوهش‌های تاریخی، ادبی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. این عهدنامه‌ها که گاه با سوگندنامه تفاوتی نداشته و می‌توان آنها را به نام سوگندنامه و در برخی موارد حتی امان‌نامه هم نامید، به دو دسته اصلی عهدنامه‌ها (سوگندنامه و امان‌نامه)های صادره از سوی خلفا و سلاطین برای افراد زیردست و عهدنامه‌های صادره از سوی افراد تابع برای افراد بالادست تقسیم می‌شود. در این بررسی نشان داده شد که عهدنامه‌های دسته اول مفهوم امان‌نامه داشته و با هدف تضمین امنیت تابعان از سوی فرد بالادست صادر می‌شده است. دسته دوم از عهدنامه‌ها از طرف افراد تابع به منظور تضمین وفاداری و عمل به تعهدات به سلاطین داده می‌شد. این گروه از عهدنامه‌ها به دلیل آن که در برخی مواقع به دست دیوانیان سلاطین نگاشته و جهت تأیید برای حاکم تابع فرستاده می‌شد، دارای اهمیت خاصی است؛ چرا که از دیدگاهی متفاوت در تبیین روابط حکومت مرکزی یا حکام تابعه کاربرد دارد. گرچه به دلیل حذف نام طرفین عهدنامه و ذکر اسم مبهم فلان و فلان به جای متعاهدین، میزان تعهد صادرکننده عهدنامه و متعهد را نمی‌توان جستجو و پیگیری کرد.

## منابع و مأخذ

- ابن بی‌بی. **اخبار سلاجقه روم**. تصحیح محمدجواد مشکور. تهران: کتابفروشی تهران. ۱۳۵۱ ش.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمدبن مویذ. **التوسل الی التوسل**. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: شرکت سهامی ۱۳۱۵ ش.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین **تاریخ بیهقی**. شرح و توضیح خلیل خطیب رهبر. تهران: انتشارات مهتاب. ۱۳۷۴ ش.
- جوینی، علاء‌الدین عظاملک بن بهاء‌الدین محمد بن محمد. **تاریخ جهانگشا**. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: انتشارات ارغوان. ۱۳۷۰.
- خطیبی، محمدحسین (۱۳۷۵). **فن نثر در ادب فارسی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوار.
- سجادی، سیدصادق (۱۳۸۵). **تاریخ برمکیان**. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- سیفی هروی، سیف بن محمد. **پیراسته تاریخنامه هرات**. مصحح آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ۱۳۸۱.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۶۲). «سوگندنامه جهان پهلوان». مجله آینده. شماره ۹.
- طاهر، افشار و ایرج غلامرضا (۱۳۷۸ ش). **المختارات من الرسائل**. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- **مجموعه منشآت** (چاپ نشده). منشآت لنینگراد. میکروفیلم کتابخانه ملی. شماره ۴۸، ۴۹، ۵۰.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان. **راحة‌الصدور و آية‌السرور**. تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر. ۱۳۳۳.
- نیشابوری، ظهیرالدین. **سلجوق‌نامه**، با ذیل سلجوق‌نامه. ابو‌حامد محمد بن ابراهیم. تهران: کلاله خاور. ۱۳۳۲.
- بنداری اصفهانی. **تاریخ سلسله سلجوقی، زبدة‌النصره و نخبة‌العصره**. ترجمه محمدحسین جلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۶.

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## شایسته‌سالاری یا امتیاز فضلی در رسائل سیاسی عصر قاجار (مطالعه موردی: رسائل سیاسی عصر ناصرالدین شاه قاجار)

محمد سلماسی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۰

### چکیده

در برخی از رسائل سیاسی عصر ناصری از مفهوم «امتیاز فضلی» سخن گفته شده است که می‌توان آن را برابر نهاد واژه «شایسته‌سالاری» دانست. شایسته‌سالاری فرایندی است که با جریان عقلانی‌سازی امور در قرون جدید شکل یافت و همسوی با عرفی‌شدن در خدمت ترقی و پیشرفت جوامع قرار گرفت. تحول اجتماعات ابتدایی و ساده و کهن به جوامع پیچیده و پیشرفته امروزی، و پیدایش تمایزات و ناهمگونی‌های پرتعداد، تقسیم کار و شایسته‌سالاری را پدیده‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

رسائل سیاسی عصر ناصری با نقد مضمرات و زیان‌های ناشی از نبود شایسته‌سالاری، از مفهوم **امتیاز فضلی** سخن گفته‌اند. دانش، مهارت،

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز؛ msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

تخصص‌گرایی، اخلاق حرفه‌ای و تجربه برآمده از عمل مهم‌ترین شاخص‌های شایسته‌سالاری است که در رسائل فوق از آن با عناوینی همچون لیاقت و کفایت، علم و عمل و خبرویت یاد شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین معنا و گستره این اصطلاح و واکاوی دلایل و علل رواج یا ترک این موضوع و نتایج حاصل از آن در ترقی یا انحطاط ایران عصر ناصری است. بدین منظور با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - تبیینی، رسائل سیاسی عصر ناصری مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. گردآوری داده‌های اطلاعاتی براساس روش کتابخانه‌ای انجام شده است. فرضیه اصلی آشنایی نسبی مؤلفان آثار فوق با این مفهوم است. مهم‌ترین نتایج به دست آمده نشانگر آن است که در این رسایل می‌توان نمونه‌هایی از تبیین‌های حداقلی درباره مفهوم شایسته‌سالاری، ضرورت و نتایج آن را مشاهده کرد. این رویکرد به‌ویژه در انحطاط‌شناسی سازمان اداری عصر ناصری و تبیین جریان ترقی‌خواهی، الزامات و نتایج آن دیده می‌شود و از این منظر مفید است. عدم توجه به اصل شایسته‌سالاری در این عصر نیز معلول نظام ایلی و ساخت ساده جامعه ایران آن روزگار و بی‌توجهی به ارکان پیشرفت و نوسازی مانند عقلانیت، تقسیم کار اجتماعی و عرفی‌سازی است.

**واژگان کلیدی:** امتیاز فضلی، شایسته‌سالاری، علم، تقسیم کار، تجربه

## مبانی نظری

شایسته‌سالاری<sup>۱</sup> مفهومی است جدید که از عرفی‌گرایی سده‌های روشنگری در تاریخ اروپا سر برآورده است. جامعه قرون وسطایی ساده و یکدست بود و شکل‌گیری تمایزات جدید و تفکیک‌های اجتماعی از اندیشه‌های مدرن به حساب می‌آید. گروهی از جامعه‌شناسان همین تفکیک‌ها را به معنای پیشرفت گرفته‌اند. پیشرفت که گاه با رویکرد عقلانی یکسان

پنداشته می‌شود، اقتضا دارد که هر کاری به متخصص و تجربه آن واگذار شود و این یعنی **شایسته‌سالاری**.

شایسته‌سالاری سازوکاری است اجتماعی یا سازمانی که در آن قدرت انسان‌ها به دلیل قابلیت‌ها و توانایی‌هایشان است نه به خاطر پول یا موقعیت‌های اجتماعی‌شان.<sup>۱</sup> آمیزه‌ای از نظریه‌ها و مدل‌ها، از تقسیم کار تخصصی آدام اسمیت گرفته تا تأکید بر آموزش و پرورش ژان ژاک روسو، در ترکیب با یکدیگر مفهوم جدید شایسته‌سالاری را پدید می‌آورد. در جوامع شایسته‌سالار نگرش‌های خویشاوندسالاری، قبیله‌گرایی، حزب‌سالاری و غیره مطرود است. نظام شایسته‌سالار، نظامی است که در آن افراد مناسب (برخوردار از آموزش و تخصص لازم) در مکان و زمان مناسب منصوب شده و از ایشان بهترین استفاده در راستای اهداف فردی، سازمانی و اجتماعی به عمل می‌آید.

در تبیین معنای شایسته‌سالاری لازم است به چارچوب مفهومی واژگان زیر توجه شود:

۱. عقلانی‌شدن: رویکردهای متعددی به عقلانیت وجود دارد. از منظر ماکس وبر جریان کلی عقلانی‌شدن یعنی حسابگری عقلانی، تقسیم کار و سازمان‌بندی تخصصی و دیوان‌سالارانه. در این رویکرد انسان مدرن ماشین جاننداری است که ویژگی‌اش «تخصص و تربیت حرفه‌ای عقلانی» است (لوویت، ۱۳۸۳: ۳/۳۱۴-۳۱۵).

۲. عرفی‌شدن: عرفی‌شدن زندگی نیاز به شایسته‌سالاری را پدید می‌آورد و فرایند عقلانی‌شدن آن را ایجاد می‌کند. عقلانی‌شدن به معنای توسعه حوزه‌های آشکارا تمایز یافته زندگی است (اسپنسر، ۱۳۸۱: ۳۹۸) و این تمایز از ملزومات شایسته‌سالاری است.

۳. پیشرفت: تعاریف متعدد و گاه متضادی از این مفهوم به عمل آمده است. در نوشته حاضر رویکرد هربرت اسپنسر به پیشرفت مورد اتکا بوده است. اسپنسر مانند برخی از جامعه‌شناسان آلمانی پیشرفت را با رویکرد ارگانیک (انداموارگی) تبیین می‌کند. از منظر انداموارگی، پیشرفت یعنی تحول شکل همگون به حالت

1. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/meritocracy>

ناهمگون. همان فرایندی که تخمک را به انسان تبدیل می‌کند. از بین رفتن مدام همگونی و پیدایش ناهمگونی و تفکیک پذیری بی‌پایان منجر به پیشرفت (در مثال فوق تبدیل تخمک به انسان یا تبدیل دانه به گیاه) می‌شود. این قانون کلی همه پیشرفت‌هاست خواه در دانه، خواه در کره زمین، خواه در انسان و جامعه، حکومت و اقتصاد، علم و هنر، زبان و ادبیات. در همه این حالت‌ها پیشرفت عبارت است از: تکامل حالت ساده به پیچیده و طی تفکیک‌های پایایی. به طور خلاصه می‌توان گفت: «تحول از همگونی به ناهمگونی امری است که پیشرفت اساساً مبتنی بر آن است» (کوزر، ۱۳۹۱: ۵۶۹-۵۶۸).

۴. تقسیم کار اجتماعی: تقسیم کار اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع جدید است که به شکل‌گیری تمایز اجتماعی می‌انجامد. این تمایز به تقسیم کار و لاجرم به تخصصی شدن منجر می‌شود. چنین چرخه‌ای نیاز به هوشمندی‌هایی دارد (مبتنی بر فهم و آموزش) که از راه توارث انتقال‌پذیر نیستند (آرون، ۱۳۹۰: ۳۶۴). از همین منظر مقدم‌ترین عنصر جامعه جدید که شایسته‌سالاری است، براساس تمایزپذیری اجتماعی و قراردادگرایی<sup>۱</sup> پدید می‌آید (همان: ۳۷۱). اعضای چنین جوامعی به وظایف و نقش‌های تخصصی و تمایز یافته (تقسیم کار) وابسته‌اند (کوزر، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۱۹۰).

۵. افتراق<sup>۲</sup> یکی از ارکان مدرنیته است. کلیدواژه افتراق رابطه پدیده مدرن‌سازی را با پدیده تقسیم کار (و شایسته‌سالاری) نشان می‌دهد. در نظام سیاسی و اداری مدرن، تصدی مسئولیت‌های بزرگ به صاحبان صلاحیت واگذار می‌شود، نه به اقوام و اطرافیان پادشاه. در این وضعیت همه کادرهای مدیریت و نخبگان شغلی از صلاحیت لازم، که برآمده از آموزش است، برخوردارند. چنین نظام‌هایی دست کم از لحاظ نظری مدعی‌اند که افراد را برحسب سهمی که در کاری ارزشمند برای جامعه دارند متمایز می‌کنند، نه برحسب خاستگاه‌ها یا وابستگی‌های خانوادگی و محلی‌شان، و هیچ ملاحظه دیگری جز صلاحیت و

1. Contractualisme  
2. Differentiation



شایستگی نمی‌تواند رقیبی را به زیان دیگران ارتقا دهد. شرایط واقعی عملکرد جامعه‌های مدرن از این شرایط آرمانی خیلی فاصله دارند ولی ارجاع دائمی به این اصول و دفاع از ارزش‌های شایسته‌سالاری، از مشخصات جامعه‌های مدرن است (بودن، ۱۳۸۵: ۶۲۰-۶۱۹).

### پیشینه پژوهش

با جستجو در فهرست کتابخانه‌ها و مقالات و سایت‌های معتبر علمی، پژوهشی با عنوان و رویکرد مقاله حاضر یافت نشد.<sup>۱</sup> البته مقالاتی با هدف تبیین معنا و مفهوم شایسته‌سالاری در ادبیات فارسی،<sup>۲</sup> علوم اجتماعی<sup>۳</sup> و مدیریت منابع انسانی<sup>۴</sup> در دسترس است که هیچ‌کدام رویکردی تاریخی به این مسئله ندارد.

### زمینه تاریخی

برخی از گزارش‌های موجود از دوره قاجار بر عدم توجه به این مفهوم حکایت دارد. برای نمونه ادوارد برجیس که ۲۸ سال<sup>۵</sup> در ایران به تجارت و کارهای اداری پرداخت و با دربار

۱. از جمله سایت‌های کتابخانه ملی ایران، پژوهشگاه علوم و فناوری ایران (ایراندک)، مگ ایران، نورمگز، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID).

۲. مقاله «شایسته‌سالاری در متون ادب فارسی»، از «فارس شریفی»، در مجله الکترونیکی «پیک ایلام»، نویسنده با استاد به ۵ اثر فارسی (سیاست‌نامه، خواجه نظام‌الملک طوسی، شرح بوستان سعدی، شرح گلستان سعدی، قابوسنامه و مرزبان‌نامه) تلاش کرده نظرات نویسندگان این آثار را درباره لیاقت و کفایت و تطبیق آن با عنوان شایسته‌سالاری تبیین کند. این مقاله در آدرس الکترونیکی زیر موجود است: <http://www.peikeilam.blogfa.com/post-1883.aspx>

۳. مقاله «ابعاد اجتماعی شایسته‌سالاری» از «سید حسین ابطحی و فریدون عبد صبور»، مجله کیهان فرهنگی، مهر و آبان ۱۳۸۸ - شماره ۲۷۶ و ۲۷۷ (از صفحه ۳۸ تا ۴۵). نویسندگان با استناد به هفت منبع و پژوهش فارسی تعاریف و چالش‌های نظری شایسته‌سالاری را با رویکرد مدیریت منابع انسانی طرح کرده‌اند.

۴. مقاله «مروری بر مفاهیم شایسته‌سالاری» از «بهزاد گل‌کار و وحید ناصحی‌فر»، مجله توسعه مدیریت، تیر ۱۳۸۱ - شماره ۳۹ (از صفحه ۷ تا ۱۰). نویسندگان این مقاله به تعریف مفهوم و شاخص‌های شایسته‌سالاری به نقل از هشت منبع انگلیسی (بدون ارجاع به شماره صفحات) پرداخته‌اند.

۵. طی سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۲۸ مؤلف در تبریز و تهران به تجارت، ترجمه روزنامه و معاشرت با شاه و ولیعهد و دیگر درباریان آن عصر پرداخته است.

ایران مرتبط بود، می‌نویسد: بسیاری از مقامات نمی‌توانند بخوانند یا بنویسند و مردان فاضلی هستند که در ادبیات فارسی و عربی صاحب معلومات خوبی هستند اما یا قاطر می‌رانند یا در جالیز خربزه کار می‌کنند (برجیس، ۱۳۸۴: ۱۰۴). کلمنت دویب با ذکر نمونه‌ای می‌نویسد یکی از دلایل اساسی ضعف نیروهای نظامی ایران آن است که حتی فرماندهی این نیروها نه در اثر شایستگی و لیاقت بلکه به خاطر پول یا پیوندهای سببی و نسبی به‌دست می‌آید (دویب، ۱۳۸۴: ۳۹۶-۳۹۵).

شایسته‌سالاری ربطی به خوب یا بد بودن اخلاقی یا شخصیتی افراد ندارد! چه بسا فردی به لحاظ اخلاق شخصی و صفات فردی خوب باشد اما شایستگی کاری را که برعهده گرفته است نداشته باشد! یکی از این نمونه‌ها حاج میرزا آغاسی، نخست‌وزیر معروف دوره محمد شاه قاجار است. سیمونیچ، سفیر روسیه، که از قضا دوست حاجی هم بود، گزارش جالبی درباره وی ارائه کرده است:

«شخص میرزا آغاسی مردی بود مودب، نیک‌نفس، بی‌طمع و به آداب معاشرت آشنا و اینها صفاتی است که کمتر در رجال ایران دیده می‌شود. اما از حیث سررشته‌داری نه از طرز حکومت نه از رسم سیاستمداری کمترین اطلاعی نداشت، پیوسته مستغرق تخیلات خود بود و در آفاق و انفس سیر می‌کرد و کارها به یاری نجوم فیصله می‌داد. به گسترش قشون اهمیت می‌داد و همراه با شاه در عملیات نظامی شرکت می‌کرد، به شاه وعده فتوحات نظامی و رساندن مرزهای ایران به زمان نادر شاه را داده بود و این کار نه از روی فریب بلکه برآمده از باور و اعتقاداتش بود و شاه و دیگران را وادار ساخته بود به هوا و هوس مغزِ علیل او گردن نهند. چنان قدرتی به‌دست آورد که هیچ وزیری در ایران نداشت ... عنوان رسمی بر خود نسبت، آداب دیپلماسی و اداری را رعایت نکرد و در اعمالش خود را کاملاً آزاد (و بی‌قید) حس می‌کرد» (سیمونیچ، ۱۳۵۳: ۹۵-۹۳).

گزارش‌های دیگری هم وجود دارد که به نبود تقسیم کار تخصصی در جامعه ایران عصر پژوهش اشاره می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. برای نمونه اوژن فلاندن می‌نویسد: «یک چیز در تمام امکنه ایران قابل توجه است که هیچ‌کس حرفه به‌خصوصی ندارد» (فلاندن، ۱۳۲۴: ۸۷). فیودور کورف نیز مطالب مشابهی نقل می‌کند (کورف، ۱۳۷۲: ۱۶۴-۱۵۹).

## معرفی و نقد رسائل سیاسی

در مقاله حاضر دوازده رساله سیاسی از عصر ناصرالدین شاه قاجار مورد بررسی قرار گرفته است. از حیث زمانی نخستین اثر این مجموعه رساله‌ای است به نام **سیاست مدن** از **میرزا موسی ساوجی** مربوط به سال ۱۲۶۸ و آخرین آن رساله‌ای است با عنوان **اصلاح امور از خان خانان** (مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله) که به سال ۱۳۱۴ تألیف شده است. معرفی این رساله‌ها به ترتیب زمان تألیف و آشنایی با زاویه دید نویسندگان آن به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. رساله «سیاست مدن» از میرزا «موسی ساوجی» به سال ۱۲۶۸ ه.ق تألیف شده و سبک آن اندرزگرایانه است. مؤلف مانند اندرزنگاران ادوار پیشین در پی آن برآمده تا با پند و اندرز شاه و درباریان را به عدالت سوق دهد. عدالت مورد نظر او ترکیبی است از رویکردهای شریعت‌مدار و خردمحور که شایسته‌سالاری نمونه‌ای از وجه عقلانی رویکرد مؤلف به امر سیاست و حکومت است. رساله‌ی وی مشتمل بر یک مقدمه و یک باب و یک خاتمه است (زرگری نژاد، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷).

۲. رساله «روح‌الاسلام علی صراط‌المستقیم و الانام»، از نویسنده‌ای ناشناس است که به سال ۱۲۷۰ ه.ق تألیف شده است. خرد عمده‌ترین چراغ راه اندیشه‌ی نویسنده‌ی این رساله بوده و بر آن است که با رها کردن افکار پیشینیان، رهیافتی عقلی به امر سیاست و حکومت ارائه کند (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ۶۵/۱-۶۴). نویسنده با گذر از دلایل واهی و عوامانه علت‌العلل عقب‌ماندگی و انحطاط کشور را در واگذاری امور مهم و کلیدی به افراد ناشایست می‌داند. او بر شایسته‌سالاری تأکید دارد و از آن با عنوان «امتیازِ فضلی» یاد کرده آن را سنت پیامبر می‌داند.

۳. رساله «ادب وزرا» از «محمدعلی طباطبایی» که خود را حکیم ذوفنون می‌نامد، به سال ۱۲۸۲ ه.ق تألیف شده است. این اثر نیز نوعی اندرزنامه‌ی سیاسی است که نویسنده آن در قالب داستانی از زبان پرندگان در انتقاد از سیاست‌های آقاخان

- نوری پرداخته است. ادعای مؤلف تا عرش، ولی دانش سیاسی وی اندک است (زرگری نژاد، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۷). با این همه او نیز بر شایسته‌سالاری تأکید دارد.
۴. رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران» از فردی ناشناس است که به سال ۱۲۸۲ ه. ق تألیف شده است. نویسنده قلمی تند و منتقد دارد و از تمام اقشار وابسته به دستگاه حکومت انتقاد می‌کند (زرگری نژاد، ۱۳۸۰: ۱۳۰). خردگرایی و تلاش برای سازگار نشان دادن عقل و دین رویکرد اصلی نویسنده در ارائه علاجی برای نواقص ایران است. او خواهان اصلاح نظام اداری است و بر شایستگی و لیاقت کارگزاران تأکید دارد.
۵. «سر مکتوم» رساله‌ای است از «میرزا هدایت‌الله آشتیانی» (وزیر دفتر) که به سال ۱۲۸۴ ه. ق تألیف شده است. نویسنده این رساله از آداب کشورداری و فرمانروایی بحث می‌کند. توجه او به نکاتی چون امتیاز فضلی (شایسته‌سالاری) و حقوق متقابل دولت و ملت، نشان از بیش‌روشن نویسنده دارد (نسخه خطی به شماره ۸۶۲ ف، کتابخانه ملی ایران).<sup>۱</sup>
۶. رساله «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار» سرگذشت شخصی «میرزا ابراهیم بدایع‌نگار» است (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۳۴) که به سال ۱۲۹۱ ه. ق نوشته شده است. این رساله در واقع حمله تند «بدایع‌نگار»، به بی‌قاعدگی و بی‌سامانی دستگاه حکومت است. نویسنده خواهان امتیاز فضلی است تا اشخاص مناسب در اموری که شایسته آن هستند به کار گرفته شوند.
۷. رساله «منهاج‌العلی» از «ابوطالب بهبهانی» است که به سال ۱۲۹۴ ه. ق تألیف شده است. تفکر و اندیشه‌ی اصلاح ایران در قالب قانون مبنای اصلی رساله «منهاج‌العلی» است. نویسنده تلاش نموده تا با معرفی بعضی قوانین اروپا، آنها را با اصول اسلامی سازش دهد. او نگاهی روشن به مسائل جهان و به‌ویژه ایران دارد، به اصلاح آن خوش‌بین است و بهره‌گیری از رهیافت‌های عقلانی و تجارب ملل

۱. این رساله در کتابخانه ملی ایران، بخش کتاب‌های دیجیتال، در آدرس زیر قابل ملاحظه است:

<http://dl.nlai.ir/UI/551118f5-65d8-4983-b85d-e2e9849a5c4e/Catalogue.aspx>

پیشرفته را در چارچوب استقرارِ نظمی قانونی چاره اصلاح ایران معرفی می‌کند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۲-۱۹).

۸. رساله «میزان الملل» از «علی‌بخش قاجار»، با محتوای ترقی‌خواهی و انتقاد از فرنگی‌مآبی در ۱۳۰۵ه.ق نوشته شده است. مؤلف آشنا به علوم و دانش‌های جدید و مطلع از اوضاع کشورهای اروپایی در زمان خویش، و از تحصیل‌کردگان دارالفنون بود. علی‌بخش قاجار بر آن است تا ضمن معرفی فرهنگ و تمدن غربی و لزوم اقتباس از آن، زشتی‌های آن را نیز به هم‌شاگردی‌های خود بنمایاند. در واقع تلاش مؤلف آن است تا آنچه از تمدن غرب برای ایران و ایرانی مفید است اقتباس کرده و ناهنجاری‌های آن را طرد نماید. او منتقد جدی عناصر فرنگی‌مابِ عصرِ خویش است و به کشف و درک علل واقعی برتری غرب تأکید دارد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۴) و شایسته‌سالاری را یکی از این علل می‌داند.

۹. رساله «احکام المدن» نوشته «محمدعلی کرمانشاهی» است. از نویسندگان و تاریخ‌تألیف اثرش اطلاعات دقیقی در دست نیست، تنها می‌دانیم که کرمانشاهی‌الاصیل و ساکن تهران بوده است. رساله‌ی «محمدعلی کرمانشاهی» پندنامه‌ای است شامل یک مقدمه و چهارده عقد، که مقدمه‌ی آن در بیان عدالت و اهمیت آن در فرمانروایی است (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱/۶۳-۶۲). تکیه‌ی اصلی نویسنده بر عدالت است و شایسته‌سالاری را یکی از راه‌های وصول به آن معرفی می‌کند. او به حکومت توصیه می‌کند که به جوانان منصب ندهد چرا که کم‌تجربه هستند و اسباب خرابی ملک را پدید می‌آورند. و از سلطان می‌خواهد هر کسی را به فراخور استعداد و توانایی‌اش منصب دهد.

۱۰. رساله‌ی «عادت الملوک» از «میرزا محمدحسن خان قراگزلوی همدانی»، که اندرزنامه سیاسی است در عصر ناصری تألیف شده است (تاریخ دقیق آن مشخص نیست). اطلاعاتی از زندگی نویسنده در دست نیست و به نظر می‌رسد از

عالمان دین بوده باشد. وی ریشه‌ی تمامی مشکلات جامعه ایران را در واگذاری امور به افراد نالایق می‌داند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۱/۲).

۱۱. رساله «نمونه میمونه در علم سیاست مدن» از «میرزا اسدالله» پسر محمد کاظم است. تاریخ تألیف آن نامشخص و مربوط به عصر ناصری است. مؤلف اثرش را به ناصرالدین شاه اهدا کرده و در مقدمه کتاب خود را اقل دعاگویان معرفی نموده هدف از تألیف کتاب را رعایت کردن قواعد علمیه در سیاست و حکومت ایران معرفی می‌کند (نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران به شماره ۸۱۰: ۶-۷).<sup>۱</sup> او عدل را یکی از ارکان اصلی علم سیاست مدن می‌داند و بر شایسته‌سالاری تأکید می‌کند.

۱۲. «رساله در اصلاح امور» از فردی به نام «خان خانان» که به ظن قوی مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله است در سال ۱۳۱۴ تألیف شده است. هرچند رساله در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه قاجار نوشته شده اما تحلیل‌های آن مربوط به عصر ناصری است. مؤلف به دنبال اصلاح امور ایران است، در آلمان درس خوانده، از صراحت و جسارت بیان برخوردار بوده و نظم قانونی را مبنای پیشرفت می‌شمارد. او تلاش دارد میان شرع و عرف سازگاری ایجاد نماید (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۷) و بر رعایت لیاقت و شایستگی در واگذاری امور و مناصب به افراد تأکید دارد.

### امتیاز فضلی

در این رساله‌ها از اصطلاحی به نام «امتیاز فضلی» سخن گفته می‌شود که می‌توان آن را معادل شایسته‌سالاری دانست. نویسنده رساله «روح‌الاسلام علی صراط‌المستقیم و الانام» به این صورت آن را شرح می‌دهد: «امتیاز فضلی یعنی [برتری] هر کسی به واسطه فضل یعنی افزونی او باشد و این افزونی یا در علم است و یا در عمل. علم و عمل نیز یا در ابدان است

۱. فایل دیجیتال این نسخه خطی نیز در آدرس زیر قابل دسترسی است:

<http://dl.nlai.ir/UI/65f86746-df4e-4a56-a26b-432d5ef1b8b5/Catalogue.aspx>

و یا در ادیان. پس هر کسی که از این جهات فضل و فزونی دارد، به قدر فضل او باید امتیاز داده شود...» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲/۲۷۵). وی پایبندی به این اصل از سوی حکام را موجب تشویق مردم در جهت علم‌آموزی و کسب هنر، و تلاش و کوشش بیشتر همگان دانسته می‌افزاید: نهایتاً تلاش و کوشش هریک از افراد جامعه موجب رونق صنایع و آبادانی کشور می‌گردد. چنان‌که کشورهای غربی به این طریق عمل کرده و منافع آن را برده‌اند.

«میرزا هدایت‌الله آشتیانی»، نویسنده رساله «سر مکتوم» هم آن را محول کردن امور به کسانی می‌داند که لیاقت حالیه آن شغل را دارند، نه کسانی که من بعد احتمال قابلیت و استعداد آن را خواهند یافت (آشتیانی، نسخه خطی به شماره ۸۶۲ ف: ۱۸-۱۷). همچنین وی بر آن است که اگر امتیاز فضلی شاخص انتخاب افراد برای انتصاب در امور قرار گیرد، موجب تربیت جوانان برای تصدی مناصب خواهد شد: «وقتی که کافه خلایق را یقین حاصل شد که نیل مقاصد دنیوی موقوف به لیاقت و هنر است و با رشوه و تملق و تدلیس کار از پیش نخواهد رفت، رجال دولت طالب اشخاص هنرمند می‌باشند و غیر از عرض هنر، عرض هیچ متاعی مقبول نمی‌شود، فوراً درصدد تحصیل قابلیت برمی‌آیند (همان: ۲۰) صاحب رساله «سیاست مدن» یعنی «میرزا موسی ساوجی» نیز بر آن است که نباید کارهای بزرگ را به مردم خرد و کارهای خرد را به مردم بزرگ واگذار نمود. «که هم کار، ضایع و معطل بماند و هم آن شخص باطل و رسوا شود» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲/۴۰). اشاره او به انحطاط ناشی از عدم پایبندی به شایسته‌سالاری است.

شایسته‌سالاری سبب تفکیک مشاغل و ایجاد تمایز اجتماعی شده منجر به پیدایش تخصص و کارایی در امور می‌گردد. با واگذاری تخصصی مناصب و مشاغل و در نتیجه کارا بودن هریک از افراد منتخب، می‌توان افزایش بهره‌وری و رشد و ترقی را شاهد بود. در نقطه مقابل چیزی جز پریشانی و اختلال و نهایتاً عقب‌ماندگی و انحطاط پدید نمی‌آید. این مسئله در رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی» ایران مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده ناشناس این رساله، نبود شایسته‌سالاری را موجب قرار گرفتن اشخاص ناشایست بر مصدر امور و از عوامل اختلال اوضاع و پریشانی احوال مردم دانسته می‌نویسد:

«اگر شاه کشور را به عقلا نسپارد، معلوم است که آب از سرچشمه گل‌آلود است و عامل اصلی مصائب ایران، خود شاه است». او از شاه می‌خواهد که چشمانش را باز کند تا ببیند که هیچ شخص لایقی در مصدر امور باقی نمانده و موجب انحطاط کشور شده است (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۶/۲-۱۲۵).

نویسنده «روح‌الاسلام علی صراط‌المستقیم و الانام» بر آن است که مستندی شرعی هم برای وجوب رعایت امتیاز فضلی بیابد تا پذیرش و التزام به آن را برای جامعه سنتی ایران آن عصر آسان‌تر سازد. او که علت تمام مصایب و مشکلات و در نهایت عقب‌ماندگی ایران را رعایت نکردن امتیاز فضلی می‌داند در این باره می‌نویسد: «جواب این مسائل لاینحل در این دو کلمه امتیاز فضلی است که قانون پیغمبر است و رعایت نمی‌کنند. قصور و تقصیر در این امور جز از جانب ما نیست، هر چه هست از قامت ناسازبی‌اندام ماست» (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ۲۷۵/۲).

در این رساله‌ها تلاش شده به شاه و دیگر ارکان قدرت تفهیم شود که وجود انسان‌های متخصص و کاربلد نه تنها سبب کاهش قدرت و اختیارات ایشان نخواهد شد که اقتدارشان را افزایش خواهد داد. برای نمونه «میرزا هدایت‌الله آشتیانی» با توصیف وضع موجود (عدم شایسته‌سالاری) می‌نویسد: «هر که هر طور بخواهد به فراخور قدرت خود حرکت می‌کند نه به اندازه لیاقت و شأن». او این مسئله را موجب خرابی و ویرانی ایران دانسته اعلام می‌کند اگر به دنبال پیشرفت و ترقی هستیم باید به امتیاز فضلی پایبند باشیم. او این امتیاز را موجب تشویق مردم در کسب فضل (شایستگی و لیاقت) می‌داند و بر این باور است که اگر اطراف سلطان را افراد باتدبیر و کارآموده و لایق بگیرند، قدرت سلطان افزایش خواهد یافت (آشتیانی، نسخه خطی به شماره ۸۶۲ ف: ۱۰). او استدلال خود را چنین پیش می‌برد که اشخاص خردمند صلاح مردم را به صلاح خود ترجیح می‌دهند، زیرا فواید اصلاح عمومی شامل همگان خواهد شد و نتیجه می‌گیرد که اگر خواهان اصلاح کار ایران هستیم باید اجزای آن یعنی دستگاه دیوان و کارگزاران آن را اصلاح نماییم. در این صورت است که با وجود افراد لایق و شایسته می‌توان امید اصلاح سلطنت و حکومت ایران را داشت. مثالی از صنایع انگلستان و ساعت‌سازی آن می‌زند و تبیین می‌کند که یک ساعت وقتی خوب و



درست کار می‌کند که همه اجزای آن با نظم منطقی و به‌درستی مشغول کار باشند و می‌نویسد: «کلیات مطلق امور تابع اجزاست اگر اجزا را خوب فراهم آورند، کلیات هم خوب پیش می‌رود. امور آدم و قوام عالم و نظام سلطنت من حیث المجموع تابع اجزاء می‌باشد. در هر جزئی از اجزائی که بی‌مبالاتی نمایند لابد آن جزء ضایع و تباه خواهد بود.» و نتیجه می‌گیرد که اگر کسی امید داشته باشد که بدون اصلاح اجزا (کارگزاران) کل (حکومت ایران) اصلاح خواهد شد حتماً از عقل و خرد به دور است و «امید خیر و فلاح از او داشتن البته از نقصان عقل است» (همان: ۷).

نویسنده رساله *ادب و وزیر* هم بر تقسیم کار تخصصی تأکید دارد. او می‌گوید کار لشکری را باید به نظامیان داد و حساب و کتاب و کتاب را به مستوفیان و میرزاها، تا امور کشور نظم گیرد و روی به ترقی آورد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۱۳-۲۱۲). او افراد بی‌کفایت را مایه خسارت کشور دانسته می‌نویسد: وزیری که همه مناصب را به رشوت می‌دهد نه لیاقت، هم کشور را تباه می‌کند و هم موجب دلسردی و کناره‌گیری شایستگان می‌شود (همان: ۲۱۵-۲۱۴). شرایط تصدی مناصب از نظر این نویسنده عبارت است از: لیاقت، تجربه، دانایی، هنر، عقل، هوش و تدبیر (همان: ۲۱۷-۲۱۵) وی می‌نویسد: لیاقت در اثر تجربه و علم به‌دست می‌آید و می‌پرسد: کسانی که قابلیت نگاه‌داشتن قلیان را ندارند چگونه مملکت را نگاه خواهند داشت؟ (همان: ۲۲۶-۲۲۳).

ابوطالب بهبهانی در *منهاج العلی* این نظر را مطرح می‌کند که حکومت‌های خوب برای رفاه حال مردمشان و تداوم و بقای خودشان، نیاز به شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی دارند: «سلطان کامل المعرفه طالب اصحاب حل و عقد از مردمان عاقل کافی با بصیرت و علم است تا معاونت کنند عقل او را در امور؛ و مشارکت و مشاورت با آنها در امور دولت و استحکام بنیان کار دولت سبب جلوگیری از اخلال امور و انهدام حکومت و موجب بقای سلطنت و سهولت ملت است (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۹۹). او برای مدعای خود یک دلیل تاریخی هم می‌آورد و به نقل از جان استوارت میل می‌نویسد: انگلستان در زمان جرج سوم به غایت ترقی و پیشرفت رسید با آنکه شاه هیچ از سلطنت نمی‌دانست و راه ترقی ملت را نمی‌دید! دلیل این امر آن بود که عقلای ملت و ارباب حل و عقد و وزرا و وکلا شایسته

بودند و با وضع قوانین موجب پیشرفت این کشور شدند (همان: ۳۰۰). ملاک شایستگی از نظر بهبهانی بر خورداری از ذکاوت و کیاست، حسن خدمت و تحصیل علوم و فنون است و بزرگ‌زادگی یا بی‌نام و نشان بودن دلیل بر شایستگی و یا عدم آن نیست (همان: ۳۲۶). علی‌بخش قاجار در رساله میزان الملل از مفاهیم مشابهی سخن می‌گوید و شایسته‌سالاری و اهتمام به آن را از اسباب ترقی ملت‌ها می‌داند که برای نیل به آن افزون بر استعداد و قابلیت، جدیت در تحصیل علم و تلاش برای اختراع و نوآوری لازم است (زرگری نژاد، ۱۳۸۰: ۴۶۹). وی تحقق این امر را نه به عهده اشخاص که از وظایف دولت قرار می‌دهد: اهتمام دولت به این امر باید چنان باشد که همه افراد مملکت بفهمند دولت در مقابل خدمت، اجر و مزد خواهد داد و احدی از آحاد رعیت که تحصیل علمی و هنری می‌نماید بی‌اجر نخواهد ماند تا مردم از تحصیل علم و دانش و صنعت خود را معاف ندارند و به کسب علوم و فنون همت گمارند تا مملکت ترقی کند (همان: ۴۷۴-۴۷۳). از نظر او تنها کسانی می‌توانند مصدر کار شوند که شایستگی آن را با علم و هنر و عقل و تجربه احراز کرده باشند (همانجا).

نویسنده رساله در اصلاح امور، به تفصیل از نبود شایسته‌سالاری در عهد ناصری شکوه می‌کند و یکی از مهم‌ترین مضرات آن را سپردن کارهای کوچک به افراد شایسته و محول‌ساختن اداره کشور به انسان‌های نالایق می‌داند: خدمات بزرگ به اشخاص پست فطرتِ دون‌همت رجوع آمد و کارهای زیبون به کفِ کفایتِ امرای بزرگ دانشمند محول گشت. آنان از عهده برنیامدند و اینان بذل توجه نتوانستند کرد. زنان بی‌دانش و مردان بدمنش، خادمان بی‌مایه و ملازمان بی‌پایه طرف مشورت واقع شدند. مهام مملکت به عهده گروهی جاهل و فوجی اراذل نامزد شد... هر گمراهی دارای جاهی، هر بی‌فراستی به ریاستی، هر بی‌تدبیری و زبیری ... هر جاهلی عاملی شد (زرگری نژاد، ۱۳۸۰: ۴۹۸). او این وضعیت را دلیل اصلی عقب‌ماندگی کشور دانسته با اشاره به تاریخ کشورهای اروپایی و ژاپن استدلال می‌کند که همه پیشرفت ایشان تنها در سایه تعلیم و تربیت و برکشیدن شایستگان و راندن صاحب‌منصبان بی‌علم و هنر و نالایق و دزد به دست آمد (همان: ۵۰۳). از نظر نویسنده، اشتباه کاری، رشوه، طمع و غرض‌مانع اصلی شایسته‌سالاری در ایران است

(همان: ۵۰۹) و راه چاره آن تخصص‌گرایی و خبرگی (همان: ۵۷۰) است که در اثر آموزش و تجربه به دست می‌آید (همان: ۵۹۳-۵۹۲).

راه‌حل پیشنهادی رساله‌نویسان دیگر نیز، اصلاح اجزای حکومت ایران با رویکرد شایسته‌سالاری و بهگزینی کارگزاران آن است. چنانچه نویسنده رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران»، تمام موجبات مملکت و راه ترقی هر ملت را موقوف به صلاحیت و شایستگی افرادی می‌داند که به عنوان وزیر و مشاور در کنار پادشاه قرار می‌گیرند و می‌افزاید اگر در مملکت هم اشخاص متخصص و بالیاقت نیست می‌بایست از کشورهای دیگر کارگزاران شایسته آورد و به کار گماست: «اگر در مملکت قحط‌الرجال است وزرای خود را قابل استمداد نمی‌داند، از اطراف ممالک نوکرهای تربیت‌شده دولت، اشخاص خردمند و ... فراهم آرند. با مشاوره، رفع اختلال کار کنیم و اگر این معنی را مصلح حال مملکت ندانند؛ تأمل نماید که آب از سرچشمه خراب است» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۳۸). نویسنده ناشناس این رساله به دو اصل خردمندی و بهره‌مندی از آموزش تخصصی که از شاخص‌های شایسته‌سالاری است اشاره می‌کند.

رساله‌نویس دیگر، که هویت واقعی‌اش را به عمد پنهان کرده تا با آزادی بیشتری بنویسد، نبود شایسته‌سالاری در میان کارگزاران دولت ایران را نتیجه نبود آموزش و مهارت، دوری از تفکر منطقی و عدم تقسیم کار تخصصی دانسته آن را مهم‌ترین دلیل انحطاط ایران معرفی می‌کند: «نه کسی از علم حرب و جنگ بهره‌ای دارد و نه از راستی و درستی، که معنی حساب است، اثری در میان است و نه از خط و ربط و انشاء و املاء نمونه‌ای در دست است. جمعی مردم بی‌خبر به صور مختلف و لباس‌های متفاوت و ریش و سیبیل متناسب و غیرمتناسب، یک مشت رعیت فقیر بیچاره فلک‌زده را طعمه خود کرده‌اند... و الله به حق خداوند تاج و تخت پادشاه که از دولت و شوکت ایران و مالکیت ایران نصف باقی نمانده است. ربع باقی نمانده است (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۴۴).

«آشتیانی» به بخش دیگری از اندیشه شایسته‌سالاری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مناصب دربار همایون و ریاست و حکومت ممالک محروسه را مجتمعاً در ماده شخص واحد روا ندارند. زیرا که اگر مناصب عدیده را به شخص واحد تفویض کنند البته قدرت انتظام آن

را نخواهند داشت. حرص و آز که لازمه ذات انسانی است، مانع از این مرحله می‌شود که اظهار عجز خود نماید. به حکم حتم کارها ضایع و تباه خواهد شد. و به علاوه اینکه سایر اصناف و اشخاص دربار همایون، که از ولی نعمت چشم‌داشت مرحمت و عنایت دارند، مأیوس می‌شوند و به مرور از قانون و قواعد چاکری تارک شده به مراسم خدمات بعید العهد خواهند شد» (آشتیانی، نسخه خطی به شماره ۸۶۲ف: ۹). این متن او را می‌توان به اصل افتراق<sup>۱</sup> که در بخش مبانی نظری اشاره شده تشبیه کرد. کلیدواژه افتراق، همان‌گونه که پیشتر گفته شد، رابطه پدیده مدرن‌سازی را با پدیده تقسیم کار (و شایسته‌سالاری) نشان می‌دهد. در نظام‌های سیاسی و اداری پیشرفته، تصدی مسئولیت‌های بزرگ نه به یک شخص که به صاحبان صلاحیت واگذار می‌شود. در این وضعیت همه کادرهای مدیریت و نخبگان شغلی از صلاحیت لازم، که برآمده از آموزش است، برخوردارند و افراد برحسب سهمی که در کاری ارزشمند برای جامعه دارند متمایز می‌شوند، نه برحسب خاستگاه‌ها یا وابستگی‌های خانوادگی و محلی‌شان.<sup>۲</sup> این مفهوم در گُنه خود حاوی این پیام است که واگذاری کارها و مناصب دولتی باید طبق معیارهای شایسته‌سالاری باشد و هر منصب و مقامی باید صرفاً براساس قابلیت که دارند گانشان برای احراز آنها دارند اعطا شوند و هیچ ملاحظه دیگری جز صلاحیت و شایستگی نتواند رقیبی را به زیان دیگران ارتقا دهد. آشتیانی به این ترتیب خواهان گریز از تمرکزگرایی فرمداران و «تقسیم کار» تخصصی برپایه صلاحیت، شایستگی و قابلیت است که یکی از مهم‌ترین ارکان عقلانیت عملی است.

«میرزا هدایت‌الله آشتیانی» همچنین رعایت امتیاز فضلی را موجب ترغیب جوانان به کسب علم و هنر می‌داند. به باور وی، گزینش افراد به واسطه علم و فضلشان مانع رشوه و تملق نیز می‌شود. در نهایت این مورد را موجب سامان و نظم یافتن امور دولتی ایران می‌داند (آشتیانی، نسخه خطی به شماره ۸۶۲ف: ۱۰). از نظر او هرگونه ترقی و پیشرفتی منوط به

### 1. Differentiation

۲. نویسنده منهای‌العلی در این باره می‌نویسد: «هر کس که شایسته باشد ولو ادنی دهقان‌زاده می‌تواند مناصب و خدمات دولت را برعهده گیرد و هر کس که شایستگی نداشته باشد ولو پادشاه‌زاده و بزرگ‌زاده نباید متصدی امر باشد» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲۶).

شایسته‌سالاری است: «همچنین از جمله شروط معظّم که مقدم بر جمیع شرط‌ها است و بدون کمال مواظبت به این شرط هرگز فتوحات به جهت سلاطین امکان نخواهد داشت و پادشاهان قدیم که کارهای عمده در جهان کرده‌اند، محض اهتمام آنها در این امر بوده است و این شرط خجسته رعایت امتیاز فضل است که هرکاری به اهل آن محول شود به این معنی که مجموع خدمات و مناصب درباری را به اشخاصی عطا کنند که لیاقت حالیه آن شغل را دارند نه اینکه به اشخاصی بدهند که من بعد احتمال در قابلیت و استعداد آنها خواهد بود (همان: ۹-۱۰).

«قراگوزلوی همدانی» نیز به واگذاری امور به افراد شایسته آن تأکید دارد. «هر شخصی که عملی از امور سلطنت و مهام دولت به او رجوع شود، بایستی قابل و مستحق آن کار باشد؛ چنان که در کلام سید الموحّدین، امیر المؤمنین علیه‌السلام مذکور است: «من احسن الکفایة استحق الولایة».<sup>۱</sup> چون اکثر خلل‌ها که در دولت‌ها به هم رسد، از آن بود که جماعتی که قابل کاری نبودند و لیاقت آن شغل را نداشتند در امور ملکی دخیل شدند و بدان سبب زخم‌ها به هم رسید و بالاخره کار به فساد ملک و زوال دولت انجامید» (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۱/۲). او از شرایط «استحقاق شغل و منصب و لیاقت کار و لقب» به این موارد اشاره دارد: «دانایی و عالم به قواعد و قوانین آن شغل و مجرب و کارآموده، قوت، امین و معتمد و دور از خیانت ثبات و عزیمت و صبر و تحمل مشقت و به دور از لهو و فراغت و عیش طلبی و راحت جویی، صاحب عقل و رأی و تمیز باشد که سوانحی که در آن شغل و عمل پیش آید به طریق صواب راه برد». در اصول «همدانی» برای گزینش افراد، اخلاق اداری نیز جای گرفته است. از نظر او اقتضای اخلاق حرفه‌ای آن است که میان قابلیت و لیاقت افراد با مشاغلی که عهده‌دار می‌شوند تناسب و سازگاری باشد و آلا به آن ماند که «گاه را در پیش سگ و استخوان را نزد اسب» ریزند که «هر دو از گرسنگی به هلاکت خواهند رسید و کارهای بزرگ بدین جهت مختل گردیده است» (همان: ۴۱۳).

نویسنده رساله «نمونه میمونه در علم سیاست مدن» هم خارج شدن امورات کشور از دست افرادی که به آن امور آگاهی دارند را موجب خرابی کلی امور کشور می‌داند. وی

۱. هر کسی که کفایت (شایستگی) داشته باشد سزاوار تصدی کارهاست.

مشخص شدن هدف و جهت دولت را در علمی‌شدن تمام مبانی حکومتی می‌داند، و بر این اعتقاد است که اگر در مصادرِ شغلی دولتی افراد شایسته و آگاه قرار نگیرند، آن دولت روی آسایش نخواهد دید. وی بر این نکته تأکید می‌کند که: «در هیچ یک از مشورتخانه‌ها و مصلحت‌خانه‌های دولتی به غیر از اهل خبره آن مجلس و مستحقین جلوس آن مقام را که به استحقاق علمیه نائل شده‌اند راه ندهند» (میرزا اسدالله، نسخه خطی به شماره ۸۱۰ف: ۹۹). در همین رساله «میرزا اسدالله» به عدم تقسیم کار هم اعتراض می‌کند و واگذاری مناصب متعدد و گاه متضاد را به یک نفر از اسباب انحطاط می‌شمارد و می‌نویسد: «هرگز دو کار متضاد مختلف را به یک نفر نباید داد، هرچند عالم به علم آن دو امر متضاد باشد... مانند آنکه یک شخص معین را هم مدعی و هم مدعی علیه و هم محصل و هم امین و هم شاهد و هم قاضی قرار بدهند» (همان: ۱۰۶-۱۰۵). او این امر را نشانه عدم کفایت و قابلیت دولت‌ها و از اسباب سستی و زوال آن می‌داند.

«میرزا ابراهیم بدایع‌نگار» در «سرگذشت شخصی» به فروش مناصب در این دوره اشاره کرده آن را مغایر شایسته‌سالاری دانسته از اسباب انحطاط کشور معرفی می‌کند (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۴۶).

«کرمانشاهی» در «احکام‌المدن» بخش دیگری از ناپابندی به شایسته‌سالاری را تشریح می‌کند و آن واگذاری امور به جوانان ناآزموده و بی‌دانش است که کارها را خراب و مملکت را ویران می‌سازد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۰۰/۲). او چاره کار را در التزام شاه و صاحب‌منصبان حکومت به شایسته‌سالاری و به‌گزینی می‌داند و می‌نویسد ایشان باید در استعداد و توانایی افراد نظر کنند، و بنابر عقل سلیم و ذوق مستقیم، هر صنفی را به فراخور استحقاق و استعداد و قابلیت به کار گیرند: «حکما را در جای خود و علما را در مرتبه خود و وزرا در جای خود، ارکان دولت در جای خود، تجار و رعیت نیز، هر صنفی از ایشان در جای خود» (همان: ۲۰۳) قرار گیرند.

کرمانشاهی برای اعطای مشاغل به افراد شروطی قائل است که به تشریح آن می‌پردازد. این شرط‌ها بر دانش، تجربه، تخصص، توانایی، اخلاق حرفه‌ای، سخت‌کوشی، تدبیر،

صداقت و سلامت اخلاقی تأکید دارد که همگی از شاخص‌های شایسته‌سالاری است (همان: ۲۰۷).

### نتیجه‌گیری

در برخی از رسایل سیاسی عصر ناصری از مفهوم «امتیاز فضلی» سخن گفته شده است که می‌توان آن را برابر نهادِ واژه شایسته‌سالاری دانست. شایسته‌سالاری که یکی از ارکان تمدن جدید و ترقی و پیشرفت شمرده می‌شود، فرایندی است که با جریان عقلانی‌سازی امور در قرون جدید شکل گرفته است. شایسته‌سالاری همسوی با معرفی شدن در خدمت ترقی و پیشرفت قرار می‌گیرد. در یک روند تاریخی، تحول اجتماعات ابتدایی و ساده و کهن به جوامع پیچیده و پیشرفته امروزی، و پیدایش تمایزات و ناهمگونی‌های پرتعداد، تقسیم کار و شایسته‌سالاری را پدید می‌آورد و آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

کاربرد امتیاز فضلی در رسایل سیاسی عصر ناصری و توجه به مفهوم شایسته‌سالاری، بیشتر به دلیل بازشناسی اسباب انحطاط ایران و تبیین دلایل پیشرفت اروپاییان صورت گرفته است. در این رسایل می‌توان نمونه‌هایی از تبیین‌های حداقلی درباره مفهوم شایسته‌سالاری، ضرورت و نتایج آن را مشاهده کرد. این رویکرد به‌ویژه در انحطاط‌شناسی سازمان اداری عصر ناصری و تبیین جریان ترقی‌خواهی، الزامات و نتایج آن دیده می‌شود و از این منظر سودمند است.

عدم توجه به اصل شایسته‌سالاری در این عصر نیز معلول نظام ایلی و ساخت ساده جامعه ایران آن روزگار و بی‌توجهی به ارکان پیشرفت و نوسازی مانند عقلانیت، تقسیم کار اجتماعی و معرفی‌سازی است.

### منابع

- آرون، ریمون (۱۳۹۰). **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ دهم.



- اسپنسر، هربرت، فردیناند تونیس و دیگران (۱۳۸۱). **جامعه سنتی و جامعه مدرن**. ترجمه منصور انصاری. تهران: نقش جهان.
- آشتیانی، میرزا هدایت‌الله (بی‌تا). **سر مکتوم**. نسخه خطی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۸۶۲ ف.
- برجیس، چارلز و ادوارد (۱۳۸۴). **نامه‌هایی از ایران ۱۸۵۵-۱۸۲۸**. گردآوری و ویراسته بنجامین شوارتز. ترجمه حسین اصغرنژاد و معصومه جمشیدی. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- بودن، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵). **فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- دوبد، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۴). **سفرنامه لرستان و خوزستان**. مترجم محمدحسین آریا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۰). **رسائل سیاسی عصر قاجار**. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **سیاست‌نامه‌های قاجاری**، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- سیمونیچ، ای. او (۱۳۵۳). **خاطرات وزیرمختار از عهد ترکمن‌چای تا جنگ هرات**، ترجمه یحیی آرزین‌پور. تهران: انتشارات پیام. چاپ اول.
- فلاندن، اوژن، (۱۳۲۴). **سفرنامه اوژن فلاندن به ایران (۱۸۴۰-۱۸۴۱ م)**. ترجمه حسین نورصادقی. اصفهان: چاپخانه روزنامه نقش جهان. چاپ دوم.
- کورف، فیودور (۱۳۷۲). **سفرنامه بارون فیودور کورف ۱۸۳۴-۱۸۳۵**. ترجمه اسکندر ذبیحیان. تهران: انتشارات فکر روز.
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۹۱). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران، نشر نی. چاپ پنجم.





- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ هیجدهم.
- لویت، کارل (۱۳۸۳). «تفسیر وبر از جهان بورژوا - سرمایه‌داری از نظر گاه عقلا نیت»، ترجمه علی مرتضویان، **مبانی نظری مدرنیسم (مجموعه مقالات)**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- میرزا اسدالله، پسر محمد کاظم (بی‌تا). **نمونه میمونه در علم سیاست مدن**، نسخه خطی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۸۱۰ ف.
- ناطق، هما (۱۳۵۸). **مصیبت وبا و بلای حکومت**. تهران: نشر گستره.

## منابع دیجیتال

- فرهنگ لغات کیمبریج:  
<http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/meritocracy>
- میرزا هدایت‌الله آشتیانی، **سر مکتوم**، کتابخانه دیجیتال ملی ایران، فایل دیجیتال این رساله نیز در آدرس زیر قابل ملاحظه است:  
<http://dl.nlai.ir/UI/ImageLayers/551118f5-65d8-4983-b85d-e2e9849a5c4e/index.html>
- میرزا اسدالله پسر محمد کاظم، **نمونه میمونه در علم سیاست مدن**، کتابخانه دیجیتال ملی ایران، فایل دیجیتال این رساله نیز در آدرس زیر قابل ملاحظه است:  
<http://dl.nlai.ir/UI/65f86746-df4e-4a56-a26b-432d5ef1b8b5/Catalogue.aspx>



دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## درآمدی بر چالش‌ها و راهکارهای بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناختی در تحلیل تاریخی

دکتر روح‌الله شهابی<sup>۱</sup>  
دکتر محمد امیر احمدزاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۱

### چکیده

برای کاربرد یافته‌های روان‌شناختی در تحلیل‌های تاریخی یک زیربنای نظری قوی وجود دارد، چرا که روان‌شناسی مطالعه رفتار انسان در حال و تاریخ مطالعه رفتار و تجربه انسان در گذشته است. با این حال مرور ادبیات نشان می‌دهد بهره‌مندی از یافته‌های روان‌شناختی در تحلیل تاریخی می‌تواند واجد چالش‌های اساسی باشد. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر مرور انتقادی این بهره‌مندی و طرح چالش‌های آن است. روش پژوهش حاضر رویکرد و روش انتقادی است. به عنوان یافته، به نظر می‌رسد برای کاربرد دانش روان‌شناسی در تحلیل تاریخی می‌توان به دو

<sup>۱</sup> استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)؛ r.shahabi@ihcs.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

دوره به هم مرتبط قائل بود؛ در دوره نخست دیدگاه‌های رویکرد روان‌تحلیل‌گری فرویدی در تحلیل ویژگی‌های شخصیتی رهبران سیاسی مورد استفاده قرار گرفت و تصمیم رهبران سیاسی در شکل‌گیری رویدادهای تاریخی با چنین نگاهی تفسیر شد. مشکلات رویکرد روان‌تحلیل‌گری باعث ظهور رویکرد دوم یعنی دیدگاه‌های روان‌شناسی بین‌نسلی در تحلیل‌های تاریخی شده است، به گونه‌ای که تغییر در روش‌های فرزندپروری به پیش‌برنده تغییرات اجتماعی دانسته شد و این اعتقاد به وجود آمد که نگرش‌ها و رفتارها با کودک و سیر تکاملی فرزندپروری، تاریخ را شکل می‌دهد. برای چنین ادعای تاریخی، شواهد نظری روان‌شناختی (برای مثال دیدگاه ویگوتسکی) وجود دارد اما همچنان تقلیل‌گرایی و روان‌شناسی بد را می‌توان ضعف عمده این رویکرد دانست. در پایان به منظور بهره‌مندی از دانش روان‌شناسی در تحلیل تاریخی، پیشنهاداتی مطرح خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** روان‌شناسی تاریخ، روان‌تاریخی، بیوگرافی روانی، رهبران سیاسی، تاریخ فرهنگی.

## ۱. مقدمه

یکی از محورهای مطالعات جدید تاریخی، تمرکز بر الگوی بینارشته‌ای به منظور کشف معانی عمیق‌تر و خلق دستگام مفاهیم علمی در تفسیر پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. مجله آنال در بررسی‌های خود از تحقیقات بینارشته‌ای از جمله تاریخ و روان‌شناسی به مثابه محورهای جدید در تحقیقات اجتماعی خود و با هدف تقویت تاریخ‌نگاری از پایین، متمرکز گردید تا بدین ترتیب بر زیرساخت‌های معنابخشی به پدیده‌ها به عنوان یک اصل لازم در تحلیل تأکید نماید. بازتاب این نگرش و الگوهای تاریخ‌نگاری جدید در پژوهش‌های ایرانی به طرح و شکل‌گیری دو نوع نگاه از منظر تاریخی و روان‌شناختی منجر شده است. هر کدام از مورخان و متخصصان روان‌شناسی از منظر درون‌گفتمانی به بررسی گفتمان مقابل نگریده‌اند و این مسئله علاوه بر خلق

فرصت‌هایی مناسب در تحلیل ابژه‌های معرفتی به چالش‌هایی نیز دامن زده است. در بررسی پیشینه پژوهش مرتبط با مسئله نوشتار حاضر می‌توان چند نوع از تحقیقات را برشمرد که هر کدام با طرح نگره‌های خاص، عمدتاً ورودی تک‌ساحتی به مناسبات تاریخ و روان‌شناسی شمرده می‌شوند.

پیشینه بررسی نسبت روان‌شناسی و تاریخ را در تحقیقات زبان فارسی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یا آنچه بر تاریخ روان‌شناختی گذشته است مرور شده است و یا شخصیت‌ها و کنشگران تاریخی تحلیل روان‌شناختی شده‌اند. پژوهش آقاجری (۱۳۹۲) و بنی‌جمالی (۱۳۸۸) را می‌توان مطالعات انجام‌شده در دسته نخست دانست. آقاجری در مرور خود فروید را یکی از نخستین کسانی می‌داند که تبیین روان‌شناسانه از پدیده‌های تاریخی مثل دین و تمدن داشت و معتقد است پس از فروید، اریش فروم و مارکوزه نظرات روان‌کاوانه فرویدی را با آموزه‌های مارکسیستی ترکیب و از آنها برای تحلیل و نقد سیاسی اجتماعی استفاده کردند. وی دهه‌ی ۱۹۶۰ را دوران تاریخ از درون دانسته که تأکید بر آسیب‌شناسی روانی و خاطره قلمداد داشته و پس از آن ظهور تاریخ روانی یا روان تاریخی اریکسون و دموس بوده است. بنی‌جمالی نیز در پژوهش خود به معرفی و تاریخچه روان‌شناسی سیاسی رهبران جهان پرداخته است.

در دسته دوم برزگر (۱۳۸۳) با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی رویکرد روان‌تحلیل‌گری به تحلیل شخصیت مظفرالدین شاه قاجار و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گران متأخر مانند هورنای و آدلر به ترتیب به تحلیل تصمیمات سیاسی ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۹) و آقا محمدخان قاجار (۱۳۸۷) و طاهری (۱۳۸۹) مبتنی بر نظریه هورنای به تحلیل شخصیت محمدرضا پهلوی پرداخته است. همچنین پژوهش بنی‌جمالی راجع به مصدق را نیز می‌توان در این دسته جای داد که در این نوشتار ضمن تحلیل ابعاد موضوعی و تحلیلی منابع مذکور، از آنها به‌عنوان کنش‌های فکری و پژوهشی متعلق به دوره نخست یادشده و در ادامه ارزیابی شده‌اند.

## ۲. طرح مسئله و ارزیابی ابعاد موضوع

مسئله نوشتار پیش‌رو بر این اصل متمرکز است که چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در بهره‌گیری از رویکرد بینارشته‌ای با محوریت مطالعات تاریخی - روان‌شناختی پیش آمده و راهکارهای ممکن برای عبور از بحران روش‌شناختی و تفسیری در این عرصه کدام‌اند؟ آنچه مسلم است اینکه، از یک سو، زیربنای نظری برای کاربرد «روان‌شناسی» در «تحلیل تاریخ» یا «روان‌شناسی تاریخ» غیر قابل تردید به نظر می‌رسد، چرا که تاریخ مطالعه عمل<sup>۱</sup> و تجربه انسان در گذشته و روان‌شناسی مطالعه رفتار و تجربه انسان در حال حاضر است (رونیان<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ ص ۳) و از سوی دیگر زیربنای نظری کاربرد «تاریخ» در «تحلیل روان‌شناختی» نیز غیر قابل تردید است، چرا که انسان موضوع مطالعه روان‌شناسی، در یک بافت فرهنگی - تاریخی و متأثر از رویدادهای تاریخی، تحول و رشد می‌یابد.

علی‌رغم انکارناپذیری نسبت و رابطه تاریخ با روان‌شناسی، به نظر می‌رسد این رابطه یک رابطه همراه با مقاومت بوده است و همین مقاومت نیز منجر به فقدان یک ادبیات نیرومند در این زمینه شده است. دلیل این مقاومت را می‌توان در دو مورد زیر دانست: نخست اینکه روان‌شناسی از ابتدای ظهور خود به عنوان یک رشته علمی، در تبیین رفتار انسان یک رویکرد تجربی آزمایشگاهی اتخاذ نمود و این در تضاد روش‌شناسی با تاریخ بوده است. درحالی‌که تاریخ رویداد خاصی را توصیف و پس از آن تحلیل و تفسیر می‌کند. روان‌شناسی تجربی امروز در تبیین رفتار انسان، ابتدا فرضیه‌پردازی کرده و سپس با استفاده از روش‌های کمی و تجربی طراحی شده به آزمون فرضیه می‌پردازد. تسلط رویکرد مشاهده سپس فرضیه‌سازی و فرضیه‌آزمایی بر روان‌شناسی، کاربرد آن را در تحلیل تاریخی با دشواری مواجه ساخته است. دوم اینکه، روان‌شناسی علی‌رغم یکسانی نظر نسبی در روش‌شناسی، واجد گستره متنوعی از سنت‌ها در تحلیل و تبیین رفتار است. این گستره متنوع باعث شده است که در تحلیل رویدادهای تاریخی به آن خوشامدگویی گفته نشود. یعنی اینکه رفتارگرایی، روان‌تحلیل‌گری، شناخت‌گرایان، شناختی اجتماعی‌ها و سایر سنت‌های روان‌شناسی به گونه‌ای متفاوت به تبیین چرایی رفتار انسان پرداخته‌اند و این

1. action  
2. Runyan

موضوع بسیاری از تاریخی‌ها را در استفاده از ابزارها و مفاهیم روان‌شناختی نامطمئن ساخته است (فاشمن،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲؛ ص ۱۴۱). برای مثال در تبیین روان‌شناختی پرخاشگری، که می‌تواند در تحلیل‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد، روان‌شناسان رفتارگرا آن را به یادگیری و تقویت‌کننده، روان‌تحلیل‌گری آن را نماینده‌گریزه مرگ در تقابل با گریزه زندگی، شناخت‌گرایان آن را معلول تفسیر و شناخت نادرست و شناختی اجتماعی‌ها آن را نوعی رفتار اجتماعی آموخته‌شده نتیجه تعامل بین ویژگی‌های شخصی، محیطی، رفتاری تفسیر می‌کنند. در کنار اینها، نظریه‌های منفرد دیگر مانند نظریه ناکامی - پرخاشگری در نظر گرفته می‌شود. این تنوع تفسیری در مورد سایر پدیده‌ها نیز دیده می‌شود و کاربرد روان‌شناسی را در تحلیل تاریخی با تردید مواجه ساخته است.

با این حال، «بیوگرافی روان‌شناختی»<sup>۲</sup> و «روان‌تاریخی»<sup>۳</sup> را می‌توان نماد بهره‌گیری از مفاهیم روان‌شناسی در تحلیل تاریخ، و نظریه تاریخی فرهنگی و یگوتسکی در مورد رشد و رفتار انسان را نماد بهره‌گیری از تاریخ در تحلیل روان‌شناختی دانست.<sup>۴</sup>

بیوگرافی روان‌شناختی، در قالبی روایتی، اثرگذاریِ حوادث مهم زندگی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار افراد مهم با هدف فهم الگوهای ثابت و پایدار کنش را مورد بررسی قرار می‌دهد (بنی‌جمال، ۱۳۸۸؛ ص ۶۵). بیوگرافی روان‌شناختی با مطالعه فروید با عنوان «داوینچی و یک خاطره از کودکی‌اش»<sup>۵</sup> شروع شد و با کارهای دیگران از جمله

1. Fuchsmann
2. psychobiography
3. psychohistory

۴. روان‌تاریخی و بیوگرافی روانی متفاوت از «روان‌شناسی سیاسی» (political psychology) است. روان‌شناسی سیاسی به عنوان «کاربرد روان‌شناسی انسانی برای مطالعه سیاست» (Sears, Huddy, & Jervis, 2003) و «استفاده از روان‌شناسی برای تبیین گستره‌ای از رفتار سیاسی از رفتار رأی‌دادن تا رقابت هسته‌ای و از سیاست‌های نژادی تا نسل‌کشی» (Cottam et al, 2010) تعریف شده است. در روان‌شناسی سیاسی مقوله‌هایی مانند روابط بین‌الملل، رفتار سیاسی توده مردم، روابط درون گروهی و تغییرات سیاسی، رسانه‌های جمعی و ادراک نامزدها، ایدئولوژی و عقاید عمومی، تصمیم‌گیری، پیشداوری و تنوع، تعارض، خشونت، انتقال سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرند. روان‌شناسی سیاسی اگرچه ریشه‌های روان‌تحلیل‌گری دارد اما بیشتر به سمت روان‌شناسی تجربی<sup>۴</sup> رفته است. علاقه به افکار اتخاذ شده از فروید فراتر از دهه ۱۹۶۰ نرفته است. اما روان‌تاریخی نتوانسته به سمت روان‌شناسی تجربی برود. پس روان‌تاریخی چه چیزی را مطالعه می‌کند؟

5. Leonardo da Vinci and a Memory of His Childhood

«حقیقت گاندی»<sup>۱</sup> و «مرد جوان؛ لوتر»<sup>۲</sup> اریکسون تداوم یافت (رونیان، ۱۹۸۸؛ ص ۴).<sup>۳</sup> در واقع بیوگرافی‌های روانی با استفاده از نظریه‌های روان‌شناختی نشان می‌دهند چگونه کاراکتر روان‌شناختی افراد می‌تواند رویدادهای سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. نگارش بیوگرافی‌های روان‌شناختی افراد مهم با تأسی از دیدگاه‌های فرویدی تا سال‌های ۱۹۶۰ تداوم یافت و با آغاز شدن انتقادات به رویکرد روان‌تحلیل‌گری، به نظر می‌رسد «بیوگرافی روان‌شناختی» به «روان‌تاریخی» تغییر مسیر داده باشد.

رونیان (۱۹۹۳، ص ۳۶) روان‌تاریخی را استفاده آشکار از روان‌شناسی رسمی یا نظام‌مند در تفسیرهای تاریخی تعریف کرده است و معتقد است این استفاده می‌تواند شامل بهره‌مندی از سنت روان‌تحلیل‌گری بشود و یا نشود. زالوتا<sup>۴</sup> (۲۰۰۱؛ ص ۱) با تأکید بیشتر بر روان‌تحلیل‌گری، روان‌تاریخی را استفاده از روان‌شناسی به معنای وسیع آن و استفاده از روان‌تحلیل‌گری به معنای خاص آن برای مطالعه گذشته تاریخی تعریف کرده است و معتقد است استفاده از روان‌تحلیل‌گری در مطالعه تاریخ، فهم ما را از پویایی‌های گذشته غنی‌تر ساخته و ابعاد جدیدی به چشم‌انداز ما از فرایندهای تاریخی اضافه می‌کند. بهره‌مندی از روان‌تحلیل‌گری به عنوان یک چارچوب نظری برای تحلیل تاریخی در برخی دیگر از تعاریف روان‌تاریخی آمده است که از آن جمله می‌توان به پاولز<sup>۵</sup> (۲۰۱۲، ص ۱۰۲) اشاره کرد. با این حال به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر تعریف از روان‌تاریخی تغییر ماهوی داده است. انجمن روان‌تاریخی<sup>۶</sup> (۲۰۱۶)، آن را علم انگیزش تاریخی<sup>۷</sup> دانسته است که بینش‌های روان‌درمانی<sup>۸</sup> را با روش‌شناسی پژوهشی علوم اجتماعی ترکیب می‌کند تا به درک درستی از ریشه‌های رفتار سیاسی و اجتماعی گروه‌ها و ملت‌ها [و نه افراد] در گذشته و حال پی برده شود. بر این اساس، تحول روان‌تاریخی را می‌توان متأثر از تسلط

1. Gandhi's Truth
2. Young Man Luther

۳. برای مرور پیشینه ابتدایی روان‌تاریخی به رونیان، ۱۹۸۸ صص ۱۲ تا ۲۰ مراجعه کنید.

4. Szaluta
5. Pawelec

۶. نقل از وب سایت انجمن روان‌تاریخی (The association for psychohistory) به آدرس

<http://psychohistory.com/>

7. historical motivation
8. psychotherapy



رویکردهای روان‌شناختی به دو دوره زمانی تقسیم کرد: در دوره نخست یک رابطه عمیق بین روان‌تاریخی و روان‌تحلیل‌گری وجود داشته است اما این رابطه تبدیل به یک تنش عمیق شده و دوره دوم روان‌تاریخی را شکل داده است.

### ۳. دوره نخست: پیوند روان‌تاریخی با روان‌تحلیل‌گری

گفته شده است در تعاریف اولیه از روان‌تاریخی تأکید زیادی بر کاربرد روان‌تحلیل‌گری در تبیین شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی شده است. لیولد دموس<sup>۱</sup> (۱۹۸۲، ص ۵۳) و پائول الوویتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۹، ص ۲) ماده موضوعه روان‌تاریخی را موضوعاتی از قبیل تاریخچه کودکی، بیوگرافی روانی، مکانیسم‌های دفاعی و رویاها و خلاقیت شخصیت‌های تاریخی دانسته‌اند. بر این اساس، عمده تولیدات این رشته نیز متکی به دیدگاه‌های فروید و یا پیروان او مانند اریکسون، هورنای و آدلر بوده است. برای مثال در ایران برزگر (۱۳۸۳) با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی رویکرد روان‌تحلیل‌گری به تحلیل شخصیت مظفرالدین‌شاه قاجار و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گران متأخر مانند هورنای و آدلر به ترتیب به تحلیل تصمیمات سیاسی ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۹) و آقا محمدخان قاجار (۱۳۸۷) و طاهری (۱۳۸۹) مبتنی بر نظریه هورنای به تحلیل شخصیت محمدرضا پهلوی پرداخته است.

برزگر (۱۳۸۳) ضمن بررسی سفرنامه‌های مظفرالدین شاه معتقد است وی در دوره طولانی ولیعهدی‌اش به جای کسب تجربه سیاسی و کشورداری به طور مداوم از سوی پدر به بی‌کفایتی متهم و به وی با نگاهی تحقیرآمیز نگریسته می‌شد. این موضوع باعث شده است پس از رسیدن به قدرت آمال و آرزوهایش را در وضعیت پدر ببیند و از طریق مکانیسم روانی «هماندسازی» از رفتار پدر تقلید نماید «... بعدها در دوره شاهی الگوی پدر در ناخودآگاه وی قرار گیرد و به شکل‌های گوناگون بکوشد از ناصرالدین شاه تقلید کند» (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۸۶). ایشان مظفرالدین شاه را دارای ضعف آگو<sup>۳</sup> دانسته و معتقد است

1. Liyold deMause  
2. Paul Elovitz  
3. ego

افرادی که با توارث و نه شایستگی ذاتی به قدرت می‌رسند دارای این ضعف اساسی هستند و شاخصه‌های آن را مواردی مانند تأثیر درباریان بر تصمیمات شاه دانسته است (همان، ص ۸۷). علاوه بر این، تمجید و تحسین‌های فراوان و خوشامدگویی‌ها و زنده‌بادگویی‌ها و مانند آن، که مظفرالدین شاه در سفرنامه‌های خود به آنها اشاره کرده است، را نشانه خودشیفتگی (همان، ص ۸۴)، اصرار بر دریافت نشان زانوبند از پادشاه انگلستان به مثابه کودکی که اصرار به خواستن چیزی دارد را نشانه تثبیت «بزرگسال نابالغ» (همان، ص ۸۶) و چشم‌چرانی را نشانه تخلیه روانی از طریق ارضاء افراطیِ غریزه جنسی (همان، ص ۸۸) در مظفرالدین شاه دانسته است.

برزگر (۱۳۸۷، صص ۵۰ تا ۷۰) زندگی آغا محمدخان قاجار را شاهد اعتبار و درستی نظریه آدلر دانسته و با اسناد تقریباً تمامی تصمیمات آغامحمدخان به عقده اختگی وی، معتقد است ایشان دارای من (اگوی) قوی‌تر و فرامن (سوپراگو) ضعیف بوده و به همین دلیل اراده خویش را بر دیگران تحمیل می‌کرد و کاستی لذت‌جویی‌های جنسی خود را در کام‌جویی‌های سیاسی و لذت فرمان‌دادن به دیگران و مشاهده اطاعات بری از خویش جبران می‌کرد (همان، ص ۲۴). وی معتقد است به همین دلیل آغا محمدخان به حیطه وظایف اهل قلم نیز وارد می‌شد و آنجا نیز دخالت می‌کرد و خود رأساً اداره امور را مانند نظارت بر جمع‌آوری مالیات را برعهده می‌گرفت (همان، ص ۲۵). به دلیل خواجگی، بهترین سرگرمی آغا محمدخان خواندن و نوشتن بود (همان، ص ۲۶)، و همچنین در اثر اخته‌شدن در دوره کودکی و اسارت در شیراز و توجه به نقص جسمی خود در موقعیت پادشاهی، همه توجهش را به اهل شمشیر یعنی سپاهیان‌ش معطوف می‌کرد، چرا که آنها را در دستیابی به اهدافش تعیین‌کننده‌تر می‌دانست. او تحت تأثیر پیامدهای خواجگی شیوه خاص و منحصر به فردی را در تشریفات سلطنتی ایجاد کرده بود و برای مثال اجازه نمی‌داد کسی از رعیت به صورتش بنگرد (همان، ص ۲۸). انتقام‌کشی و خشونت او با تحریک عقده اختگی در وی مرتبط بوده و مردم کرمان را به این علت قتل عام و کور کرد، چون خواجگی او را وسیله ناسزاگویی قرار داده بودند (همان، ص ۲۹). بی‌رحمی و خشونت بی‌حد را مرتبط با اختگی دانسته و آن را باعث تشفی خاطر روانی و عقده‌های

سرکوب‌شده و ارضاء‌نشده وی می‌دانست و آن را ابزاری برای نشان‌دادن توانایی و لیاقت و قدرت اداره کشور به‌رغم خواجه‌گی می‌پنداشت تا بتواند شکاف تصور ذهنی مردم و نخبگان از خواجه‌بودن افراد و واقعیت عینی و توانایی شایستگی آغا محمدخان را پر کند. نظیر چنین تفاسیری در جودی سفیدان و کریمی (۱۳۹۱) نیز آمده است.

برزگر (۱۳۸۹) اضطراب اساسی دوران کودکی و اضطراب جانشینی دوره ولیعهدی در کنار دغدغه بقا را عوامل اصلی شخصیتی ناصرالدین شاه قاجار دانسته است. وی معتقد است بی‌توجهی به ناصرالدین شاه در سایه روابط سرد پدر و مادر، ویژگی تربیتی دوره کودکی ناصرالدین شاه بوده است که منجر به اضطراب اساسی در وی شده است. همچنین فقدان رابطه و یا رابطه سرد با پدر، تولد فرزندی دیگر، شایعه حرامزادگی، فقدان حامی داخلی و دخالت خارجی منجر به تاکتیک‌های مهرطلبی و انزوای طلبی شده است.

طاهری (۱۳۸۹) آزار و اذیت همسالان در مدرسه به‌واسطه احساس کهنتری، کمبودهای عاطفی به‌واسطه دوری زود هنگام از خانواده، تغذیه مادی اطرافیان خود به‌واسطه عقده طردشدگی در دوران کودکی، تناقض رفتاری در امور مذهبی و حکمرانی به‌واسطه اضطراب اساسی، نیاز به محبت و مورد تأیید واقع شدن و نیاز به داشتن قدرت، به‌واسطه کمبود محبت در کودکی و سبک فرزندپروری مستبدانه و خودشیفتگی ناشی از خشونت و تحقیرهای گذشته را عامل روان‌شناختی تصمیمات سیاسی پهلوی دوم دانسته است.

#### ۴. ارزیابی و نقد رویکرد دوره نخست

بهره‌گیری از روان‌تحلیل‌گری برای تحلیل تاریخی، آن‌گونه که در بالا آمده است، هم از منظر روش‌شناختی و هم از منظر تفسیری مورد نقد جدی است. از منظر روشی به نظر می‌رسد که تحلیل روان‌تحلیل‌گرایانه افرادی که در قید حیات نیستند با دشواری صورت گیرد، چرا که روش جمع‌آوری اطلاعات در این رویکرد، مصاحبه بالینی با افراد است و روان‌شناس تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی مانند تداعی آزاد، تحلیل رویاها، تحلیل لغزش‌های کلامی و مانند آن، فرد را نسبت به تعارض‌های ناهشیار خود آگاه سازد؛ اما عمده بهره‌گیری روان‌تاریخدان‌ها از مفاهیم روان‌کاوی در مورد شخصیت‌هایی صورت

گرفته است که سال‌ها از مرگ آنها گذشته و به نظر می‌رسد تجارب شخصی، اعتقادات و ارزش‌های پژوهشگر می‌تواند در چنین تحلیل‌هایی راه یابد. به عبارت دیگر، پژوهشگر خود را در ذهن شخصیت تاریخی‌ای قرار می‌دهد که آن را مطالعه می‌کند. این موضوع از این رو نیز اهمیت زیادی دارد که اساساً روان‌تحلیل‌گری یک «روان‌شناسی بد» است و ماهیت آن را نگاه آسیب‌شناسانه<sup>۱</sup> تشکیل می‌دهد. کاربرد نگاه آسیب‌شناسانه ایجاب می‌کند که شخصیت تاریخی مورد نظر به صورت مستقیم مشاهده و مورد مصاحبه بالینی قرار گیرد.

علی‌رغم این مشکلات روش‌شناختی، اگر بپذیریم تحلیل روان‌تحلیل‌گرایانه‌ی تاریخ مشروعیت دارد، هنوز هم مشکلات تفسیری وجود خواهد داشت. چرا که آیت‌ها یا موادی که فرایندهای تاریخی یا بیوگرافیک پیشنهاد می‌دهند تنها یک آیت‌م یا ماده خام هستند و بدون تفسیر، کمک چندانی نخواهند کرد. در اینجا یک طرح‌واره تفسیری براساس تجربیات بالینی و یا نظریه‌ای محقق ورود پیدا می‌کند و منجر به معناسازی در مورد فهم شخصیت و رفتار دیگری می‌شود. در واقع فاصله بین حقیقت بیوگرافیک و تفسیر روان‌شناختی است که خطر و دام تفسیری روان‌تاریخی را فراهم می‌آورد. باید توجه داشت داده‌هایی که براساس آنها یک روان‌تحلیل‌گر به بررسی می‌پردازد در پشت حجاب محتوای آشکار آنها پنهان هستند و هرگونه بررسی می‌بایست با پیوند مجموعه‌ای گشتالتی از حقایق، نظریه‌ها واکنش‌ها و رفتارها صورت پذیرد و صرف اتکاء به یک رفتار واحد نمی‌تواند یک تفسیر روان‌تحلیل‌گرایانه پیچیده‌ای را ممکن سازد.

حذف و یا تأکید کمتر بر جنبه‌هایی که متناسب با فرضیه‌های تعیین‌شده نیستند، یکی دیگر از مشکلات تفسیری است. برای مثال، احساس حقارت مرتبط با نقایص جسمانی، مفهومی بسیار اولیه در نظریه آدلر بوده است و آدلر بعدها با اصلاح این ادعا معتقد بود که احساس حقارت مفهومی است عام که همه کودکان نسبت به بزرگسالان اطراف خود دارند. ضمن آنکه احساس حقارت را نشانه ضعف نمی‌دانست بلکه یک نیروی انگیزشی قلمداد می‌کرد که می‌تواند افراد را وادار به پیشرفت سازد. آدلر معتقد بود احساس حقارت

1. pathological

زمانی تبدیل به عقده حقارت می‌شود که فرد نتواند حقارت‌های معمول خود را جبران کند (ناصری و رئیس، ۱۳۸۶؛ ص ۵۶). بر این اساس، به نظر می‌رسد آغا محمدخان به پادشاهی رسیده بود و نیل به چنین جایگاهی نمی‌توانست باعث تبدیل احساس حقارت وی به عقده حقارت و تصمیمات آتی وی شود. مشکلات ناشی از انتخاب داده‌ها و پیشنهاد پیوندهای نادرست بین رویدادها از دیگر مشکلات تفسیری است که می‌توان به آنها اشاره کرد. به یاد داشته باشیم که رویکرد روان‌تاریخدان‌ها، انجام آن با قدرت اکتشافی پایین است. علاوه بر این، کاربرد الگوهای آسیب‌شناسانه دشواری‌هایی را با خود به همراه می‌آورد (میسنر،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳، ص ۱۸۴).

در مجموع به نظر می‌رسد استفاده از روان‌تحلیل‌گری در تحلیل تاریخی را می‌توان دارای مشکلات زیر دانست: (۱) به واسطه ماهیت اندیشه‌ای رابطه تجربه کودکی با رفتار بزرگسالی، نمی‌توان بین این دو یک رابطه علی‌قائل بود. (۲) در چنین تفسیرهایی فرایندهای بزرگ‌تر و بااهمیت‌تر تغییرات تاریخی در دین، اقتصاد، سیاست جامعه و مانند آن نادیده گرفته شده است. (۳) گرفتن نتایج قوی از داده‌ها و اطلاعات ضعیف. (۴) محدود کردن جنبه‌های روان‌شناختی و شخصیتی افراد به ابعاد آسیب‌شناختی. (۵) توجه بیش از حد بر تجربه‌ها و رویدادهای ناخوشایند دوران کودکی و بی‌توجهی به کلیت زندگی فرد. همین ضعف‌ها باعث شده است در تفسیرهای تاریخی این‌چنینی، عمدتاً مفاهیم مشابهی در مورد شخصیت‌های مختلف مشاهده کنیم. مفاهیمی مانند خودشیفتگی، ضعف‌های عاطفی دوران کودکی، نابهنجاری جنسی، محرومیت‌ها و حقارت‌های کودکی و مانند آن مفاهیمی هستند که در تحلیل شخصیت مبتنی بر رویکردهای روان‌کاوی در مورد شخصیت‌های بسیاری به کار برده می‌شود. برای مثال در تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستان‌های غلامحسین ساعدی نیز نظیر چنین مفاهیمی به خوبی دیده می‌شود و مثلاً تفسیر روان‌شناسی شخصیت سیده خانم داستان گدا که شخصی مهرطلب تفسیر شده است بسیار مشابه مهرطلبی ناصرالدین شاه است (رجوع کنید به شاکری و بخشی، ۱۳۹۴).

## ۵. دوره دوم: پیوند روان تاریخی با روان‌نسلی<sup>۱</sup> و روان‌تحلیل‌گری

به نظر می‌رسد مشکلات ذکر شده در مورد روان‌تحلیل‌گری موجب ظهور رویکرد دوم شده است. در دوره دوم دموس (۲۰۰۲، ص ۷۷) با تأکید بر اهمیت تاریخچه کودکی افراد معتقد است تغییر در فرزندپروری<sup>۲</sup> به‌پیش‌برنده تغییرات اجتماعی است و نگرش‌ها و رفتارها در مورد کودک، تاریخ را شکل می‌دهد. وی معتقد است سیر تکاملی فرزندپروری دوره کودکی، انگیزه اصلی در تاریخ انسان است و به عنوان بخشی از نظریه‌اش تاریخ انسان را به ۶ سبک فرزندپروری تقسیم می‌کند. ۱) دوره نوزادکشی<sup>۳</sup> تا قرن چهارم پس از میلاد؛ در این دوره دموس دو زیرمرحله را مشخص می‌کند: مرحله نخست با نرخ بسیار بالای نوزادکشی، زنا‌ی با محارم، قطع عضو بدن، تجاوز جنسی به کودک، شکنجه و کنار گذاشتن هیجانی به وسیله والدین مشخص شده است. پدر به عنوان یک مراقب واقعی بسیار ناپخته بوده است و در سال‌های اولیه به لحاظ هیجانی کاملاً غایب بوده است. ازدواج دختران قبل از بلوغ مرسوم بوده است و قربانی کردن کودک در جوامع اولیه وجود داشته است. در زیر مرحله دوم، نرخ نوزادکشی همچنان بالا بوده و تجاوز جنسی به کودک هنوز معمول بوده است. پدر درگیری بیشتری در آموزش اجتماعی کودکان بزرگ‌تر پیدا می‌کند. سوءاستفاده از کودک کمتر منفعلا نه بوده و بیشتر برای کنترل و نظم بوده است و کودک خواهان حمایت خانواده بوده است.

۲) دوران رهاسازی،<sup>۴</sup> از قرن ۴ تا قرن ۱۳؛ در این دوره این تصور شکل می‌گیرد که کودک هنگام تولد و یا حتی قبل از آن دارای روح است و به همین دلیل سقط جنین بحث‌برانگیز می‌شود. مسیحیان اولیه، نوزادکشی را با رهاسازی هیجانی و بدنی عوض می‌کنند و با استفاده گسترده از پرستار (دایه)، شیردهی رضاعی و فرستادن کودک برای خدمتکاری، عمل لواط با پسر بچه‌ها ادامه می‌یابد و تجاوز و سوءاستفاده از دختران گسترده می‌شود. تصور می‌شود که کودک بد متولد شده است.

1. psychogenic
2. childrearing
3. infanticidal mode
4. abandoning

۳) دوران دو سوگرایی،<sup>۱</sup> از قرن ۱۳ تا قرن ۱۷؛ این مرحله مستلزم توانایی حفظ دوسوگرایی عشق و نفرت بوده است. تجاوز به کودک غیرقانونی شمرده شد، رفتن به مدرسه و مراقبت پزشکی از کودک و قوانین حمایت از کودک توسعه یافت و نخستین حرکت‌ها در زمینه حقوق کودک شروع شد. اغلب مادران هنوز به طور هیجانی نوزادان خود را طرد می‌کردند و پرستاری همراه با تنبیه بدنی و تغذیه با پستانک<sup>۲</sup> هنوز گسترده باقی ماند. تنقیح به طور معمول مورد استفاده قرار گرفت و از خجالت‌دادن<sup>۳</sup> به‌عنوان یک روش مهم انضباطی استفاده شد.

۴) دوران ناخواندگی،<sup>۴</sup> قرن ۱۸ (شروع از قرن ۱۷)؛ در این دوره طرح‌ریزی والدین<sup>۵</sup> تا حدودی کاهش یافت و کودک بیش از اینکه در قنناق گذاشته شود اجازه خزیدن پیدا کرد و نظم کودک از طریق کنترل کردن ذهن و احساسات درونی کودک شایع شد. همدلی اولیه آغاز گردید، ارتقاء عمومی در سطح مراقبت شروع شد و منجر به کاهش سطح مرگ و میر کودک گردید و این با تولد کمتر و سرمایه‌گذاری فیزیکی و هیجانی بیشتر برای هر کودک همراه شد. در نتیجه فرزندپروری بهتر، ازدواج‌های مرتب arranged marriages و ضرب و جرح همسر کاهش یافت و عشق همسری مورد اعتماد و همراهی<sup>۶</sup> آغاز شد. این به توانایی کودک در شناسایی والدین با عشق کمک کرد. والدین در این دوره به طور فعال قاشق‌های چوبی، لوله پلاستیکی، چوب‌لباسی، دستان باز و دیگر الگوهای انضباطی خشن را برای تنبیه آنچه که آنها به عنوان بدرفتاری در کودک و نوزاد تشخیص می‌دادند به کار بردند.

۵) دوران جامعه‌پذیری،<sup>۷</sup> قرن ۱۹ تا اواسط قرن بیستم؛ در این دوره تعداد کودکانی که اغلب زنان به دنیا می‌آوردند از هفت یا هشت به چهار و یا سه کاهش یافت. محدودیت تولید مثل، والدین را قادر می‌ساخت که از هر کودک مراقبت بیشتری به عمل آورند.

1. ambivalent
2. pap feeding
3. shaming
4. intrusive
5. parental projection
6. companionship
7. socializing

هدف آنها کم‌کم تزریق کردن آرزوها و اهداف خودشان به بچه‌هایشان بوده است تا حمایت از فردی‌سازی هر کودک. در این دوره دستکاری‌های<sup>۱</sup> روان‌شناختی، با دست به کفل زدن و روش‌های تنبیهی دیگر، خجالت‌دادن، محرومیت و منع کردن<sup>۲</sup> هنوز مورد استفاده بوده است، اما به کودک احترام و مراقبت بیشتری نسبت به همه دوره‌های قبل داده می‌شد. دختران جوان اجازه داشتند که آموزش، شغل و زندگی جنسی خود را داشته باشند. مادران شروع به لذت‌بردن واقعی از مراقبت از نوزادان و کودکان خود کردند. بعضی از پدران شروع کردند به مسئولیت‌پذیری بیشتر، بازی کردن با کودکان، مراقبت و آموزش به فرزندان خود. الگوی اجتماعی کردن محصول دنیای صنعتی شده بود، ارزش‌های ملی‌گرایانه و دموکراسی به ارزش‌های جدید بسیاری از مردم تبدیل شد. اصلاح سوءاستفاده از کودکان منجر به افزایش اجتماعی کردن و کاهش نیاز به وفاداری به یک رهبر مقتدر شد.

۶) دوران کمک‌رسانی،<sup>۳</sup> از اواسط قرن بیستم تا کنون؛ دوره کمک‌رسانی شامل این فهم است که نقش اصلی والدین، کمک کردن به هر کودک برای رسیدن به اهدافش در هر مرحله از زندگی است، بیش از آنکه در اهداف بزرگسالی اجتماعی شود. مادر و پدر از نوزادی با کودک درگیر خواهند بود. نتیجه این خواهد بود که روان‌طبقه psychoclass نسبت به دوره‌های دیگر همدلی<sup>۴</sup> بیشتری با دیگران خواهد داشت. برای نخستین بار، والدین پرورش‌فرزند را نه به‌عنوان وظیفه بلکه به‌عنوان لذت انجام می‌دهند. هم مادر و هم پدر ممکن است به‌طور برابر با کودک از نوزادی درگیر شوند و والدی یا والدین و مراقب کودک را ترغیب می‌کنند که بیشتر فردی<sup>۵</sup> شده شود.

دموس (۲۰۰۲، ص ۲۵۱) معتقد است والدین از هر یک از شش روان‌طبقه در اغلب جوامع مدرن امروزی وجود دارند و هنگامی که روان‌طبقه‌های پیشرفته، تلاش می‌کنند نوآوری در دنیای سیاسی پرهرج و مرج همراه با عدم تحمل را باب کنند، واکنش و

---

1. psychological manipulation  
2. withholding  
3. helping mode  
4. emphatic  
5. individuated



سرکوب در پی خواهد داشت. در این شرایط از سوی روان‌طبقه‌های برجسته قبلی مقاومت وجود خواهد داشت و بین آنهایی که تلاش می‌کنند به عقب برگردند و زمان قبلی را تصور می‌کنند و آنهایی که دنبال آگاهی و شرایط جدید هستند تعارض به وجود خواهد آمد. احساس وحشت و نگرانی عمیق زمانی پیدا خواهد شد که حل تنش بین گرایش به عقب‌روی و جلو روی با شکست مواجه شود.

در تاریخ‌نگاری‌های با رویکرد روان‌تاریخی تلاش شده است از نظریه دموس استفاده شود. برای مثال دموس (۲۰۰۸) خود در مقاله‌ای به بررسی ریشه‌های کودکی جنگ جهانی دوم و واقعه هلوکاست پرداخت. او در توصیف ویژگی‌های خانواده‌های ساکن در اروپای مرکزی در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم معتقد است (دموس، ص ۳ تا ۱۲) طی آن سال‌ها والدین به روشنی خشم خود را علیه فرزندان دختر نشان می‌دادند. هنگامی که فرزند دختر متولد می‌شد، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر نادیده گرفته می‌شد، پدران غالباً گزارش می‌کردند که نوزاد دختر خود را روی رختخواب و به سمت مادر پرت می‌کردند، به طوری که خطر شکستن ستون فقرات آنها وجود داشت. نتیجه چنین رفتارهایی نرخ بیشتر مرگ و میر نوزادان دختر و در نتیجه بالا بودن نرخ پسران در مقایسه با دختران در نواحی اروپای مرکزی طی آن سال‌ها بوده است. در کنار آن، شیر دادن نوزادان ناکافی بوده است به طوری که نرخ مرگ و میر نوزادان اعم از دختر و پسر در پروس ۲۱ درصد و در باواریا ۵۸ درصد بوده است. بر این اساس در پایان قرن ۱۹ حدود نیمی از نوزادان تازه متولد شده توسط مادران خود رها می‌شدند. افرادی که در آن سال‌ها شاهد خانواده‌های آلمانی بودند معتقد بودند بسیار نادر بوده است که یک خانم آلمانی به فرزند خودش غذا بدهد. کودکان تاریخچه سوءاستفاده از خود را خیلی زود و در حقیقت طی سال‌های جنینی شروع می‌کردند؛ جایی که مادر روزانه الکل مصرف می‌کرد و مردان به طور معمول همسران باردار خود را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. نوزادها در مدفوع و ادرار خود رها می‌شدند و هرگز شسته نمی‌شدند. نتیجه غوطه‌ور شدن نوزادان در شپش و دیگر حشرات موزی بود و والدین فرزندان خود را «شپش»<sup>۱</sup> و «خورندگان بی‌فایده»<sup>۲</sup> می‌نامیدند،

1. lice  
2. useless eaters

چرا که آنها تا زمانی که بزرگ‌تر نمی‌شدند به کار خانواده کمک نمی‌کردند و به همین دلیل هم بندرت چیزی بدون توصیه پدر خود می‌خوردند. برای اینکه خورندگان بی‌فایده یک لقب طولانی مدت برای آنها نباشد خیلی زود به عنوان خدمتکار یا کارآموز به خانه‌های دیگران فرستاده می‌شدند و کتک‌زدن خدمتکاران و کارآموزان امری شایع بوده است. گریه نوزاد صرفاً یک جیغ تفسیر می‌شد و مادر بندرت به آن پاسخ می‌داد و یا نوزاد خود را در بغل نگه می‌داشت و پس از چند شب نوزاد می‌فهمید که جیغ‌هایش تأثیری ندارد و ساکت می‌شد. ماهیت واقعی کودک گناهکار دیده می‌شد و کتک‌زدن اصلی‌ترین راه برای نادیده گرفتن و سرکوب کردن اراده آزاد کودک بوده است. کتک‌زدن نیز خیلی زود و حتی در دوره نوزادی شروع می‌شد. روش‌های تنبیهی دیگر نیز به عنوان مکمل کتک‌زدن مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای مثال کودکان روی آهن‌های داغ گذاشته می‌شدند یا برای تمام شب و یا مدت طولانی به تختخواب بسته می‌شدند و مانند آن.

دموس (۲۰۰۶، صص ۲۰۵-۲۱۴) با شرح این ویژگی‌ها معتقد است افرادی که خودکشی می‌کنند صدایی در درون آنها به آنان یادآوری می‌کند که بد هستند و به خاطر این بد بودن خود را مجازات می‌کنند. همانند خودکشی، ملت‌هایی که مرتکب نسل‌کشی می‌شوند صدایی در درون آن ملت‌ها به آنها می‌گوید که بد هستند و در واقع به مجازات خودشان می‌پردازند. به عبارت دیگر، برخلاف نظریه‌های جنگ، نسل‌کشی پرخاشگری نیست بلکه پیامد ترس‌های انباشته شده از درماندگی در کودکی است. صداهایی که به آنها می‌گوید بکشید ریشه در دوران کودکی و با شبکه ترس‌های اولیه ارتباط دارد. ویژگی‌های گناه‌آلود نسبت داده شده به یهودیان، تکرار کیفیت‌های گناهکارانه‌ای بوده است که والدین آلمانی به طور معمول نسبت به فرزندان خود داشته‌اند. رابطه نیرومند کودکی سوءاستفاده شده با راه‌حل نظامی به عنوان عملکرد بعدی و سطح خشونت در حل تعارضات اجتماعی به‌خوبی مستند شده است. براساس یک رویکرد روان‌تحلیل‌گرایانه، افرادی که یک کودک مغفول و یا سوءاستفاده شده داشته‌اند از همه پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها، آزادی‌ها و چالش‌های جدید می‌ترسند و اضطراب نابودی<sup>۱</sup> نشان می‌دهند.

1. annihilation anxiety

هنگامی که این کودکِ مغفول فراگیر باشد و بخش زیادی از جامعه را شامل شود، یک صدایی در درون جامعه خواهد گفت «خود بد» باید مجازات شود. براساس گزارش‌های تاریخی، خود هیتلر نیز سوءاستفاده‌های کشنده‌ای را که در خانواده‌های آلمانی و اتریشی مرسوم بوده متحمل شده است. هیتلر به تنگی و سختی قنفاق می‌شد و پدرش مرتباً او را لگد و شلاق می‌زد، به گونه‌ای که هشیاری‌اش را از دست می‌داد. به نظر می‌رسد ترس از اینکه آلمانی‌ها در معرض لگدهای همسایگان قرار گیرند لگد و شلاق دشمنان را شکل داده است. هیتلر همانند همه نوزادان باواریایی زمان خود مرتباً گرسنگی می‌کشید و همین بر ترس‌های درازمدتش از گرسنگی قریب‌الوقوع آلمانی‌ها سایه افکنده بود. همین باعث شده بود هیتلر در آغاز کتاب خود توضیح دهد دلیل اینکه «آنها نیاز دارند سرزمین مادری خود را گسترش دهند» این است که «مادر آلمان بتواند نوزادان و فرزندانش را به خوبی تغذیه کند»؛ هراسی که در تمام نوزادان در قنفاق پیچیده گرسنه‌مانده از آن دوران وجود داشت. دموس در ادعایی عجیب معتقد است هیتلر همانند بسیاری دیگر از کودکان باواریایی تا حدود شش سالگی در تخت خواب مادرش می‌خوابید و احتمال آمیزش جنسی با وی وجود دارد و به همین دلیل بوده است که هیتلر اغلب نگران آن بود که اسپرمش خون معشوقه‌اش را آلوده نسازد و به دنبال آن بوده است که وطنش را از دست یهودیانی که به آن تعرض کرده‌اند نجات دهد. این موارد با گروه - فانتزی<sup>۱</sup> سرزمین مادری قدرتمند همراه بوده است که قبل از همه‌ی جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها وجود داشته است. نمونه‌ای از این گروه فانتزی‌ها را می‌توان موارد زیر دانست: وقتی هیتلر به قدرت رسید مادران آلمان در خیابان‌ها رژه رفته و شعار می‌دادند «ما کودکان را به پیشوایمان هدیه داده‌ایم» و جوانان آواز می‌خواندند «ما به دنیا آمده‌ایم تا برای آلمان بمیریم». دموس معتقد است پاسخ همسایگان نازی‌ها به شروع جنگ نیز متأثر از دوران کودکی‌ای بوده است که آنها گذرانده بودند. اروپای شرقی مادرانی سوءاستفاده‌کننده‌تر و بی‌تفاوت‌تر از مادران آلمانی داشت. آنها نیز قنفاق پیچیدن‌های سخت، گرسنگی کشیدن‌های متناوب، زنا با محارم، کتک خوردن، بردگی و تحقیر شدن را بیشتر از آلمانی‌ها تجربه کرده بودند و به

1. group fantasy

همین دلیل نیز نازی‌ها را ستایش کرده و آنها را همراهی کردند. آموزش و پرورش کودکان بریتانیایی فاقد قنடاق پیچ کردن و یا نزد دایه فرستادن بود، اما قبل از شروع آموزش عمومی برای مدتی بیگاری می‌کشیدند. تأکید اصلی در روش‌های تربیتی کودکان بریتانیایی کتک‌زدن برای «انضباط» به جای انزوای مطلق بوده است. انضباط بریتانیایی در واقع محدود به تحقیر شدن توسط بزرگ‌تران زورگو بوده است و به همین دلیل نیز آنها هیتلر ستودند و او را حیرت‌انگیز می‌دانستند. آنها تربیت شده بودند که زورگویی را بپذیرند و به همین دلیل نیز صدها هزار مرد بریتانیایی پیش از آغاز جنگ شرکت در آن را نفی کردند. برای سال‌ها، کودکان و نه یهودیان قربانیان اصلی بودند که توسط نازی‌ها به قتل می‌رسیدند. هیتلر معتقد بود اگر در سال حدود یک میلیون کودک در آلمان متولد شود و هفتصد تا هشتصد هزار نفر از ضعیف‌ترین آنها حذف شود، نتیجه افزایش قدرت خواهد بود. براساس چنین تفکری، در اوایل سال ۱۹۳۷ حدود ۴۰۰ هزار کودک را که نقص عضو یا عقب‌ماندگی ذهنی داشتند بی‌فایده تشخیص داده و به شکل‌های مختلف پاکسازی کردند تا پیکره ملت آلمان پاک گردد. هرچه کودکان «خود-بد» بیشتری کشته می‌شدند، آلمانی‌ها بیشتر احساس پیوستگی با سرزمین مادری قاتل خود داشتند تا اینکه این احساس از کودکان خود-بد به یهودیان و سایر «نان‌خوران بی‌فایده» منتقل شد.

## ۶. نقد دوره دوم؛ پیوند روان‌شناسی تاریخ با روان‌شناسی تاریخی

در ارزیابی نظریه دموس، می‌بایست به این سؤال اساسی و قدیمی پاسخ داد که آیا تجارب دوران کودکی بر شخصیت و رفتار در بزرگسالی تأثیر دارد یا خیر، و در صورت مثبت بودن پاسخ، سازوکار این اثرگذاری چگونه است؟

اگرچه به خوبی مستند شده است که شرایط زندگی و کودکی اولیه تأثیر قابل توجهی بر مهارت‌های شناختی و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سلامتی بزرگسالی دارد اما در واقع شواهدی مبنی بر اینکه زندگی اولیه، صفات شخصیت را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد و یا آنچه می‌تواند قبل از آنکه آنها در بزرگسالی به پایداری برسند رشد آنها را

توسعه و یا مانع شود، وجود ندارد (آلموند و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱؛ آلموند و کوری،<sup>۲</sup> ۲۰۱۱ ب و کوری و ووگل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳ نقل از کرویتیکووا و لیلور<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ ص ۲). این به دلیل دشواری در کنترل تجربی سایر متغیرهای اثرگذار و دشواری در تبیین و پیوند ویژگی‌های بزرگسالی با کودکی است. با این حال ارزیابی از نظریه دموس با بهره‌گیری از دیدگاه روان‌شناختی ویگوتسکی می‌تواند نقطه پیوند روان‌شناسی و تاریخ باشد. ویگوتسکی معتقد است برای پاسخ‌دادن به این سؤال اساسی که یک رفتار چیست و چگونه است، می‌بایست در پی کشف مبنا و اساس آن بود و تاریخ رشد آن را از گذشته تاکنون در نظر گرفت. رشد روانی انسان پدیدآیی چیزی نیست که قبلاً به صورت پتانسیل وجود داشته است بلکه در آن عوامل دیگری وجود دارند که اهمیت آنها بسیار زیاد است. به این صورت که در زمینه فرهنگ و تاریخ فرهنگی تغییراتی اتفاق می‌افتد، فرد به صورت فعال با این تغییرات برخورد می‌کند و فعالانه در پی سازگار شدن با آن و چیره‌شدن بر آنهاست و این برخورد، خود سرآغاز پدیدآیی تغییرات روانی جدیدی خواهد بود که نمی‌توانسته است به صورت پتانسیل از قبل وجود داشته باشد. در مطالعه‌ای نشان داده شد گروهی از ساکنان جنوب شرقی مکزیک، نوزادان را داخل پارچه بزرگی قرار می‌دهند که با طناب یا کمر بند بالاتر از سطح زمین نگه داشته می‌شود. کودک شیرخوار بندرت روی زمین است و معمولاً روی پای مادر یا در آغوش مادر است یا مادر او را به پشت خود می‌بندد و جابه‌جا می‌کند. برخلاف مادران آمریکایی، این گروه از مادران بندرت بچه‌هایشان را تشویق می‌کنند که رفتارهای حرکتی جدید انجام دهند و هنگامی که فرزندانشان حرکات تازه‌ای یاد می‌گیرند هیچ هیجان یا علاقه خاصی نشان نمی‌دهند. در مطالعات، این گروه از کودکان آرام‌تر و سازگارتر از کودکان آمریکایی بودند. در واقع شیوه‌های فرزندپروری این دسته از مادران مکزیک‌ای واجد دو ویژگی مهم است: یکی جلوگیری از حرکت کودک و دیگری تمایل به مشاهده و پاسخ‌دهی و نه انجام رفتار. این ویژگی‌ها از طریق شیوه‌های فرزندپروری یکسان به نسل‌های بعد منتقل می‌شوند و موجب تداوم رفتار از نوزادی به بزرگسالی

1. Almlund et al
2. Almond & Currie
3. Currie & Vogl
4. Krutikova & Lilleor

می‌شود (نیومن و نیومن، ۱۳۹۴؛ ص ۲۹۳). کروتیکووا و لیلور (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای جالب به بررسی تجربی این موضوع پرداختند. آنها تأثیر تغییرات غیر قابل پیش‌بینی الگوی بارش‌های فصلی در زندگی اولیه را بر شکل‌گیری صفات شخصیت در بین خواهران و برادران در بزرگسالی مورد بررسی قرار دادند. آنها در مطالعه خود پس از کنترل متغیرهایی مانند روستا، سال تولد، اثرات خواهر برادری، ویژگی‌های فرزندپروری، صفت شخصیتی «خودارزیابی هسته‌ای»<sup>۱</sup> را در یک فاصله زمانی ۲۰ ساله با جزئیات مورد استفاده قرار دادند. این صفت شخصیتی درجه‌ای که یک شخص یک دیدگاه مثبت و حمایتی در مورد خودش و روابط شخصی‌اش با دنیا دارد را نشان می‌دهد. نتایج مطالعه آنها نشان داد تغییر در میزان بارش در دورهٔ رحمی یک اثر بلندمدت بر خودارزیابی در دوره بزرگسالی (۱۷ تا ۲۸ سالگی) داشته است. نتایج نشان داده است ۱۰ درصد افزایش یا کاهش در میزان بارش، یک تأثیر ۰/۰۸ انحراف استاندارد بر میانگین بلندمدت خودارزیابی داشته است. با این حال این مطالعه هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر اثر دائمی میزان بارش در دوره قبل یا بعد از رحمی نشان نداده است.

ضعف دومی که همچنان در دوره دوم نیز تداوم داشته است همان تأکید مجدد بر «روان‌شناسی بد» است. در روان‌تاریخی دموس، همچنان روان‌شناسی بد را در قالب عقده‌های کودکی ولی این بار با مفاهیمی متفاوت‌تر مشاهده می‌کنیم.

در مجموع اثر متقابل و متعامل رویدادهای تاریخی بر رشد و شخصیت انسان و نیز ویژگی‌های شخصیتی رهبران سیاسی بر رویدادهای تاریخی دارای مبانی نظری قوی اما فاقد مبانی پژوهشی نیرومند به نظر می‌رسد، با این حال می‌توان این ادعا که کاربرد روان‌شناسی در تحلیل تاریخی انکارناپذیر است را پذیرفت، ولی به نظر می‌رسد این پذیرش می‌بایست با رعایت برخی ملاحظات باشد.

## نتیجه‌گیری

تفسیر روان‌شناختی به‌مثابه رویکرد و روش در کشف معانی متکثر و عمیق از پدیدارهای تاریخی به‌عنوان ماده خام امری جدید و اجتناب‌ناپذیر است، به‌گونه‌ای که تبیین تصمیم و عمل رهبران و شخصیت‌های تاریخی و در نتیجه رویدادهای تاریخی، بدون تحلیل و شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی آنان ناممکن می‌نماید. با این حال اگرچه بسیار دشوار است اما می‌بایست تلاش کرد. این تبیین باید از حیث روش‌شناسی روان‌شناسی علمی امروز، نظام‌مندتر بوده و تبعیت کافی از استانداردهای علمی را داشته باشد. تاکنون یکی از مهم‌ترین زمینه‌های روان‌شناختی مورد استفاده در تاریخ، «شخصیت» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران تاریخی بوده است. به‌طور کلی منابع اطلاعات درباره شخصیت را می‌توان به الف) روش‌های خودگزارش‌دهی مانند مصاحبه ب) گزارش مشاهده‌گر، ج) آزمون‌های استاندارد و د) داده‌های مبتنی بر پیامدهای زندگی تقسیم کرد. داده‌های مبتنی بر پیامدهای زندگی،<sup>۱</sup> اطلاعاتی هستند که می‌توان آنها را از رویدادها و پیامدهای زندگی فرد که در دسترس عموم قرار دارند، به دست آورد؛ برای مثال ازدواج، طلاق، تفریحات، دست‌نوشته‌ها و سخنرانی‌ها از جمله این ماده‌های در دسترس عموم هستند. روان‌شناسان شخصیت از داده‌های خودگزارش‌دهی و داده‌های مبتنی بر مشاهده برای پیش‌بینی پیامدهای آتی زندگی استفاده کرده‌اند. برای مثال کسپی، الدر و بم<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) نقل از لارسن و بس<sup>۳</sup>، (۲۰۱۰) براساس مصاحبه‌های بالینی با مادران کودکان ۸، ۹ و ۱۰ ساله مقیاس‌های سنجش خلق بد<sup>۴</sup> ساخته بودند. آنها سپس این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که آیا آنچه در کودکی به دست آمده است رویدادهای زندگی دو یا سه دهه بعد فرد را پیش‌بینی می‌کند یا خیر. نتایج به‌طور قابل ملاحظه‌ای این فرضیه را تأیید کرده بود و بداخلاقی اولیه و در سنین کودکی با وقوع رویدادهای منفی بسیار در زندگی بزرگسالی مرتبط بوده است. برای مثال مردانی که در دوره کودکی خلق بد داشته‌اند در خدمت نظامی رتبه پایینی داشتند، بیکاری بیشتری را تجربه کرده بودند و زندگی زناشویی

---

1. Life-Outcome Data  
2. Caspi, Elder, & Bem  
3. Larsen & Buss  
4. ill temperedness

آشفته‌تری داشتند، به طوری که ۴۶ درصد از کودکان بدخلق در ۴۰ سالگی از همسر خود جدا شده بودند. بر این اساس اگرچه باید پذیرفت که رویدادهای زندگی بزرگسالی متأثر از عوامل مختلف مانند نژاد، جنسیت، وضعیت اقتصادی و مانند آن است، اما به نظر می‌رسد خُلق دوره کودکی می‌تواند تا حدودی پیش‌بینی‌کننده تصمیم‌ها، رفتارها و تجربه‌ها در بزرگسالی باشد. دربارهٔ شخصیت‌های تاریخی امکان مطالعهٔ مستقیم آنها وجود ندارد با این حال تنها به‌عنوان یک گمان می‌توان به تعمیم‌پذیری نتایج به افراد دارای نشانگان رفتاری مشابه پرداخت و خُلق و تجارب دوران کودکی آنها را مرتبط با خُلق و رفتارهای آنها در بزرگسالی دانست. نکتهٔ حائز اهمیت این است که در این تعمیم می‌بایست از تکیه صرف بر فرضیه‌های رویکرد روان‌تحلیل‌گری اجتناب کرد.

ویژگی روان‌شناختی دیگری که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، انگیزه است. انگیزه دلایل رفتار افراد را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چرا آنها به روش خاصی رفتار می‌کنند (سانتراک، ۱۳۸۵؛ ص ۵۷۹). در تحلیل‌های تاریخی مفهوم روان‌شناختی انگیزه از دو منظر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه انگیزه رفتار رهبران سیاسی به هنگام وقوع یک رویداد تاریخی چه بوده است؟ این انگیزه در کدام دسته از انگیزه‌های انسانی قابل تفسیر است؟ و اینکه به لحاظ روان‌شناختی منشأ این گونه انگیزه‌ها چه چیزی می‌تواند باشد. در روان‌شناسی، ادبیات بسیار نیرومندی درباره انگیزهٔ رفتار انسان‌ها وجود دارد. ضمن پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها با بهره‌مندی از این ادبیات نیرومند، می‌توان به تحلیل روان‌شناختی یک رویداد تاریخی پرداخت. دوم اینکه به این نکته می‌بایست توجه کرد که انگیزه‌های جمعی توده مردم یا کنشگران عام یک رویداد تاریخی نیز در تحلیل آن رویداد می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. برای مثال انگیزه افراد در حرکت‌های اجتماعی را به واسطه محرومیت‌های مادی (یک نیاز یا انگیزه فیزیولوژیکی) می‌توان تبیین کرد یا محرومیت‌های مدنی (یک نیاز یا انگیزه روان‌شناختی؟)

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان ادعا کرد اگرچه در دوره دوم اندکی از تأکیدات روان‌تحلیل‌گری صرف‌جلوتر رفته و به یک رویکرد تاریخچه اجتماعی - فرهنگی نزدیک شده‌ایم، با این حال هنوز هم از مفاهیم روان‌شناختی بسیاری در تحلیل تاریخی غفلت شده



است. مفاهیم و فرایندهایی مانند فرایند شکل‌گیری هویت (به‌ویژه هویت ایدئولوژیک فرد، اینکه کنشگر تاریخی یک هویت کاوش‌گرایانه داشته است و یا هویت بی‌ثبات معلقی که اطرافیان در اختیار وی گذاشته‌اند)، تحول اخلاقی فرد (استدلال‌های اخلاقی و درونی‌سازی و یا برونی‌سازی رفتار اخلاق‌گرایانه)، فرایند اجتماعی‌شدن، رشد در گستره عمر (به جای بررسی یک برش خاص از زندگی)، ماهیت روابط بین فردی، رشد و ابراز هیجانی، روان‌شناسی خانواده، یادگیری‌های مشاهده‌ای، آمادگی‌های شخصی، مهارت‌های شناختی و استدلالی، همسالان، روابط جامعه‌پسندانه، هویت جنسیتی، خودمحوری، نگرش و تغییر نگرش، عمق شناخت دینی، الگوهای دوستی و ... باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال یک تاریخدان روان‌شناخت، به مثابه یک روان‌شناس اجتماعی می‌تواند پیامدهای ناگوار هم‌سوایی اندیشه‌ها در هسته اصلی قدرت را به‌عنوان یک عامل روان‌شناختی در تحلیل یک دوره تاریخی خاص مورد توجه قرار دهد. همسوایی تام اندیشه‌ها در هسته اصلی قدرت، منجر به تأیید مداوم افکار و اعمال کنشگران سیاسی خواهد شد، در نتیجه، آنها یک نگاه عاری از اشتباه به تصمیمات خود دارند و چنین تفکری منجر به تداوم تصمیمات اشتباهشان خواهد شد. تاریخدان روان‌شناخت، به مثابه یک روان‌شناس شناختی، می‌تواند این پرسش اساسی را مورد توجه قرار دهد که تحول اخلاقی رهبران سیاسی تا چه اندازه بر تصمیمات آنها موثر بوده است؟ اینکه یک رهبر سیاسی از حیث حفظ نظم و هماهنگی اجتماعی، قانون را واجب‌الاجرا بداند یا اینکه معتقد است قانون نوعی پیمان و قرارداد اجتماعی است و اگر آحاد جامعه به گونه‌ای منطقی بفهمند که هنجارهای دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند برای بیشتر افراد جامعه مفید باشد، شیوه‌های قبلی را قابل اصلاح بداند و یا آنکه رهبر سیاسی معتقد به اصول اخلاقی منحصر به فردی باشد که حتی گاهی ممکن است مخالف نظم اجتماعی هم باشد، روشن است چنین اعتقادی می‌تواند تصمیمات سیاسی و تاریخی این رهبر سیاسی فرضی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین به نظر می‌رسد تحلیل تاریخی بدون در نظر گرفتن روان‌شناسی کنشگر تاریخی یک تحلیل ناقص است، در عین حال، بازنگری در بهره‌مندی‌های گذشته از روان‌شناسی، ضرورت بسیار دارد.

## منابع

- آقاجری، سیدهاشم (۱۳۹۲). «روان‌شناسی تاریخی و تاریخ روان‌شناختی با تکیه بر نظریه فرهنگی - تاریخی لو ویگوتسکی»، در: **مجموعه مقالات همایش تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای**، به کوشش داریوش رحمانیان، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۴۴-۱۵.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷). «نظریه آدلر و روان‌شناسی سیاسی آقا محمدخان قاجار»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**. سال چهارم، شماره اول، صص ۷-۵۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). «روان‌شناسی سیاسی مظفرالدین‌شاه»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**. شماره ۲۰۳-۲۰۴. صص ۸۴-۹۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). «نظریه هورنای و روان‌شناسی سیاسی ناصرالدین شاه؛ از کودکی تا عزل نوری»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال ششم، شماره اول، صص ۳۵-۷۳.
- بنی‌جمال، احمد (۱۳۸۸). «درآمدی بر روان‌شناسی سیاسی رهبران»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**. ۸: ۵۹-۷۳.
- جودی سفیدان، قادر و ابوالفضل کریمی جاوید (۱۳۹۱). «نگرشی روان‌شناختی به شخصیت آغا محمدخان قاجار». **خردنامه**. سال چهارم. شماره ۹. از ۱۹ تا ۲۸.
- سانتراک، جان دلبیو (۱۳۸۵). **روان‌شناسی تربیتی**. یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- شاکری، جلیل و بهناز بخشی (۱۳۹۴). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های سه داستان گدا، خاکسترنشین‌ها و آشغال‌دونی غلامحسین ساعدی بر مبنای نظریه کارن هورنای». **متن پژوهی ادبی**. سال ۱۹. شماره ۶۳. از ۵۵ تا ۸۸.
- طاهری، مهدی (۱۳۸۹). «روان‌شناسی سیاسی شخصیت محمدرضا پهلوی با تکیه بر نظریه کارن هورنای». **جستارهای سیاسی معاصر**. شماره ۲. از ۶۵ تا ۸۶.
- ناصری، عباسعلی و فیروزه رئیسی (۱۳۸۶). «مروری بر نظریات آدلر». **تازه‌های علوم شناختی**. سال ۹. شماره ۱. از ۵۵ تا ۶۶.

نیومن، باربارا و فلیپ نیومن (۱۳۹۴). **نظریه‌های رشد**، ترجمه مجتبی امیری مجد، تهران، نشر دانژه.

- deMause, L. (1982). **Foundations of psychohistory**. New York, NY: Creative Roots.
- deMause, L. (2002). **Emotional Life of Nation**. New York. Karnac Books
- deMause, L. (2006). The Childhood Origins of the Holocaust. **The Journal of Psychohistory**. 33 (3): 204-231.
- deMause, L. (2016). **Psychohistory the science of historical motivation**. Retrieved from <http://psychohistory.com/>. (1-10-2016).
- deMause, L. (2008). **The childhood origins of world war II and the Holocaust**. The Journal of Psychohistory. 36 (1): 2-30.
- Elovitz, P. (2009). **How do you define psychohistory?** In P. Elovitz (Ed.), Appearance and reality. Franklin Lakes, NJ: Psychohistory Forum.
- Fuchsman, K. (2012). Interdisciplines and interdisciplinarity: political psychology and psychohistory compared. **ISSUES IN INTEGRATIVE STUDIES**. No. 30, pp. 128-154.
- Krutikova, S., & Lilleor, H. B. (2015). **Fetal origins of personality: effects of erarly life circumstances on adult personality traits**. Department of Economics . University of Oxford . Manor Road Building . Oxford OX1 3UQ.
- Larsen, R. & Buss, D. M. (2010). **Personality Psychology: Domains of Knowledge About Human nature**. New York: McGraw-Hill.
- Meissner, W. W. (2003). Methodological Issues in the Psychohistory Psychobiography of Religious Figures. **The Annual of Psychoanalysis**, 31: 181- 196.
- Pawelec, T. (2012). Historian as a social psychotherapist (ethical assumptions of psychohistorical writings). **Historyka Studia Metodologiczne**, Special Issue 101-122.
- Runyan, W. M. (1988). **Psychology and Historical Interpretation**. New York: Oxford University Press.

- Runyan, W.M. (1993). **Psychohistory and political psychology: A comparative analysis**, in S. Iyengar & W.J. McGuire (Eds.), *Explorations in political psychology* (pp. 36-63). Durham NC: Duke University Press.
- Szaluta, J. (2001). **Psychohistory: Theory and practice**. New York, NY: Peter Lang.

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## اعتبارسنجی تاریخی دو سریال در چشم باد و عمارت فرنگی (مطالعه موردی: دوره رضاشاه)

سیمین فصیحی<sup>۱</sup>  
سارا پاک‌نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۱

### چکیده

تاریخ از جمله عرصه‌هایی است که به دلیل جذابیت و شکل روایت‌گونه خود، از طرف پرمخاطب‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه، یعنی سینما و تلویزیون، برای داستان‌پردازی و جذب مخاطب استفاده می‌شود. این گستردگی مخاطب، تعاملی دوسویه را میان تاریخ و رسانه، در جهت ارائه صحیح تاریخ به مردم ایجاد می‌نماید. شیوه این تعامل دارای اهمیت و برای کارشناس تاریخ مهم است که همراه با صداقت و وفاداری فیلم‌ساز به متن تاریخ باشد.

دغدغه اصلی این پژوهش میزان وفاداری کارگردانان دو سریال در چشم باد و عمارت فرنگی (دو سریال دهه ۸۰ شمسی) به متن تاریخ در بازنمایی

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء؛ fasihi@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران دانشگاه الزهراء؛ Sara.paknezhad00@gmail.com

شخصیت‌های دوران رضاشاه می‌باشد. این پژوهش با روشی تطبیقی - تحلیلی به بررسی و اعتبارسنجی این دو سریال پرداخته تا نشان دهد که اطلاعات تاریخی ارائه شده در این دو سریال در مورد شخصیت‌های تاریخی از لحاظ چهره‌پردازی، گفتار و کنش آن‌ها در فضای تاریخی مورد نظر تا چه حد با منابع تاریخی انطباق دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که فیلم‌سازان در تصویرگری گوشه‌هایی از تاریخ این دوره و بازنمایی شخصیت‌های آن‌گاه به متن تاریخ وفادار بوده و گاه راه اغراق، زیاده‌گویی و یا کم‌گویی را پیموده‌اند و شخصیت‌های تاریخی را به‌منظور جذب مخاطب تنزل و یا تقدس بخشیده‌اند.

**واژگان کلیدی:** اعتبارسنجی، رضاشاه، فیلم تاریخی، عمارت فرنگی،

در چشم باد

## ۱. مقدمه

با تغییر چشم‌اندازها و رویکردهای فرهنگی و هنری طی سال‌های پایانی دهه ۷۰ و دهه ۸۰ با حجم انبوهی از فعالیت‌های فرهنگی با نگرشی نوین و در فضایی نسبتاً بازتر روبه‌رو شدیم. بخشی از این فعالیت‌ها را رسانه ملی یعنی تلویزیون نمایندگی می‌کرد که می‌کوشید به معرفی دگرباره فرهنگ، هنر و تاریخ این مرز و بوم پردازد. علی‌رغم این رویکرد جدید، سریال‌های تاریخی از فضای فرهنگی جدید، چندان بهره‌ای نبردند و سهم آثار تاریخی، به‌ویژه با محوریت دوران معاصر به‌نسبت ناچیز بوده و پرداخت آنها گاه ناقص و گاه با سوگیری‌ها و اعمال سلیقه همراه بوده‌است. آنچه این‌گونه آثار را اهمیت می‌بخشد، میزان تأثیرپذیری مخاطب - به‌ویژه مخاطب عام - از رسانه جمعی چون تلویزیون است، که آن را طیف گسترده‌ای از مردم، با سطح سواد و درک عمومی متفاوت تشکیل می‌دهند. تحریفات، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی وقایع و شخصیت‌ها، تقدس‌زایی یا تقدس‌زدایی، سفید یا سیاه‌نشان‌دادن افراد، ورود افکار و سلائق حکومتی یا فردی در کار و ورود حبّ و بغض‌ها در روایت تاریخی، تمامی افعال و اقداماتی هستند که می‌توانند اثر

تاریخی را از اعتبار انداخته و آن را به یک روایت داستانی صرف تبدیل کنند و حتی اطلاعاتی غلط یا همراه با سوگیری به مخاطبان خود ارائه دهند.

این پژوهش درصدد است میزان وفاداری سریال‌سازان ایرانی دهه ۸۰ (دو سریال در چشم باد و عمارت فرنگی)، را در ترسیم تصویر شخصیت‌های تاریخی دوران رضاشاه، مورد ارزیابی قرار دهد.

توجه به فیلم‌های تاریخی از حیث نقش مهم آن در تقویت هویت ملی، احساسات میهن پرستانه و خودآگاهی مخاطبان و همچنین بودجه عظیمی که از سرمایه‌های ملی صرف ساخت آنها می‌شود، ضرورت و اهمیت این اعتبارسنجی را باز می‌نمایاند.

در باب اعتبارسنجی فیلم‌های تاریخی و میزان انطباق آنها با منابع اصیل تاریخی به‌طور خاص، کار زیادی صورت نگرفته است. از معدود آثاری که می‌توان در این حوزه نام برد، کتاب «بررسی شخصیت در فیلم‌های تاریخی - مذهبی» نوشته اعظم فرجامی است که به بررسی سریال‌های تاریخی - مذهبی پرداخته و واقعی یا تخیلی بودن شخصیت‌های آنها را ارزیابی کرده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران)» به قلم منصور ساعی نگارش یافته که ۱۵ سریال تاریخی را به‌منظور بررسی تأثیر سیاست‌های فرهنگی و رسانه‌ای تلویزیون و بازنمایی ابعاد اجتماعی، سیاسی و تاریخی هویت ملی ایرانیان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

## ۲. پیوند فیلم و تاریخ

هدف از ادغام فیلم و مطالعات تاریخی، که تلاشی است جدید، بررسی و قضاوت در دقت تاریخی فیلم‌های حال و گذشته‌ای است که مضمونی تاریخی دارند. پیگیری این مسئله که آیا فیلم‌های تاریخی می‌توانند تاریخ نوشته‌شده را به ما یاد دهند یا خیر، گاه منجر به معرفی فیلم‌سازان به‌عنوان جاعلین موضوعات تاریخی و معرفی فیلم‌هایشان به مثابه فیلم‌های گمراه‌کننده گردیده است (گروبر، ۲۰۰۱: ۱).

این نتیجه را که دیدگاه عده‌ای از مورخان است، شاید بتوان حاصل تفاوت ماهوی این دو حوزه قلمداد نمود. تاریخ که ماهیتاً با امور واقع سروکار دارد و مدام به دنبال کشف واقعیات است، با هنر فیلم‌سازی که با اهدافی گوناگون چون جذب مخاطب و سرگرم‌سازی در ارتباط است و برای رسیدن به مطلوب خود حتی به کوچک و یا بزرگ کردن وقایع نیز می‌پردازد، در تضاد قرار می‌گیرد. بسیاری از کارگردانان فیلم‌های تاریخی، برای بازگرداندن سرمایه عظیمی که صرف کرده‌اند و نیز جذابیت و جذب مخاطب، معمولاً داستان را تغییر داده، جزئیاتی را حذف یا اضافه می‌کنند و واقعیت و خیال را در هم می‌آمیزند. اینجاست که مسئله اساسی یعنی شکایت بزرگان تاریخ از فیلم‌سازان به دلیل تحریفات تاریخی، آشکار می‌گردد. از تمامی عناصر تشکیل‌دهنده فیلم تاریخی، ابتکار بیشترین دردمر را برای مورخان ایجاد نموده‌است (روسنستون، ۱۹۹۵: ۴). عموماً تاریخ‌نویسان از نظریه‌پردازی‌های تاریخی ناسنجیده، تخیلی و غیرقابل اعتماد و یا فیلم‌هایی که به بحث درباره شخصیت‌های تاریخی پرداخته و به عمد نکات مهمی از زندگی آنها را نادیده می‌گیرند انتقاد می‌کنند (دیک، ۱۳۹۱: ۳۳)، اما علت بسیاری از این تحریفات را می‌توان در محدودیت‌های موجود در عرصه فیلم‌سازی و بازسازی وقایع تاریخی از جمله تنوع روایات تاریخی، موانع اجرایی و ناکامل بودن زبان فیلم دانست.

منشأ اختلاف میان فیلم تاریخی و روایت تاریخی، متفاوت بودن ابزار بیان آنها معرفی شده‌است. سازندگان فیلم به دلیل این تفاوت ابزار در بیان حتی اگر بخواهند هم نمی‌توانند به حقایق دست پیدا کنند و در نهایت اساس مواد خود را تغییر می‌دهند و از همه بدتر اینکه گذشته را برای عمومیت‌بخشیدن به فیلم‌هایشان، جعل می‌کنند (مانسلو، ۲۰۰۷: ۵۶۷).

سازندگان فیلم‌های تاریخی قصد دارند درس‌های تاریخی را آموزش دهند که البته تا به حال نتوانسته‌اند. برای آنها، محیط تاریخی، صحنه‌ها و شخصیت‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند برای آرایش دادن به موضوعات واقعی آنهاست که تقریباً همیشه غیرفنی، غیرتخصصی و محصور در جامعه معاصر است که در آن زندگی می‌کنند (گروبر، ۲۰۰۱: ۱). البته علی‌رغم این دیدگاه بخشی از صاحب‌نظران بر نزدیکی و تعامل هر چه بیشتر فیلم و تاریخ تاکید می‌کنند و اعتقاد دارند که با تغییر رسانه، پیام نیز باید تغییر کند.





فیلم را نباید متناسب با قوانین مورخان بیان کرد و مورخان می‌بایست به دستاورد بزرگ فیلم‌سازان، که شکل جدیدی از تاریخ است، اعتراف کنند. بنابراین پذیرش فیلم‌سازان به‌عنوان مورخان، پذیرش نوع جدیدی از تاریخ است (مانسلو، ۲۰۰۷: ۵۷۱).

نقاط قوت تاریخ نوشته‌شده سنتی، غیرقابل انکار است. اما حقیقت گذشته نمی‌تواند فقط بر روی صفحات جاری شود. آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که قواعد حاکم بر تاریخ نوشته‌شده لزوماً شبیه دیگر شیوه‌های بیان نیستند. نکته دیگر اینکه مفروضاتی که در مورد تجزیه و تحلیل متعارف تاریخی وجود دارد، نیاز به نگاه مجدد دارد. این اولین و مهم‌ترین اقدام به‌عنوان یک فعالیت روایت‌سازی درباره تاریخ است. با درک این موضوع آینده تاریخ مطمئن خواهد شد (مانسلو، ۲۰۰۷: ۵۷۴).

با این مقدمه درباره پیوند فیلم و تاریخ و با استفاده از مفاهیمی که در مورد فیلم تاریخی،<sup>۱</sup> ژانر تاریخی<sup>۲</sup> و ارکان آنها وجود دارد از جمله شخصیت،<sup>۳</sup> قهرمان قصه،<sup>۴</sup>

۱. فیلمی که واقعیت تاریخی را به تصویر بکشد. در این فیلم‌ها اصالت واژه‌ای مهم است. صحنه‌آرایی، لباس‌ها، اشیاء، رنگ‌ها و همه جزئیات باید اصیل یا واقعی به‌نظر برسند و هزینه بسیار بالای تولید چنین فیلم‌هایی ناشی از همین است. فیلم‌های تاریخی که اغلب به‌شدت تخیلی شده‌اند، رویداد یا شخصیت تاریخی را با "شکوه" هرچه تمام‌تر عرضه می‌کنند. در چنین بافتی، اصالت در خدمت هدف دیگری است. از این بابت، فیلم‌های تاریخی کارکردی ایدئولوژیک دارند رک: (احمدزاده، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۶ و هیوارد، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

۲. در دهه ۱۹۶۰ نگره‌پردازان ژانر به ایده شمایل‌نگاری (iconography) در حکم روشی برای تمایز ژانرهای مختلف در چارچوب بصری توجه نشان دادند. در مورد فیلم گنگستری صحنه‌های خاص مثل شهر، میکده‌ها، اشیاء خاص مثل اتومبیل‌ها، مسلسل‌ها و انواع خاص لبای از جمله پالتو، کت و شلوار تیره، پیراهن سفید، کلاه فدورا و دستکش تبدیل به شمایل‌های مشخص ژانر شده‌اند و برای هدایت بسیاری از واکنش‌های مخاطبان به کار می‌روند. در مورد فیلم‌های تاریخی نیز مؤلفه‌های کلیدی ژانر، لباس و دکور هستند (مک‌آرتور ۱۹۷۲).

۳. «... شخصیت‌ها در سینما جزئی از قالب پیچیده‌ای هستند که تمهیدات و ویژگی‌های زیباشناختی خاص خود را دارد. هم در ادبیات و هم در سینما، شخصیت‌ها بیشتر بر قراردادهای قواعد مبتنی است تا بر ارجاعات روشن «تاریخی» به افراد «واقعی». این نکته به آن معنا نیست که شخصیت‌های داستانی را نمی‌توان به شخصیت‌های تاریخی یا تجارب خود خواننده ربط داد. این نوع ارتباط یافتن اغلب در واکنش و علاقه‌ای که در خواننده برانگیخته می‌شود، نقش حیاتی دارد. با این حال ما به‌هیچ‌وجه از شخصیت‌های خیالی که مؤلف می‌پرورد، انتظاری را که از افراد تاریخی آشنا داریم، نداریم.» (رک: لوت، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

۴. قهرمان داستان همان شخصیت اصلی فیلم است که با روحیه مبارزه‌طلبی‌اش تماشاگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (قوامی لاهیجی، مقدم، ۱۳۹۲: ۱۱).



شخصیت منفی،<sup>۱</sup> داستان جاری،<sup>۲</sup> پیش داستان،<sup>۳</sup> پس زمینه،<sup>۴</sup> گفتگو،<sup>۵</sup> کارگردان، بازیگر، سکانس،<sup>۶</sup> موسیقی پس زمینه،<sup>۷</sup> فلاش بک،<sup>۸</sup> ضرباهنگ،<sup>۱</sup> حال و هوا و رنگ مای،<sup>۲</sup> نورپردازی<sup>۳</sup> به بررسی دو سریال تاریخی می پردازیم.

۱. «به شخصیت ضدقهرمان در داستان فیلم گفته می شود. در تئاتر به این شخص منفی آنتی گونیست antagonist می گویند که در مقابل شخصیت مثبت؛ پروتاگونیست protagonist قرار دارد.» (احمدزاده، ۱۳۸۸: ۵۳).
۲. «داستان جاری، داستانی است که نویسنده درصدد تعریف کردن آن است. آنچه که در تمام رمانها و فیلمنامهها به چشم می خورد.» (رک: سیگر، ۱۳۸۰: ۶۱).
۳. پیش داستان اخبار و آگاهی هایی است از گذشته داستان که تماشاگر از آن بی اطلاع است و درواقع کمکی است برای فهم هرچه بیشتر داستان. (رک: سیگر، ۱۳۸۰: ۶۹ و ۷۳). در سریال عمارت فرنگی، بدرالملوک، همسر احمدشاه قاجار، اطلاعاتی را که درواقع پیش داستان محسوب می گردد و برای قرار گرفتن مخاطب در فضای داستان ضروری است، در اختیار بیننده می گذارد.
۴. «هر چیزی که در پس زمینه شخصیت اصلی مورد استفاده واقع می شود و جهت شخصیت پردازی و یا فضا سازی کارکرد داشته باشد: نور، بافت، رنگ و... می توانند پس زمینه صحنه قرار گیرند.» (رک: احمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۰).
۵. از زمانی که سینما یک رسانه تصویری شد، دیالوگ یا صدا بیشتر از تئاتر مورد استفاده قرار گرفت. این گفتگو مکمل حرکت بازیگران است نه جایگزین آنها.» (رک: قوامی لاهیجی، مقدم، ۱۳۹۲: ۳۹). گفتگو را به دو نوع خوب و بد تقسیم کرده اند: گفتگوی خوب از ریتم و ضرب آهنگ برخوردار است و کشمکش، قصد و طرز برخوردها را القا می کند و به جای اینکه مستقیماً چیزی درباره شخصیتها بیان کند، آنها را برملا می سازد. (سینگر، ۱۳۸۰: ۱۶۳ و ۱۶۴). سریالی چون در چشم باد، از گفتگوی قوی، شاخص و قابل توجهی برخوردار است درحالی که سریالی چون عمارت فرنگی از این امتیاز برخوردار نیست.
۶. «قسمتی از فیلم که خودبه خود جزئی کامل است و معمولاً با "روشن شدن تدریجی تصویر" (fade-in) شروع و به "تاریکی تدریجی" (fade-out) ختم می شود. اگر خواسته باشیم فیلم را به داستان بلند(رمان) شبیه کنیم، "نما" معادل با جمله، صحنه معادل با "بند" (پاراگراف) و "سکانس" معادل با "فصل" در کتاب خواهد بود.» (رک: دوایی، ۱۳۷۱: ۷۴).
۷. «نوایی که ماجرای فیلم همراهی می کند، اما از منبعی درون فیلم تأمین نمی شود. این موسیقی در ذهن تماشاگر، حس تداوم بصری می آفریند و افزون بر آن کیفیت احساسی صحنهها را تشدید می کند...» (کینزبرگ، ۱۳۷۹: ۵۷). سریال در چشم باد را می توان در بهره گیری از موسیقی شاخص و موفق در انتقال احساسات تاریخی و ملی قلمداد نمود.
۸. در واقع تدبیری سینمایی در بیان قصه که طی آن فیلم واقعه زمان حاضر را رها می کند و به نقل اتفاقی در گذشته می پردازد. در فیلمهای قدیمی معمولاً برای فلش بک از نوشته استفاده می شد؛ مثلاً ("ده سال قبل") و یا دور کادر فیلم یک جور مه و ابری ظاهر می شد که معلوم شود این قسمت جدا از زمان حاضر است. امروزه اما با تحولاتی که رخ داده، گاه صحنه ای بسیار کوتاه از گذشته مثل برق در وسط اتفاقات زمان حاضر پیدا و ناپیدا می شود (رک: دوایی، ۱۳۷۱: ۹۳). سریال در چشم باد فصل ابتدایی خود را با یک فلاش بکی قوی آغاز می کند.

### ۳. معرفی سریال‌ها و کارگردانان

#### ۳-۱. در چشم باد

کارگردانی و نویسندگی این اثر برعهده مسعود جعفری جوزانی، متولد ۱۳۲۷ در جوزان ملایر، فوق‌دیپلم کارگردانی سینما از آمریکا، فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در سال ۱۹۷۵، و فوق‌لیسانس سینما در سال ۱۹۷۷ می‌باشد. وی طی اقامتش در آمریکا برای آموزش و پرورش آنجاشش فیلم مستند آموزشی ساخت که اولین آنها «پرواز را فراموش نکن» (۱۳۵۲) بود. مدتی نیز در تلویزیون سانفرانسیسکو مشغول کار شد.<sup>۴</sup> فعالیت او در سینمای حرفه‌ای ایران از سال ۱۳۶۳ به‌عنوان مشاور هنری در فیلم «شهر موش‌ها» آغاز شد (سیدمحمدی، ۱۳۷۸: ۲۰۶ و ۲۰۷).

وی ساخت سریال «در چشم باد» را از سال ۱۳۸۲ آغاز و در سال ۱۳۸۷ طی ۵ سال به‌پایان رسانید. فیلم‌نامه آن در واقع داستان زندگی خانواده حسن ایرانی، شخصیتی آزادی‌خواه و از یاران میرزا کوچک‌خان جنگلی است که پس از شهادت میرزا و ناکامی نهضت جنگل با خانواده‌اش راهی تهران می‌شود. در این سریال سه دوره از تاریخ معاصر

۱. «هیچ فیلم برجسته‌ای ضرب‌آهنگ یکنواخت ندارد. فیلم‌ساز آشنا به کار، ریتم و حرکت و فضا را می‌شناسد و می‌داند که نماهای طولانی ریتم آهسته‌تر و نماهای کوتاه‌تر ریتم تندتری دارند» (رک: دوایی: ۱۵۴).
۲. حال و هوا شامل عناصری چون نور، سایه و رنگ است که از محتوای سکانس تبعیت می‌کند و متناسب با ضرب‌آهنگ فیلم متغیر است (رک: همان: ۱۵۷). عمارت فرنگی برخلاف سریال در چشم باد در زمینه حال و هوا و رنگ‌مایه سکانس‌ها با توجه به محتوای تاریخی فیلم، ناموفق بوده‌است.
۳. در سینما هنر و حرفه نورپردازی صحنه برای به‌دست آوردن یک تصویر مطلوب و شفاف است... نور تند معمولاً آدم‌ها را به صورت زشت و ناخوشایند و نور ملایم به شکل دلنشین نشان می‌دهد. (قوامی لاهیجی، مقدم، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۱ و فیلیس، ۱۳۸۸: ۸۴).
۴. در دوران دانشجویی در آمریکا دانشجویی سیاسی بود و با دوربین سوپر ۸ از تظاهرات ایرانیان در سانفرانسیسکو فیلم می‌گرفت و برای ایرانیان نشان می‌داد. به‌هنگام بازگشت به ایران در زمان دولت نظامی از هاری برای شبکه NBC به‌صورت آزاد فیلم‌برداری می‌کرد و کارت NBC برای رفت و آمد در شهر به او در این کار کمک می‌کرد. هنگام ورود آیت‌الله خمینی، از طریق منزل آیت‌الله طالقانی کارت «کمیته استقبال از امام خمینی» برایش صادر شد. فیلم‌هایی که از دوره از هاری تا تبدیل سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین با حضور یاسر عرفات با همکاری مجید جعفری گرفته کرده‌بود را به فیلمی صد دقیقه‌ای با عنوان «به سوی آزادی» تبدیل کرد. از زمان بازرگان به‌مدت یک‌سال در آمریکا بود و قبل از بهمن‌ماه ۱۳۵۸ به ایران بازگشت. (سیدمحمدی، ۱۳۷۸: ۲۰۶ و ۲۰۷).

ایران در قالب داستانی جذاب تصویر می‌شود: دوره اول، سال‌های پایانی دوره قاجار، قیام میرزا کوچک‌خان و مبارزات وی را دربر می‌گیرد؛ دوره دوم، سلطنت رضاشاه است که با وقایع شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش، حمله متفقین و اشغال ایران به پایان می‌رسد و در نهایت نیز این مجموعه تلویزیونی با وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ هـ.ش و فتح خرمشهر تمام می‌شود. این سریال با تنوع زمانی و اتفاقات پرشماری که در خود گنجانده و ارائه گوشه‌هایی از فرهنگ، آداب و رسوم کشورمان، نقشی بسزا در معرفی تاریخ معاصر ایران به بیننده ایفا نموده است. به تصویر کشیدن زندگی و فرهنگ عامه مردم، استفاده از اشعار، بیانیه‌های سیاسی در کنار بازسازی رویدادهای تاریخی و انتخاب موسیقی مناسب از جذابیت‌های این سریال محسوب می‌گردد. از کاستی‌های این سریال باید به عدم ذکر منابع تاریخی مورد استفاده در این اثر تاریخی - حماسی اشاره کرد.

### ۲-۳. عمارت فرنگی

محمد رضا ورزی کارگردان و نویسنده سریال عمارت فرنگی، متولد ۱۳۵۲ در تهران و فارغ‌التحصیل رشته تاریخ از دانشگاه آزاد می‌باشد. وی کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی آثار چون ابراهیم خلیل‌الله (۱۳۸۴) و مظفرنامه (۱۳۸۶) را در سینما و مجموعه‌های تلویزیونی چون تبریز در مه، سال‌های مشروطه، کیمیاگر، پدرخوانده، و معمای شاه را عهده‌دار بوده است.

سریال عمارت فرنگی که در سال ۱۳۸۸ از تلویزیون پخش گردید به چگونگی شکل‌گیری قدرت رضاخان تا سقوط وی می‌پردازد. در این سریال، انبوهی از شخصیت‌ها به بیننده معرفی می‌گردد؛ شخصیت‌های مهم تاریخی و شخصیت‌هایی بی‌اهمیت و حتی تخیلی که عموماً بی‌بنیادند. در روایت داستان، محمدعلی فروغی و اردشیر ریپورتر از شخصیت‌های اصلی داستان محسوب می‌گردند. محمدعلی فروغی به عنوان راوی داستان در نقش قدرتمندترین شخص کشور و شخصیتی برجسته در جهت دادن به وقایع معرفی می‌گردد. در کنار کاستی‌های این سریال از جمله بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی رخدادهای تاریخی، مرور وقایعی چون کشف حجاب، واقعه مسجد گوهرشاد و... که در دیگر

سریال‌های این دو دهه بندرت به آنها پرداخته شده‌اند، از نقاط قوت این مجموعه محسوب می‌گردند.

#### ۴. اعتبارسنجی شخصیت‌های تاریخی

شخصیت‌های حاضر در سریال‌های موردنظر را می‌توان تحت‌عنوان شخصیت‌های واقعی - آنها که با پایبندی به نمونه‌های واقعی‌شان در کتب تاریخی بازسازی شده‌اند - و شخصیت‌های تخیلی - آنها که نمی‌توان نشانی هرچند اندک از نمونه واقعی‌شان در منابع تاریخی یافت - دسته‌بندی کرد.

تلاش می‌شود با بررسی شخصیت‌ها از نظر واقعی و تخیلی بودنشان، نگاهی به نوع پوشش، چهره‌پردازی و گفتگوهایشان، که در شکل‌دهی به قهرمان داستان و یا نقطه مقابل او ضدقهرمان نقشی بسزا دارد، نیز افکنده شود.

در بازسازی شخصیت‌های واقعی دقت به جزئیات الزامی است، به‌خصوص شخصیت‌های شاخصی که اکثر افراد جامعه از آنان شناختی نسبی و الگویی ذهنی دارند. درست پرداختن به نام و نسب، محل زندگی، گفتگوهای ثبت‌شده از آنها، نوع پوشش و چهره‌پردازی شخصیت‌های موردنظر همه می‌تواند مورد توجه و دقت بینندگان و سبب افزونی ارتباط آنها با روایت داستان شود.

علاوه بر این، توجه به پیشینه بازیگری هنرمندانی که کاندیدای نقش‌آفرینی شخصیت‌های موردنظر گشته‌اند، نیز مهم و ضروری است. قرارگیری هنرمندی در نقش یک شخصیت اسطوره‌ای و قهرمان تاریخی، بازیگری با سابقه هنری مثبت و نمونه‌هایی از این دست را طلب می‌کند. تناسب بازیگر منتخب برای نقش‌آفرینی شخصیت‌های برجسته از نظر ویژگی‌های ظاهری از قبیل چهره، فیزیک بدن، صدا و هم‌خوانی سن از نکات برجسته در فیلم‌سازی تاریخی محسوب می‌گردد.

در دو سریال مذکور شخصیت‌های مهمی از تاریخ معاصر به نمایش درآمده‌اند. از این میان، میرزا کوچک‌خان، محمدعلی فروغی و رضاشاه، نمونه‌هایی تکرار شده محسوب

می‌گردند. ارزیابی تصاویر این شخصیت‌ها و میزان انطباق آنها را با نمونه‌های واقعی‌شان در منابع تاریخی در محورهای زیر پی می‌گیریم.

#### ۱-۴. سیدحسن مدرس

سید حسن مدرس، شخصیت قابل توجه در تاریخ معاصر ایران، از ابتدای سریال عمارت فرنگی و در ماجرای مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ تا شهادت بر سجاده عبادت، مخاطب را با خود همراه می‌کند. حسین محبوب بازیگر این نقش از تشابه ظاهری معقولی با شخصیت سید حسن مدرس - شخصی بلندبالا، سیه‌چرده، با صورت کشیده و محاسن تنگ - برخوردار است (دولت‌آبادی، ۴: ۱۳۶۱/۳۲۱). سکانس‌هایی که به نمایش این چهره اختصاص پیدا کرده، نشان می‌دهد که عوامل سازنده فیلم، او را قهرمانی متمایز و کاملاً سازش‌ناپذیر با رضاشاه ترسیم کرده‌اند. موسیقی پس‌زمینه سکانس‌ها نیز توان تأثیرگذاری این ویژگی را بر مخاطب دارد، درحالی که منابع تاریخی حاکی از آن است که مدرس در برابر رضاخان و بعدها رضاشاه رویکردی دوسویه را اتخاذ کرده، رویکردی که گاه به مخالفت و گاه به سازش انجامیده است.

حیات یحیی تألیفی از یحیی دولت‌آبادی، اثری است که در سطور آن نمی‌توان چندان التفاتی را نسبت به شخصیت مدرس یافت. او مدرس را برخلاف اکثر منابع تاریخی با واژه‌هایی چون اسباب‌چین و پشت‌هم‌انداز، علاقمند به پول و طلا، مداخله‌گر در انتخابات مجلس و... معرفی می‌کند. علت این بی‌مهری را شاید بتوان در ناراحتی و کینه شخصی نویسنده به دلیل رد اعتبارنامه‌اش توسط مدرس جستجو کرد (۱۳۶۱: ۴/۳۲۲-۳۲۳). کتاب خاطرات و خطرات نیز از دیکتاتورمآبی مدرس سخن می‌گوید (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۵۴). اما بهار با نقل قولی از میلسپو در مورد مدرس، به ساده‌زیستی، صداقت و شجاعت وی اشاره می‌کند<sup>۱</sup> (بهار ۱۳۶۳: ۱۸۹/۲). مکی نیز مناعت طبع و نقش اثرگذار مدرس را در تاریخ معاصر ایران می‌ستاید (مکی، ۱۳۵۸: ۱/۴۳۲ و ۲۳۹).

۱. «پیشوای شهیر علمای مجلس مدرس است که اخیراً به سمت نایب‌رئیس اول مجلس انتخاب شده این صفت مدرس زبانزد عام و خاص است که به پول اعتنایی ندارد. مدرس در یک خانه ساده که باغچه خالی از زینتی نیز دارد و اثاثه

تصویرسازی مواجهه‌ی سازش‌ناپذیر سید حسن مدرس با رضاشاه قبل و بعد از سلطنت در این سریال، با منابع تاریخی انطباق ندارد. بنا بر روایات مکتوب تاریخی، مدرس خدمات رضاخان را برای کشور، نه تنها نادیده نمی‌گیرد بلکه در مقام وزارت جنگ، منافعش را اساسی می‌داند (مکی، ۱۳۵۹: ۱۴۸/۲) و به وضوح سوگند یاد می‌کند که سردار سپه را بیشتر از دیگران دوست دارد و به دلیل برقراری نظم او را می‌ستاید: «...سردار سپه وزیر جنگ است با جوهر و کفایت است .... مملکت را امن کرد. پس من تشکر می‌کنم از وزیر جنگ» (ترکمان، ۱۳۷۴: ۷۰/۲، نطق‌ها و مکتوبات، ۱۳۵۵: ۲۱۱ و ۴۴۱).

اگر سازش با وی و ستایش برخی اعمال سودبخش او از سوی مدرس ضروری می‌نموده، چه دلیلی می‌تواند برای عدم پرداختن به آن، که یقیناً نقشی برجسته و بااهمیت در تاریخ این کشور دارد، وجود داشته باشد؟

در سکانس ملاقات رضاخان در منزل سیدحسن مدرس در این سریال، شاهد بیان جملاتی در ضدیت با رضاخان و به نوعی عدم پذیرش صلح و سازش از سوی مدرس می‌باشیم. این گفتگو در هیچ‌یک از منابع تاریخی یافت نشد. بهار در تاریخ احزاب سیاسی ایران برخلاف روایت فیلم می‌گوید: «مدرس نصیحت می‌کند و می‌گوید که از این اقدامات دست بردارید و همه صمیمانه دست به دست یکدیگر بدهیم ... و قول می‌دهد که اگر سردار سپه در بازگشت شاه صمیمیت به خرج دهد و دست از بعضی هتاک‌ها و تحریکات بردارد، مدرس با ایشان صمیمانه همکاری کند» (۲۰۴/۲). حیات یحیی نیز بر سازش مدرس با رضاخان صحنه گذاشته، می‌گوید: «مدرس هم که دانسته‌است در مخالفت با سردار سپه خطر جانی هست موقع را مغتنم شمرده روی خوش به او نشان می‌دهد. خصوصاً که سردار سپه هم ... به او وعده می‌دهد بعد از این در کارهای دولت با او مشورت خواهد کرد». این است که بعد از بیرون آمدن از مریضخانه مکرر سردار سپه او را با اتومبیل به سعدآباد برده و او ساعت‌ها با سردار سپه خلوت می‌کند و با خوشحالی برمی‌گردد

---

آن عبارت از حصیر و کتاب و نیمکت چوبی است زندگی می‌کند. دارای ریش و لباس به سبک قدیم ایران است، و با آنکه میان ایرانیان به دانایی در علوم مسلم و مصدق شناخته شده، با هیچ‌یک از زبان‌های خارجه آشنا نیست. شخص خارجی که مدرس را ملاقات می‌کند بی‌اختیار از صادقی و راستی و قریحه حساس او متأثر می‌گردد. در کارهای اجتماعی خویش بسیار مبرم و شجاع است، و خواه در دل و خواه در ظاهر، یک نفر ایرانی ملی به تمام معنی می‌باشد.»

(دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۳۷۲/۴-۳۷۳). این موضع مثبت مدرس را که حتی تا دوران پادشاهی رضاشاه نیز دوام آورد، می‌توان ناشی از شمّ سیاسی مدرس دانست؛ شمّ سیاسی که بتواند با بهره‌گیری از آن، هرچه بیشتر در جهت مصالح مملکت حرکت نماید. بعد از پادشاهی رضاخان نیز او در عین نارضایتی می‌گوید: «... سستی و اهمال هموطنان کار خود را کرد، ما هم... سعی کردیم و حرف خود را گفتیم و کشته هم دادیم، دیگر دینی برعهده نداریم و حالا باید با دولت و شاه موافقت کرد، بلکه خوب بشود و خدمتی کند» (مکی، ۱۳۶۲: ۵۱/۵).

اگر در سریال مذکور این رویکرد نمایش واقعی می‌یافت، علاوه بر معرفی خط‌مشی این شخصیت تأثیرگذار تاریخی، که بنا به اقتضا و احتیاجات زمان با پیگیری سیاست‌هایی سعی در رفع بحران‌های جامعه داشته، می‌توانست گویای بخش عظیمی از تاریخ کشورمان نیز برای مخاطب باشد. اما متأسفانه کارگردان این سریال با حذف رویکرد دوسویه مدرس با رضاشاه، درصدد نمایش شخصیتی مقدس، منزّه و یک‌جانبه از سیدحسین مدرس بوده است. این ضعف را شاید بتوان صرف‌نظر از دیدگاه نویسنده فیلمنامه و سایر محدودیت‌هایی که در ساخت فیلم تاریخی وجود دارد، ناشی از زمان کوتاهی دانست که برای تهیه و پخش مجموعه‌های تلویزیونی در نظر می‌گیرند؛ امری که موجب می‌شود مراحل تحولی یک شخصیت، چون شکل‌گیری ایدئولوژی، دوام و قوام‌شان، تغییر و ارائه آنها به جامعه و حتی صفات شخصی‌شان، آن‌چنان که باید، به بیننده معرفی نگردد.

## ۲-۴. میرزا کوچک خان جنگلی

میرزا کوچک خان جنگلی شخصیتی است که در دو سریال عمارت فرنگی و در چشم باد به تصویر درآمده است. بازیگر این نقش در سریال در چشم باد، علی‌رغم تجربه محدود بازیگری، به دلیل تشابه ظاهری زیاد با شخصیت واقعی میرزا کوچک خان، تناسب زیادی را با این شخصیت برقرار نموده است. به تصویر کشیدن مخالفان و موافقان میرزا و یا نمایش گفتگوی میرزا حسن ایرانی، شخصیت برجسته سریال با پزشکی که از موافقان میرزا است اما





از برخی باورها و عقاید او گله‌مند است در سکانسی دیدنی، می‌تواند تأثیری بسزا در معرفی ایدئولوژی میرزا کوچک خان و نهضت وی داشته باشد.

سکانس بازگشت میرزا و یارانش در میان اهالی روستا، نمایش چشم‌انتظاری خانواده‌هایشان، استفاده بجا از اشعار محلی بر روی تصاویر، نمایش پرچم کشور و مشاهده فضایی آکنده از دود اسپند همراه با شنیدن صدای زنده‌باد میرزا، زنده‌باد جنگل و زنده‌باد ایران، دربرانگیختن حس میهن‌پرستی بینندگان بسیار سودمند بوده است.

در اولین سکانسی که کارگردان قصد معرفی میرزا به بینندگان را دارد با گزینش دیالوگی درخور برای این شخصیت، بیننده را از اسلوب فکری وی آگاه می‌سازد: «کنیز و غلام یعنی چه؟ حرف‌های استبدادپسند می‌زنید؟ دوره برده‌داری نیست! این همه سینه سپر سرب استبداد می‌کنیم که هر کس آقای خودش باشه و غلام خودش».

از نکات چشمگیر این سریال باید به نمایش پرچم ایران در تمام سکانس‌هایی که میرزا حضور دارد و گویاترین ابزار برای انتقال احساسات میهن‌پرستانه میرزا به مخاطب است، اشاره کرد.

دقت عوامل فیلم‌سازی در پوشش این شخصیت، که نشان از گذران سخت زندگی در جنگل دارد، ریش‌های بلند و موهای ژولیده که در راستای القای این احساس به مخاطب صورت پذیرفته، در برقراری ارتباط بیننده با این چهره مؤثر عمل نموده است. حتی توجه گروه فیلم‌سازی، شامل تطابق سنی بازیگر با شخصیت میرزا کوچک خان نیز شده است<sup>۱</sup> (فخرایی، ۱۳۴۸: ۳۷۷).

کارگردان سریال عمارت فرنگی، دیگر سریالی که به بازسازی شخصیت میرزا کوچک خان پرداخته، محمد صادقی را که در کارنامه هنری‌اش نقش‌های تاریخی متعددی به چشم می‌خورد، برای ایفای این نقش برگزیده است. در این مجموعه تلویزیونی، پیش از مشاهده چهره وی، آشنایی بیننده با میرزا از طریق سکانسی است که در آن تیمورتاش توضیحاتی را درخصوص شورش جنگلیان و شخص میرزا به رضاخان ارائه می‌دهد.

۱. «... از نمایندگان می‌رسد میرزا چندساله است جواب می‌شود ۴۵ ساله...»



اما در سکانس معرفی میرزا به مخاطب، که در دیدار از همسرش جواهرخانم است، نه تنها در ظاهرش نمودی از اقامت طولانی مدت در جنگل و رنج‌ها و خستگی‌های ناشی از جنگ و گریز دیده نمی‌شود بلکه به عکس در ظاهری تمیز و متفاوت با آنچه در توصیف جنگلی‌ها آمده، مشاهده می‌گردد.<sup>۱</sup> گفتگوهای شعارگونه این دو با یکدیگر، علی‌رغم موسیقی پس‌زمینه بجا و مناسب این فضا، موجب عدم برقراری ارتباط عاطفی و شناختی بیننده با این شخصیت می‌شود.

در سکانسی دیگر که شاهد رسیدن پیغام سردار سپه به سوی میرزا کوچک‌خان هستیم، بی‌توجهی کارگردان را در سیر وقایع و یا معرفی صحیح اشخاص شاهدیم. فیلم این‌گونه روایت می‌کند که سردار سپه پس از حضور در رشت با فرستادن نامه‌ای مودت‌آمیز سعی در برقراری ارتباط با میرزا را دارد، اما به گفته ابراهیم فخرایی این ارتباط برای اولین بار از سوی جنگلی‌ها آغاز گشته است: «... میرزا عبدالحسین خان شفائی و میرزا محمدعلی خمایی مأمور شدند به رشت رفته با وزیر جنگ مذاکره کنند و عقیده‌اش را نسبت به جنگلی‌ها بفهمند در نقطه‌ای نزدیک سربازخانه فعلی رشت ملاقات نمایندگان اعزامی صورت گرفت ...» (همان: ۳۷۵ - ۳۷۷). کتاب تاریخ بیست‌ساله ایران نیز این سخن را تأیید می‌کند (مکی، ۱۳۵۸: ۱/ ۵۱۲). در ادامه داستان قتل چند افسر قزاق توسط جنگلی‌ها، که با نیروهای سردار سپه در وضعیت متارکه جنگ به سر می‌بردند، صورت می‌گیرد. متعاقب این واقعه، سردار سپه دو نماینده جنگلی‌ها - شفائی و خمایی - را به تیمورتاش می‌سپارد و او نیز دستور قتل آنها را می‌دهد. در ادامه هم خبر تیرباران شدن آنها را از زبان یاران میرزا می‌شنویم. اما نقل این روایت در منابع تاریخی به گونه‌ای دیگر است: «نمایندگان مزبور بلافاصله بازداشت شدند و مدت‌ها حتی بعد از انقلاب در رشت و طهران زندانی بودند تا روزی که سردار سپه برای سرکشی به زندان رفت و آنها را در آنجا دیده و آزادشان نمود...» (همان: ۳۸۷ و ۳۷۹ و مکی، ۱۳۵۸: ۱/ ۵۱۲). شاید این تغییر تاریخی برای القای حس نفرت از تیمورتاش، که به خودخواهی و بی‌رحمی شهره بود و خاطراتی تلخ را در

۱. «جنگلی‌ها مصمم بودند مادام که به هدفشان نرسیده ... به آرایش سر و صورت نپردازند و بنابراین طول مدت اقامت در جنگل آنها را به شکل مخلوقات ماقبل تاریخ و هیاکلی جسیم و رعب‌آور درآورده بود ...» (فخرایی، ۱۳۴۸: ۵۵).

دوره حکومت خود در رشت باقی گذاشته، صورت پذیرفته است. هر چند تغییر تاریخ با هر عنوانی، قابل توجیه نیست.

سکانس خداحافظی میرزا و تقاضای رفتن یارانش از مهلکه جنگ نیز دچار ابهامات و تناقضاتی است. روایت فیلم تنها به آخرین گفتگوی میرزا با یارانش می‌پردازد و این گونه نمایش می‌دهد که جدا شدن و تسلیم شدن عده زیادی از یاران میرزا با اجازه و خواست خود او بوده است، در حالی که ابراهیم فخرايي بعد از ذکر سلسله‌ای از جنگ و گریزها و درگیری‌های سخت میان قوای دولتی و جنگلی‌ها شرح می‌دهد که «... قوای جنگل متفرق و متلاشی گردید و به دستجات چندصد نفره‌ی پارتیزانی تقسیم گشت و چون این وضع نیز قابل بقاء و دوام نبود لذا دسته‌دسته و به‌طور انفراد به اردوی دولت روی آورده و تسلیم می‌شدند ... به‌نحوی که بعد از چند روز، جز افراد معدودی در اطراف میرزا کسی باقی نماند» (همان: ۳۸۲).

کتاب در عین توضیحاتی در خصوص روحیه نااستوار یاران میرزا، اعتراض یکی از افسران جنگل به نام نصرت‌الله خان آزاد به میرزا را نیز به دلیل عقب‌نشینی در برابر قوای دولتی، شرح می‌دهد و اینجاست که میرزا با یارانش به گفتگو می‌پردازد. آنچه در سریال «عمارت فرنگی» مشاهده می‌شود، بدون توجه به موارد ذکر شده بالا، تصویرسازی همین گفتگوست: «... میرزا مجبور شد که او را دلداری بدهد و به او بفهماند که جنگیدن با قوای دولت مصلحت نیست و یک نحو برادرکشی است و ناچار شد یک‌بار دیگر برای نفرات سخنرانی کند ... و چون میرزا کوچک از نامه ساعدالدوله این‌طور استنباط نمود که نیت تعاقب کنندگان دستگیری شخص اوست و اگر او بتواند خود را از مهلکه نجات دهد به سایر همراهانش آسیب نمی‌رسد لذا به دوستانش چنین گفت: ... مایل نیستم که شما برای خاطر من در زحمت و رنج باشید و اجازه می‌دهم که به میل خودتان هر جا که می‌خواهید بروید امیدوارم یک‌بار دیگر موفق شوم که لذت دیدارتان را درک‌نمایم. این دفعه نیز با چهره متأثر و غم‌ناک با دوستانش خداحافظی نمود و آنها به اجازه میرزا از وی جدا شدند، به‌طوری که بعد از این ماجرا بیش از هشت نفر باقی نماندند» (همان: ۲۰۴-۲۰۵).

### ۳-۴. محمدعلی فروغی

این چهره با تکرار در دو سریال عمارت فرنگی و در چشم باد مورد توجه قرار می‌گیرد. در سریال در چشم باد در سکانسی که رضاشاه خود را در محاصره نیروهای متخاصم دیده و خطر سقوط و نابودی خود و خاندانش را نزدیک می‌بیند از فروغی، که از مدت‌ها پیش از فعالیت‌های سیاسی برکنار مانده، یاری می‌طلبد. در این سریال بسیار مختصر به این شخصیت پرداخته شده و علاوه بر آن، چهره فروغی نیز به دلیل قرار گرفتن در بستر بیماری قابل رؤیت و تشخیص نمی‌باشد، بنابراین احساس خاصی به بیننده منتقل نمی‌شود، با این حال مدام با نمایش انگشتی با نماد ماسونی (نشان گونیا و پرگار)، فراماسون بودن وی به بیننده یادآوری می‌شود.

اما موضوعی که به اعتبارسنجی آن خواهیم پرداخت، سکانس رفتن رضاشاه به خانه فروغی و تقاضای کمک از وی است. در این باره بیشتر منابع تاریخی، در آمدن فروغی به دربار با وضعیتی کسالت‌بار و رنجور اتفاق نظر داشته‌اند و تنها معدودی از نویسندگان به رفتن رضاشاه به خانه فروغی اذعان دارند. این درحالی است که در این سریال، این سکانس به منظور نمایش زبونی و عجز رضاشاه در آخرین روزهای حکومتش، بازسازی شده است.

تنها کتاب‌هایی چون «از سیدضیاء تا بختیار» و «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» با ذکر جزئیات، داستان را آن‌گونه که در سریال دیده می‌شود، ثبت کرده‌اند. لازم به ذکر است که یادآوری لقب «زن ریش‌دار» که روزی رضاشاه نثار فروغی کرده بود و در این سکانس نیز آن را شاهدیم، تنها در کتاب از سیدضیاء تا بختیار به چشم می‌خورد (بهنود، ۱۳۷۴: ۱۷۷ و فردوست، ۱۳۷۰: ۹۵-۹۶). میرزا جواد عامری که پست کفالت امور خارجه را در این دوران عهده‌دار بوده برخلاف دو کتاب مذکور از احضار فروغی به کاخ شاه خبر می‌دهد: «... آقای نصرالله انتظام را احضار کردند ... شاه به او دستور می‌دهند فوراً به شهر رفته و فروغی را با خود به سعدآباد بیاورند و چون کسالت دارند استثنائاً اجازه می‌دهم اتومبیل حامل او در جلوی پلکان توقف نماید ... مرحوم فروغی که از ۱۳۱۴ تا آن روز شاه را ندیده بود و به‌طور کلی شرفیابی صورت نگرفته بود، عصازنان وارد سالن گردید» (۱۳۸۸: ۲۲۹-۲۳۰). به‌گونه‌ای مشابه، روایت محمد سجادی در سالنامه دنیا و یادداشت‌های محمود

جم و نیز «برگ‌هایی از خاطرات» اشرف پهلوی که همگی در کتاب مکی نقل شده‌اند و نیز خاطرات سلیمان بهبودی، حاکی از حضور فروغی در کاخ شاه است (مکی، ۱۳۶۳: ۹۴/۷، ۱۶۱، ۳۱۸ و ۱۳۶۴: ۱۰۹/۸ او بهبودی، ۱۳۸۶: ۳۹۷).

هنگام ملاقات رضاشاه از فروغی در منزل وی، آن‌گونه که سریال‌ها برای بیننده به تصویر کشیده‌اند، متن استعفای رضاشاه توسط فروغی از پیش نوشته شده است که این موضوع با نمایش انگشتی با نماد ماسونی چیزی جز از پیش معین بودن امور را برای بیننده حکایت نمی‌کند. در صورتی که متن استعفانامه به گفته برخی منابع در همان روز بیست و پنجم شهریور توسط فروغی به تحریر درآمد (مکی: ۵۲۸ و بهبودی: ۳۹۷).

در سریال عمارت فرنگی، سعید نیکپور که نقش‌های تاریخی بسیاری را ایفا کرده، به‌خوبی توانسته در قالب فردی روشنفکر و دارای تألیفات متعدد، فعال، برجسته و صاحب‌نفوذ از صعود تا سقوط رضاشاه ظاهر شود. در واقع، فروغی به‌عنوان روشنفکری معرفی می‌گردد که با کمک به رضاخان در تلاش برای جامه‌ی عمل پوشاندن به اهداف استعماری انگلیس است تا پیشرفت و تعالی کشور ایران. گواه این سخن، حضور فعال وی در لژهای فراماسونی و گرفتن خط مشی از آنهاست. برجستگی این تصویر در سکانسی است که فروغی برای رفتن به لژ حتی همسرش را در بستر بیماری ترک می‌کند. گرچه ماسون بودن وی و نقش کلیدی و مهره‌گردانی‌اش در تاریخ معاصر ایران انکارنشده است (مکی، ۱۳۶۱: ۲۰/۴-۲۱). در طرح داستان، فروغی هنگام بیماری همسرش، که در سنین سی سالگی درگذشت، نویسنده و کارگردان تنها دختری را به‌عنوان فرزند فروغی نمایش می‌دهد. این درحالی است که ثمره ازدواج ذکاءالملک با خواهرزاده نظام‌السلطنه (رضاقلی) چهار پسر و دو دختر بوده است (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۱۹/۲).

در تصویرسازی مراسم تشییع جنازه همسر فروغی، زنانی با پوشش‌های امروز (چادرهای امروزی) مشاهده می‌شوند. این سکانس بیننده را از باورپذیری فیلمی که با عنوان سریال تاریخی تصاویر و مفاهیمی را به او ارائه می‌دهد، دور می‌سازد.

نمایش ملاقات‌های مکرر فروغی و اردشیر ریپورتر، که در پیوند و ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا بوده، و اتخاذ تصمیم‌های مهم مملکتی طی دیدارهایشان،

تلاشی است در جهت معرفی فروغی به عنوان یک فراماسون استعمارزده که توانایی اتخاذ هر نوع تصمیمی برای امور مملکتی را دارد. اما این تلاش با ارائه تصاویری کاملاً مصنوعی و غیرملموس، به میزان بسیار زیادی بی اثر شده است.

«شارلوت» پرستار فرزند فروغی، که بعد از مرگ همسر وی به خانه شان وارد می شود و به عنوان جاسوس اردشیر ریپورتر معرفی می گردد، ظاهراً شخصیتی است تخیلی که ردپای وی را در هیچ یک از منابع تاریخی معرفی شده سریال نمی توان یافت. دیگر شخصیت تخیلی این سریال ایوت نام دارد که در نتیجه ورود وی به زندگی دختر و داماد فروغی شاهد خودکشی دختر فروغی و مرگ دامادش در زندان رضاشاه هستیم، شخصیتی تخیلی که به نظر می رسد تنها برای پیشبرد داستان و جذب مخاطب طراحی شده است. باید گفت عوامل سریال در خصوص مرگ داماد فروغی - علی اکبر اسدی - فرزند محمدولی اسدی معروف به مصباح السلطنه، نسبت به نوشته های تاریخی کاملاً بی اعتنا بوده اند. در این سریال مرگ علی اکبر اسدی به واسطه کینه شخصی سرپاس مختاری، رئیس شهربانی کل کشور و نیز اتفاقاتی که ایوت، شخصیت تخیلی، عامل اصلی آن محسوب می گردد، در زندان رضاشاه صورت می گیرد. در حالی که به استناد منابع، وی چند سالی را زندانی و سپس به بیرجند تبعید می شود و تا شهریور ۱۳۲۰ در نهایت عسرت و سختی در همان جا به سر می برد. علی اکبر اسدی در آخر عمر به بیماری فراموشی و صرع دچار شده، از خانه خارج نمی شده و در ۶۸ سالگی نیز در گذشته است (عاقلی، ۱۳۸۰: ۹۸/۱-۱۰۰).

از دیگر نقاط ضعف این سریال سکانس مربوط به دوره ی اول نخست وزیری فروغی است، آنجا که نشان می دهد دختر فروغی به یک باره به سنین جوانی رسیده و این رشد ناگهانی در فاصله ای کوتاه نشانه ای از بی توجهی گروه فیلم سازی به جزئیات می باشد.

#### ۴-۴. عبدالحسین تیمورتاش

عبدالحسین تیمورتاش که با سلطنت رضاشاه به عنوان وزیر دربار پهلوی فعالیت خود را آغاز کرد، در به قدرت رسیدن وی کمک های شایانی نمود.

مباحث پیرامون این شخصیت در مجموعه تلویزیونی عمارت فرنگی به ماجرای خلع او از مقام وزارت دربار پس از همراهی ولیعهد در اعزام به سوئیس، سفر تیمورتاش به شوروی در راه بازگشت و دادن اطلاعاتی به روس‌ها، که ظاهراً در نتیجه گم شدن کیف حاوی مدارک و اسنادش بوده و نهایتاً موجبات سقوط و مرگش را فراهم می‌آورد، مربوط می‌گردد.

چنگیز وثوقی، بازیگر این نقش، توانایی ایجاد حس قربت با چهره تیمورتاش را داراست. آشنایی مخاطب با تیمورتاش برای اولین بار به سکانسی بازمی‌گردد که وی حاکم رشت و رضاخان مأمور ختم غائله جنگل است. در این فیلم اهانت و ضرب و شتم خشونت‌بار تیمورتاش به یاران میرزا کوچک خان به تصویر درآمده که نشان از بی‌رحمی و سنگدلی وی دارد. درباره خشونت افراط گونه و بی‌بند و باری‌های وی، منابع تاریخی اتفاق نظر دارند.<sup>۱</sup>

اما در جهت تطابق سکانس‌ها با واقعیات تاریخی در زمینه جاسوسی تیمورتاش برای شوروی، که مقدمه‌ای برای سقوط وی شد، منابع تاریخی دلایل و نظرات فراوان و گوناگونی را بیان کرده‌اند که در فیلم چندان به آنها پرداخته نشده‌است. از این دلایل می‌توان به ماجرای نفت، مسئله انحصار تجارت تریاک به امین‌التجار و کشف کیف حاوی اسناد ارتباط تیمورتاش با شوروی (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۹۵)، تلاش دستگاه‌های اطلاعاتی انگلستان به منظور ایجاد اختلاف بین شاه و تیمورتاش (عاقلی، ۱۳۷۲: ۲۵۸-۲۷۰) اشاره کرد. دولت‌آبادی نیز تردید خود را در ماجرای تیمورتاش این‌گونه بیان می‌دارد که «بر نگارنده واضح نیست که گرفتاری و بدبختی او تا چه اندازه با مسئله امتیاز نفت مربوط بوده و یا هیچ ربط نداشته است و تنها زیاده‌روی او در تصرفات در کارهای درباری بلکه در امور سلطنت از روی جلفی و غرور ذاتی که داشت او را به این شدت مبعوض شاه پهلوی ساخته بود...» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۴/۴۲۹). فردوست نیز در خاطرات خود به اشاره‌ای مختصر درباره ارتباط تیمورتاش با روس‌ها و اطلاع شخص شاه از این موضوع اکتفا

۱. ر.ک. سردار جنگل (همان: ۱۸۱)، حیات یحیی (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۴/۱۳۹) و خاطرات و خطرات (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۹۶).

می‌کند (فردوست، ۱۳۷۰: ۵۱/۱-۵۳) و تقی‌زاده هم، وی را در ارتباط با روس‌ها بی‌تقصیر معرفی می‌کند: «... عمده مطلب این بود که شاه از هر کس که جریده داشت وحشت می‌کرد... احتیاط می‌کرد که بعد از خودش اشخاص باجریزه‌ای نباشند که مزاحم جانشین‌اش بشوند» (تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۳۲).

آنچه در مبحث سید حسن مدرس بیان شد در این بخش نیز قابل تأمل است، عدم توجه به سیر حوادث در سریال‌ها بیننده را از قضاوت صحیح تاریخی دور ساخته و نقاطی را نیز برای او تاریک و گنگ می‌گذارد. رسالت فیلم‌های تاریخی چون بسیاری از کتاب‌هایی از این دست، درک صحیح تاریخی است. اما نمایش‌ندادن یا بهتر گفته شود، درست نمایش‌ندادن واقعیات تاریخ، می‌تواند شبهاتی بسیار را برای مخاطب غیرمتخصص فراهم سازد.

#### ۴-۵. رضاشاه پهلوی

رضاشاه از دیگر چهره‌های تکرار شده در دو سریال مورد نظر می‌باشد. احمد نجفی در سریال عمارت فرنگی، در نقش رضاشاه «افسری بلندقد و سیه‌چرده با زخمی زیر ابرو» و صدایی نابهنجار تصویر شده که کاملاً خشونت‌شخصیت‌وی را به بیننده القا می‌کند. تصویر وی با جزئیات شمایل او در کتاب‌های تاریخی و عکس‌هایی که از او به جا مانده منطبق می‌باشد، گرچه چهره‌پردازی اغراق شده و صدای نابهنجاری که به منظور القای خشونت این شخصیت در نظر گرفته شده، می‌تواند موجبات عدم ارتباط بیننده با این چهره را فراهم سازد (مکی، ۱۳۵۸: ۲۰۹/۱).

این سریال که در ذم‌خاندان پهلوی، مخصوصاً شخص رضاشاه است نه تنها به دستاوردهای وی برای کشور هیچ اشاره‌ای نکرده، بلکه تنها خواهان به تصویر کشیدن مردی بددهان، دون‌پایه و استعمارزده بوده است.

در این سریال چهره‌ای خشن و نامأنوس از رضاخان را شاهدیم، چهره‌ای که مدام در حال فحاشی و بی‌اخلاقی است. آشنایی بیننده با خانواده وی در سکانسی صورت می‌گیرد که وی آماده حرکت به سوی رشت برای رفع غائله جنگل است. در این سکانس



درگیری کودکانه تاج‌الملوک (همسر اول رضاخان) با دیگر همسر رضاخان، و گفتگوهای رضاخان و تاج‌الملوک به نمایش درمی‌آید که حاکی از تمایل رضاخان به داشتن زنان پرشمار است. پس از ورود او به رشت در سکانسی که رضاخان و تیمورتاش مشغول گفتگو درخصوص میرزا کوچک خان و یارانش هستند، با عبور زنی از آنجا، رضاخان درحالی که توجهش به آن زن جلب شده، دیده می‌شود.

فیلم درصدد است تمایل رضاشاه به زنان را به مخاطب القا کند، درحالی که اکثر منابع تاریخی در این باره سکوت کرده و منابع اندکی، حتی برخلاف ادعای فیلم، او را ساده‌زیست، دور از زن و شب‌نشینی و خوش‌گذرانی توصیف کرده‌اند و به نقل از خود او گفته‌شده که از ۳۵ سالگی تمایل چندانی به زن نداشته و هیچ‌گاه نیز شنیده نشده که معشوقه‌ای داشته باشد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۴۴۰/۱ و فردوست، ۱۳۷۰: ۷۴/۱).

در مورد بدزبانی رضا شاه اکثر منابع متفق‌القولند اما نکته قابل توجه در این خصوص، مطلبی است که در کتاب تاریخ بیست ساله ایران آمده است. مکی در این کتاب بر تعدیل رفتار وی در مراحل مختلف زندگی اش تأکید می‌کند و می‌گوید در ایام سردار سپه‌ی و وزارت جنگ در حال عصبی فحش‌های عوامانه و کلمات زشت بر زبان می‌راند ولی در دوره ریاست وزرا و سلطنتش «هیچ‌یک از این قماش حرف‌ها از او شنیده نشده و عصبی که می‌شده فحش‌های شاه‌های استبدادی می‌داده است» (مکی، ۱۳۵۹: ۳۹۲/۲).

بیسوادی رضاشاه نیز از جمله مواردی است که در طول سریال عمارت فرنگی درخلال گفتگوهای میان میرزا و یارانش برجسته شده است. در این فیلم او توانایی خواندن نامه‌ای را که میرزا برایش می‌فرستد ندارد. اما منابع تاریخی او را نه بیسواد بلکه کم‌سواد ارزیابی می‌کنند که «تحصیلات رسمی ناچیزی داشت و خواندن و نوشتن را پس از رسیدن به سن بلوغ آموخت» (کرونین، ۱۳۸۲: ۱۲۹ و فردوست، ۱۳۷۰: ۷۲).

درگیری سردار سپه با رئیس مجلس، مؤتمن‌الملک، دیگر سکانسی است که باید مورد اعتبارسنجی قرار بگیرد. این سکانس به درگیری ناگهانی سردار سپه در جریان جمهوری خواهی وی، پس از نمایش بسیار کوتاهی از زدوخوردهای قزاق با مردم خارج از صحن مجلس، می‌پردازد. در این سکانس که فروغی و تدین، سردار سپه را

همراهی می کنند، مؤتمن الملک رضاخان را به خاطر رفتارش مورد شماتت قرار داده و در جواب، سردار سپه با لحنی تند بیان می کند برای این مجلس پیشیزی ارزش قائل نیست. این مواجهه در منابع تاریخی به گونه‌ای دیگر درج شده است. به نقل از این منابع، پاسخ رضاخان در برابر اعتراض مؤتمن الملک این است که: «من برای نجات نمایندگان آمده‌ام»، «من رئیس دولت و انتظام با من است» و نهایتاً در برابر تصمیم مؤتمن الملک برای برگزاری جلسه علنی مجلس و تعیین تکلیف رضاخان، وی دچار اضطراب، سرگشتگی و نهایتاً عذرخواهی از مؤتمن الملک می شود (بهار، ۱۳۶۳: ۴۸/۲-۵۰، هدایت، ۱۳۶۱: ۳۶۷ و مکی، ۱۳۵۹: ۵۰۳/۲-۵۰۴).

علاوه بر این، در این سریال توالی وقایع تاریخی در ماجرای جمهوری نیز رعایت نشده است. به روایت تاریخ، سیلی خوردن مدرس در ۲۷ اسفند ۱۳۰۲ و درگیری سردار سپه و مؤتمن الملک در ۲ فروردین ۱۳۰۳ رخ داده اما سریال مذکور این دو حادثه را به گونه‌ای بازسازی کرده که سیلی خوردن مدرس از پس آن درگیری به وقوع پیوسته است.

اما سریال در چشم باد، رضاشاه را در سکانسی بسیار کوتاه با بازی سعید راد، تنها در روزهای پایانی حکومتش به بیننده معرفی می کند. در این سریال با چهره‌ای به مراتب معقول‌تر، ملموس‌تر و باورپذیرتر مواجهیم. در این مجموعه، تصویری که از رضاشاه در جریان حمله نیروهای متفقین به ایران بازسازی شده، عصبانیت و خشونت وی در واکنش به این واقعه و خلع درجه افسران و پس از آن ماجرای دیدار با فروغی، انطباق بیشتری با منابع تاریخی یافته است (مکی، ۱۳۶۳: ۱۵۳/۷ و ۳۹۱).

### نتیجه گیری

در دورانی که رویکردهای جدید و ابزارهای نوین برای خوانش تاریخ و بازنمایی واقعیت‌های گذشته شیوه‌های سنتی را به چالش کشیده است، فیلم نیز به مثابه ابزاری نوین به عرصه این چالش گام نهاده و تعامل بین این دو حوزه یعنی تاریخ و فیلم را رقم زده و نهایتاً به خلق فیلم‌های تاریخی انجامیده که خود می تواند به مثابه متنی تاریخی مورد ارزیابی قرار گیرد.

از آنجایی که هدف این پژوهش اعتبارسنجی شخصیت‌های تاریخی دوران رضاشاه در دو سریال «در چشم باد» و «عمارت فرنگی» است، تطبیق دقیق تاریخی این سریال‌ها در ابتدای امر با منابع مورد اعتماد ضروری می‌نمود. پس از تطبیق تاریخی سکانس‌های متعددی از این سریال‌ها با منابع، که از سویی به دلیل عدم ذکر منابع مورد استفاده فیلم‌سازان و از سویی کثرت منابع مطالعاتی تاریخ معاصر بسیار دشوار می‌نمود، و نیز با نظر به آنچه به عنوان مقدمه‌ای برای اعتبارسنجی سریال‌ها ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در ابتدای امر، نام سریال‌ها مخاطب را تا حدودی از رویکرد کارگردان نسبت به دوره تاریخی مورد نظر یعنی دوره رضاشاه آگاه می‌کند. عمارت فرنگی نامی است که تمام وقایع این دوران را از ابتدا تا انتها به بیگانگان نسبت می‌دهد. چهره‌پردازی این سریال با وجود توفیق بسیار در شبیه‌سازی بازیگران با چهره‌های شخصیت‌های تاریخی، در مواردی چون چهره رضاشاه دچار اغراق و زیاده‌روی، در مورد میرزا کوچک‌خان جنگلی دچار نقص و کاستی، و در نمونه‌ای چون سیدحسن مدرس در پی ارائه شخصیتی قهرمان‌گونه بوده است. این سریال مجموعه‌ای است که تعدادی پرشمار از شخصیت‌ها را به بیننده عرضه کرده است، شخصیت‌هایی واقعی و شخصیت‌های مبهم و غیرواقعی چون ایوت و ... که تنها برای جذب مخاطب به داستان طراحی شده‌اند. شاید شایسته‌تر بود که نویسنده و کارگردان این سریال زمانی را که برای معرفی این شخصیت‌های خیالی صرف کردند در شناسایی بیشتر شخصیت‌های مهم و تأثیرگذاری چون سیدضیاءالدین طباطبائی، وثوق‌الدوله، میرزاده عشقی، علی‌منصور و ... به کار می‌گرفتند.

برخی از این شخصیت‌ها آن‌چنان پراهمیتند که باید بخش اعظمی از یک مجموعه تلویزیونی را به آن‌ها اختصاص داد و یا در صورت بازسازی‌شان در سریال‌ها، نباید این تصویرسازی آن‌چنان کوتاه باشد که توان تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها، فعالیت‌ها و نقش ویژه تاریخی‌شان از بیننده سلب گردد. گذر سریع از شخصیت‌ها و اقدامات آنها و عدم نمایش جزئیات، که قضاوتی کلی و گاه نادرست را موجب می‌گردد، نقطه‌ضعفی است که به دفعات در این سریال مشاهده می‌شود.

با این که کارگردان این سریال وقایع بسیار قابل توجهی را از تاریخ معاصر به تصویر کشیده، در ساخت این مجموعه بسیار عجولانه رفتار نموده و بازه زمانی نسبتاً طولانی را که با ورود پدیده‌های نوآورانه بسیاری همراه بوده، در زمانی کوتاه به بیننده ارائه داده است. این امر موجب کاهش کیفیت اثر و در مواردی بی‌توجهی عوامل سازنده در رعایت توالی وقایع و رخدادهای تاریخی شده است. همچنین باید گفت کارگردان این مجموعه تلویزیونی از وارد کردن عقاید شخصی خود به روایت تاریخی ابایی نداشته و در سکانس‌های متعددی دست به تحریف‌های تاریخی زده است.

تبلیغات سریال در چشم باد پیش از نمایش این مجموعه به‌عنوان سریال تاریخی حماسی فاخر، با معرفی بازیگرانی نام‌آشنا، ارائه فضای تاریخی ملموس با گزینش تصاویری بسیار واقعی و باورپذیر برای بینندگان همراه با موسیقی، چهره‌پردازی و طراحی صحنه بسیار قوی، تأثیری عمیق بر شکل‌گیری انتظار مخاطب گذاشت. نام مجموعه نشان از همگام شدن مخاطب با وقایع در گذر زمان دارد. این گمانه و پیش‌بینی با مشاهده آنگهی تبلیغاتی سریال شدت می‌یابد. طراحی صحنه، لباس، چهره‌پردازی و نوع فیلمبرداری بسیار قوی این مجموعه در فرایند جذب بیننده کمک نموده است. پرننگ‌بودن رویکرد اجتماعی - فرهنگی چون تصویرنمودن نمایش‌ها و آیین‌های مردمی در سطح اجتماع و یا استفاده از اشعار محلی در کنار نگاه سیاسی به وقایع تاریخی از نقاط قوت این سریال محسوب می‌شود.

درباره شخصیت‌های واقعی بازسازی شده در این سریال باید گفت به برخی از این شخصیت‌ها آن‌چنان کم پرداخته شده که توان بررسی، تطبیق تاریخی و در نهایت اعتبارسنجی را از پژوهشگر دریغ کرده است. اما در خصوص آن‌هایی که بیشتر به نمایش درآمده‌اند، می‌توان اعتبارشان را از طریق تطبیق با نمونه‌های واقعی مورد تأیید قرار داد. از نقاط ضعف این مجموعه تلویزیونی عدم ذکر منابع مورد استفاده نویسنده و کارگردان است.

نهایتاً این که با بررسی این دو سریال، علی‌رغم نقاط قوتی که در این سریال‌ها می‌توان یافت، فرضیه اولیه پژوهش تأیید می‌شود که کارگردانان این دو مجموعه، در ساخت آثار

خود برای جذب مخاطب، دست به تحریفات، تقدس‌بخشی‌ها، سیاه‌نمایی‌ها و اغراق‌هایی زده‌اند. این تحریفات و اغراق‌ها در سریال عمارت فرنگی در مقایسه با سریال در چشم باد بیشتر به چشم می‌خورد. در واقع تاحدودی می‌توان صحت و اعتبار سریال‌های تاریخی ساخته شده در این دو دهه را تأیید و بر رفع همان میزان اغراق‌ها و تحریف‌های وارد شده در روایت تاریخی، سفارش کرده و امیدوار بود.

بررسی سریال‌های تاریخی و اعتبارسنجی‌شان، چه در قالب نشست‌های تخصصی در رسانه جمعی چون تلویزیون و چه در قالب پژوهش‌هایی در این زمینه، اقدامی ضروری است؛ چرا که با توجه به گسترش روند تاریخ‌سازی و تحریفات تاریخی در عرصه فیلم‌سازی در کشورهای مختلف و ادعاهای دروغین‌شان - که در قالب فیلم‌ها و سریال‌های پرزرق و برق تاریخی به بینندگان ارائه می‌شود - توجه به ساخت فیلم‌های این‌چنینی در بهترین سطح و کیفیت در جهت افزایش آگاهی و شناخت تاریخی نسلی که هرچه بیشتر از گذشته خود دور مانده است و برای آگاهی از هویت ملی و نیز به‌منظور پاسخ به نیازهای روانی جامعه برای مواجهه با موقعیت‌شان در سطح جهانی ضروری است.

## منابع

- احمدزاده، علیرضا (۱۳۸۸). **فرهنگ واژگان سینمایی**. تهران: افراز.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۳). **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران**. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- بهبودی، سلیمان (۲۰۰۷/۱۳۸۶). **رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی**. لوس‌انجلس: شرکت کتاب.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۴). **از سیدضیاء تا بختیار: دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷**. تهران: جاویدان.
- بی‌نام (۱۳۵۵). **نطق‌ها و مکتوبات و یادداشت‌هایی پیرامون زندگی مجاهد شهید سیدحسن مدرس**. تهران: ابوذر.

- ترکمان، محمد (۱۳۷۴). **مدرس در پنج دوره تنقیه مجلس شورای ملی**. ج ۲. تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱). **حیات یحیی**. ج ۴. تهران: فردوسی.
- دوایی، پرویز (۱۳۷۱). **فرهنگ واژه‌های سینمایی (شامل اصطلاحات فنی، هنر، سبک‌ها، مکاتب و انواع فیلم)**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دیک، برنارد اف. (۱۳۹۱). **آنا تومی فیلم**. ترجمه‌ی حمیدرضا احمدی لاری. تهران: ساقی.
- **زندگی طوفانی: خاطرات سیدحسن تقی‌زاده (۱۳۶۸)**. به کوشش ایرج افشار. تهران: محمدعلی علمی.
- سیدمحمدی، سیدمرتضی. (۱۳۷۸). **فرهنگ کارگردان‌های سینمای ایران ۱۳۷۷-۱۳۰۹**. تهران: سیمرو.
- سیگر، لیندا (۱۳۸۰). **خلق شخصیت‌های ماندگار: راهنمای شخصیت‌پردازی در سینما، تلویزیون و ادبیات داستانی**. ترجمه‌ی عباس اکبری. تهران: سروش.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۲). **تیمورتاش در صحنه سیاست ایران**. تهران: جاویدان.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). **شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران**. ج ۱. تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). **شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران**. ج ۲. تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- عامری، هوشنگ (۱۳۸۸). **از رضاشاه تا محمدرضا پهلوی: مشاهدات و خاطرات میرزا جواد خان عامری (معین‌الممالک)**. مقدمه و مؤخره‌ی باقر عاقلی. تهران: کتاب پارسه.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۴۸). **سردار جنگل**. تهران: جاویدان.



دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (ع) / ۱۴۳

- فردوست، حسین (۱۳۷۰). **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست**. ج ۱. تهران: اطلاعات.
- فیلیپس، ویلیام اچ. (۱۳۸۸). **پیش‌درآمدی بر فیلم**. ترجمه‌ی فتاح محمدی. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- قوامی لاهیجی، شیلا و پرویز مقدم (۱۳۹۲). **فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات فیلم و سینما**. تهران: فرهنگ و سینما.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۲). **شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه**. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
- کینگزبرگ، آیرا (۱۳۷۹). **فرهنگ کامل فیلم**. ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری.
- لوته، یاکوب (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما**. ترجمه‌ی امید نیک‌فرجام. تهران: مینوی‌خرد.
- مکی، حسین (۱۳۵۸). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۹). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۲. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۴. تهران: ناشر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۵. تهران: ناشر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۶. تهران: ناشر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۷. تهران: انتشارات علمی، انتشارات ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۸. تهران: انتشارات علمی، انتشارات ایران.
- هدایت، مهدیقلی. (۱۳۶۱). **خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من**. تهران: زوار.



- هیل، جان و پاملا چورچ گیسون (۱۳۸۸). **رویکردهای انتقادی در مطالعات فیلم**. ترجمه‌ی علی عامری‌مهابادی. تهران: سوره مهر.
- هیوارد، سوزان (۱۳۸۱). **مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی**. زنجان: هزاره سوم.
- Rosenstone, Robert A (1995). "The Historical Film as Real History". *Film Historia*. Vol. V. No1.
- Guber, Helmut. (2001). "WORKERS AND FILM: AS SUBJECT AND AUDIENCE *International Labor and Working-Class History*. No. 59. (spring 2001).
- Munslow, Alun. "Film and History: Robert A. Rosenstone and History on Film/Film on History". (2007). *Rethinking History*. Vol. 11. No. 4. (December 2007).



دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

## طرح جلد کتاب‌های درسی تاریخ معاصر دبیرستان از ۱۳۵۸-۱۳۹۴

دکتر علی‌رضا ملائی توانی<sup>۱</sup>  
جواد نوروزی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۱

### چکیده

کتاب‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین رسانه‌های فرهنگی است که نقش‌های مهمی چون آگاهی‌بخشی، هویت‌سازی، شکل‌دهی به ذهنیت، باورها و عقاید افراد جامعه را از رهگذر بازنمایی و بازآفرینی گذشته برعهده دارد. وقتی این کتاب، کتاب تاریخ معاصر باشد، اهمیت، حساسیت و اولویت آن دوچندان می‌شود. این کتاب‌ها را می‌توان از منظرهای گوناگون ارزیابی کرد. یکی از اجزای اصلی چنین کتاب‌هایی، طرح جلد و پوشش ظاهری آن‌هاست که در واقع بسته‌بندی و ویتترین این آثار به شمار می‌رود و نخستین مواجهه مخاطب با این مجموعه‌های آموزشی از

۱. دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ [a.molae@ihch.ac.ir](mailto:a.molae@ihch.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛  
[norozyl359@gmail.com](mailto:norozyl359@gmail.com)

طریق جلد آن‌ها انجام می‌گیرد. مسئله اصلی این مقاله، بررسی طرح جلد این آثار از زوایای مختلفی چون جدابیت‌ها و زیبایی‌های بصری، روان‌شناسی رنگ‌ها، ترکیب تصاویر و معانی آن و همچنین پیشینه طراحان جلد و طیف نویسندگان آن، متناسب با تحولات پس از انقلاب است. نگارندگان می‌کوشند در این مسیر از دانش نشانه‌شناسی و تحلیل‌های تاریخی استفاده کنند. آن‌ها سرانجام به این نتیجه می‌رسند که طرح جلد کتاب‌های درسی تاریخ دبیرستان‌ها به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی و ایدئولوژیک کشور از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون قرار داشته است.

**واژگان کلیدی:** تاریخ معاصر ایران، کتاب‌های درسی، طرح جلد، تصاویر و نشانه‌ها.

## مقدمه

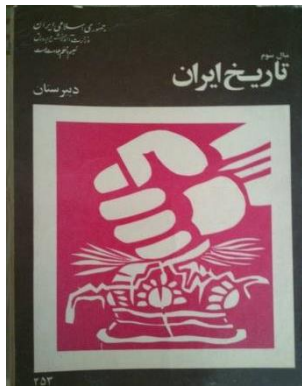
قرن‌هاست که طراحی جلد کتاب همگام با چاپ آن مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است. با توجه به این که نخستین ارتباط مخاطبان کتاب‌ها با آن از طریق جلد صورت می‌گیرد معمولاً از مهم‌ترین طرح‌های گرافیکی کتاب‌هاست. مسلم است که این طرح‌ها می‌بایست متناسب با موضوع و محتوای اثر تهیه شوند و حاوی حرف تازه‌ای برای مخاطبان باشند. کیفیت ظاهری کتاب جدا از محتوا و موضوع، یکی از مهم‌ترین عوامل جذب مخاطب است. تجربه نشان می‌دهد اگر یک کتاب درسی با یک طرح جلد مناسب و کیفیت بهتر ارائه شود، در عرصه آموزش و انتقال مفاهیم نیز غیرمستقیم تأثیرگذاری بیشتری دارد؛ زیرا در تولید و مصرف کتاب سه عامل مؤلف، طراح جلد و مخاطب به‌عنوان سه ضلع یک مثلث حضور دارند.

این مقاله درصدد است طرح جلد کتاب‌های درسی تاریخ معاصر دبیرستان‌ها را از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۹۴ به ترتیب تاریخ تألیفشان از منظر کیفیت و ترکیب تصاویر، طیف طراحان و نویسندگان، با استفاده از دانش نشانه‌شناسی و روان‌شناسی رنگ‌ها مورد ارزیابی قرار دهد. در این دوره نزدیک به یازده کتاب در حوزه تاریخ معاصر دبیرستان‌ها

انتشار یافت که در هر یک از آن‌ها نه تنها طیف نویسندگان، محتوا و ساختار کتاب‌ها بلکه طرح‌های جلد نیز دستخوش دگرگونی شد. با عنایت به گستردگی این موضوع، این مقاله می‌کوشد تنها به تحلیل جلد این آثار بپردازد. جستجوی مؤلفان نشان می‌دهد که تاکنون هیچ اثری در این باره انتشار نیافته و این کار در موضوع خود بدیع است.

در این پژوهش ضمن توصیف و تبیین طرح‌های جلد کتاب‌های درسی تاریخ، تلاش شده است برای آشکار شدن ابعاد این تغییرات در طول دوره‌های مختلف به شکل تطبیقی با یکدیگر مقایسه شوند تا سیر تغییرات، همسانی‌ها و ناهمسانی‌های این آثار مشخص شود. برای این منظور یک جدول تطبیقی طراحی شده است تا طرح‌های روی جلد از نظر فراوانی تصاویر، نوع شخصیت‌ها و نمادهای مختلف، تحلیل شوند. افزون بر یازده طرح جلد پیش‌گفته، به چهار طرح جلد دیگر به علت مشابهت‌های زیاد ظاهری آن‌ها نیز اشاره شده است.

## ۱. تحلیل طرح جلد نخستین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>



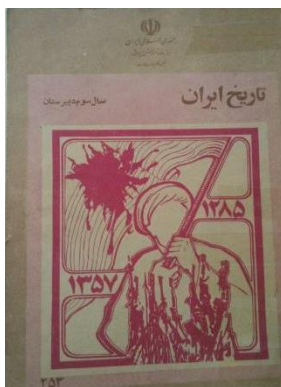
طراح جلد نخستین کتاب تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب مشخص نیست و تمام تلاش‌های نگارندگان برای یافتن نام وی به نتیجه نرسید. رنگ زمینه جلد این کتاب قهوه‌ای پررنگ و طرح روی جلد آن دارای تنوع و پیچیدگی خاصی نیست و با استفاده از دو رنگ سفید و صورتی پررنگ به شکل یک نقاشی نمادین تصویر مشت گره‌شده را نمایش می‌دهد که کنایه از

خشم انقلابی در حال ضربه‌زدن بر روی تاج سلطنتی است. از منظر نشانه‌شناسی طرح جلد و رنگ زمینه دلالت بر فضای انقلابی دارد. طرح مشت گره‌شده می‌تواند نماد اتحاد و همبستگی مردم انقلابی ایران و تاج نیز نشانه حکومت سلطنتی استبدادی باشد و رنگ زمینه

۱. غلامعلی حداد عادل و دیگران، **تاریخ ایران کد ۲۵۳** (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)، تهران: شرکت افست سهامی عام، چاپ اول، ۱۳۵۹.

نیز این مفهوم را می‌رساند که انقلاب با خون شهیدان به پیروزی رسیده است. از نظر روان‌شناسی رنگ‌ها، رنگ قهوه‌ای در گام اول به‌عنوان یک رنگ گرم می‌تواند نشانه صداقت و اعتماد باشد و در عین حال رنگ تیره آن می‌تواند رنگی یأس آور، از بین‌برنده خلاقیت و احساسی نیز محسوب شود. ترکیب رنگ زمینه قهوه‌ای با رنگ‌های صورتی پررنگ و سفید، که رنگ‌های شاداب و پرنرژی محسوب می‌شوند، می‌تواند در فرهنگ ایرانی نشانه پاکی و عشق و نمادی از شهادت در فرهنگ ایرانی - اسلامی در نظر گرفته شود.<sup>۱</sup> نمادهای بصری به کاررفته در طرح می‌تواند در جذب مخاطب تا حدودی موفق باشد. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- به نقش مردم در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در جریان پیروزی انقلاب، توجه و تأکید شده است.
- اتحاد و انسجام مردم در جریان مبارزه در سایه رهبری واحد و قدرتمند امکان‌پذیر بوده است.
- فروپاشی حکومت قدرتمند پادشاهی را در مقابل وحدت دینی مردم با دست‌های خالی نمایش داده است.
- رنگ قرمز طرح جلد نشانگر خون‌های ریخته‌شده ایرانیان در راه آرمان‌های انقلاب است.



## ۲. تحلیل طرح جلد دومین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۲</sup>

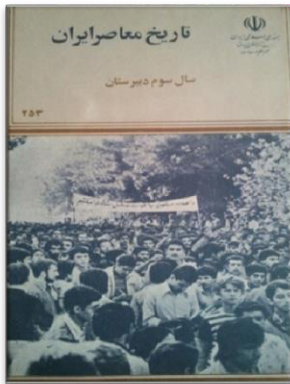
طراح جلد دومین کتاب تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب مشخص نیست و تمام تلاش‌های نگارندگان برای یافتن نام وی به نتیجه نرسید. طرح نقاشی‌گونه جلد این کتاب

۱. مسیب استوار، **رنگ**، تهران: نشر رازنامه، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۲۰-۲۳.

۲. گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی، **تاریخ ایران کد ۲۵۳** (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)، تهران: شرکت افست سهامی عام، چاپ اول، ۱۳۶۰.

پیچیدگی چندانی ندارد و چنان می‌نماید که نسبت به طرح قبلی از جذابیت بصری کمتری برخوردار است. طرح فوق با استفاده از اسلوب دانش نشانه‌شناسی و ترکیب چندرنگ ساده صورتی، سفید و قرمز با رنگ زمینه قهوه‌ای روشن می‌کوشد بر تداوم فضای انقلابی در شرایط و موقعیت زمانی نگارش کتاب تأکید کند. در طرح مذکور تصویر بزرگی از یک روحانی‌ناشناس دیده می‌شود که پرچمی خون‌آلود در دست دارد و در کنار او مردمی با مشتهای گره‌کرده و مسلح نقش شده‌اند که در پشت سر او آماده مبارزه در راه انقلاب و کشورند. در سمت راست تصویر عدد ۱۲۸۵ به عنوان سال پیروزی انقلاب مشروطه و در سمت چپ تصویر عدد ۱۳۵۷ به عنوان سال پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسته است. در طرح این جلد تا حدود زیادی روان‌شناسی رنگ‌ها و معانی نمادهای آن همانند طرح جلد کتاب قبلی است؛ یعنی در کنار رنگ زمینه، که اطمینان و احساسات درونی را نشان می‌دهد، ترکیب رنگ‌ها نمایان‌گر قداست، معصومیت، جذابیت و عشق به ارزش‌ها، نشانه شجاعت، قدرت، سخاوت و بلندپروازی و درنهایت فرهنگ سرخ شهادت است. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- به نقش برجسته و پیشگام رهبری دینی در برافراشتن پرچم مبارزه تأکید شده است.
- به حضور مردم و وحدت آن‌ها توجه شده است.
- بر ارتباط و پیوستگی تاریخی دو رویداد مهم انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی تأکید شده است.
- برافراشته‌شدن پرچم نماد حاکمیت دینی به رهبری امام خمینی است.
- نماد خون بر روی پرچم نشانه نثار جان‌ها برای به ثمر رساندن انقلاب و برافراشتن پرچم اسلام است.
- دست‌های مسلح بالاآمده نشانگر تداوم آمادگی مردم برای دفاع از انقلاب و ادامه راه شهدا تحت امر رهبری واحد است.



### ۳. تحلیل طرح جلد سومین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طراح جلد این اثر آقای محمدعلی کشاورز هنرمند و گرافیکست زمان انقلاب است که مدت ۳۰ سال در سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی در سمت‌های مختلفی چون کارشناس مسئول گروه هنر، تدوین و تألیف کتاب‌های درسی هنر، سردبیر مجلات رشد هنر و غیره مشغول به فعالیت بود. رنگ زمینه جلد

کتاب قهوه‌ای روشن و در برخی چاپ‌ها مایل به رنگ کرم و حاشیه‌ها و کادربندی اطراف طرح جلد به رنگ قهوه‌ای معمولی است. نمای جلد آن تصویری ساده و سیاه‌وسفید از راه‌پیمایی مردم به‌خصوص جوانان در جریان پیروزی انقلاب است. تظاهرکنندگان شعارنوشته‌های با مضمون مخالفت با رژیم پهلوی را حمل می‌کنند. این تصویر، عکس منتخبی از صحنه‌های اعتراضات مردم در قبل از پیروزی انقلاب است که به‌طور مستقیم و با کمترین اصلاح گرافیکی و زیبایی‌شناختی روی جلد کتاب نقش بسته است. همان‌گونه که اشاره شد از نظر ویژگی روان‌شناسی، رنگ فوق و معانی آن می‌تواند به نوعی نماد ثبات، سادگی، اعتماد، مقاومت، امنیت و بلوغ تاریخی باشد. اما تصویر جلد پیچیدگی و جذابیت چندانی ندارد و کمتر از نمادها و جلوه‌های خاص دانش‌شناسی بهره‌برده است. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- نمایانگر حضور اقشار مختلف مردم، به‌ویژه جوانان دانشجو و دانش‌آموز، در جریان مبارزات انقلاب است.
- راه‌پیمایی منسجم نشانگر خواست عمومی و آرمان‌های مشترک مردمی در مسیر مبارزه است.
- به اهداف و شعارهای ظلم‌ستیزانه و وحدت‌آفرین مردم در جریان مبارزه علیه حکومت پهلوی توجه شده است.

۱. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تاریخ معاصر ایران کد ۲۵۳ (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)، تهران: شرکت افست سهامی عام، چاپ اول، ۱۳۶۲.



#### ۴. تحلیل طرح جلد چهارمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طراح جلد اثر فوق آقای فرید فرخنده کیش از کارشناسان گرافیکی کشور است که حدود ۱۲ سال در دفتر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشغول فعالیت بوده و مدتی نیز در سمت کارشناس مسئول گروه هنر و معاون مدیرکل چاپ و توزیع با وزارت آموزش و پرورش همکاری داشته‌اند. رنگ زمینه جلد کتاب

نارنجی و طرح جلد آن تصویری رنگی از حضور دانش‌آموزان در راه‌پیمایی حمایت از انقلاب اسلامی و رهبری آن را به نمایش گذاشته است. به نظر می‌رسد طرح فوق عکس برگزیده از حضور دانش‌آموزان در یکی از راه‌پیمایی‌های سراسری پس از انقلاب است که به شکل مستقیم و بدون دست‌کاری چاپ شده است. تصویر روی جلد ساده بوده و کمترین بهره را از علائم و نشانه‌های دانش‌شناسی برده است. رنگ زمینه نارنجی جلد رنگی جذاب، هیجانی و گرم محسوب می‌شود و سمبل انرژی، اشتیاق و سرزندگی است. یعنی از یک سو رنگ طراوت، نشاط و لذت‌آفرین و تحریک‌کننده است و از سوی دیگر آرامش‌بخش و تسکین‌دهنده و در مجموع رنگ با کیفیتی شناخته می‌شود. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

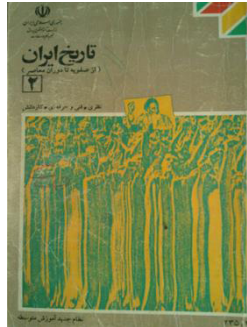
- نشانگر حضور دانش‌آموزان در صحنه‌های مختلف انقلاب و حمایت آن‌ها از انقلاب و رهبری امام خمینی است.
- بر نقش پیش‌تاز رهبری دینی در انقلاب و ضرورت قدرشناسی از جایگاه ایشان تأکید شده است.
- به نقش‌آفرینی نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان کشور در حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب تأکید شده است.

۱. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تاریخ (۴) ایران در دوران معاصر کد ۳۰۲ (سال چهارم رشته ادبیات و علوم انسانی)، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

- پرچم‌های برافراشته و به اهتزاز درآمده، اسلامی بودن نظام و ادامه راه شهدا را توسط نسل‌های آینده نوید می‌دهد.

## ۵- تحلیل طرح جلد پنجمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طراح جلد این کتاب نیز آقای  
فرید فرخنده کیش است. زمینه  
جلد کتاب رنگ سبز زیتونی  
است که در کنار رنگ‌های زرد



و سبز پررنگ به کار رفته است. طرح روی جلد نشان می‌دهد که از جلوه‌ها و ابعاد نشانه‌شناسی گرافیکی تصاویر بیش از طرح جلدهای پیشین بهره برده است. در طرح فوق با استفاده از دو رنگ سبز و زرد، اجتماع و حضور مردم در کنار رهبری دینی انقلاب ترسیم و کوشیده شده تصویر مردم را در کنار هم مانند درختان استوار و دیوارهای نفوذناپذیر و ستون‌های مقاوم در برابر دشمنان و ناملایمات زمانه به نمایش بگذارد. برخلاف دو کتاب قبلی طرح جلد این کتاب عکس واقعی و طبیعی راه‌پیمایی نیست، بلکه با استفاده از شیوه‌ها و جلوه‌های دانش نشانه‌شناسی نمادی از اتحاد و انسجام مردم را در صحنه‌های مختلف انقلاب به تصویر کشیده است. البته این تصویر ترکیب رنگ و جذابیت بصری چندانی برای جلب مخاطب ندارد.

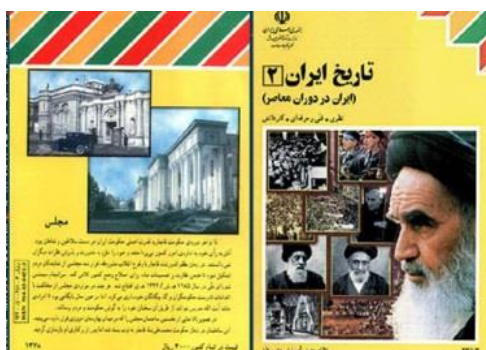
در پشت جلد کتاب هم تصویری از ساختمان قبلی مجلس شورای اسلامی به شکل سیاه و سفید چاپ شده است. پایین عکس توضیحاتی پیرامون تاریخچه وقوع انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی، که کشور را از حکومت خودکامه به نظام مشروطه

۱. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تاریخ ایران (۲) از صفویه تا دوران معاصر کد ۲۳۵/۳ (سال دوم نظام جدید متوسطه، کلیه رشته‌ها)، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، چاپ اول، ۱۳۷۳.



تبدیل کرد، آمده است. در واقع طرح پشت جلد کتاب می‌کوشد به اهمیت مجلس در تاریخ معاصر ایران بپردازد. چاپ تصاویر در پشت جلد کتاب کاری نوآورانه است که در آثار پیشین سابقه ندارد. از منظر روان‌شناسی به‌طور کلی رنگ سبز رنگ تعادل و آرامش شناخته می‌شود، اما نوع زیتونی آن و ترکیب آن با رنگ‌های دیگر طرح در نگاه اول بیشتر احساس خصومت، ناکامی و زنگارگرفتگی را ایجاد می‌کند و تأثیر منفی بر روی شخصیت دارد. با این حال از جنبه‌ای دیگر می‌تواند نمادی از قدرت و رشد شخصیت در برابر ناملایمات باشد و به عبرت‌گیری و تجربه‌اندوزی کمک کند. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- در تصاویر، نقش مهم و تأثیرگذار مردم در پیروزی انقلاب اسلامی و ادامه حرکت آن مشهود است.
- بر نقش رهبری تأثیرگذار امام خمینی و ضرورت تبعیت مردم از ایشان تأکید شده است.
- پیوستگی تاریخی انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه در طرح روی جلد و پشت آن مورد تأکید است.
- به وحدت مردم به مثابه دیواری نفوذناپذیر در پشت سر رهبری برای دفاع از کشور در عرصه‌های مختلف اشاره دارد.
- مشتهای گره‌کرده نماد روحیه جهادی، شهادت‌طلبی و ثبات‌قدم مردم در برابر دشمنی‌ها و مشکلات است.
- متن پشت جلد کتاب نشانگر عملکرد مردم در به ثمر رساندن دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی است.
- بر اهمیت و جایگاه مجلس در تاریخ معاصر ایران در قبل و بعد از انقلاب تأکید دارد.



## ۶- تحلیل طرح جلد کتاب ششم درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

هرچند طراح جلد ششمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان مشخص نیست اما تنوع تصاویر و جذابیت‌های بصری طرح روی جلد

نشان می‌دهد که در طرح آن تصاویری از رخدادها و شخصیت‌های مذهبی و ملی تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران را به نمایش گذاشته است. این طرح می‌کوشد، نقش مردم را در حوادث مختلف در کنار رهبران دینی و ملی در جریان‌های چون جنگ‌های ایران و روسیه، انقلاب مشروطه، ملی‌شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با رعایت ترتیب تاریخی و ارتباط و پیوستگی آن‌ها به تصویر بکشد. به‌طور کلی تصویر روی جلد هم آموزش بصری و هم گلچینی از مهم‌ترین رخدادها و تاریخ معاصر ایران است و به نظر می‌رسد که ویژگی‌ها و جلوه‌هایی متنوعی از دانش‌ناشناسی و نمادهای آن را به خدمت گرفته است. البته پاره‌ای از این تصاویر وضوح و شفافیت لازم را ندارد.

در پشت جلد این کتاب نیز تصاویری از نخستین ساختمان مجلس شورای ملی از چند نما نقش بسته است، پایین تصاویر نیز مطالبی درباره تاریخچه شیوه حکومت‌داری در ایران و چگونگی وقوع انقلاب مشروطه و اصلاح وضع کشور نگاشته شده است. رنگ زرد زمینه جلد کتاب فوق از نظر روان‌شناسی رنگ اخطار، جلب توجه، خلاقیت، عقلائییت، هوشیاری و مملو از انرژی و شادمانی است. همچنین موجب تمرکز بیشتر در مطالعه می‌شود و رنگ گرم و خوش‌بینانه‌ای به حساب می‌آید که نشانه تحول و ترقی نیز هست. در مقابل رنگ زرد معمولی به علت درخشندگی زیاد موجب خستگی زودرس می‌شود. نکته دیگری که درباره این رنگ می‌توان به آن اشاره کرد جایگاه این رنگ در فرهنگ ایرانی

۱. عمادالدین باقی و دیگران، **تاریخ ایران (۲) ایران در دوران معاصر کد ۲۳۵/۳** (سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه، کلیه رشته‌ها)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸

و اسلامی است، این رنگ تا حدی به‌عنوان سمبل و نماد تقدس است و معمولاً هاله دور سر مقدسین با این رنگ نشان داده می‌شود. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- به‌طور کلی تصاویر وقایع مهم و شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران در روی جلد نمایان است.
- به نقش و حضور منسجم مردم در وقایعی چون انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی تأکید دارد.
- به نقش برجسته رهبران دینی، علما و مرجعیت شیعه در صحنه‌های مهم تاریخ معاصر توجه داده است.
- ارتباط، پیوستگی و ترتیب تاریخی وقایعی چون وقایع دوران قاجاریه، انقلاب مشروطه، نهضت ملی‌شدن نفت و انقلاب اسلامی و رهبران آن‌ها بر روی جلد مشهود است.
- به حمایت مردم از علما در جریان انقلاب مشروطه و استقرار مجلس تأکید دارد.
- به آثار وحدت رهبران ملی و مذهبی در نهضت ملی‌شدن نفت و شکست استعمارگران اشاره دارد.
- تصویر روی جلد و پشت آن نوعی آموزش بصری وقایع سیاسی تاریخ معاصر ایران است.

## ۷- تحلیل طرح جلد هفتمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طراح جلد هفتمین کتاب تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب مشخص نیست و تمام تلاش‌های نگارندگان برای یافتن نام وی به نتیجه نرسید. رنگ زمینه جلد این کتاب سبز کمرنگ مایل به سفید و در اطراف تصویر جلد کتاب سایه‌ها و حاشیه‌های سبز پررنگ

---

۱. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، **تاریخ معاصر ایران کد ۲۵۳** (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها به‌استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۹.



جذابیت خاصی به تصویر بخشیده است. در این طرح برخلاف جلد کتاب قبلی، که گلچینی از آموزش بصری تاریخ معاصر ایران و دارای تنوع و جذابیت‌های خاص خود بود، تصویری معنادار از راه‌پیمایی ۲۲ بهمن نقش بسته است نه دیگر رخداد‌های انقلاب یا تحولات تاریخ معاصر. از زاویه‌ای دیگر برداشت کلی از طرح مذکور بیانگر تداوم حضور مردمی و نوعی نگاه پوپولیستی به یک جامعه توده‌وار و فاقد ساختار مدنی به مفهوم جامعه‌شناسی سیاسی است. به

نظر می‌رسد تصویر طرح جلد به شکلی ساده و با کمترین دست‌کاری و استفاده از دانش نشانه‌شناسی چاپ‌شده است. در مورد ویژگی روان‌شناسی رنگ سبز که غالب و پرکاربرد در زمینه جلد چندین کتاب درسی است می‌توان گفت که از کامل‌ترین رنگ‌های است که حالتی از نگرش ذهنی مثبت، تفکر، احساس ثبات و امنیت را ایجاد می‌کند. پژوهشگران دریافته‌اند که رنگ سبز انگیزه و توانایی خواندن را بالا می‌برد. برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان با قرار دادن یک برگه شفاف سبزرنگ بر روی صفحه کتاب می‌توانند مطالب را با سرعت بیشتری بخوانند و درک کنند، پس استفاده از این رنگ در پس‌زمینه جلد کتاب‌های درسی می‌تواند گزینه مناسب‌تری باشد. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- به حضور گسترده مردم در همه عرصه‌های انقلاب و مشارکت سیاسی آن‌ها اشاره شده است.
- وحدت مردم در حمایت از آرمان‌های انقلاب و آمادگی‌شان در استمرار حرکت انقلاب اسلامی مورد تأکید است.
- نقش برجسته رهبری انقلاب و ضرورت اطاعت و بیعت مجدد مردم با ایشان را نمایش می‌دهد.
- پایداری و آمادگی مردم برای دفاع از نظام و انقلاب در برابر دشمنان مورد تأکید قرار گرفته است.



## ۸- تحلیل طرح جلد هشتمین کتاب درسی تاریخ معاصر دیبرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

رنگ زمینه جلد کتاب فوق سبز روشن است و طراحی جلد آن توسط خانم طاهره حسن‌زاده صورت گرفته که طراحی جلد

سه کتاب بعدی نیز برعهده ایشان بوده است. خانم حسن‌زاده دارای مدرک کارشناسی رشته گرافیک و کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر از دانشکده هنرهای زیبا و عضو انجمن طراحان گرافیک ایران است. ایشان نزدیک به ۳۰ سال سابقه طراحی جلد کتاب در زمینه‌های مختلف را برعهده دارند و بیش از ۱۸ سال است که در زمینه طراحی جلد کتاب‌های درسی با دفتر چاپ و توزیع سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی همکاری می‌کنند.

در تصاویر طرح جلد فوق با توجه به عنوان و محتوای کتاب از فرایندهای نشانه‌شناسی تصاویر در حد امکان استفاده شده است. عکس‌های جلد به رخدادهای مهم و رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ ایران و جهان در قرون جدید و دوره معاصر و برخی بناهای تاریخی تأکید دارد. به‌طور کلی در چینش تصاویر روی جلد و پشت آن تلاش شده است تا بر اهمیت و پیوستگی تاریخی رخدادهای مهم معاصر در ساختن هویت تاریخی ایران و جهان تأکید شود. لذا تصاویری از شخصیت‌های تاریخ‌ساز، در رخدادهای مهم و نیز بناها و نمادهای تاریخی چند صدسال اخیر برجسته شده‌اند. در شرح جزئیات مرتبط با انقلاب اسلامی در طرح این جلد می‌توان به عکس نسبتاً بزرگ‌تر رهبر فقید انقلاب در بالای صفحه جلد و برافراشته شدن پرچم ایران اسلامی در کنار آن اشاره کرد. به نظر می‌رسد

۱. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی و غلامعلی حداد عادل، **تاریخ ایران و جهان (۲) کد**

۲۷۱/۳ (سال سوم دیبرستان، رشته ادبیات و علوم انسانی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ

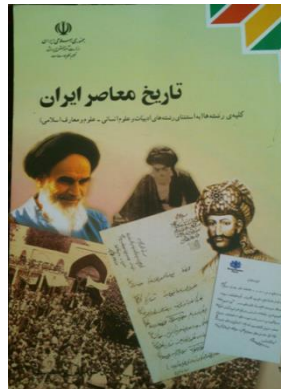
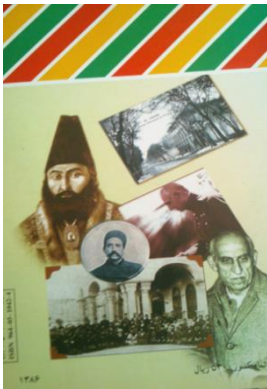
اول، ۱۳۸۰

طراحان جلد با توجه به بالا رفتن تجربه حرفه‌ای و کسب نظر کارشناسی از مخاطبان اثر فوق نسبت به گذشته اهتمام بیشتری برای استفاده از علایم و نمادهای دانش‌نشانه‌شناسی نشان داده‌اند.

در پشت جلد کتاب نیز تصویر کوچکی از بنای تاج‌محل هند به‌عنوان یکی از جلوه‌های مهم آثار هنری و معماری اسلامی در کنار تصویر مینیاتوری یکی از پادشاهان دولت گورکانیان هند و سازنده این بنای عظیم، نقش بسته است. همچنین در کنار این‌ها نمایی از یک ساختمان و برج بلند به‌عنوان یکی از دستاوردهای تاریخی و جلوه‌های معماری معاصر بشر به تصویر کشیده شده است. البته از چاپ سال ۱۳۸۵ و پس از آن تصویر بنای تاج‌محل بزرگ‌تر و واضح‌تر نقش بسته است و در زیر تصویر نیز به شیوه‌ای نو اطلاعات مختصری درباره این بنا جهت آشنایی بیشتر مخاطبان با این سازه باشکوه تاریخی آمده است. در تکمیل ویژگی‌های روان‌شناسانه رنگ سبز زمینه جلد می‌توان چنین گفت که این رنگ در ضمن اینکه ملایم‌ترین رنگ برای چشم است و قدرت دید را افزایش می‌دهد، نشانه توازن، رشد و سلامتی، آرامش، باروری و ایمنی است و یک نوع احساس دوستی و هماهنگی به انسان می‌دهد. درعین حال مفاهیم آزادی، تحقیق و تفکر، پشتکار و استقامت در انجام کارها و بلندپروازی را در خود جای داده است. در مقابل تمام این نکات مثبت، این رنگ در پاره‌ای از مواقع باعث تمایل به دودلی، شک و کند شدن حرکات و ضعف در عملکرد برخی از افراد می‌شود. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- مجموعه منتخبی از چهره‌های رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ ایران و جهان در قرون جدید و معاصر چاپ به نمایش درآمده است.
- به نقش رهبری دینی امام خمینی در برافراشته شدن پرچم ایران اسلامی در جهان تأکید شده است.
- به نقش مردم در حمایت از رهبران دینی و ملی و حضور آن‌ها در تحولات تاریخی ایران و جهان معاصر اشاره شده است.

- بر پیوستگی و اهمیت تاریخی دو انقلاب مهم مشروطه و انقلاب اسلامی و نقش رهبران دینی در هر دو انقلاب تأکید رفته است.
- تصویری از انقلاب کیسر فرانسه به‌عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ و تأثیرگذار در سایر انقلاب‌ها به نمایش درآمده است.
- تصاویر جلد در پیوند مستقیم با محتوای کتاب قرار دارند و می‌کوشند نوعی آموزش بصری از رخداد‌های تاریخ ایران و جهان در دوره جدید را ایجاد کنند.
- در طرح جلد تلاش شده است در کنار پرداختن به شخصیت‌ها و وقایع تاریخی، جلوه‌هایی از بناهای مهم تاریخی و دستاوردهای معماری و تمدنی بشر ارائه گردد.
- تغییرات طرح و تصاویر جلد در چاپ‌های دوره‌های مختلف کتاب به انسجام، پیوستگی، وضوح و جذابیت بهتر جلد کتاب کمک کرده است.



## ۹- تحلیل طرح جلد

### نهمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طراح جلد این اثر نیز خانم طاهره حسن‌زاده است. این کتاب با رنگ زمینه سبز روشن در کنار سایر خصوصیات رنگ سبز با

جوانی و شور و حال نوجوانی مخاطبان آن مرتبط است و نوعی خامی و بی‌تجربگی را

۱. موسی نجفی و دیگران، **تاریخ معاصر ایران کد ۲۵۳/۱** (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها به‌استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

نشان می‌دهد و از این لحاظ به افراد کمک می‌کند تا به مسائل با دیدی عمیق‌تر بنگرند. در تصاویر جلد از روش‌های کاربردی نشانه‌شناسی تصویری به شکل مطلوب استفاده شده است. در این طرح با تصویر شخصیت‌های مهم تاریخ معاصر ایران اعم از شاهان این دوره، مرجعیت و رهبران تأثیرگذار دینی، می‌کوشد نقش مردم را در حوادث این دوره از جمله انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و پشتیبانی از شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌گر نشان دهد. همچنین نمونه‌هایی از اسناد تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار پژوهش تاریخ معاصر بر روی جلد ترسیم شده است. طراح جلد می‌کوشد روی جلد و پشت آن به همه آنچه در ساختن تاریخ معاصر ایران نقش داشته‌اند اشاره کند. جزئیات این تصاویر به ترتیب تاریخی در روی جلد عبارت‌اند از: عکس شاه اسماعیل صفوی به‌عنوان بنیان‌گذار حکومت صفوی و نقش این حکومت در پایه‌گذاری و گسترش مذهب تشیع در ایران، عکس آیت‌الله میرزای شیرازی و فتوای تاریخی ایشان در جریان واقعه تحریم تنباکو به‌عنوان نخستین جنبش فراگیر مردمی علیه استبداد و استعمار، اسناد تاریخی با موضوع نامه‌نگاری‌ها در جریان جنبش تنباکو و مشروطه و در پشت جلد نشان دادن تجمع مردم در جریان انقلاب مشروطه، عکس امیرکبیر به‌عنوان یکی از چهره‌های ملی و اصلاح‌گر ایران، تصویر ستارخان به‌عنوان قهرمان ملی و تأثیرگذار در بازگشت مجدد مشروطه، عکس ساختمان بانک استقراضی روسیه به‌عنوان یک امتیاز استعماری در دوره قاجار، تصویر رضاشاه به‌عنوان بنیان‌گذار حکومت پهلوی، تصویر دکتر مصدق به‌عنوان رهبر نهضت ملی شدن نفت و سرانجام عکس امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که همه این تصاویر می‌کوشند تا نوعی از آموزش دیداری محتوای کتاب را عرضه کنند. در طراحی جلد از اسلوب و نمادهای دانش نشانه‌شناسی نسبت به آثار قبلی بیشتر استفاده شده است. با این همه، در ارائه تصاویر جلد کتاب نوعی پراکندگی دیده می‌شود. به بیان دیگر، ترتیب تاریخی و نظم خاصی در چاپ تصاویر جلد مشاهده نمی‌شود. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است.

– نقش محوری و بی‌بدیل مردم در تحولات تاریخ معاصر ایران مشهود است.





دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س) / ۱۶۱

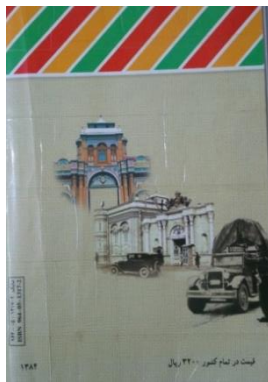
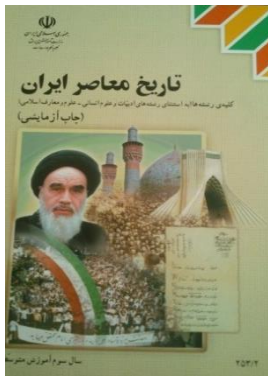
- بر نقش آفرینی قهرمانان مختلف دینی، سیاسی و ملی در شکل‌گیری تاریخ معاصر ایران تأکید دارد.
- بر نقش مرجعیت شیعه در وقایعی مهم معاصر از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی تأکید نموده است.
- به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن در گرو حضور مردم رهبری امام خمینی است.
- ارتباط و پیوستگی تاریخی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی بر روی جلد نمایان است.
- نقش حکومت صفویه در رسمی کردن مذهب تشیع و اتحاد دینی ایرانیان تقدیس شده است.
- نمونه‌های از اسناد تاریخی به‌عنوان یکی از ابزارهای کسب اطلاعات تاریخی در روی جلد نمایان است.
- به قراردادها و امتیازات اقتصادی استعماری در دوره قاجاریه اشاره شده است.
- به ایجاد حکومت مشروطه، مجلس شورای ملی، استقرار قانون‌گذاری و رهایی از حکومت استبدادی مطلق با مجاهدت‌های اقشار مختلف مردم، به ویژه مجاهدان تبریز، تأکید دارد.
- به نقش آفرینی نخستین نوگرایان و اصلاح‌طلبان برای نجات ایران از عقب ماندگی توجه شده است.

## ۱۰- تحلیل طرح جلد دهمین کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

رنگ زمینه جلد کتاب مذکور که توسط خانم طاهره حسن‌زاده طراحی شده سبز روشن مایل به لیمویی است. کاربرد این رنگ موجب هماهنگی ابعاد مختلف انسان شده و قدرت عقلانی را افزایش می‌دهد. همچنین باعث تحریک فعالیت مغز شده و در درمان بیماری‌ها و

۱. جواد عباسی و دیگران، **تاریخ معاصر ایران کد ۲۵۳** (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها به‌استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳.





خنثی کردن سطح مواد اسیدی بدن مؤثر است. در طرح این جلد از رویکردهای نشانه‌شناسی تصویری به نحو مطلوبی استفاده شده است. در تصاویر جلد نقش مذهب، مسجد و روحانیت و در

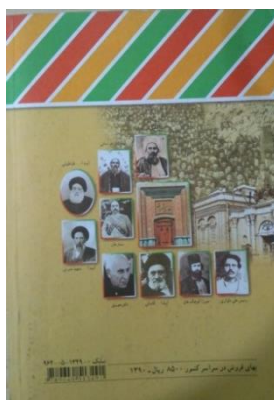
کنار آن نقش تأثیر گذار مردم در تحولات تاریخ معاصر ایران از جمله انقلاب مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در کنار آن تصویری از بناها و نمادهای دینی و ملی، طرح پرچم ایران و نمونه‌ای از اسناد مهم تاریخی به نمایش درآمده است. به‌طور کلی در طراحی جلد تلاش شده تا به همه آنچه در ساختن هویت تاریخی معاصر ایران نقش داشته‌اند اشاره شود. ترتیب تاریخی وقوع رویدادها و سیر تحول تاریخ اجتماعی در طراحی جلد مدنظر بوده است. جزئیات این تصاویر به ترتیب از بالا به پایین عبارت‌اند از: تصویر گنبد و گلدسته‌های مسجد امام اصفهان به‌عنوان نمادی دینی و جلوه معماری اسلامی در دوره صفویه، تصویر بنای میدان آزادی به‌عنوان نمادی از محل تجمعات اعتراضی مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و مکان گردهمایی‌های وحدت‌آفرین پس از انقلاب، تصویر بزرگی از امام خمینی به‌عنوان رهبر برجسته انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر و توجه به نقش تاریخی و بی‌بدیل ایشان، تصویر حضور گسترده مردم در جریان انقلاب مشروطه در کنار رهبران این جریان، تصویر سند فتوای تاریخ آیت‌الله میرزای شیرازی در جریان جنبش تحریم تنباکو، تصویر راه‌پیمایی گسترده مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در حمایت از رهبری انقلاب با حمل عکس و شعارهای وحدت‌آفرین، طرحی خلاقانه از پرچم برافراشته ایران بر فراز مردم که به شکل رنگین کمان نمایش داده شده است.

در پشت جلد نیز به ترتیب تصویری از کاخ گلستان (دروازه دولت) به‌عنوان یکی از کاخ‌های دوران حکومت قاجار که نماد حکومت استبدادی است، تصویر ساختمان مجلس

مشروطه به‌عنوان نماد استقرار نظام مشروطیت و قانون‌گذاری، تصویر وضعیت اجتماعی مردم در عصر مشروطه اعم از نوع پوشش مردم و نیروهای پلیس در این دوره و نوع وسایل حمل‌ونقل در دوره مذکور مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- بر نقش و جایگاه اعتقادات دینی در فرهنگ ایرانی و تحولات تاریخ معاصر تأکید دارد.
- به نقش آفرینی روحانیت و در رأس آن‌ها رهبری امام خمینی در جریان انقلاب اسلامی اشاره دارد.
- طرح بیانگر نقش مردم در جریان دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و سایر رخدادهای مهم است.
- ارتباط بنیادین و پیوستگی تاریخی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در روی جلد نمایان است.
- بر نقش مکان‌هایی همچون مساجد، میدان آزادی و مکان‌هایی از این دست به عنوان محل تجمعات و اعتراضات یکپارچه مردم در تحولات تاریخ معاصر توجه دارد.
- به جلوه‌های معماری و هنر ایرانی - اسلامی در آثاری چون بنای مسجد امام اصفهان اشاره دارد.
- بر نقش دولت صفویه در ایجاد یکپارچگی سیاسی و گسترش مذهب تشیع در ایران توجه دارد.
- بر نخستین جنبش ضد استعماری تحریم تنباکو با محوریت روحانیت تأکید دارد.
- بر نقش کلیدی وحدت دینی و حمایت از رهبری در شعارها و خواسته‌های انقلاب مردمی، که منجر به برافراشته‌شدن پرچم انقلاب اسلامی ایران شد، تأکید می‌کند.

- به سابقه حکومت پادشاهی خودکامه و تبدیل آن به حکومت مشروطه سلطنتی و استقرار مجلس مشروطه و قانون و رهایی از عقب‌ماندگی و استبداد مطلق در پشت جلد اشاره شده است.
- به تاریخ تحولات اجتماعی و وضعیت زندگی توده مردم در دو قرن اخیر از جمله نوع پوشش عامه مردم و نیروهای انتظامی، نوع ساختمان‌ها، نوع وسایل حمل‌ونقل و سایر امکانات موجود در این دوره توجه نموده است.



### ۱۱- تحلیل طرح جلد کتاب یازدهم درسی تاریخ معاصر دبیرستان پس از انقلاب<sup>۱</sup>

طرح کلی و رنگ زمینه این کتاب - به‌عنوان آخرین تألیف از این مجموعه درسی از سال ۱۳۸۸ تاکنون - رنگ زرد طلایی است. البته در

چاپ‌های اولیه این کتاب در سال ۱۳۸۵ با زمینه جلد قهوه‌ای پررنگ و طراحی جلد متفاوت‌تر و در چاپ ۸۶ بارنگ قهوه‌ای روشن‌تر و طراحی تصاویر دیگر و در چاپ ۸۷ به رنگ سبز مایل به تیره و با آخرین تغییرات در طراحی و ساختار آن در سال ۱۳۸۸ به شکلی درآمده که تا به امروز به قوت خود باقی است.

طراحی جلد این کتاب نیز برعهده خانم طاهره حسن‌زاده است. وی در این طرح هم کوشیده است که جدیدترین و خلاقانه‌ترین رویکردها و ظرفیت‌های نشانه‌شناسی تصویری

---

۱. علی‌اکبر ولایتی و دیگران، **تاریخ معاصر ایران** کد ۲۵۳/۲ (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها به‌استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶.

و نمایه‌های مربوط به آن را به کار ببرد تا از طریق رمزگان لازم به جلوه‌های اعتقادات دینی مردم ایران از جمله بارگاه امام رضا و مساجد، نقش و جایگاه مردم در تحولات مختلف تاریخ معاصر ایران از جمله انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه، نقش مرجعیت و رهبری دینی در پیروزی انقلاب اسلامی یعنی امام خمینی و اداره نظام جمهوری اسلامی ایران پس از ایشان توسط آیت‌الله خامنه‌ای، نقش شخصیت‌های سیاسی تأثیرگذار و اصلاح‌گری همچون امیرکبیر تأکید ورزد. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت در طرح جلد از یک‌سو سعی شده است به مسائلی که در شکل‌گیری و ساختن هویت تاریخی ایران در دوره معاصر نقش داشته است پرداخته شود و از سوی دیگر بین تصاویر جلد با محتوای کتاب ارتباط و پیوستگی تاریخی کاملی به وجود آید که این نشانگر استفاده بهینه از دستاوردهای علم نشانه‌شناسی در طراحی جلد است. در طرح پشت جلد کتاب نیز به ترتیب تصاویری از نقش‌آفرینی مردم در زمان انقلاب مشروطه، تصاویر رهبران برجسته دینی و ملی و تأثیرگذار در انقلاب مشروطه چون آیت‌الله آخوند خراسانی، آیت‌الله طباطبایی، شیخ فضل‌الله نوری و ستارخان در کنار تصاویر بناهای خانه مشروطه و مجلس شورای ملی که نماد ایجاد حکومت مشروطه و قانون‌گذاری است قابل مشاهده است. همچنین تصاویری از مبارزانی چون آیت‌الله مدرس، میرزا کوچک خان جنگلی و رئیس‌علی دلواری به نمایش گذاشته است و در تکمیل این جورچین تاریخی تصاویری از رهبران نهضت ملی‌شدن نفت دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی چاپ شده است. درباره رنگ طلایی جلد کتاب می‌توان به این ویژگی‌ها اشاره کرد: این رنگ گرم مثل رنگ زرد با خورشید، کثرت و فراوانی، توانایی تخیل، شجاعت و جسارت، هوش و ادراک در ارتباط است. از زاویه دیگر استفاده از این رنگ سبب تجدید انرژی و حیات ذهنی شده و افراد را در چیرگی بر تردید و ترس، عدم اطمینان و عدم علاقه یاری می‌کند و در عین افزایش قدرت بخشندگی و گذشت، روح آرامش را تقویت می‌کند. نوع کم‌رنگ آن نیز برای رفع افسردگی و تیز کردن ذهن مؤثر است. در یک برداشت کلی دیگر، رنگ طلایی رنگ بزرگی، شکوه، رفاه و شکیلی و جذابی تلقی می‌شود. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل جلد این کتاب به دست می‌آید به شرح زیر است:

- به نقش و جایگاه دین و باورهای دینی در تاریخ معاصر ایران و به ثمر رسیدن حکومت اسلامی تأکید شده است.
- به جایگاه زیارتگاه‌ها و مساجد در فرهنگ دینی شیعه به‌عنوان محل تجمعات و تحصن‌های اعتراضی مردم در تحولات تاریخ معاصر ایران اشاره شده است.
- بر نقش بی‌بدیل مرجعیت دینی در تحولات تاریخ معاصر ایران تأکید رفته است.
- به اتحاد و یکپارچگی توده مردم در کنار رهبری با رسیدن به آرمان‌ها به خصوص به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی اشاره شده است.
- به جلوه‌های معماری و هنر ایرانی و اسلامی، بناها و آثار دینی و ملی الهام بخش و مؤثر در رخدادهای چند قرن اخیر ایران توجه شده است.
- به ادامه مسیر انقلاب و حفظ ارزش‌های آن و به اهتزاز در آمدن و برافراشته ماندن این پرچم تحت رهبری جانشین امام تأکید شده است.
- به شخصیت‌های برجسته و مردان تاریخ‌ساز اخیر کشور در رهایی ایران در عقب‌ماندگی و وابستگی به استعمار و استبداد توجه شده است.
- نقاط مشترک و پیوستگی و ارتباط تاریخی دو رویداد مهم انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه و نقش دو عنصر رهبری دینی و حضور مردم در این دو واقعه نمایش داده شده است.
- به نقش آفرینی قهرمانان و اسوه‌های مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی در تاریخ معاصر ایران همچون آیت‌الله مدرس، رئیس‌علی دلواری، میرزا کوچک خان جنگلی و ستارخان اشاره شده است.
- به جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و نقش آفرینی مقتدرانه رهبران ملی و مذهبی این رخداد یعنی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در نفی سلطه خارجی و ملی‌شدن این ثروت حیاتی کشور تأکید شده است.

- طرح کلی جلد گلچین نسبتاً کاملی از تحولات و شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران ارائه می‌دهد و به‌نوعی آموزش بصری مختصری از این مقطع تاریخ ایران است.
- برای نخستین بار تصویری از آیت‌الله خامنه‌ای در روی جلد نقش بسته که در ذیل تصویر امام خمینی نشانگر تداوم راه ایشان است.

### تحلیل و جمع‌بندی کلی روند تحول جلد کتاب‌های تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب

- در بررسی و جمع‌بندی کلی از سیر تغییرات طرح جلدهای کتاب تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب در نگاه اول می‌خواهیم درباره این پرسش‌ها تأمل و کنکاش کنیم.
- چرا تا این اندازه شکل، ساختار، محتوا و طیف نویسندگان متن‌های درسی تاریخ دست‌خوش تغییر، نوسان و دگرگونی شده است؟
  - چرا دولت و حاکمیت تا این اندازه روی این مباحث، محتوا و تصاویر حساسیت نشان می‌دهد؟
  - چرا یک ثبات گفتمانی و وحدت رویه در مورد تاریخ معاصر ملت ما شکل نمی‌گیرد؟
  - چرا ما درباره قهرمانان بزرگ و تأثیرگذار تاریخ معاصر و نقاط عطف رخدادهای تاریخ معاصر به یک اتفاق نظر نمی‌رسیم؟
  - چرا تا این اندازه تاریخ معاصر درسی ما سیاسی و ایدئولوژیک شده است؟
  - به نظر می‌رسد که در پاسخ به این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر در این زمینه با توجه به ابعاد و گستردگی کار باید به این نکات توجه کنیم.

**نخست؛** تاریخ همواره ابزار مهم و مسلط مشروعیت‌بخش بوده و حکمرانان برای حفظ قدرت و موقعیت خود به آن توجه داشتند. در کنار آن تاریخ همواره ابزار هویت‌بخش و تبلیغی بوده که حاکمیت را به مداخله مستقیم در تدوین آن واداشته است. کتاب درسی از

این جهت اهمیت دارد که ما چگونه باید گذشته را بخوانیم تا بتوانیم آینده را بسازیم و بر آن احاطه داشته باشیم. از جنبه دیگر، تاریخ به طور پیوسته وظیفه توجیه عملکرد مبارزان و تداوم حاکمیت رهبران را برعهده دارد. بنابراین از نگاه درونی، در عصر حاضر درس تاریخ معاصر عرصه‌ای برای دفاع از گفتمان و روایت رسمی جمهوری اسلامی درباره تاریخ گذشته است و در این راستا کتاب‌های درسی در طول این دوره تلاش داشته‌اند این گفتمان را همونیک کنند و روایت‌های بدیل و رقیب را در در پر تو مناسبات قدرت به حاشیه برانند. برای دستیابی به چنین اهدافی حاکمیت می‌کوشد متن‌ها و تصویرهای تاریخی مورد نظر خود را بدون کاربرد هرگونه خشونت یا بدون هرگونه هزینه‌ای از رهگذر کتاب‌های درسی به مصرف جامعه برساند.

**دوم؛** با گذشت زمان به تدریج طی سیری تحولی که این کتاب‌ها تا به امروز گذرانده‌اند، طرح جلد‌ها با توجه به بالا رفتن سطح تجربه و تخصص عوامل سه‌گانه متصدی طراحی آن‌ها، غنی شدن منابع و رشد فناوری یا سایر عوامل، پیچیده‌تر شده و از جذابیت رنگ، تصویر، زیبا آرای و نمادهای دانش‌نشان‌شناسی بیشتری برخوردار شده است. در کنار زیبایی و جذابیت روبه‌رشد، انطباق و هماهنگی جلد کتاب‌ها با محتوای مطالب کتاب بهتر و متناسب‌تر شده است. این پیشرفت و جایگزینی تصاویر جلد در گذر زمان تغییر پیدا کرده و سعی شده است جایگاه و محل قرارگیری نمادها براساس سطح اهمیت و برجستگی این نمادها و نشانه‌ها دارای چیدمان و نظم مناسب و منطقی باشد. تردیدی نیست که روند و چشم‌انداز طراحی جلد کتاب‌های تاریخ معاصر در آینده روبه‌رشد و تکامل خواهد بود و حرف‌های بیشتری برای گفتن خواهد داشت.

**سوم؛** از منظر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و ویژگی‌های آن در زمان طراحی جلد و تألیف هر یک از این کتاب‌های درسی می‌توان تقسیم‌بندی‌های چهارگانه ذیل را ارائه داد: دوره اول یعنی فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ که آن را می‌توان دوره شکل‌گیری و استقرار جمهوری اسلامی دانست. شاهدیم که هر سال این طرح جلد‌ها، متن‌ها، تصاویر و محتوا دچار تغییر می‌شود، زیرا در این زمان، هنوز جمهوری اسلامی ثبات و استقرار نیافته و



نیاز است روی یک مفاهیم و مسائل تاریخی خاص تمرکز شود تا گردانندگان نظام به یک وحدت نظری دست پیدا کنند.

دوره دوم که فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ را شامل می‌شود می‌توان دوره ثبات اولیه شمرد. در این دوره فضای سیاسی کشور یکدست و یکپارچه می‌شود و حکومت بحران‌های سیاسی را پشت سر می‌نهد و همه جریان‌های مخالف و گفتمان‌های رقیب را به حاشیه می‌راند و در نتیجه در عرصه تاریخ‌نگاری رسمی هم روایت واحدی را شکل می‌دهد. از همین رو، از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ ما یک طرح جلد، یک متن و یک محتوا بیشتر نداریم و همین کتاب‌ها سالیان متمادی انتشار می‌یابد. پس به‌جرات این دوره را می‌توانیم دوره ثبات اولیه در نگاه به متن‌های درسی تاریخ دانست.

دوره سوم دوره بحران، تلاطم و بی‌قراری است که از سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ ادامه می‌یابد. در این دوره با پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ نقطه عطف مهمی در فضای سیاسی کشور رقم خورد. بسیاری از نیروهای اجتماعی به صحنه آمدند و مطالبات فزاینده‌ای در بدنه جامعه ما شکل گرفت و گفتمان‌های تازه‌ای پیرامون تاریخ انقلاب و نقش نیروهای به حاشیه رانده شده پدید آمد، در نتیجه این تحولات جامعه خواهان بازنمایی مجدد و خوانش‌های دیگری از انقلاب و گذشته خود شد. برای همین ما این دوره را دوره بحران، تلاطم و بی‌قراری در شکل دهی به گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی می‌نامیم. با تحرک مهمی که در فضای اجتماعی و سیاسی کشور به وجود آمد، در فاصله کمتر از یک سال تلاش‌ها برای تغییر و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر آغاز شد. چنان‌که به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و سرانجام ۱۳۸۸ هر سال طرح جلد‌ها و محتوای کتاب‌ها تغییر یافت. این امر نشانه همان تلقی‌های متفاوت و بروز اختلاف‌نظرها در رویکردها و فهم‌ها درباره تاریخ معاصر، نیروهای مولد و تأثیرگذار، رهبران و نمادهای حاکم بر آن است.

دوره چهارم که آن را دوره ثبات دوم می‌نامیم، دوره‌ای است که از سال ۱۳۸۸ آغاز می‌شود و تاکنون ادامه یافته است. این دوره را از آن جهت می‌توان دوره ثبات دوم خواند

که شاهد تحکیم و تسلط یک نوع گفتمان خاص حاکمیتی درباره تاریخ معاصر ایران در متن‌های درسی هستیم. این دوره تقریباً از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و بحران سیاسی پس از آن، که در ادبیات رسمی کشور به عنوان «فتنه» نام گذاری شد، آغاز می‌شود و تاکنون تداوم پیدا کرده است. هرچند تحولات سیاسی پس از انتخاب روحانی نویدبخش امید به تغییرات جدید است اما ما فکر می‌کنیم با توجه به شرایط موجود تا سال‌ها این دوره ادامه پیدا کند.

**چهارم؛** از نظر طیف طراحان جلد و نویسندگان آن نیز آشکارا می‌توان تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای دیگری ارائه داد؛ دوره اول: در سال‌های اولیه چاپ کتاب‌ها طراحان جلد این آثار عمدتاً مشخص نیستند و طرح جلد‌ها بیشتر به شکل نقاشی‌های کاریکاتوری ابداعی و به دور از تصاویر واقعی است و به نظر می‌رسد این طرح‌های اولیه الهام گرفته از طرح‌های ژورنالیستی رسانه‌های اوایل انقلاب است. طرح جلد کتاب‌های چاپ ۱۳۵۹، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ در این دسته قرار می‌گیرند. دوره دوم که طرح جلد کتاب‌های سال ۱۳۶۲ تا حدود سال ۱۳۸۰ را شامل می‌شود چند ویژگی دارد: نخست آنکه تصاویر جلد حالت طبیعی و واقعی به خود می‌گیرد، البته از نظر این خصیصه کتاب درسی چاپ ۱۳۷۳ با عنوان تاریخ ایران (۲) به علت داشتن طرح گرافیکی نمادین و غیرواقعی یک استثناست. ویژگی دوم آثار این دوره مشخص بودن طراحان جلد این آثار در شناسنامه معرفی ابتدای کتاب است. ویژگی دیگر این دوره وجود طیف‌های مختلف گرافیک‌ها و متخصصان در زمینه طراحی جلد آنهاست. شایان ذکر است از این منظر نیز کتاب‌های درسی چاپ ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به علت عدم معرفی و ناشناخته بودن طراحان آنها مستثنی هستند. ویژگی بارز دوره ۱۵ ساله سوم از ۱۳۸۰ تا به امروز در طراحی جلد کتاب‌های تاریخ معاصر، این است که طراح تمامی جلد کتاب‌ها نام خانم طاهره حسن‌زاده است که تاکنون با واحد چاپ و توزیع کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همکاری دارد. خصوصیت دیگر دوره اخیر تنوع تصاویر واقعی جلد‌ها، جذابیت طرح و رنگ، زیبایی‌شناختی و کاربرد بیشتر ابزارهای دانش‌شانه‌شناسی در این طرح‌هاست که نشانگر بلوغ نسبی در تدوین این آثار است.

در مورد طیف نویسندگان این آثار نیز می‌توان چنین دسته‌بندی و تحلیلی ارائه کرد. در سال‌های اولیه تا نزدیک به بیست سال نویسندگان این کتاب‌ها، یا به شکل معرفی اسامی آن‌ها در شناسنامه کتاب و یا به شکل گروه تاریخ دفتر تألیف بدون ذکر اسامی در شناسنامه کتاب معرفی شده‌اند. در این دوره می‌بینیم مؤلفان دو یا سه نفر از یک طیف سیاسی و فکری خاص با محوریت غلامعلی حداد عادل در بخش انقلاب اسلامی هستند. به نظر می‌آید که آقای حداد عادل به‌عنوان شخص محوری در سازمان‌دهی و طراحی بحث‌های مربوط به کتاب‌های درسی تاریخ از ابتدای انقلاب تاکنون نقش اصلی را داشته است. شخصیت مهم دیگر در نویسندگان این دوره حسن آیت است که در شکل‌گیری گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی جمهوری اسلامی در مورد رخداد انقلاب اسلامی و قبل از آن به‌ویژه در مورد تاریخ‌نگاری جنبش ملی‌شدن نفت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. لازم به ذکر این نکته است که هر دوی این نویسندگان فوق فاقد تحصیلات تخصصی و آکادمیک در رشته تاریخ هستند. در دوره‌های بعد به‌ویژه در نگارش کتاب درسی سال ۱۳۷۸ تا به امروز ورود طیف‌های مختلف فکری نویسندگان را شاهدیم که تأثیرگذاری‌شان را در طراحی جلد و محتوای مطالب کتاب نشان داده‌اند. این نویسندگان عمدتاً از چهره‌های اصلاح‌طلبی چون عمادالدین باقی، جواد عباسی و نصرالله صالحی شکل گرفته که صاحب آثار تخصصی در رشته تاریخ هستند. در همان حال و در جریان این منازعه گفتمانی برخی از جریان‌های مکتبی و اصول‌گرا چون موسی نجفی، موسی حقانی و طیف همفکران آن‌ها چون علی‌اکبر ولایتی، جلیل عرفان‌منش، یعقوب توکلی و... به میدان نگارش کتاب‌های درسی گام نهادند و تغییرات دیگری را در متن‌های درسی رقم زدند. تردیدی نیست که با فعالیت این گروه، گفتمان تاریخ‌نگاری موردنظر حاکمیت به شکل مطلوب‌تری رقم خورده است.

در جمع‌بندی عوامل تغییرات جلد کتاب‌ها افزون بر مسائل یادشده باید به مسائل دیگری چون عناوین و سرفصل‌های درسی، بازخورد نظرات و ارزشیابی‌های کارشناسان و مخاطبان این کتاب‌ها، هنر و سلیقه طراحان جلد کتاب‌ها، مقتضیات سیاسی، اعمال‌نظر

مدیران سازمان برنامه‌ریزی و تألیف کتب، افکار عمومی و فضای حاکم در جامعه در زمان چاپ هر کدام از این کتاب‌ها یاد کرد.<sup>۱</sup>

## بررسی تطبیقی همسانی‌ها و ناهمسانی‌های طرح‌های جلد کتاب تاریخ معاصر ایران

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در مرحله اول وجه تشابه جلد تمامی این کتاب‌ها پرداختن به نقش و جایگاه مردم و حضور وحدت‌بخش آن‌ها در عرصه‌های مهم تاریخ معاصر ایران به ویژه انقلاب اسلامی است. در مرحله دوم عنصر مشترک طرح جلد همه این تألیفات اشاره به تأثیرگذاری و نقش بی‌بدیل امام خمینی به‌عنوان رهبر دینی و سیاسی انقلاب اسلامی است که در بیش از ۸۰ درصد از این کتاب‌ها تکرار شده است. علاوه بر این دو عنصر مشترک اصلی، می‌توان به وجوه اشتراک دیگری چون: توجه به نمادهای دینی در قالب شخصیت‌ها، بناها با وجه مذهبی به‌عنوان ایدئولوژی اصلی و موتور حرکت جنبش‌های مردمی دوره معاصر ایران، نمایش برافراشته شدن پرچم ایران اسلامی، انعکاس دادن شعارها و آرمان‌های غالباً اسلامی مردم، پرداختن به وقایع جریان انقلاب مشروطه و بازخورد آن از طریق به تصویر کشیدن تجمعات مردم، رهبران برجسته و بنای مجلس مشروطه، معرفی سایر شخصیت‌های اصلاح‌گر، آزادی‌خواه و ضد استبداد و استعمار و تعداد اندکی از شخصیت‌های منفی تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران و موارد دیگر اشاره کرد که همسانی‌ها و عناصر مشترک این طرح جلد‌ها را تشکیل می‌دهد.

در بررسی سایر عناصر همسان و ناهمسان جلد این آثار می‌توان به این موارد به‌اجمال

اشاره نمود.

- از یازده جلد کتاب تألیفی مورد بحث، پنج مجلد از چاپ‌های اولیه فاقد تصویر پشت جلد است.
- از مجموعه این مجلد‌ها، تصاویر سه جلد آن طرح گرافیکی نقاشی گونه است و طرح جلد مابقی آن‌ها را بیشتر عکس‌های متنوع، رنگی و جذاب تشکیل می‌دهد.

۱. گفتگو با مسعود جوادیان (مؤلف) و طاهره حسن‌زاده (طراح جلد) در تاریخ ۹۴/۷/۲۲.

- رنگ زمینه این جلدها در ابتدا تیره و به‌نوعی از شعاع‌های رنگ قهوه‌ای تشکیل شده است، اما بعدها زمینه جلدها اکثراً طیف‌های رنگ سبز است.
- تصویر جلد کتاب‌های سوم، چهارم، پنجم و هفتم صرفاً بر نقش و حضور مردم در تظاهرات و راه‌پیمایی‌های متعدد دوران پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن تأکید دارد و در نمایه سایر جلد‌های هفتگانه نیز به این مورد به شکل جزئی یا غیرمستقیم اشاره شده است. در مجموع، این تصاویر ضمن تأکید بر وحدت توده‌های عظیم مردم، بیانگر آن است که اقشار مختلف مردم همیشه پشتیبان رهبری دینی بوده و هستند و در حفظ شعائر و آرمان‌های انقلاب همدل و همراهند.
- در طرح جلد نه کتاب تاریخ با محوریت دوران معاصر ایران تصویر امام خمینی در بالای جلد نسبت به دیگر تصاویر آن به شکل بزرگ‌تر و برجسته‌تر است. بدون تردید علت این نوع نمایش نقش تأثیرگذار و برجستگی خاص امام به‌عنوان رهبر مقتدر انقلاب اسلامی و مهم‌ترین چهره تاریخ معاصر ایران است.
- تصویر شعارها و مطالبات بعضاً اسلامی و انقلابی مردم در دوران مبارزه و پس از انقلاب در طرح جلد شش کتاب نمایان است.
- تصاویر مختلفی از پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران در طرح جلد بیش از پنج کتاب محسوس است.
- تصاویر بنای مجلس شورای ملی مشروطه و مجلس شورای اسلامی در طرح جلد پنج کتاب مشهود است، به‌ویژه در پشت جلد پنجمین و ششمین کتاب تاریخ معاصر در کنار تصویر بنای مجلس به‌طور مبسوط مطالبی نیز در خصوص چگونگی وقوع مشروطه و تأسیس مجلس و اهمیت آن در تاریخ معاصر کشور ارائه شده است.
- در نمایه جلد کتاب‌های مذکور تصاویر شخصیت‌های چون: آیت‌الله طباطبایی، ستارخان و دکتر مصدق بیش از سه بار چاپ شده است.

- تصاویر بناها و نمادهای تاریخی چون مسجد و زیارتگاه، کاخ گلستان، میدان آزادی، گروه‌های افراد مسلح و بسیجی، یکی از سخنرانی‌های امام خمینی، قطره‌های خون و اسناد تاریخی معاصر و همچنین تصاویر شخصیت‌های چون ناصرالدین شاه، امیرکبیر، شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله کاشانی در طرح جلد دو نمونه از این کتاب‌ها نمایان است.

ردیف	عنوان خصیت یا نماد	تعداد فراوانی	فراوانی روی جلد	فراوانی پشت جلد
۱	تجمعات مردمی	۱۰	۱۰	-
۲	امام خمینی	۹	۹	-
۳	شعارهای مردمی	۶	۶	-
۴	پرچم ایران	۵	۵	-
۵	بنای مجلس	۵	-	۵
۶	آیت‌الله طباطبایی	۳	۲	۱
۷	ستارخان	۳	۱	۲
۸	دکتر مصدق	۳	۱	۲
۹	آیت‌الله کاشانی	۲	۱	۱
۱۰	شیخ فضل‌الله نوری	۲	۱	۱
۱۱	امیرکبیر	۲	۱	۱
۱۲	ناصرالدین شاه	۲	۲	-
۱۳	مسجد و زیارتگاه	۲	۲	-
۱۴	اسناد تاریخی از دوره قاجار	۲	۲	-
۱۵	کاخ گلستان	۲	۱	۱
۱۶	میدان آزادی	۲	۲	-
۱۷	نیروهای مسلح	۲	۲	-
۱۸	امام خمینی در حال سخنرانی	۲	۲	-
۱۹	قطرات خون	۲	۲	-
۲۰	آیت‌الله میرزای شیرازی	۱	۱	-
۲۱	آیت‌الله آخوند خراسانی	۱	-	۱
۲۲	آیت‌الله بهبهانی	۱	۱	-

ردیف	عنوان خصیت یا نماد	تعداد فراوانی	فراوانی روی جلد	فراوانی پشت جلد
۲۳	آیت‌الله مدرس	۱	-	۱
۲۴	آیت‌الله خامنه‌ای	۱	۱	-
۲۵	میرزا کوچک خان	۱	-	۱
۲۶	رئیس علی دلواری	۱	-	۱
۲۷	رضاشاه پهلوی	۱	-	۱
۲۸	شاه اسماعیل صفوی	۱	۱	-
۲۹	تاج شاهی و مشت گره کرده	۱	۱	-
۳۰	جنگ‌های ایران و روسیه	۱	۱	-
۳۱	نوع پوشش مردم در عصر قاجار	۱	-	۱
۳۲	نوع وسایل نقلیه مردم دوره قاجار	۱	-	۱
۳۳	نمادهای عددی سال‌های تاریخی	۱	۱	-
	مجموع فراوانی‌ها	۸۰	۵۹	۲۱

— تصاویر نمادها و شخصیت‌هایی که فقط یک‌بار روی جلد آورده شده است عبارت‌اند از: میرزای شیرازی، آخوند خراسانی، بهبهانی، مدرس، میرزا کوچک خان، رئیس علی دلواری، شاه اسماعیل صفوی و رضاشاه. در کنار آن نمادها و نشانه‌های چون تاج پادشاهی، مشت گره کرده، نمادهای عددی، صحنه یکی از جنگ‌ها ایران و روس، نوع پوشش و وسایل نقلیه مردم در دوره قاجار و غیره از آن جمله هستند. جدول (۱) فراوانی تصاویر شخصیت‌ها و نمادهای جلد کتاب‌های مرتبط با انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر ایران در مقطع دبیرستان

## جدول ۲. تغییر و تحول جلد کتاب‌های مرتبط با انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر دبیرستان در یک نگاه

ردیف	نام و کد کتاب	سال انتشار	پایه و رشته تحصیلی	طرح روی جلد کتاب	طرح پشت جلد کتاب
۱	تاریخ ایران کد ۲۵۳	۱۳۵۹	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌ها)		
۲	تاریخ ایران کد ۲۵۳	۱۳۶۰-۱۳۶۱	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌ها)		
۳	تاریخ معاصر ایران کد ۲۲۵	۱۳۶۲-۱۳۷۲	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌ها)		
۴	تاریخ (۴) ایران در دوره معاصر کد ۳۰۲	۱۳۷۲-۱۳۷۷	چهارم دبیرستان (رشته ادبیات و علوم انسانی)		
۵	تاریخ (۲) از سفویه تا دوران معاصر، کد ۳/۲۲۵	۱۳۷۲-۱۳۷۷	دوم دبیرستان نظام جدید آموزش متوسطه (کلیه رشته‌ها)		
۶	تاریخ (۲) ایران در دوران معاصر، کد ۳/۲۲۵	۱۳۷۸	دوم دبیرستان نظام جدید آموزش متوسطه (کلیه رشته‌ها)		
۷	تاریخ معاصر ایران کد ۲۲۵	۱۳۸۰-۱۳۸۳	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۸	تاریخ ایران و جهان (۲) کد ۳/۲۷۱	۱۳۸۰-۱۳۸۴	سوم دبیرستان (رشته ادبیات و علوم انسانی)		
۹	تاریخ ایران و جهان (۳) کد ۳/۲۷۱	۱۳۸۵-۱۳۹۳	سوم دبیرستان (رشته ادبیات و علوم انسانی)		
۱۰	تاریخ معاصر ایران کد ۱/۲۵۳	۱۳۸۰ و ۱۳۸۶	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۱۱	تاریخ معاصر ایران کد ۲۵۳	۱۳۸۲-۱۳۸۶	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۱۲	تاریخ معاصر ایران کد ۲/۲۵۳	۱۳۸۵	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۱۳	تاریخ معاصر ایران کد ۲/۲۵۳	۱۳۸۶	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۱۴	تاریخ معاصر ایران کد ۲/۲۵۳	۱۳۸۷	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌های استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		
۱۵	تاریخ معاصر ایران کد ۲/۲۵۳	۱۳۸۸-۱۳۹۳	سوم دبیرستان (کلیه رشته‌ها به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)		



## منابع

- استوار، مسیب (۱۳۹۱). **رنگ**. تهران: نشر راز نامه. چاپ اول.
- باقی، عمادالدین و دیگران (۱۳۷۸). **تاریخ ایران ۲ (ایران در دوران معاصر) سال دوم دبیرستان نظام جدید، کلیه رشته‌ها**. چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- تشکری، پریسا (۱۳۹۳). **مجموعه مقالاتی درباره تاریخ طراحی جلد کتاب در ایران**. تهران: فرهنگ‌سرای میردشتی. چاپ اول.
- حداد عادل، غلامعلی و دیگران (۱۳۵۹). **تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)**. تهران: شرکت افست (سهامی عام). چاپ اول.
- خلیلی، نسیم (۱۳۹۱). «نشانه‌شناسی تاریخی»، **ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، شماره ۱۷۱.
- خواجه‌پور، میلاد و دیگران (۱۳۸۹). **رنگ روان‌شناسی زندگی**. تهران: نشر سبزان. چاپ اول.
- رز، ژیلیان (۱۳۹۴). **روش و روش‌شناسی تحلیل تصاویر**. ترجمه جمال‌الدین اکبرزاده جهرمی‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. چاپ اول.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). **نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش دوم**. تهران: نشر علم.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰). **نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (مجموعه مقالات)**. تهران: نشر علم. چاپ دوم.
- عباسی، جواد و دیگران (۱۳۸۳). **تاریخ معاصر ایران (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)**. تهران: شرکت افست (سهامی عام). چاپ اول.
- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۶۱). **تاریخ معاصر ایران (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)**. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران. چاپ اول.
- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۶۲). **تاریخ معاصر ایران (سال سوم دبیرستان، کلیه رشته‌ها)**. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران. چاپ اول.

- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۷۲). **تاریخ معاصر ایران** (سال چهارم دبیرستان، رشته ادبیات و علوم انسانی). تهران: شرکت چاپ و نشر ایران. چاپ اول.
- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۷۳). **تاریخ ایران ۲** (از صفویه تا دوران معاصر، سال دوم دبیرستان نظام جدید، کلیه رشته‌ها). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. چاپ اول.
- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۸۰). **تاریخ ایران و جهان ۲** (سال سوم دبیرستان، رشته ادبیات و علوم انسانی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. چاپ اول.
- گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۷۹). **تاریخ معاصر ایران** (سال سوم دبیرستان، به‌استثنای رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. چاپ اول.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۱). «از دانش نشانه‌شناسی تا علم تاریخ»، **ماهنامه کتاب تاریخ و جغرافیا**، شماره ۱۷۱.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۹۱). «بدیل‌هایی برای مطالعه شناختی تاریخ». **ماهنامه کتاب تاریخ و جغرافیا**. شماره ۱۷۱.
- نجفی، موسی و دیگران (۱۳۸۰). **تاریخ معاصر ایران** (سال سوم دبیرستان، به‌استثنای رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی). چاپ اول (آزمایشی). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ولایتی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۵). **تاریخ معاصر ایران** (سال سوم دبیرستان، به‌استثنای رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی)، چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

## The Cover Design of Historical Text Books in Iranian's High School 1980- 2016

Ali Reza Mollaiy Tavany<sup>1</sup>  
Javad Nowrozi<sup>2</sup>

Received: 27/6/2016

Accepted: 11/9/2016

### Abstract

*Historical text books are among the most important cultural media that plays important roles in historical information, identification, shaping to mentality and behaviors of citizens via representation of historical past. When these books were the modern history, the matter becomes more sensitive, prior and important. We can analyze Historical text books in Iranian's high school from various approaches. The cover Design of Historical text books in Iranian's high school are as shop- window, where the first contact with them is made. The main problem of this article is analyzing the cover design of historical text books in Iranian's high school 1980- 2016 from many aspects such as aesthetics, psychology of colors, and composition of pictures, and designers of covers after Islamic revolution. The authors' attempt is to use semiotics and historical analysis. This article concludes the cover design of historical text books in Iranian's high school 1980- 2016, is influenced by political and ideological sphere.*

**Keywords:** Iranian's modern history, Historical text books, Covers Design, Pictures and Semiotics.

---

<sup>1</sup> Associated Professor of History, Institute for Humanities and Social Studies.  
a.molaei@ihch.ac.ir

<sup>2</sup> MA in History of Islamic Revolution, Research Institute of imam Khomeini and Islamic Revolution. norozy1359@gmail.com

*this period and the representation of its characters have been faithful. Sometimes we are faced with exaggeration or reticence and in order to attract more audience some figures are glorified and some are devalued.*

**Keywords:** Validation, Reza Shah, Historical Film, Dar Chashm-e Bad, Emarat-e Farangi.

## Historical Validation of DAR CHASHM-E BAAD (In the Winds' Eye) and EMARAT-E FARANGI, Two Iranian TV Series (Reza Shah Era)

Simin Fasihi<sup>1</sup>  
Sara Paknezhad<sup>2</sup>

Received: 16/2/2015

Accepted: 2/10/2016

### Abstract

*The science of history due to its attraction and narrative nature has been taken into consideration by the most popular and influential media, the Movies and TV broadcast, with the purpose of making stories and attracting audiences. This vast in audiences has created a mutual cooperation between the history and the media to render the true history to people. The way of happening on this cooperation is important and for the historian, honesty and loyalty of film makers to the true history, is necessary.*

*The most challenging issue of current research is the extent of loyalty of 1991s and 2001s film makers in representation the era of Reza Shah the same as the true history without any censorship.*

*The present study examined the comparative analysis to validate the two series to show that the historical information presented in these two series about historical figures in terms of behavior and actions in the desired historical setting is in compliance with historical source. The findings suggest that filmmakers in illustration of the history in*

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of History, Alzahra University. fasihi@alzahra.ac.ir

<sup>2</sup> MA in History of Iran, Alzahra University. Sara.paknezhad00@gmail.com

## Utilizing of Psychological Findings in Historical Analysis; a Critical Review

Ruhollah Shahabi<sup>1</sup>  
Amir Ahmadzadeh<sup>2</sup>

Received: 30/1/2016

Accepted: 11/9/2016

### Abstract

*There is powerful foundation for utilizing psychology in historical analysis, because history is concerned with study of human behavior, experience and action in the past and psychology is concerned with study of human behavior and action in present situations. For this use, we can design two together periods. In the first, Freudian beliefs (psychoanalysis) were used to analyze of personality traits of historical leaders, but, methodological problems of psychoanalysis, lead to psycho genes perspective or psychohistory (often known with deMause). Based on this, changes in parenting and attitudes toward Childs are the causes of historical events. deMause divided history of parenting to 6 historical period and concluded parenting is the most causes of social and historical changes. To this claim, there are theoretical psychological evidences (Vygotsky theory), but still there isn't empirical support for it. In this paper we critically review both periods and we will recommend some comment for utilizing of psychology in history analysis.*

**Keywords:** Psychology of History, Psychohistory, Psychobiography, Political Leaders, Cultural History.

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Institute for Humanities and Social Studies. r.shahabi@ihcs.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant professor, Institute for Humanities and Social Studies. m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

*tion, being of tribal system and the simple building Iranian society on that age.*

**Keywords:** Meritocracy, "Emtiyaz-e Fazli", Science, Division of labor, Experience.

## **Meritocracy or "Emtiyaz-e Fazli" in the Political Treatises of Qajar Era (Case Study Political Treatises in the Naserddin Shah Qajar Era)**

**Mohammad Salmasizadeh<sup>1</sup>**

Received: 1/5/2016

Accepted: 10/9/2016

### **Abstract**

*In some of political treatises on Naserddin shah Qajar era we found an Idiomatic called "Emtiyaz-e Fazli" that equals to concept of meritocracy.*

*Merit associated with the current process of rationalization and secularization by the communities placed at the service of development. Social division of labor and specialization is necessary to meritocracy.*

*The main problem of this study is to explain the meaning and scope of that term. For this purpose, we use the analytical method to explain the subject. The data collection was performed according to the method for libraries. The main hypothesis is that the authors are of relative familiarity with the concept of meritocracy.*

*The results indicate that the political treatises have provided explanations about the concept of meritocracy and its needs and results. The most important barriers of meritocracy at that age were: lack of rationality, lack of social division of labor, lack of seculariza-*

---

<sup>1</sup> Associated Professor, Department of History, University of Tabriz.  
msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir



*the relations between potentates and their protégés, for they elucidate, from a different perspective, the anticipations and expectations of the central government from its governors and minions.*

**Keywords:** Treaty, Pledge, Epistolary notes, Indemnity.

## Importance of Contracts and Oath Treaties of 10<sup>th</sup> and 11<sup>th</sup> Centuries in Analyzing Relations between Central State and Dominions

Ali Rezaeyan<sup>1</sup>  
Ghasem Salari<sup>2</sup>

Received: 9/5/2016  
Accepted: 2/10/2016

### Abstract

*Treaty or Pledge is one of the official epistolary writings of the 10th and 11th centuries which are extant today. With analysis of the epistolary writings and historical texts of the aforementioned centuries, we can divide them in to two major categories: first category was the treaties which were bestowed by caliphs, potentates, and prominent individuals to governors, minions, and lower ranking officials as an assurance of their security. This class of treaties was mostly similar to the letter of immunity and it was issued for the sake of providing an oath of protection for the protégé. The second category of treaties was the deeds which were given by governors, minions, and lower ranking officials to their superiors as an assurance of loyalty and dedication.*

*A number of these treaties in the collection of epistolary notes of the 10th and 11th centuries have remained and passed into our hands. Since in some instances the aforementioned treaties were written by the courts of justice of high ranking rulers and were sent to their protégé, these treaties have been specially significant in explaining*

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of History, Yasuj University. arezaeyan@yu.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Literature, Yasuj University. gsalari@yu.ac.ir

## Social Approach of Ziauddin Barani in Official Historiography

Shahla Bakhtiari<sup>1</sup>

Received: 3/5/2016

Accepted: 2/10/2016

### Abstract

*In narrations of old history, official history has an important place, as it narrates the history of governments or their desires. There are various works with this approach; meanwhile people are given a place in some official historiographies. Ziauddin Barani is one of the historians who reports social problems alongside official history Delhi Sultanate.*

*This article, using descriptive analytic method on direct and indirect mentions, explores this hypothesis that Barani, besides writing the official history of Tughlaq dynasty has pictured the situation of citizenry. This way he has started a new type of historiography in which the focus is changing from government to people.*

*The results show that his work is inclined to social history an Barani has not neglected the role of people in government's strengths and weaknesses. He had serious notation to social problems to guide the governors to reform in society, and his cause and effect search in social and economic occurrences could be a sign of his analysis from effective factors in social changes.*

**Keywords:** Tarikh-e Firouzshahi, Ziauddin Barani, Social Knowledge, Delhi Sultanate, Official Historiography.

---

<sup>1</sup> Associated Professor, Department of History, Alzahra University.  
Sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

## The Pathological Review of Selecting Topics in Historical Research: The Case of Historical Theses

Mohammad Taghi Imanpour<sup>1</sup>  
Mohammadreza Nazeri<sup>2</sup>

Received: 27/9/2015

Accepted: 11/9/2016

### Abstract

*Choosing a topic for academic research looks easy, it looks not be more than few words, but in fact it is one of the most important elements in a research. In other words, it is an etiquette that author chooses for his research. In various kinds of academic research, the thesis is one the important types of research and choosing a suitable topic for it is very important. In this research it has been tried to explore the some criteria that can help the way we choose a suitable topic for historical research. The analytical method has been chosen to do this research and a number of master and doctoral theses in difference subject have been chosen to be examined as case study to do this research. The result of research shows the most pathological problem on choosing a topic for historical research is their ambiguity and having long topics.*

**Keywords:** Choosing Topic, Thesis, History, Academic Research, Pathology.

---

<sup>1</sup> Professor in History of Ancient Iran, Ferdowsi University of Mashhad. [timanpour@um.ac.ir](mailto:timanpour@um.ac.ir)

<sup>2</sup> PhD Candidate in History of Islamic Iran, Ferdowsi University of Mashhad.  
[mrm1355@gmail.com](mailto:mrm1355@gmail.com)



# **Abstracts of Papers in English**



# Contents

<b>The Pathological Review of Selecting Topics in Historical Research: The Case of Historical Theses</b> <i>Mohammad Taghi Imanpour, Mohammadreza Nazeri</i>	<b>5 - 32</b>
<b>Social Approach of Ziauddin Barani in Official Historiography</b> <i>Shahla Bakhtiari</i>	<b>33 - 54</b>
<b>Importance of Contracts and Oath Treaties of 10<sup>th</sup> and 11<sup>th</sup> Centuries in Analyzing Relations between Central State and Dominions</b> <i>Ali Rezaeyan, Ghasem Salari</i>	<b>55 - 68</b>
<b>Meritocracy or “Emtiyaz-e Fazli” in the Political Treatises of Qajar Era (Case Study Political Prea-tises in the Naserddin Shah Qajar Era)</b> <i>Mohammad Salmasizadeh</i>	<b>69 - 89</b>
<b>Utilizing of Psychological Findings in Historical Analysis; a Critical Review</b> <i>Ruhollah Shahabi, Amir Ahmazadeh</i>	<b>91 - 116</b>
<b>Historical Validation of DAR CHASHM-E BAAD (In the Winds’ Eye) and EMARAT-E FARANGI, Two Iranian TV Series (Reza Shah Era)</b> <i>Simin Fasihi, Sara Paknezhad</i>	<b>117 - 144</b>
<b>The Cover Design of Historical Text Books in Iranian’s High School 1980- 2016</b> <i>Ali Reza Mollaiy Tavany, Javad Nowrozi</i>	<b>145 - 178</b>
<b>Abstracts of Papers in English</b>	





# Historical Perspective & Historiography

Vol. 26, No. 17/102, 2016

EDITOR -IN- CHIEF: **A.M. Valavi, Ph.D.**

EXECUTIVE DIRECTOR: **S. Fasihi, Ph.D.**

## THE EDITORIAL BOARD

Y. Ajand, Professor of Art, University of Tehran

E. Eshraghi, Professor of History, University of Tehran

A. Bigdeli, Professor of History, Shahid Beheshti University

M.T. Rashed Mohasel, Professor of Ancient Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies

M. Farahani Monfared, Associate Professor of History, Alzahra University

S. Fasihi, Assistant Professor of History, Alzahra University

A.M. Valavi, Professor of History, Alzahra University

Printing & Binding: Fargahi Publication



## University of Alzahra Publications

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran, Iran.

Postal Code: 1993891176

<http://hph.ac.ir>

**ISSN: 2008-885X**